

مقدمه ای بر

مهندسی پیشرفت و سبک زندگی

اسلامی-ایرانی

مبثنی منویات مقام معظم رهبری

تألیف

مجد بنایان سفید



چکیده	۱-۲
مقدمه	۳-۴

فصل اول: مدل مفهومی سبک زندگی اسلامی-ایرانی

مفهوم شناسی "سبک زندگی"	۶
مدل مفهومی "سبک زندگی اسلامی-ایرانی" بر اساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۶-۱۰
زمینه های فلسفی و فکری سبک زندگی غربی	۱۰-۱۲
عالم دیگر، آدمی دیگر	۱۲-۱۴
سرّ وصیت همزمان امیرالمومنین (علیه السلام) به تقوا و نظم	۱۵-۱۶
مفهوم پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری و ابعاد آن	۱۶-۱۷
- ابعاد پیشرفت	۱۸-۱۹
- اهمیت پیشرفت در اسلام	۲۰
- اهداف پیشرفت	۲۱
نقد رویکردهای نظری در مورد الگوی پیشرفت	۲۱-۲۴
- نواقص فرهنگ غرب	۲۱-۲۲
- چند نمونه از ناکامیهای مدل غربی	۲۲-۲۳
- نقد رویکرد تقلیدی	۲۳
- نقاط اشتراک ؛ اسلام و غرب	۲۴
- برخی از نقاط مثبت فرهنگ غرب	۲۴
انواع رویکردها نسبت به پیشرفت در ایران	۲۴-۲۵
الزامات فرهنگ اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری	۲۵-۲۷
روش مقام معظم رهبری در فهم مسائل استراتژیک از استقراء به استنتاج	۲۷
اهمیت "سبک زندگی"	۲۷-۲۸
"سبک زندگی" بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی	۲۸-۲۹
تحلیل و بررسی ضرورت، مقوله "سبک زندگی اسلامی-ایرانی"	۲۹
بیان ضرورت، موضوع و هدف ، نسبت به "سبک زندگی"	۲۹-۳۰
رنگ و طراوت در زندگی	۳۰-۳۱
شیوه عمل کردن به "سبک زندگی"	۳۱

فصل دوم: مدل مفهومی و مبانی و مفاهیم نظری

تأملی نظری در معنا و مفهوم شیوه زندگی.....	۳۲-۳۴
سبک زندگی و هویت	۳۴-۳۵
"سبک زندگی" و فرهنگ	۳۵ - ۴۱
بهترین ارکانی که باید در فرهنگ سازی مورد توجه قرار گیرد.	۴۲-۴۳
تمایز میان شیوه زندگی با "سبک زندگی"	۴۳
فضای مفهومی "سبک زندگی"	۴۳-۴۴
ضرورت عبرت پژوهی تاریخی و بررسی تاریخی مقوله "سبک زندگی"	۴۴-۴۵

فصل سوم: آسیب شناسی "سبک زندگی" از نگاه مقام عظمای ولایت

آسیب شناسی "سبک زندگی" (از نگاه مقام عظمای ولایت)	۴۷-۴۸
تعریف لغوی	۴۸
هدف "سبک زندگی"	۴۸
چستی "سبک زندگی"	۴۸
شاخص های مهم "سبک زندگی"	۴۹
سبک کنونی زندگی و مقایسه آن با گذشته.....	۴۹
حوزه های "سبک زندگی"	۴۹
"سبک زندگی" مطلوب	۵۲-۵۳
برخی از ویژگی های "سبک زندگی" مطلوب	۵۳
عوامل تاثیرگذار در "سبک زندگی"	۵۴
اصول حاکم بر "سبک زندگی" اسلامی - ایرانی	۵۴
استلزامات اجرایی "سبک زندگی"	۵۴

فصل چهارم: مطالبات مقام عظمای ولایت در بررسی مسأله سبک زندگی

۱. چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است ؟	۵۵
- اثربخشی کار جمعی	۵۶-۵۹
- راهکارها	۵۹-۶۰
۲. چرا در برخی مناطق طلاق زیاد شده است؟	۶۱-۶۲
- علل و آسیب های وقوع در زمینه از هم گسیختگی و طلاق.....	۶۲-۶۶
- علل روی آوردن جوانان به مواد مخدر.....	۶۷-۶۸
- اصول برقراری ارتباط با نوجوانان و جوانان	۶۸-۶۹
- راهکارها.....	۶۹-۷۱

۲. چرا در روابط همسایگی مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ ۷۱
- عناصر تشکیل دهنده موفقیت شهروندی ۷۲-۷۳
- انواع مسئولیت‌های اجتماعی ۷۳-۷۵
- اهداف تربیت مدنی در نظام تعلیم و تربیت ۷۵
- همسایه و حقوق همسایگی در اسلام ۷۵-۷۷
- نگرش اسلام نسبت به جنسیت ۷۷-۷۸
- قوانینی چند برای ساماندهی تحکیم و تقویت روابط همسایگی ۷۸-۷۹
۴. چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ ۸۰
- نگرش به رانندگی با مشارکت در حرکت جمعی خودروها ۸۰
- راهکارها ۸۰-۸۱
- توصیه‌هایی برای جلوگیری از حوادث رانندگی ۸۱-۸۲
۵. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است و چقدر درست است؟ ۸۳
- راهکارها ۸۳-۸۴
۶. الگوی تفریح سالم چیست؟ ۸۵-۸۸
- راهکارها ۸۹
۷. نوع معماری در جامعه ما چگونه است؟ ۹۱
- راهکارها ۹۳
۸. طراحی لباس‌مان چقدر درست است؟ ۹۳-۹۵
- راهکارها ۹۵-۹۷
۹. مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چقدر درست است؟ ۹۵-۹۹
- مضرات لوازم آرایشی ۹۹
- راهکارها ۹۹-۱۰۰
۱۰. آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوئیم؟ ۱۰۱-۱۰۳
- راهکارها ۱۰۳- ۱۰۵
۱۱. بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ ۱۰۶
- ارتباط «فرهنگ کار» با کارگریزی ۱۰۶
- ریشه‌ی پایین بودن سطح مسئولیت‌پذیری شغلی ۱۰۷-۱۰۸
- آثار و پیامدهای کار و تلاش ۱۰۸-۱۰۹
- راهکارها ۱۱۰-۱۱۲
۱۲. در محیط اجتماعی، علت برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد چیست؟ ۱۱۳-۱۱۵
- نظریه پردازی درباره‌ی رابطه دین و "سبک زندگی" ۱۱۵

- مدل تبیین فرایند رابطه دین و ارزش های ملی با سبک زندگی ۱۱۷ - ۱۱۶
- عوامل پرخاشگری ۱۱۷-۱۱۸
۱۳. حقوق افراد را چقدر مراعات می کنیم ؟ ۱۱۹-۱۲۰
- راهکارها ۱۲۱-۱۲۰
۱۴. چقدر به قانون احترام می کنیم؟ علت قانون گریزی در برخی از مردم چیست؟ ۱۲۵-۱۲۲
- موضوع قانون شکنی در قرآن ۱۲۴-۱۲۵
- راهکارها ۱۲۵
- قوانین بین المللی و الزام به رعایت آن در سازمان های بین المللی ۱۲۶-۱۲۷
۱۵. وجدان کاری و انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ ۱۲۸
- وجدان در نهج البلاغه ۱۲۸
- راهکارها ۱۳۱-۱۲۹
۱۶. تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ ۱۳۲
- راهکارها ۱۳۳-۱۳۲
۱۷. چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می ماند؟ ۱۳۵-۱۳۴
- راهکارها ۱۳۶-۱۳۵
۱۸. چرا به ما می گویند که ساعات مفید کار در دستگاه های اداری ما کم است؟ ۱۳۷-۱۳۸
- راهکارها ۱۳۸-۱۳۷
۱۹. چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف گرایی افتخار است؟ ۱۴۳-۱۴۱
- انواع اسراف از دیدگاه قرآن ۱۴۳-۱۴۱
- راهکار ۱۴۴-۱۵۴
۲۰. چه کنیم که ریشه ی ربا در جامعه قطع شود؟ ۱۴۷-۱۴۶
- راهکارها ۱۴۷-۱۴۹
۲۱. چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ ۱۵۰ - ۱۵۲
- راهکارها ۱۵۲-۱۵۳
۲۲. چه کنیم که زن در جامعه ی ما، هم کرامتش حفظ شود و هم عزت خانوادگی اش محفوظ بماند؟ ۱۵۴
- راهکارها ۱۵۷-۱۵۴
۲۳. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟ ۱۵۵
- راهکارها ۱۶۰-۱۵۰
۲۴. تجمل گرایی و حد آن چیست؟ چرا مصرف گرایی برای برخی افتخار شده است؟ ۱۶۲-۱۶۱
- راهکارها ۱۶۴-۱۶۲
۲۵. چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه های مجردي وجود دارد؟ ۱۶۵
- راهکارها ۱۶۵

فصل پنجم: مهندسی فرهنگی در سبک زندگی اسلامی-ایرانی

۱۶۶-۱۶۸	"سبک زندگی" بدون تعریف اصل زندگی
۱۶۹-۱۷۱	راهکار نهادینه شدن "سبک زندگی اسلامی" در جامعه
۱۷۱-۱۷۲	-روش تفکر
۱۷۲	-تفکر خلاقانه
۱۷۳-۱۷۴	تعریف فرهنگ
۱۷۳	لایه های فرهنگ
۱۷۵-۱۷۶	مهندسی فرهنگ
۱۷۷-۱۷۹	مهندسی فرهنگی
۱۷۹-۱۸۱	متغیرهای فرهنگی
۱۸۱	مهندسی فرهنگی متعالی
۱۸۱	مهندسی مدیریت و آسیب زدائی فرهنگی راهبردی و متعالی
۱۸۲	مهندسی فرهنگی در "سبک زندگی اسلامی-ایرانی"
۱۸۳-۱۸۵	چرایی توجه مقام معظم رهبری به "سبک زندگی"

فصل ششم:

۱۸۷-۱۸۸	نتیجه گیری
۱۸۹-۱۹۰	پیشنهادهای

چکیده

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا﴾

﴿بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آنکه راه هدایت یافته (از همه کس) آگاه تر است﴾

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه شناسی و مردم شناسی که برگرفته از هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، هنرشناختی و دین شناختی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام وارگی و شبکه ای بودن عوامل متعددی که در شیوه های زندگی یا اقلیم های زیستی انسان تأثیر می گذارند، به وجود آمده است.

سبک زندگی در رشته ی مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل ها و الگوها و کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او و نشان دهنده ی کم و کیف نظام باورها و کنش ها و واکنش های فرد و جامعه باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. در بررسی «سبک زندگی» توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به ارتباط آن با «تمدن نوین اسلامی» توجه می شود؛ امری که شامل بر بحث خانواده است و تمامی زوایای زندگی اجتماعی و فردی را در بر می گیرد. همان طور که خداوند نیز در قرآن به آن اشاره دارد:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لِيَأْنُفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

به نظر می رسد بررسی مسأله «سبک زندگی» در ارتباط با تمدن سازی و اشاره به چنین الزاماتی برای دستیابی به آن، نخبگان و اندیشمندان و اصحاب فکر و فرهنگ را مخاطب اصلی این سخنان قرار می دهند. اما چگونه وضعیت علمی موجود کشور پاسخگوی چنین مطالبه و قادر بر رعایت چنان الزاماتی خواهد بود؟ آیا فضای تحلیلی و تخصصی کشور در بررسی این سفارش علمی، معنوی، تناسبی با ضرورت و اهداف اعلام شده از سوی مقام عظمای ولایت را دارد؟

مقایسه سبک زندگی امروزی ما با گذشته با تاکید بر دو محور امکانات زندگی و روش های آموزشی و تربیتی تفاوت بسیار کرده و آسایش و آرامش و نیاز مبتنی بر این نوع سبک زندگی ما، بیشتر غربی و برگرفته از فرهنگ غرب است که در رسانه ها تبلیغ می شود. سبک زندگی، زاویه نگاه ما را تغییر داده است در این نوع سبک زندگی، نیازهای ما پابرجاست منتهی به ولع تبدیل شده است، از منظری که سبک زندگی و بررسی ابعاد و وجوه آن، حوزه بسیار تخصصی و حرفه ای در مطالعات فرهنگی را به خود اختصاص می دهد، مقوله بسیار تعیین کننده و محوری در مطالعات و بررسی های کلان استراتژیک و طراحی چشم اندازهای یک فرهنگ نیز می باشد، به عبارتی در مطالعات و بررسی های راهبردی، از لحاظ متدولوژیک و روش شناختی، بایستی بر مبنای مشاهدات و تحلیل های جزئی، کوچک (و استقرایی) حرکت کرد تا به تحلیل و توصیف و تبیین کلان نزدیک شد و پس از آن به حوزه پیش بینی، آینده پژوهی و

آینده نگری، که اساس مباحث راهبردی بر آن استوار است نزدیک شد. همان طور که شاهدیم، امروزه سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است و هدف ما، بررسی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و آسیب شناسی سبک زندگی و برخورد با هم نوع در جامعه، که جمعیت هدف ما در تحقیق، افراد کل جامعه و رفتارهای شخصی در محل کار و زندگی اجتماعی و تعاملات مبتنی بر آن می باشد.

حوزه های سبک زندگی بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) شامل حوزه ی تولید و صنعت، حوزه ی تربیت، رسانه ها، ازدواج و تشکیل خانواده، حوزه ی سیاست، کار و اقتصاد و اجتماع می باشد.^{۱۰} نیاز، آرامش، آسایش و سعادت چهار محور اصلی توجه به نوع استفاده از یک نوع کالا در هر فرهنگی است. نیاز بر گرفته از یک غریزه انسانی است که در نهاد بشر نهاده شده و شامل نیاز به خوردن، آشامیدن و نیاز به داشتن چیزهای مختلف که به همراه آن، جهت رفع این نیاز آرامش و آسایش، قابل طرح است. آرامش بعد روانی رفع نیاز و آسایش بعد جسمانی، در جهت مصرف کالایی خاص می باشد. نهایت اینکه سعادت هنگامی مطرح می شود که برای رفع نیاز در زمینه ی برآوردن سعادت خاص، برای بشر و انسان امروز را فراهم سازد. در برخی از فرهنگ ها سعادت همان کسب بالاترین لذت و کامجویی است و در برخی فرهنگ ها معنای دیگر و اخروی پیدا می کند که در مبانی اعتقادی اسلامی، گره زدن این دنیا با جهان آخرت است.

ما باید سبک زندگی را با شرایط امروز تعریف کنیم. تعریفی که با استناد به معارف ناب آسمانی تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی باشد و از سویی نسبت آرامش و آسایش را هم، به هم نریزد و نیاز کاذب ایجاد نکند و نیازهای واقعی را برآورده سازد. باز تعریف سبک زندگی امروز، گذران زندگی را آسان تر خواهد کرد، نظام آموزشی ما را کارآمد خواهد ساخت، هدف از زندگی و دانش اندوزی را روشن خواهد ساخت و هیچ کس کار بیهوده و رنج بی گنج نخواهد داشت. سبک زندگی اسلامی - ایرانی، می بایست متأثر از آموخته های دینی خود ما باشد که می توان در قالب «حیات طیبه اسلامی» آن را مطرح کرد. هدف بحث و بررسی، پیرامون سبک زندگی ایرانی - اسلامی توجه به الگوهای صحیح زندگی و کشف هویت تاریخی، و رسیدن به معرفتی عمیق در استفاده از کالاهای مدرن امروزی و داشتن دین عقلانی به نام «اسلام» در سبک زندگی ایرانیان و همچنین برای غالب کشورهای اسلامی است. تعیین نسبت ایرانی بودن و اسلامی بودن، مفهوم این سرفصل در یک جمله آن است که تاریخ و تمدن ایرانی یک بستر مناسبی است که ما با مبنای شریعت به شعار «نه شرقی؛ نه غربی؛ جمهوری اسلامی»، جامعه ی عمل بپوشانیم و حرفی نو بزنیم که البته فقط شعار نباشد و به گونه ای عمل کنیم که در شرق و غرب بی نظیر باشد و البته عقلانی تر.

کلمات کلیدی: سبک زندگی، هویت تاریخی، اسلامی ایرانی، مهندسی پیشرفت.

﴿الْفِعْلُ الْجَمِيلُ يُنبِئُ عَنْ عُلُوِّ الْهِمَّةِ﴾. «کردار زیبا از بلندی همت خبر می دهد»^۱

یکی از دغدغه های اصلی انسانهای موحد و حق جو ، رسیدن به یک نظام و برنامه جامع و مدون و به کارگیری آن در زندگی خود می باشند . در واقع با این احساس نیاز، جویای کمال واقعی و رضایت الهی هستند. در این بین ، تمسک جستن به یک الگوی حقیقی و ارزشمند می تواند بسیار کارآمد و موثر باشد.

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه شناسی و مردم شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است ؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام وارگی و شبکه ای بودن عوامل متعددی که در شیوه های زندگی یا اقلیم های زیستن انسان تأثیر می گذارند ، به وجود آمده است.

تقریباً در اکثر تعریف های سبک زندگی می توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است . در واقع هر دو مفهوم هم ، به واژه «سبک» باز می گردد : اول : مفهوم وحدت و جامعیت و دوم : مفهوم تمایز و تفارق.

به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند و هدفمند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کُل را از کُل های دیگر متمایز می کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام مندی، کلیت، هویت و تمایز در بیانات اخیر رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است و به همین دلیل است که امروزه از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن می گوئیم.

واژگان مترادف سبک زندگی اسلامی عبارتند از: سبک زندگی شیعی ، ارزشی ، ایدئولوژیک ، جهادی ، انقلابی ، دینی. و تعبیر معادل سبک زندگی غربی نیز شامل : سبک زندگی اروپایی، مسیحی، آمریکایی و وسترنیزه می باشد. اما آن چه در تعریف های سبک زندگی ، جلوه گر می شود آن است که این تعریف قرابت بسیاری با مفهوم هویت پیدا می کند اما با این تفاوت که علاوه بر هویت ، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می شود و می توان مثالها و مصداقهایی از زندگی واقعی را شاهد آورد که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به بیش از بیست مورد از آنها اشاره فرمودند.^۲

سبک زندگی پایه و اساس فهم شرایط فرهنگی موجود و تحولات پیش رو در این حوزه تلقی می شود و نشان می دهد که در بطن ارزش های موجود در خرده نظام فرهنگی چه می گذرد ؟

سبک زندگی عبارت از روش ها و عملکردهای روزمره و پایداری که فرد طبقه یا عموم مردم بر اساس باورها، ارزش ها و تمایلات برای بهره گیری از امکانات زندگی در رسیدن به زندگی باسعادت پدید می آورند .

سبک زندگی شامل مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی می باشد اطلاق می شود و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش های فرد است به عبارتی سبک زندگی بر ماهیت

۱. غررالحکم، ج ۱ ، ص ۳۶۵ ، ح ۱۳۸۸

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳

و محتوای خاص تعاملات و کنش های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره زندگی روزانه است.

در این پژوهش تلاش شده است در راستای رسیدن به سبک زندگی، «اسلامی - ایرانی» از منظر «مقام معظم رهبری» (مدظله العالی) مورد بررسی قرار گیرد و مفهوم آن و زوایای عمیقش مبتنی بر منویات و مطالبات ایشان در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی^۲ با توجه به نو بودن بحث "سبک زندگی" که به بیش از بیست مورد از آنها اشاره فرمودند. این سوالات بسیار مهم و تعیین کننده است و معظم له با تدبیر و تأمل بسیار راجع به آن، این سئوالات را مطرح فرمودند. در همین راستا با بهره گیری از آیات قرآن و سبک زندگی معصومین (ع) به راهکارهای آن پرداخته می شود.

فصل اول



مدل مفهومی

سبک زندگی

اسلامی - ایرانی

مفهوم شناسی سبک زندگی^۱ از زمره ی مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره ای از واقعیت های فرهنگی جامعه آن را مطرح و به کار می برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی ها معتقدند که این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و می تواند به نحو دقیقتری گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز باشد. حتی برخی از اندیشمندان به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت را مطرح کرده اند. سبک زندگی در مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، الگوها و کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری - رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص و آمار مردم هر جامعه دارد.

مدل مفهومی سبک زندگی اسلامی ایرانی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

«انسان نیازهایی دارد و این نیازها را به گونه ای برآورده می سازد و در این میان است که به آسایش و آرامش نسبی دست می یابد. البته در نگاه دینی، که مبتنی بر شناختی آسمانی است، دنیا گذرگاهی آزمودنی و رنج آلود است»^۲

امام علی (ع) می فرماید:

«خداوند همواره بندگان خود را به انواع شدايد مواجه می کند و اقسام کوششها و

مجاهدتها جلوی پای می گذارد.»^۳

همین نگاه است که به ما می آموزد نیازها در حد کمال برآورده نخواهد شد و آسایش و آرامش مطلق نخواهد بود پس مسابقه برای سود بیشتر و رفاه، از همان آغاز محکوم به شکست است.

نیازهای واقعی انسان برای کارکرد دیگری در نهاد بشری تعبیه شده و برآوردن این نیازها هم روش های خود را دارد. به انسان، عقل هدیه شده تا نیازهایش را خود برطرف سازد اما همین عقل می تواند به خطا کشیده شود و به جای برطرف کردن نیازهای واقعی، نیازهای کاذبی را تولید کند و برای برطرف کردن این عطش کاذب، نمک را در قالب آب ارایه کند!

در ابتدا باید توجه داشت که ادبیات انقلاب در طی بیش از سه دهه به دو دستاورد مهم در نسبت بین «سبک زندگی» با «تمدن سازی» دست یافته است. بارزترین عملکرد ادبیات انقلاب در مقوله سبک زندگی (بخش نرم افزاری تمدن)، ایجاد «روحیه مقاومت در برابر استکبار جهانی و مظلالم عالم» در سطح

۱. life style.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۳. «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

«فرهنگ عمومی» کشور است. فرمایش قرآن در آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود است که می فرماید :

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾

«زنهار ، به ظالمین گرایش پیدا نکنید که همچون تمسک بر آتش است.»

همچنان که در طول این مدت، زیرساخت‌های توسعه و پیشرفت کشور براساس مهندسی غربی شکل گرفته است ، اما در روبناها و بعضی از ساختارها ، این مهندسی غربی به صورت «مشروط و مقید به احکام اسلام» اجرا شده است که این روند متداوم نیز دستاورد دوم ادبیات انقلاب در این عرصه است. این در حالی است که از نظر جامعه‌شناسی ، در یک جامعه ، سه حوزه‌ی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» وجود دارد و شناخت تخصصی از تمدن غرب نیز نشان می‌دهد که متغیر اصلی در تهاجم تمدن غربی ، بخش «اقتصادی» آن است و بخش «فرهنگ» ، روبنای آن تمدن مهاجم است.

در بررسی «سبک زندگی» توسط مقام معظم رهبری به ارتباط آن با «تمدن نوین اسلامی» توجه می‌شود؛ امری که شامل بر بحث خانواده است و تمامی زوایای زندگی اجتماعی و فردی را در بر می‌گیرد. همان طور که خداوند نیز در قرآن به آن اشاره دارد.

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

از آن جا که جامعه ایران یک جامعه خدامحور، دین مدار و ولایت پذیر است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی رعایت می‌شود اما با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان ، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده ، تقی زاده و... که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت ، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه یافته است. لازم است بدانیم غرب زدگی در ایران از موقعی آغاز می‌گردد که ایرانی فکر کند چاره‌ای ندارد و دیگر با استقلال ، کاری نمی‌تواند بکند و بر اساس سنت موجود ، راه حل واقعی نمی‌توان بدست آورد . از این لحاظ غرب زدگی نوعی بحران روحی است . خود باوری از بین رفته است و یأس ، هر نوع اراده‌ی مثبت را خنثی کرده است . این حالت را می‌توان شبیه به آن چیزی دانست که «هگل» در مجموعه بحث‌های فرهنگی و اجتماعی اش که در سطح بسیار بالایی است و واقعا خواندنی است «شعور محروم» می‌نامد . گاهی به فارسی شعور اندوه بار ، عذاب وجدان و یا روح معذب نیز گفته می‌شود که خود پنداره منفی از خود و جامعه را در پی دارد . یعنی احساس اینکه کارازکار گذشته و چاره جوایی از دست شخص خارج شده است. غرب زده از این لحاظ کسی است که گویی جوهر وجودی یعنی اصالت خود را از دست داده است.

بارزترین آثار غرب زدگی در ایران و با نگاهی به دوران قاجاریه در می‌یابیم که مسئله دو جنبه متمایز پیدا می‌کند. گروهی هستند که این حالت خاص روحی و عدم خودباوری، آنها را عمیقاً دچار سطحی نگری کرده است.

وگروهی دیگر آنهایی هستند که در عین غرب زدگی ، حالت مورد اول را مورد استثمار، یا بهتر بگوییم مورد سوء استفاده اهداف از پیش ترسیم شده و همه جانبه خود قرار می دهند. این دو گروه هر دو به معانی مختلف ، غرب زده هستند ؛ گروه اول دچار ناامیدی و یأس اند و گروه دوم عملاً آلت دست غرب و مورد بهره بری آنها قرار گرفته و نا امیداند و بیش از پیش فعال و ابزاری عمل می نمایند. بارزترین اشخاص همان افرادی بودند که قبلاً ذکر شد.

مرعوبیتی که در اینجا صحبت می شود همان عدم باور به خود است ؛ یعنی موقعی که شخص اراده خود را باور ندارد و گذشته خود را باطل تصور می کند و میراث فرهنگی خود را انکار می نماید چنین شخصی عملاً مبدل به یک شی منفعل می شود و آلت دست دیگران قرار می گیرد ؛ او دیگر کسی نیست که مطلبی را قبول یا رد نماید و یا صاحب موضعی باشد یا نباشد انتخاب هر نوع انتخاب ارادی از او سلب شده است .

﴿ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ﴾

﴿ و هر کس از گام های شیطان پیروی کند او را دعوت می کند به زشتی و بدی..... ﴾

برای جلوگیری از این خطر معمولاً به هویت دینی و بازگشت به خود و به ریشه ها و از آنچه تاریخ روحی ماست تأکید می گردد.

امام علی (ع) در خطبه ۴۰ نهج البلاغه می فرماید:

﴿ كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُّ بِهَا بَاطِلٌ ﴾

﴿ سخن حقی است که از آن اراده باطل شد. ﴾

این هشدارها تا حدودی می تواند راهنما و راهگشا باشد ؛ در هر صورت ما حداقل باید بدانیم کی و چی هستیم باید هویت را خود ما پیدا کنیم و در این مورد هم ، چیزی نباید تحمیل شود . نباید به ما به زور بگویند این صرفاً هویت شماسست و جز این نیست ؛ شما شرقی هستید و آن هم به نحوی که ما به شما القاء می کنیم . هویت فقط موقعی معنای اصلی اش را پیدا می کند که ما عمیقاً آن را در می یابیم و اراده و همت ما را شکل می دهد و قوی می سازد . هویت فقط همراه اراده معنا دارد و اگر در جهت سلب اراده باشد هویتی کاذب است. برای اینکه واقعاً از هویت و از میراث روحی خود استفاده بهینه بکنیم ، باید چاره اندیشی نماییم.

مشکل این است که عقل و علم در راستای جهان بینی منطبق با هدف هوشمندانه جهان پیش روی ما ، به کار گرفته نمی شوند و ما در مسیری افتاده ایم که برای خرید آسایش بیشتر، آرامش را می فروشیم و به جای پاسخ دادن به نیازهای طبیعی و واقعی، نیازهای کاذب و سراب تولید می کنیم.

با مطالعه سبک زندگی امروز و مقایسه با سبک زندگی دیروز متوجه می شویم سبک زندگی دیروز عیب و نقصی نداشته و رابطه همه گزاره ها در سبک زندگی دیروز هماهنگ و به اندازه بوده است . برای همین بسته به

امکانات آن روز، آسایش و آرامش برقرار بود و نیازهای واقعی نیز از راه های طبیعی آن پاسخ داده می شد اما امروز، سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است. هیچ کس در پی بازگشت به گذشته نیست. کسی نمی خواهد بگوید گذشته بهتر بود. عقب گرد کار عاقلانه ای نیست. اما باید علم و فن آوری را در راستای آموزه های دینی خودمان بکار گیریم و ضعف های خودمان را شناسایی کنیم.

تاریخ و سنت اسلامی - ایرانی ما، سودایی دیگر و نگاهی متفاوت و معترض نسبت به غرب دارد. مشکل این است که در عصر حاضر، تاریخ غرب، تمام تاریخ بشر را پوشانده و در همه جا درباره گذشته بشر به طور کلی با موازین غربی حکم می شود. اکنون در نگاه غریزدگان، عالم دو بخش دارد: یک بخش متجدد و یک بخش درگیر شده با سودای تجدد.

« فرهنگ غرب، اصولاً فرهنگی مهاجم است و به هر دلیلی در هر کشوری رواج یابد بتدریج فرهنگ و هویت آن ملت را نابود می سازد عادی شدن گناه بزرگ، هم جنس بازی در غرب، فروپاشی خانواده ها و بحران ها و مشکلات عمیق دیگر در کشورهای غربی و کشورهای مقلد فرهنگ غرب می توان اشاره کرد پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است اما باطن آن « سبک زندگی مادی شهوت آلود، گناه آفرین و هویت زدای ضد معنویت است. لذا باطن فرهنگ غربی عبارت است از: همان سبک زندگی مادی شهوت آلود، گناه آلود، هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت »^۱

متأسفانه جامعه ایرانی علی رغم مقاومتهای آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالبهای سبک زندگی دینی اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دینداری گشته است.

هویت حیات است و شخصیت و اراده و یکی بدون دیگری ایجاد بحران روانی می کند. همین رابطه را می توان میان سنت و تجدد برقرار کرد. سنت وقتی معنی پیدا می کند که دلالت بر استمرار حیات ما داشته باشد. همانطور که تجدد تحمیلی را نباید پذیرفت، سنت تحمیلی را هم نباید پذیرفت.

سنت باید حی و حاضر باشد؛ اگر چنین باشد، در بطن خود تجدد را نیز خواهد پروراند و اگر چنین نباشد موثر نخواهد بود حتی به عنوان سنت دیگر عملاً مورد قبول واقع نخواهد شد بدین ترتیب از لحاظی می توان گفت که گویی نوعی سنت کاذب است همانطوری که باز نوعی تجدد کاذب وجود دارد.

خداوند در آیه ۴۳ سوره مبارکه فاطر اشاره می کند که سنت الهی حاکم بر جهان هستی تغییر ناپذیر است.

﴿ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴾

﴿ سنت خدا هرگز مبدل نخواهد شد و تغییر نمی پذیرد ﴾

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳

باید با راه حل مناسبی این نظریه انتقادی رهبر شجاع انقلاب را در ؛ کنیم که مواجهه تمدن ایرانی - اسلامی با فرهنگ و تمدن غرب که امروزه بر تمام جهان تسلطی دارد ، سبب تحولات بسیاری در تمام شئونات جامعه ایرانی خواهد شد و «چرا»هایی که معظم له مطرح می کنند نیاز به ریشه یابی معرفتی دارد.

ایرانیان همان طور که در برخی هویت و ارزش ها، دچار بحران شده اند ، در سبک زندگی نیز درصد ساله ی اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه اش، دچار تشتت و تذبذب بسیار در نگرش ها و گرایش ها ، آداب و رسوم ، نظامات و سنن اجتماعی ، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی - ایرانی دچار تضادها و تناقض های بسیار شده است ، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می توان آن را « سنتی و اسلامی » نامید و نه می توان بر آن نام « مدرن » نهاد . باید از این تذبذب هویتی نگران بود. این نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل در ؛ است. رهبر معظم انقلاب اسلامی می کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی « غربی و اسلامی » است که باید آینده ای سرشار از آسایش و آرامش و شعاع انسان را رقم بزند.

زمینه های فلسفی و فکری سبک زندگی غربی

بدون تردید زادگاه و خاستگاه مدرنیسم^۱ را باید در غرب جستجو کرد همان گونه که عوامل زمینه ساز و یا برانگیزاننده ی مدرنیسم چندان کار ساده ای نیست ، تمایز شاخصه های گوناگون مدرنیسم از یکدیگر نیز آسان به نظر نمی رسد . با این وجود تجدد و مدرنیسم یک گفتمان فلسفی و تاریخی است که آغاز آن را باید در عصر رنسانس یعنی قرون پانزدهم و شانزدهم سراغ گرفت. این گفتمان تاریخی سبب تحول در تمام ساحت های تفکر و زیستن بشر غربی گردید و تاکنون نیز این تحول هم در جغرافیای کشورهای غربی و هم در عالم شرق، ادامه دارد. هسته و دال مرکزی این مفهوم را می توان مفاهیم درهم تنیده خود بنیادی تفکر بشر، انسان گرایی (اومانیزم و هیومنیسم) ، قدسیت زدایی و تقدس زدائی ماده گرا (ماتریالیسم) افراطی، غیب ستیزی و شریعت ستیزی و وحی ستیزی و متن گریزی دانست.

این تفکر مرکزی سبب پدیدار شدن هنر و ادبیات مدرن (رمانتیسم، کلاسیسیزم، رئالیسم، ناتورالیسم، اکسپرسیونیسم، کوبیزم و دادائیسم، علم مدرن (آمپریسم، ساینتیسم، نگرش تکنیکی و...)، دین مدرن (پوزیتیویسم و دین پراگمات و...)، نظام سیاسی و شهروندی مدرن (ماکیاولیسم و سکولاریسم و شهروندی به جای مفهوم اخوت و برادری)، نظام اقتصادی مدرن (بورژوازی و سوسیالیسم و...)، تفکر مدرن (سوپرکتیویسم، پوزیتیویسم منطقی و...)، نظام اجتماعی مدرن (طبقات اجتماعی مدرن همچون طبقه متوسط و بورژوا، بسط فردیت اجتماعی و...) گردید.

^۱ اصطلاح مدرن از ریشه لاتین اقتباس گردیده است. این واژه در ساختار اصلی و ریشه ای خود به مفهوم «به روز بودن» و یا «در جریان بودن» است.

تمام این ها سبب شدند که سبک زندگی بشر زیست کننده در بستر مدرنیسم دگرگون شود و با سبک زندگی پیشین خود و همچنین با سبک زندگی سنتی و دینی فاصله بگیرد.

تکون چنین بینش نوین بود که زمینه ی پیدایش جهانی نوین را فراهم آورد. در نتیجه دنیای جدیدی از صنعت ، شغل ، بازار ، شهرسازی ، شهروندی پدید آمد و جایگزین نظام سنتی گردید . همین جا خوب است منظورمان از واژه « سنت » را بیان کنیم.

سنت در ساده ترین تعریفش به امور متعلق به گذشته تعبیر شده است. آن گاه که یک فرهنگ ، تاریخی می شود و درون مایه ها و بن مایه های یک تمدن می گردد ، تاریخی شدن آن فرهنگ و آن تمدن ، سبب پدیداری سنت به شمار می آیند. سنت را باید یک کلان فرهنگ تاریخی دانست که به انسان و زمانه اش هویت می بخشد.

به اقتضای هنجارهای جامعه ی مدرن ، اعتقادات و باورداشتهای دینی و ایمانی به صورت رو به رشدی بر اساس تجربیات شخصی افراد ، و از طریق انتشار کتابها و نشریات ، تحقیق و تجربه در آزمایشگاهها ، و کار و تلاش در محیط کوچه و بازار و خیابان شکل پذیرفت ، و در این راستا والدین و مربیان دینی و اخلاقی نقش به مراتب کمتری را ایفا کردند . بدین ترتیب ، مدرنیسم به مفهوم آغاز یک فرایند مهیج برخوردار از تغییرات و تحولاتی بود که از طریق آن ، شیوه های زندگی زیر و زبر گردید.^۱

اما سنت اسلامی از منظر ما از آبشخور وحی و قرآن و نهج البلاغه و روایات سیراب می شود و امری است قدسی و آسمانی و ملکوتی که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه گرایی و تحجر دارد.

مقام معظم رهبری (دام عزه) پرهیز همزمان از «سطحی نگری و تحجر» و نیز سکوراریزم را ضروری دانستند و می فرمایند: « برخی حرف ها و تبلیغات ظاهر دینی دارد ، اما در باطنش جدایی دین از زندگی را دنبال می کند ».

انقلاب اسلامی دارای توانایی ، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن ممتاز ، متعالی ، برجسته و با شکوه اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان بر پا سازد.^۲

به لطف حاکمیت ، فرهنگ ائمه معصومین (علیهم السلام) بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار کننده سنت خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش ها و تحلیل ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است ، به نظر می رسد به این دلیل در مانیفست و منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه های سبک زندگی اعم از هویت (فهم از خود ، فهم از جامعه ، فهم از تاریخ و...) ، ارزش ها (هم صفات آرمانی و هم انسان های آرمانی) ، معماری شهری و خانگی ، نظام آموزش ،

۱. آنتونی گیدنز ، پیامدهای مدرنیت ، ترجمه محسن ثلاثی ، ص ۲۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

زبان و ادبیات ، هنر ، خانواده (نظام و نقش) ، روابط اجتماعی ، ساختار اجتماعی ، دینداری فردی و اجتماعی
نظام اقتصادی فردی و خانواده ، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده ، رسانه ، تکنولوژی ، نحوه نگرش به عالم ،
نگرش به نظام سیاسی اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

عالم دیگر، آدمی دیگر

همانطور که اشاره شد از یک جهت سبک و شیوه زندگی در دوران جهانی شدن مصرف! که از آن به
گلوبالیزیشن مصرف گرائی یاد می شود از جمله مهمترین مسایل در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی است اما
غلبه و شیوه و سبک زندگی مصرفی کنونی صرفاً یک مسئله قابل بحث و تحقیق در مراکز علمی- فرهنگی
نیست ؛ بلکه خطر بزرگی برای آینده فرهنگ ها و سست شدن بنیاد انسانیت و سرایت آشوب در همه چیز و
همه جا و حتی در شیوه زندگی گسترش یافته کنونی است. یعنی وقتی شیوه زندگی را بدون باطن و هسته آن
در نظر آوریم در حقیقت یک مسئله خطیر انقلاب اسلامی سهل انگاشته می شود که با بعضی دستورالعمل های
ساده می توان از گسترش سبک زندگی غربی و جهانی جلوگیری کرد. این سبک و شیوه مصرف جهانی و این
شبه مدرنیته تهوع آور و لذت گرایی علم زده و یأس زدگی مفرط و ذهن زدگی پست مدرن و پوچ گرایی
جنگ زده با هیچ ملا ؛ اخلاقی و دینی و عقلی نمی سازد. اما اگر بگوییم بسیار خوب. آن را هم می پذیریم و در
کنار آن سبک و شیوه دیگری وضع می کنیم دچار اشتباه شده ایم. این پندار کمتر از شیوه ی مصرفی
خطرنا ؛ کنونی نیست و شاید خطرنا ؛ تر باشد. زیرا ممکن است گمان کنیم که مشکل با بعضی تغییرات
جزئی در شیوه زندگی شخص ، حل شده و خطر استیلای حرص مصرفی، دیگر وجود ندارد. مشکل این است که
قائلان به جمع سبک زندگی غربی و اسلامی نمی دانند مرادشان از سبک زندگی چیست؟ و این سبک زندگی از
لوازم تجدد و جلوه ی جهان جدید ، بلکه عین آن است.

سبک زندگی غربی، ظاهر و پوسته جهان متجدد و مدرن و اروپایی است. آیا می خواهیم ظاهر و پوسته را
بی توجه به باطن و هسته آن تغییر دهیم؟ یا آن را به جای باطن بگذاریم؟ و می پنداریم که با تغییر ظاهر،
آن هم در سطحی ترین تغییرها ، می توان به جنگ باطن رفت و بر آن غلبه پیدا کرد؟ رفتارهای فرهنگی،
برخاسته از باورها و عقاید و ذهنیت هائی است که منشأ و مصدر آن رفتارها و نمادها هستند.

جابجا شدن ارزشها و ضدارزشها معتبرترین علامت انحطاط است. و تنها در سایه ی معنویت و ماهیت دینی
جامعه می توان بر باورها و ارزشهای ضد اخلاقی و دینی غلبه کرد در این صورت است که خداوند می فرماید :

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

﴿هرگز شایسته نیست که کافران بر مومنان استیلا یابند﴾

تجمل ستیزی و ساده زیستی که در عالم دینی و در اخلاق اسلامی و در فرهنگ نهج البلاغه جایگاه رفیع و

ممتاز دارد، در کشوری که قوانین و تکنیک و الکترونیک بر تمام شئون آن حاکم است عملی نمی شود. در این وضع می توان گفت چه فایده دارد که آدم لباس ساده بپوشد و غذای ساده بخورد اما ناگزیر و به ضرورت ، آخرین دستاوردهای تکنولوژی را مصرف کند؟ وقتی از ساده زیستی می گوئیم باید بیانیشیم که چرا ساده زیستی از یاد رفته است و موانع آن چیست و چگونه می توانیم به آن بازگردیم ؟ بدون این تذکر ضروری اگر در مورد هر رفتار ممدوح و پسندیده ای غلو شود چه بسا که کار به اشتباه های بزرگ بیانجامد. همانطور که توسعه و سازندگی بعد از جنگ با شعار رفاه برای همه به نفی ارزشهای جهادی و انقلابی و ساده زیستی انجامید.

﴿وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾^۱

﴿شیطان می خواهد انسانها را گمراه کند ، گمراهی دور﴾

امروزه باید بدانیم عادات و سبک زندگی مردم امر مهمی است و اندیشمندان غربی هم از شیوه زندگی غربی دفاع نمی کنند و آراستگی به فضائل انسانی و زندگی پرهیزکارانه نیز در نظر همه کس شرط کمال ، و صورتی از آن است. پس یکی از مشکلات ما مقایسه و انتخاب میان دو صورت و شیوه زندگی نیست، بلکه شرایط امکان تحقق آن هاست. برای پاسخ به سئوالات رهبر معظم انقلاب باید به این فرضیه نیز توجه جدی کرد که شیوه زندگی غربی در پناه قدرت تکنیک پدید آمده و در سراسر روی زمین بسط یافته است و تنها به گمراهی های سطحی و کم رنگ قانع نیست . هدف او «ضلال بعید» یعنی گمراهی دور و شدید است .

حکمرانی این قدرت ها اقتضای شیوه زندگی خاص دارد و بسیار بعید به نظرمی آید که معنای اخلاقی و دینی فضیلت و پارسایی بتواند در پناه آن دوام بیاورد. اینجا قصد تکنیک ستیزی نداریم بلکه بحث ما توجه به تأثیرات و ملزومات قطعی زندگی تکنولوژی زده بر سبک زندگی است. همین جا خوب است به فطانت و زیرکی رهبر عزیزمان برای چندمین بار تبریک بگوئیم که بحث «تولید علم و جنبش نرم افزاری» را در خطی موازی مقوله «سبک زندگی» پیش می برند. حکمت کلمات این حکیم وارسته همین جا آشکار می شود که ایشان لوازم تحقق سبک زندگی «اسلامی» را نیز پیش بینی نموده اند. پارسایی به عالمی تعلق دارد و در عالمی می شکفت که اسماء حق در حجاب های غلیظ و ضخیم پوشیده نشده باشد. پس باید به فکر آن حجاب ها بود. شیوه زندگی کنونی وقتی از هم می پاشد و راهش بسته می شود که سرچشمه پدید آمدنش پیدا آید. پس به فکر باطن این شیوه زندگی باشیم و اصل و فرع و ظاهر و باطن را با هم در نیامیزیم.

﴿وَجَعَلُوا بَهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾^۲

﴿و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند ، در حالی که در دل به آن یقین داشتند﴾

اخلاق مداری شیوه غالب و ظاهر عالم متجدد و مدرن خدا ستیز نمی تواند باشد. البته باید دانست

۲. نساء/ ۶۰

۱. نمل / ۱۴

که اولاً آداب و عادات دیگران همواره و ضرورتاً از سنخ رذایل نیست و برخی صفات اجتماعی غربیان همچون ریسک پذیری و خطر کردن، کار جمعی در فعالیتهای تحقیقاتی و علمی، رعایت برخی قوانین اجتماعی قابل احترام است؛ ثانیاً جهان را با تغییر ظواهر آداب و عادات نمی توان دگرگون کرد. پیامبران هم، قبل از تعلیم شریعت، جان مردمان را مهذب و آماده قبول دستور کردند و بسیاری از مخالفت ها نه منشأ عقلی، بلکه منشأ نفسانی دارد.

برای اینکه جهان کنونی و شیوه زندگیش دگرگون شود، باید به فکر عالمی دیگر و آدمی دیگر و جهان بینی متفاوت بود؛ یعنی باید جهانی دیگر با انسانی دیگر در افق در؛ اهل نظر ظاهر شود. با توجه به آن افق و چشم انداز است که شاید شیوه زندگی مردمان به تدریج، بی تکلف و بدون زحمت تغییر کند. در جهانی که اکنون دایر است، شرایط پارسایی فراهم نیست و کسانی که همه آن شرایط در وجودشان جمع باشد، اگر باشند تعدادشان بسیار اند؛ است. پس درکنار اینکه نگران طرز خورا؛ و خواب مردمان باشیم، باید نگران فکر و فرهنگ در این جهان باشیم؛ در این صورت می توان شیوه ای از زندگی تازه ای در پیش گرفت که در آن صفا بر کدورت، و راستی بر دروغ، و اعتماد بر سوء ظن، و مهر و معرفت بر کینه توزی، و رعایت انصاف بر تعدی و اجحاف، و همدلی و هم زبانی بر تحکم، و ادای وظیفه بر رفع تکلیف، مقدم باشد. در اسلام از طرفی نظارت بر اعمال دیگران جزء واجبات است پیغمبر فرمود:

﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ﴾^۱

ولی از طرف دیگر این فکر شیطانی را هرکس باید از سر خود بیرون کند که جامعه فاسد است و دیگران خرابند. خراب بودن و گمراه بودن دیگران عذری برای اعمال بد ما پیش خدا نمی شود. یکی از الزامات نفس انسانی همین است که گناه خود را به گردن دیگران می اندازد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَبْضُرُكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾^۲

﴿ای کسانی که ایمان آورده اید، بر شما باد مراقبت نفسهای خودتان. فرضاً دیگران گمراه باشند گمراهی

آنها به شما صدمه ای وارد نمی آورد اگر شما خودتان راه را یافته باشید.﴾

یکی از فواید اینکه تربیت مردم تربیت دینی باشد همین است که مردم را در باطن روح و ضمیرشان عادل و منصف می کند. البته فرق است بین کسی که از ایمان بهره ای داشته باشد و خدا را ناظر و شاهد اعمال و نیت خود بداند و آن کس که محض مصلحت اجتماع کاری را بکند.^۳

۱. جامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۵.

۲. مائده / ۱۰۵.

۳. مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۹۹.

همین جا خوب است از یکی از فرمایشات کلیدی امیرالمومنین (ع) رمزگشایی نمائیم.

﴿اَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ﴾^۱

با توضیحات مبسوط قبل مشخص شد تغییر در سبک زندگی، اگر تغییر در ظاهر حیات مردمان است صد البته تغییر در ظواهر حیات بدون تغییر بواطن آن، راه به مقصود نخواهد برد. بنابراین در کنار پرداختن به ظاهر سبک زندگی باید به سراغ جان (اخلاق و افکار) انسان رفت و آن جا را آباد کرد که اگر چنین شد، سبک زندگی نیز آباد خواهد شد.

درست است که حیات، ظاهری دارد و باطنی، اما هیچ گاه ظاهر حیات جدا و منفک از باطن آن نبوده است، مگر این همه سفارش به عمل صالح (که جلوه ظاهری حیات مؤمن است) به مثابه اولین قدم طهارت باطن و نفس نیست و چیزی جز معنای یگانگی این دو را می رساند؟

این تفکیک اگر هم در مآثورات دینی ما وجود دارد، جز برای نشان دادن هدف غایی حیات دنیوی که قرب الی الله است، نمی باشد، پس کوشش در فربه نمودن حیات دنیوی با گرایشات ماتریالیستی نتیجه ای جز خسران نخواهد داشت! (تفکر مبتنی بر لذت طلبی) در این میان، برقرار کردن تناظر دیالکتیک میان باطن و ظاهر که در آن واحد هم بر یکدیگر تأثیر گذارند و هم از یکدیگر تأثیر پذیرند؛ راهگشاست. به بیان دیگر، ظاهر و باطن دو حیثیت از یک امر واحدند و نه دو امر مجزا، پس تغییر یکی، تحول آن دیگری و تحول آن، تغییر این است. مثال بارز این ارتباط دو سویه، تأکید بر رعایت احکام شرعی و تأثیر طهارت جسم بر نحوه و نتیجه تعقل است. اساساً شریعت ما، کجا با طریقت جدایی داشته و کی این دو از حقیقت مجزا بوده اند؟ معنویت، عرفان و طریقت جز در اتحاد با شریعت امکان پذیر نیست!

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمْ اللَّهُ﴾^۲

﴿خداوند پروا کنید تا خداوند، حقیقت را به شما بیاموزد﴾

تقوی به معنای دوری از انواع بدی ها و زشتی هاست و افراد آلوده از در؛ بسیاری حقایق در زندگی و حیات محرومند. تقوی که اولین و آخرین توصیه تمام انبیاء و ائمه (علیهم السلام) و اولیاء الهی بوده است، در مراتب عالیّه که سرشار از وجوه معنوی و باطنی است، باز هم با عمل و زندگی تنیده است و پر واضح است که حتی همان وجوه باطنی نیز، پایی در فکر ما و پایی در ذکر ما دارند. این جاست که یکی از کلیدی ترین درسهای سبک زندگی از نهج البلاغه امیرالمومنین استنباط می شود؛ توصیه همزمان و همدیاف به تقوا و نظم تجلی این معناست که نظم در زندگی و رعایت نظامات اسلامی از تقوا و پرهیزگاری منشأ می یابد؛ آیا حرفی در تحلیل سبک زندگی شیعی و اسلامی بهتر از فرمایش مولا علی سراغ دارید؟

۱. «شما را به تقوای الهی و نظم در امورتان سفارش می کنم» نهج البلاغه، نامه ۴۷

۲. بقره / ۲۸۲

توقع تحول رحمانی در نفسانیت نفس اماره که حیات روزمره اش در گرو تعلقات شیطانی است توقعی بیجاست! انبیاء جان ابناء بشر را متعبد درگاه احدیت نموده اند ، اما این تعبد نفس ، مگر جز با عمل آغاز شده است؟ ظاهر و باطن با هم تحول می پذیرند و بر هم اثر می گذارند ؛ بنابراین سودای تحول سبک زندگی انسان نتیجه ای جز تغییر نسبت های نفسانی او در بر نخواهد داشت و صد البته چون جان انسان متوجه امری گردد فعل او ظهور آن توجه خواهد شد. نظم ظاهری از تقوای باطنی می آید و این واژه کلیدی و هدیه نهج البلاغه به جامعه ، تشنه نظم و اخلاق و آرامش و آسایش است.

مفهوم پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری و ابعاد آن

ابعاد پیشرفت و تفاوت آن در مفهوم اسلامی و غربی متفاوت است. و پیشرفت همه جانبه به معنای تمدن سازی نوین اسلامی مبتنی بر هدف ملت و انقلاب اسلامی است.

﴿لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^۱

» تا مردم را به امر خدا از ظلمات (جهل و کفر) بیرون آری و به علم نور رسانی و

به راه خدای مقتدرستوده صفات رهسپار گردانی.

مسئله‌ی پیشرفت، موضوع بسیار مهمی است که باید مطرح کنیم. البته با طرح این موضوعات، خودمان را قانع نمی‌کنیم که قضیه تمام شد؛ این یک شروع است. آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت، تداعی‌کننده‌ی حرکت است، راه است. چطور ما می‌گوئیم پیشرفت هدف است؟ علت این است که پیشرفت هرگز متوقف نخواهد شد. بله، پیشرفت، حرکت است، راه است، ضرورت است؛ اما متوقف‌شدنی نیست و همین‌طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعدادهای بشری حد یقف ندارد.^۲

راهی که در سایه عمل به احکام الهی بدست آمده است. این راه خوشبختی انسان است. راهنمایی دارد که راه را بر انسان می‌بندند ﴿يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ و یا نقشه‌ای راه را کج می‌کنند ﴿يَبْغُونَ عِوَجًا﴾ و یا با توطئه‌ای راهی نادرست را شبیه سازی کرده و ما را به آن راه می‌برند.^۳

گفتیم پیشرفت دارای ابعادی است؛ و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است.

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از: سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارة اخراى یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجاح است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. بحث درباره‌ی اینکه در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت، چه می‌توان گفت؟

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است.

۱. ابراهیم/۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۷/۷/۲۳

۳. ﴿الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الدُّعَاءَ عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ اعراف/۴۵

ابعاد پیشرفت

ابعاد پیشرفت عبارت است از:

- سبک زندگی
- رفتارهای اجتماعی
- شیوه ی زیستن
- معنویت ، نجات و فلاح
- رفاه، امنیت و زندگی راحت
- تمدن نوین دو بخش ضروری دارد :
- ابزاری (سخت) افزار شامل نموده‌های پیشرفت کشور برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم افزاری تمدن اسلامی است.
- علم،اختراع،صنعت،سیاست،اقتصاد، اقتدار سیاسی ، نظامی،اعتبار بین المللی،تبلیغ و ابزارهای تبلیغی ، متن اساسی و حقیقی (نرم افزار) که متن زندگی را تشکیل می دهد که بخش اصلی است شامل:
- خانواده
- ازدواج
- نوع مسکن
- نوع لباس
- الگوی مصرف
- نوع خورا ؛ و آشپزی
- تفریحات
- خط و زبان
- کسب و کار است.
- رفتارهای فردی و اجتماعی محیط های مختلف در (دانشگاه ، مدرسه، فعالیتهای اسلامی ، ورزشی، رسانه های در اختیار ، پدر، مادر، فرزند ، رئیس ،مرئوس ، پلیس ، مامور دولت ، دوستان ، سفرها ، نظافت و طهارت ، رفتار با دولت دشمن و بیگانه است)
- متن زندگی از:
- سبک و فرهنگ زندگی مطلوب اسلام است که تمدن نوین اسلامی نتیجه ی معنویت ، آرامش و امنیت می باشد.
- عقل معاش

- بن مایه های فرهنگ اسلامی برای شکل گیری پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی عبارتند از:
- خردورزی
- اخلاق
- حقوق
- مسئولیت ترویج سبک زندگی از طریق:
- نخبگان فکری، سیاسی و جوانان
- حوزه
- دانشگاه
- رسانه های ملی و تبلیغاتی
- دستگاه های تعلیم و تربیت
- برنامه ریزی آموزشی ، سرفصل های آموزشی و کتب درسی می باشد.

بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزء هدفهای اسلامی است گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلای اسلام عبارت از : شناخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی.^۱ و تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه ی اقتصادی دنیای اسلام ، و این جنبه از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است و کار برای توسعه و پیشرفت کشور یک عبادت قطعی است.^۲ و هر حرکت علمی و فرهنگی و کاری که در خدمت نظام و کشور جمهوری اسلامی و برای نوسازی و پیشرفت و آبادانی این کشور انجام می گیرد یک عبادت است.^۳ باید بطور دائم در حال تحول و پیشرفت باشید . بالاخره مجموعه انسانی با ذخیره با ارزشی از علم و معرفت و فرهنگ و تجربه و دانش در مسئولیتی والا قرار گرفته است .

﴿ هر کسی که دو روزش مساوی باشد (و روز بعد بهتر از روز قبل نباشد) مغبون است ﴾^۴

پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم یک الگوی واحد ندارند ، پیشرفت یک معنای مطلق ندارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد، عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. ارتباط صنعت و دانشگاه در معدن ، کشاورزی ، صنعت متکی به استعداد های داخلی و طبیعی است. و شرایط گوناگون تاریخی ، جغرافیایی ، جغرافیایی سیاسی ، طبیعی ، انسانی و شرایط زمانی و مکانی در ایجاد مدل های پیشرفت اثر می گذارد.

پیشرفت در کشورها ، با شرایط تاریخی ما، جغرافیایی ما ، اوضاع سرزمین ما ، با وضع ملت ما با آداب ما با فرهنگ ما و با میراث ما الگوی ویژه ی خود را دارد باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم .^۵ هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم.^۶

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هفتمین گردهمایی ائمه جمعه ، ۱۳۷۰/۶/۲۵

۲. همان

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقتصاددانان شرکت کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۳/۶/۲۵

۴. ﴿ مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ ﴾ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۲۶، ح ۵

۵. بیانات مقام معظم رهبری در جمع گروه کارگران ۱۳۶۹/۲/۱۲

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

۱. ایجاد یک تمدن الگو؛ ملت ایران هم چنانکه شأن اوست در حال پدید آوردن یک تمدن است پایه ی اصلی تمدن نه بر صنعت و فناوری و علم که بر فرهنگ، بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال بوجود آوردن آن است.^{۱۰}

۲. کسب قدرت؛ هر کس هرکاری را برای پیشرفت این کشور انجام دهد، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور بر دارد در واقع مشتی بر دهان آمریکا و همه زورگویان عالم است، پیشرفت ابزار قدرت است.^۲

۳. ترویج اسلام؛ ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملت‌ها قرار گیرد.^{۳۰}

۴. هدف نهایی نیل به حیات طیبه؛ تلاش همه ی دلسوزان بشر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیای عظام و اولیاء و مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ این بوده است که این حیات طیبه را برای بشر بوجود آورند.

اسلام برای انسان روش زندگی مناسب و لایقی قائل است. اگر تنها این شرایط محقق شد انسان می تواند به سعادت و کمال برسد.^{۴۰} عنصر ایمان و دشمنی با شیطانها و طاغوتها از اجزای اصلی دعوت همه ی پیامبران بوده و عمل نبی مکرم اسلام (ص) هم بر این نکته قرار داشته است.^۵ باز تولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود.^{۶۰}

نقد رویکردهای نظری در مورد الگوی پیشرفت

نواقص فرهنگ غرب

نگاه تک بعدی به توسعه در فرهنگ غرب که این فرهنگ عوامل حفظ رشد حقیقی انسان را در خود نداشت مثال این مورد می تواند منبع آبی باشد که از هر حیث درست ساختید و قابل اعتماد است اما مجاورت آن با ماده مسموم کننده که میکروب و آلودگی دارد را ندیده اید، اغلب مکاتب بشری از جمله مکاتب سرمایه داری غرب هم همین طور است. این طرف را دیده اند آن طرفی که انسانها را به کار و تلاش و پیشرفت و رشد مادی، ثروت و علم می کشانند. درست هم بوده است اما طرف دیگرش را ندیده اند که در این جامعه که آسمان خراشها وجود دارد و ثروت و تجملات هست، فقر و بیچارگی افراد زیادی از انسانها هم است، گرسنگی، ظلم و بدتر از همه فساد هم هست که به داخل خانه همه کسانی که از این وضع لذت می برند نفوذ می کند و زندگی را بر آنها تلخ خواهد کرد.^{۷۰}

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان سراسر کشور ۸۳/۷/۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سال جدید ۷۳/۱/۱

۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم و زائران حرم رضوی عید سعید فطر ۷۱/۱/۱۵

۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش آموزان و دانشجویان ۷۶/۸/۱۴

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و مسئولین سازمان عقیدتی - سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی سراسر کشور ۷۰/۱۱/۲

۶. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قم سالروز قیام ۵۱۹ ی ۶۸/۱۰/۱۹

۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۲/۲۶

در نظام های مادی آبادی وجود دارد قدر مطلق پیشرفت های مادی خوب است اما در مورد همان پیشرفتهای مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. تولید داخلی آنها ده برابر یک کشور دیگر است این دلیل نشد در برخورد های مادی هم عدالت نسبت همه گیر نیست چه برسد به برخورداری معنوی ، آرامش روانی ، توجه به خدا ، تقوا و پرهیزگاری ، پاکدامنی و طهارت ، گذشت و اغماض ، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نسبت و نسبت و نسبت و نسبت.^۱

در جامعه غرب هر چه پیشرفت بیشتر است ، دوری از صلاح ، انسانیت و عدالت بیشتر است و مخالفت مومن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه ی با خرافات و علمی کردن همه ی روابط اجتماعی نیست ، به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه دنیایی است اینها از پیشرفت علم به ثروت به منابع زیر زمینی و ... دست پیدا کردند و با همین علم حداکثر استفاده مشروع و نامشروع را بردند ، استعمار ، کشتارهای گوناگون جهانی نمودند اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت و علم ناظر فقط به دنیا و غمض عین از آخرت و نتیجه همین است.^۲ اگر خطوط معنوی و اخلاقی را در فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت بدانیم اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است .

چند نمونه از ناکامیهای مدل غربی

۱. شیوع خباثت و جنگ در ۱۵۰ سال اخیر .

۲. استعمار.

۳. فاشیسم جنایات هیتلر ، کمونیسم و اردوگاههای کار اجباری .

۴. لیبرالیسم (زندان ابوغریب ، گوانتانامو و شبیه آن در سراسر دنیا ، استعمار نوین و فرا نوین و طرحهای بلند پروازانه ، جاه طلبانه و ظالمانه نسبت به کشورها.

۵. ساخت بمبهای اتمی و شیمیایی که تجربه های ناموفقی هم برای غریبه ها و هم بشریت بوده است.

۶. نبود دموکراسی واقعی (اپوزیسیون به معنای واقعی در کشورهای پیشرفته غربی وجود ندارد) عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی نیست.^۳

۷. نبود آزادی واقعی (رسانه ها آزاد است اما متعلق به چه کسانی و رسانه ها و ناشران وابسته به دستگاههای سرمایه داری هستند).

۸. زوال عاطفه (مشکل اول : محرومیت خانواده ها از عاطفه و کار شبانه روزی مشکل دوم : عدم برنامه ریزی زمان برای وقت گذاری در بیرون از خانه).

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان سراسر کشور ۸۷/۷/۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و اساتید ۸۳/۳/۲۹

۳. بیانات مقام معظم رهبری دانشجویان و اساتید دانشگاه استان کرمان ۸۴/۲/۱۹

۹. بی عدالتی در نظام و کشورهایی که زندگی با ابزارهای پیشرفته و با علم مادی می گذرانند. آسایش زندگی متعلق به همه مردم نسبت گرسنگی، فقر، کمبود غذا، نداشتن سر پناه و مسکن، ناامنی حتی برای زندگی حیوانی فراوان است. تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمی تواند به همه انسانها بدهد.^۱

نقد رویکرد تقلیدی

به دنبال چه نوع توسعه ای هستیم؟ این نکته ی اساسی در بحث های اقتصادی و غیر اقتصادی جاری است کسانی هستند که حرفی را پرتاب می کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور کنند مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواردی، اعتقادات و ایمان این مردم یک مدل کاملاً بومی و منحصر به خود ملت ایران است، از هیچ جا نباید تقلید کرد. از تجربه ها و دانش ها استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کامل و بومی انتخاب کرد. نباید تقلید کرد، نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست، هر جا اقتضائی دارد.^۲ خطاست که ما راه تقلید شده، به منزل نرسیده ی غرب را دنبال کنیم، هیچ ننگمان نمی کند که علم را از غربی ها و اروپایی ها یاد بگیریم، ما ننگمان می کند که همیشه شاگرد بمانیم. روزی که غرب در دوره ی رنسانس علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد می خواستند بهشتی که ادیان به انسانها وعده می دهند، در دنیا برایشان بسازند این بهشت امروز به جهنم تبدیل شده خودشان هم این را می گویند.^۳ ایرادات جدا شدن دین تحریف شده مسیحیت که گالیله را محکوم به اعدام و دیگری را به شکنجه می کشد که لایق زندگی بشری نبود و پر از خرافات بود نیست. ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی ماست. علم و عقل را مطلق کردند و گفتند دین کنار برود و علم و عقل بیاید. حدود چهل، پنجاه سال است که در عقل هم دارند خدشه وارد می کنند با صدای بلند، محکومات عقلی را انکار می کنند و به نسبی گرایی و شکاکیت در همه اصول، اصول اخلاقی، عقلانی و حتی اصول علمی کشانده اند.^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) ۸۸/۲/۲۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۲/۲۷

۳. همان

۴. همان

روح خطر پذیری که انصافاً جزء خلیات و خصال خوب اروپائی هاست ، روح ابتکار و انضباط چیزهای بسیار لازمی است.^۱

برخی از نقاط مثبت فرهنگ غرب

دعوت به کار ، تلاش ، وقت شناسی و رعایت دقایق و ذره های سرمایه داری انسانی و نتیجه این فرهنگ این است که جامعه دارای ثروت و پیشرفت و علم و فناوری به وجود می آید همین جاذبه ها چشم آحاد مردم متفکر غرب را در دو سه قرن پیش که این افکار در آمریکا و اروپا مطرح بود گرفت و همه از این روش زندگی و از این مکتب و فرهنگ و مجموعه خوششان آمد و آن را پذیرفتند.^۲

باید در هر حال پیشرفت و تحول باشد ، راهش را پیدا کند ، چگونه تحول ایجاد خواهد شد ؟ ابزارش چیست ؟ ما چه کار باید کنیم ؟ شما باید چکار باید کنید ؟^۳

« سرعت پیشرفت علمی ما در طول این ده سال ، پانزده سال اخیر یازده برابر سرعتی است که دنیا داشته ؛ این خیلی چیز مهمی است . لکن این آن چیزی نیست که ما توقع داریم و دنبالش هستیم ؛ این خیلی کمتر از آن است . این سرعت بایستی با همین شدت ادامه داشته باشد تا ما به ترازو مورد نظر برسیم ؛ این در دانشگاه لازم است .»^۴

انواع رویکردها نسبت به پیشرفت در ایران

۱. وادادگان : با وجود موج آرمان گرایی در جوانان ما ، همه در برابر احساس آرمان گرایی یک طور نیستند و یک طور فکر نمی کنند ، بعضی ها دچار غفلتند ، دچار روزمرگی هستند سرشان گرم مسائل روزمره است و یادش نمی آید که آرمانی هم وجود دارد . یک دسته هم کسانی هستند که دغدغه دارند اما مأیوس و غمگین و افسرده اند . نگاهشان بدبینانه است لذا از خیر حیات طیبه می گذرند و غافل نیستند اما به دام و غفلت و روزمرگی می افتند بدبین و نگاه منفی دارند . اما چه فایده ای دارد ؟ نمی شود، فایده ای ندارد. در بعضی ها هم این احساس سطحی است ، در بعضی ها هم این احساس عمیق است و تغییر دادن آن مشکل است!ه

۲. مقلدان ؛ بعضی ها توسعه ، رشد و پیشرفت علم و میدان رقابت و آزاد اندیشی و امثال اینها را می خواهند اما راه آن را در تقلید مطلق از الگوهای غرب جستجو می کنند (ره چنان رو که رهروان رفتند). رهروان چه کسانی هستند ؟ فعلا اقلیتی در دنیای امروز از کشورهای غربی ، اروپائی و کشورهای پیشرفته دیگر.

۱.بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و اساتید کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

۲.بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه محرم ۱۳۷۵/۲/۲۶

۳.بیانات مقام معظم رهبری در هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاهها ۱۳۸۹/۴/۲

۵.بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاههای استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۶.همان

۳. خود باوران ؛ کسانی هستند که خویش را در خویش می جویند به قول شاعر :

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس خویش را در خویش پیدا کن کمال ، در این است و بس
اینها فکر می کنند که در مجموعه اندیشه و معرفت و دستورالعمل موجود در اختیار ملت ایران و یک جوان
آگاه و بیدار ایرانی به قدر کفایت برای رسیدن به آن الگو به شکل کامل راه وجود دارد . اینها هم کم نیستند.^۱

الزامات فرهنگ اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری (دام عزه)

- آرمان و ایمان به هدف ؛ سبک زندگی تابع هدف و تفسیر از زندگی است که باید ایمان داشته باشیم
(پایداری در اقتدار) .

- داشتن مکتب و ایدئولوژی هدایت کننده و اداره کننده حرکات عظیم اجتماعی است .
- پرهیز از تقلید از سبک و سلو ؛ زندگی در تمدن غربی و پرهیز هم زمان از سطحی گرایی و تحجر.
- استفاده از ابزار هنر که سلائق و ذائقه ها را عوض می کند (هنرهای نمایشی و سینما).
« پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است ، اما باطن آن « سبک زندگی مادی شهوت آلود ، گناه آفرین
هویت زدایی و ضد معنویت » است. و پرهیز از تقلید از سبک و سلو ؛ زندگی در تمدن غربی است. »
تحلیل بیانات مقام معظم رهبری از « ضرورت آسیب شناسی عدم پیشرفت در سبک زندگی » در دوران انقلاب
اسلامی و « ضرورت تبیین فرهنگ زندگی اسلامی » برای تحقق تمدن نوین اسلامی ، « پیشرفت همه جانبه »
به تمدن سازی نوین اسلامی تعریف شده و از آن به عنوان « هدف انقلاب اسلامی » نام برده می شود و ضمن
تأکید بر « چند بُعدی » بودن مفهوم پیشرفت در فرهنگ اسلام ، به ضرورت توجه به بحث « سبک زندگی
اسلامی - ایرانی » به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت پرداخته شده است.

معظم له با تفکیک بخش حقیقی و اصلی یا « نرم افزاری » تمدن از بخش « ابزاری » و « سخت افزاری » آن ،
به این نکته اساسی اشاره کرده اند که « کشور ما علی رغم پیشرفت در بخش سخت افزاری تمدن ، در
« سبک زندگی » به عنوان بخش نرم افزاری تمدن پیشرفت نداشته است و این آسیب ، موجب « عدم فلاح و عدم
امنیت روانی » انسان و جامعه خواهد شد که بر این اساس ، فهرستی از آسیب های سبک زندگی در جامعه امروز
ایران طرح شده است. »^۲

سپس در تحلیل فضای بیرونی کشور به این مهم توجه داده شده که نظام جمهوری اسلامی در شرایطی به
وجود آمده که تمدن غرب بر جهان حاکم است و این تمدن دارای فرهنگی است مهاجم که تمام دنیا از جمله
جمهوری اسلامی را مورد حمله خود قرار داده است. خداوند در قرآن هشدار می دهد :

﴿ كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ... ﴾^۳

« مثل شیطان که به انسان گفت کافر شو، پس زمانی که او کافر شد، شیطان به او گفت من از تو بیزارم. »

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاههای استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۲

۳. حشر / ۱۶

یکی از بخش های ما ، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی ، اقتصاد مقاومتی است ؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن خباثت دشمن ؛ دشمنانی که ما داریم به نظر من یکی از بخشهای مهمی که می تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند ، همین کار شماسست ، همین شرکت های دانش بنیان است ؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از موثرترین مولفه های اقتصاد مقاومتی است ؛ این را باید دنبال کرد.^۱

اما در مقابله با هجمه های فرهنگ تمدن غرب ، به جای برخورد از موضع «ضعف و انفعال» ، از موضع «قدرت» اعلام می شود که انقلاب اسلامی ایران، داعیه دار ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است و با «تمدن سازی» براساس «مکتب اسلام» نه تنها قادر است در مقابل هجمه فرهنگ غربی مقاومت کند ، بلکه قادر خواهد بود دیگر فرهنگ ها را به طرف خود جذب کند. از این رو ، تبیین و تحقق «فرهنگ زندگی اسلامی» بر اساس بُن مایه های «خردورزی ، اخلاق و حقوق» به امری ضروری مبدل می گردد که الزامات دستیابی به آن عبارتند از:

- ۱- «ایمان به مکتب اسلام»؛ به علت عدم امکان تمدن سازی بدون ایدئولوژی و مکتب.
- ۲- «کار پُرحجم و با کیفیت برای استنباط عقل عملی اسلامی از منابع» ؛ به علت غنی بودن منابع اسلام نسبت به انواع سلو ؛ فردی و روابط اجتماعی.
- ۳- «عدم تقلید از غرب»؛ به علت مهاجم و هویت زدا بودن فرهنگ غربی.
- ۴- «دوری از تحجر و سکولاریسم پنهان»؛ به عنوان آسیب های جدی نخبگان در دستیابی به فرهنگ زندگی اسلامی که یکی از بالاترین امتیازات این سبک زندگی رضایت الهی ، از آن می باشد به طوری که ، خداوند متعال خود مبلغ و مروج این الگو می باشند و بندگان خود را در آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب دعوت به پیروی از این نحوه از زندگی می نمایند.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می دارید و خدا را فراوان یاد می کنید ، شخص رسول الله

مقتدای پسندیده ای است.﴾

قرآن مجید برای تکمیل تعلیمات خود افرادی را بعنوان نمونه و الگو معرفی می کند تا چراغ راهی باشند فرا راه انسانهای طالب کمال مانند معرفی پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوه حسنه و معرفی حضرت یوسف و مریم در پاکدامنی ، اصحاب کهف در هجرت برای حفظ دین و... از جمله الگوهای قرآنی حضرت ابراهیم (ع) است که زندگیش سراسر درس بندگی و عبودیت خدا ، جهاد فی سبیل الله و عشق به ذات پا ؛ او بود و امت اسلامی از برکت دعای او ، مفتخر به نامگذاری از سوی او می باشند»^۲

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

۲. احزاب / ۲۱

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...﴾

﴿و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری بیازمود، پس او همه را به نحو کامل انجام داد

پروردگارش گفت: همانا من تو را برای مردم امام و پیشوا کردم. ابراهیم گفت: و از اولاد من چطور؟

گفت: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد﴾

روش مقام معظم رهبری در فهم مسائل استراتژیک از استقراء به استنتاج

از منظری که سبک زندگی و بررسی ابعاد و وجوه آن، حوزه بسیار تخصصی و حرفه ای در مطالعات فرهنگی به خود اختصاص می دهد، مقوله بسیار تعیین کننده و محوری در مطالعات و بررسی های کلان استراتژیک و طراحی چشم اندازهای یک فرهنگ نیز می باشد. اصولاً باید دانست حوزه مطالعات استراتژیک برخلاف بار لغوی آن که همواره نوعی نگاه کلان را مطرح می سازد، درحوزه فرهنگ تنها بر پایه مطالعات و بررسی های جزئی امکان پذیر است. به عبارتی در مطالعات و بررسی های راهبردی، از لحاظ متدولوژیک و روش شناختی، بایستی بر مبنای مشاهدات و تحلیل های جزئی، کوچک (و استقرایی) حرکت کرد تا به تحلیل و توصیف و تبیین کلان نزدیک شد و پس از آن به حوزه پیش بینی، آینده پژوهی و آینده نگری، که اساس مباحث راهبردی بر آن استوار است، نزدیک شد. بنابراین مجموعه توصیف های ریز و جزئی مبنای تحلیل های راهبردی محسوب می شوند و پس از آن متغیرهای کلان یا ساختاری را بایستی در این گونه بررسی ها وارد و اعمال نمود. چرا که واقعیت های موجود و پراکنده که امکان بررسی و سنجش تجربی و ملاحظه عینی داشته باشند می توانند پایه نتیجه گیری های کلان و راهبردهای آینده نگرانه باشد.

در واقع با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و ژرف اندیشی و تعمیق درباره مفهوم آن می توان از هنجارهای پنهان که در اذهان، باورها و رفتارهای مردم یک جامعه قابل مشاهده است، سردر آورد و از جهت گیری ها و الگوهای موجود، یا در حال شکل گیری آتی جامعه، به نحو واقع بینانه ای دست به تفسیر زد. از این روست که رهبر معظم انقلاب اسلامی در بحث سبک زندگی به مصادیق و سؤالات دقیق و جزئی و عینی و ریز شده اشاره فرمودند تا عنایت و چشم انداز را ترسیم نمایند. رهبر انقلاب با در ؛ دقیق و درست اندیشی که از واقعیات جامعه ایران دارند، مسیر استقراء جهت استنتاجات خود انتخاب نموده اند و این مسیری است که غرب را منفعل خواهد کرد که در ادامه اشاره خواهیم نمود .

اهمیت سبک زندگی

اینکه چرا باید به «سبک زندگی» اهمیت داد؟ یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه های زیستن - اینها عباره اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است ؛ این موضوع را می خواهیم مورد مباحثه قرار دهیم . ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان،

رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم.

خداوند می فرماید : ما انسان را با کرامت آفریدیم «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۱ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم ، برای زندگی راحت ، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی ، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است.

سبک زندگی بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی

« ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد ؛ این طور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است ؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد : یک بخش، بخش ابزاری است ؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از: « همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم علم ، اختراع ، صنعت ، سیاست ، اقتصاد ، اقتدار سیاسی و نظامی ، اعتبار بین‌المللی ، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است ؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است ؛ هم در زمینه‌ی سیاست ، هم در زمینه‌ی مسائل علمی ، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات و از این قبیل ، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری ، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها ، پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی ، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد ؛ که همان سبک زندگی است که بحث آن گذشت. این ، بخش حقیقی و اصلی تمدن است ؛ مثل مسئله‌ی خانواده ، سبک ازدواج ، نوع مسکن، نوع لباس ، الگوی مصرف ، نوع خورا ، ؛ نوع آشپزی ، تفریحات ، مسئله‌ی خط ، مسئله‌ی زبان ، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش ، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر ، رفتار ما با فرزند ، رفتار ما با رئیس ، رفتار ما با مرئوس ، رفتار ما با پلیس ، رفتار ما با مأمور دولت ، سفرهای ما ، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست ، رفتار ما با دشمن ، رفتار ما با بیگانه ؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است ، که متن زندگی انسان است.»^۲

از آن وقتی که اول ، مسئولان دولتی ، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره کننده ی علمی غرب ، مبهور شدند. بتدریج احساس کمبود ، احساس حقارت ، احساس خود کم بینی در این کشور و در میان ملت ما رواج شد. خوشبختانه انقلاب ، همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی برپایه دانش، هم موجب تقویت روحیه ، شخصیت

۱. اسراء / ۷۰

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳

و هویت ملی است، هم به خود استقلالی و خود اتکایی یک کشور، قدرت سیاسی می دهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که طبیعی است و وجود دارد.^۱

تحلیل و بررسی ضرورت، مقوله «سبک زندگی اسلامی - ایرانی»

درباره‌ی راهکار «تئوریزه کردن قوانین اسلام و کیفیت اداره» نیز به نظر می‌رسد، تکیه بر منابع الهی «بدون نرم‌افزار تحقق، چالش اسلامیت» حل نخواهد شد و براساس همین مهم است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی» را برای تحقق سبک زندگی ضروری دانسته‌اند. به نظر می‌رسد بررسی مسأله «سبک زندگی» در ارتباط با تمدن‌سازی و اشاره به چنین الزاماتی برای دستیابی به آن، نخبگان و اندیشمندان و اصحاب فکر و فرهنگ را مخاطب اصلی این سخنان قرار می‌دهد. چرا که تبیین فرهنگ و تمدن اسلامی و بومی‌سازی آن در اذهان و افکار عمومی به صورت هنری (تئاتر، فیلم، ادبیات و ...) و فرهنگ مکتوب به عهده نخبگان و اصحاب فکر و فرهنگ است.

بیان ضرورت، موضوع و هدف نسبت به «سبک زندگی»

شکی نیست که در ابتدای انقلاب اسلامی ایران، براساس تئوری ولایت فقیه - که توسط حضرت امام خمینی (قدس سره) به عنوان یک فقیه و مرجع جامع‌الشرایط ارائه شد - «فلسفه حکومت» به «پیاده کردن احکام اسلام» در زندگی آحاد مردم تعریف شده است.

حال که با این دغدغه، انقلاب اسلامی اقامه شده است و هرچه از عمر پربرکت آن می‌گذرد، ملاحظه می‌شود که احکام اسلام در زندگی اجتماعی مردم در حد انتظار ساری و جاری نشده است و کشور همچنان با مشکلاتی مانند ربا، اخلاق اجتماعی، قانون‌گریزی، عدم رعایت حقوق همدیگر، شهرسازی‌غریبی، فساد اقتصادی و ... مواجه می‌باشد، لذا در آسیب‌شناسی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (به‌عنوان پرچمدار ادبیات انقلاب و نظریه پرداز تمدن نوین اسلامی - ایرانی) به این مطلب اساسی اشاره می‌شود که جمهوری اسلامی در فضای تمدنی تنفس می‌کند که دارای فرهنگ «مخرب و مهاجم» است و برای برون‌رفت از این تهاجم تمدنی، ایجاد «تمدن نوین اسلامی - ایرانی» امری ضروری است.

با این توصیف، «ضرورت» و خلأیی که ادبیات انقلاب برای ورود به بحث «سبک زندگی» بیان می‌کند، «هجمه تمدن غرب» می‌باشد و «هدف» مورد نظر، «ایجاد تمدن نوین اسلامی» است و «موضوعی» که برای حرکت از این خلأ به سوی هدف بیان می‌نماید، در انجام کار پرحجم علمی و پژوهشی نسبت به منابع اسلام برای دستیابی به فرهنگ زندگی به‌عنوان لازمه تمدن اسلامی تعیین می‌یابد که در بیان مقام معظم رهبری به «استنباط برای دستیابی به عقل عملی اسلامی» تعبیر شده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

از این رو خداوند به پیامبر ﷺ می فرماید:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ﴾^۱

«دیده خود را (به رغبت و میل) به آنچه از نعمت های مادی به گروه هایی از آنان (ناسپاسان و کافران)

داده ایم باز مگشا ، اینها شکوفه های (زودگذر) زندگی دنیاست (که به آنها داده ایم) تا آنها را

(به وسیله آن) بیازماییم.»

یکی از عناصر ارزشمند موجود در زندگی پیامبر اسلام ﷺ هدف داشتن ایشان در زندگی مبارکشان (چه در عرصه فردی و چه در سایر عرصه های زندگی از جمله سیاسی و اجتماعی) می باشد. با اند ؛ توجه ای در زندگی مبار ؛ آن حضرت به راحتی می توان فهمید که رسیدن به رضایت الهی و عبادت و بندگی خداوند متعال از بالاترین هدفهای ارزشمند شان بوده است. داشتن هدف در زندگی در عصر کنونی یکی از حلقه های اصلی و گم شده در زندگی فردی و اجتماعی ما می باشد ، که با تمسک به این الگوی ارزشمند و الهی به این حلقه مهم و حیاتی در زندگی می توان دست یافت.

رنگ و طراوت در زندگی

یکی از چیزهای که به زندگی حضرت رسول اکرم ﷺ زیبایی خاص و دوچندان بخشیده ، رنگ و طراوت خاصی است که بر زندگی مبار ؛ ایشان حاکم بوده است . رنگ و طراوتی که اگر در هر کسی در زندگی وجود داشته باشد، سعادت دنیا و آخرت را برای او تضمین می کند.

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ﴾^۲

«رنگ خدایی (پذیریدارنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!»

و ما تنها او را عبادت می کنیم.»

رنگ خدایی یعنی اینکه انسان رفتارهای فردی و اجتماعی و سیاسی خود را به بالاترین درجه کمال برساند رنگ خدایی یعنی این خود را به کمال واقعی نزدیک کردن و متصف شدن به صفات الهی در عرصه ی فردی و اجتماعی شدن . رنگ خدایی یعنی این که هم رنگ خدا شدن در بخشیدن ، عطا و کرم و گذشت کردن . بر این اساس، برای برون رفت از وضع موجود ، «ساخت تمدن نوین اسلامی جایگزین عمل آحاد مکلفین به احکام اسلامی» می شود که البته با تحقق این هدف ، احکام اسلام نیز به صورت حکومتی و اجتماعی در جامعه جریان خواهد یافت. امروزه ادبیات انقلاب به دنبال نسبت بین «سبک زندگی» با «پیشرفت» برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است که این مهم ، ناظر بر برنامه ریزی های درازمدت و در گرو دستیابی به «مدل مفهومی اسلامی - ایرانی پیشرفت» است.

به هیچ وجه ما در بن بست نیستیم ؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه ی راه باز بدارد ،

۱. طه / ۱۲۱

۲. بقره / ۱۲۸

مواجه نیستیم ، چنین مشکلاتی وجود ندارد. بله ، مشکلات هست ، اما همه این مشکلات ، کوچکتر از تصمیم و اراده و هدف ها و آرمانهای این ملت و این کشور است. ما که در بستر نرم و راحتی نمی خواهیم بخوابیم و تکیه بزنیم و استراحت کنیم؛ نه ، خوب می دانیم ؛ اما این میدان ، یک میدان دشوار و در عین حال شوق آفرین است ؛ مثل میدان ورزش و مسابقات ورزشی. در میدان های مسابقات ورزشی خستگی هست. دلهره هست. اما شوق آفرین است.^۱

شیوه ی عمل کردن به سبک زندگی

سبک زندگی در جامعه هر چه جامع تر و عمیق تر باشد، سوق دادن افراد و جامعه به سوی آن نیاز به برنامه ریزی و زمان و دقت بیشتری نیاز است بنابراین نمی توان انتظار داشت با معرفی ساده سبک زندگی اسلامی از طریق گفتار و نوشتار، سبک زندگی افراد و جامعه اسلامی شود. بلکه برنامه ریزی های دراز مدت و همه جانبه لازم دارد تا به تدریج شبکه های درهم تنیده آموزشی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، روابط بین المللی ، رسانه های تبلیغاتی و ... را تحت تاثیر قرارداد. پیشنهاد می شود در برنامه های پنجساله توسعه ی کشور و در افق چشم انداز ترسیم شده و نیز برش برنامه ای استانها و همچنین در فرهنگ عمومی ، حوزه های علمیه ، برنامه درسی ملی وزارت آموزش و پرورش و تدوین کتب دانشگاهی ، رسانه های ملی و مطبوعاتی ، تبلیغات اسلامی این مباحث را تبیین نمود. البته باید معاصر سازی مبانی اعتقادی ، آموزه های دینی و ارزشهای ملی را منطبق با نیازهای فردی و اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی برنامه ریزی نمود یعنی چگونه ما مبانی و اصول و اهداف راهبردی موضوعات مداخله گر در سبک زندگی را می توانیم به صورت عملیاتی و اجرایی در آوریم که باید ساختار ، محتوا و بازخورد آن را به صورت هدفمند و نظام مدار مهارتی نمائیم یعنی مفاهیم هر یک از ابعاد فرهنگ ساز و برگرفته از تمدن نوین اسلامی را احصاء و مصادیق آن را در عرصه زندگی با توجه به مقتضیات زمان و نیاز به عنوان مهارت آموزش داد .

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«حقیقت ایمان بنده ای کامل نمی شود مگر اینکه در او سه خصلت وجود داشته باشد :

۱. شناخت واطلاعات و معرفت و آگاهی در راه زندگی. ۲. برنامه ریزی در زندگی. ۳. صبر و تحمل در

سختیها و ناملایمات.»^۲

در واقع امام رضا علیه السلام سه اصل اساسی برنامه ریزی را در عرصه زندگی مطرح فرمودند که صبر عبارتند از: اراده در اجرای برنامه که موانع بودجه ای یا غریم های اقتصادی ، تهدیدها نباید اجرای برنامه را به تأخیر بیندازد و نوعی خودباوری و مقاومت در برابر حوادث متحده را مطرح می نمایند.

۱.بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

۲. «لَا يَسْتَكْمِلُ حَقِيقَةَ إِيْمَانٍ عَبْدٌ إِلَّا فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ التَّقِيَّةُ فِي الدِّينِ وَ التَّقْدِيرُ فِي مَعْشِيَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا» عيون الرضا ،

فصل دوم



مدل مفهومی

مبانی و مفاهیم

نظری

سبک زندگی واژه Style در فرهنگ لغت به معنی سبک به کار رفته است. در هنر طرز بیان اندیشه هنر آفرین «سبک» نام گرفته است. ۱ سبک کل واحدی است که از اندیشه هنر آفرین و تصاویری که او برای بیان اندیشه خود از مواد، حسی می سازد، پدید می آید. واژه lifestyle به معنی سبک زندگی، روش های متفاوت زندگی را نشان می دهد. این اصطلاح همچنین می تواند مقایسه «شیوه های زندگی» کشف شده در میان گروه های متفاوت را در جامعه نشان دهد. اصطلاح سبک زندگی به معنای «طرز زندگی» نیز مفهوم سازی شده است. «طرز زندگی» معمولاً از طریق ارزش ها و «روش های مصرف» شناخته می شود که ناشی از تمایز فزاینده جوامع سرمایه داری پیشرفته است. ۲ از آنجایی که هر کنشگری برای پاسخ به نیازها و بیان خود، به کمک امکانات، راه و روش های موجود، از «اشیا» به شیوه خاصی استفاده می کند، انواع طرز رفتار، ترجیحات و جهت گیری های خاصی را در زندگی دارد، بنابراین سبک او با شخصیتش ارتباط می یابد. سبک زندگی در معنایی که امروزه استعمال می شود مفهومی مدرن و جدید است که حتی تا سه چهار دهه پیش از این چندان محلی از اعراب نداشت. این مفهوم نیز چونان دیگر مفاهیم مدرن در ذیل عالم مدرن و گفتمان تجدد قابلیت طرح و پدیداری و عرضه یافته اند و در عالم ماقبل مدرن چندان بدین نحو قابلیت امکان طرح نداشته است. در این جا ضروری است تا میان دو مفهوم «اسلوب» و «شیوه زندگی» ۳ و «سبک زندگی»؛ تمایز قائل شویم.

در واقع توضیح آنکه مسئله روش زندگی، مفهومی عام و کلی است که هر گونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می گیرد. حقیقت آن است که در هر یک از ادوار تاریخی بشر از گذشته تا به امروز با تحقق هر افق تاریخی، عالمی تاریخی در ذیل این افق محقق می گردد که در ذیل این عالم تاریخی، یک ابر پارادایم تحقق می یابد که از ترکیب این عالم جدید و ابرپارادایم آن صورت جدیدی از مدنیت (که در علوم اجتماعی غربی به آن صورت بندی اجتماعی^۴ می گویند) و جامعه در ذیل آن افق تاریخی پدیدار می گردد.

این ظهور عالم جدید خود ملازم پدیداری «انسان جدید» است در طراز عالم جدید که مبتنی بر صورت جدیدی از انسانیت، نزد آن عالم جدید است. در ذیل این صورت مدنی عالم تاریخی جدید، انسان «حضور» ی جدید می یابد که نسبتی جدید میان وی و «خلق» و «حق» و نیز هستی و طبیعت بر قرار می سازد که وجود و حضور خاص و متعین، او را در آن جامعه و صورت تمدنی برمی سازد. این نحوه حضور و وجود، در ذیل عالم

۱. آریان پور، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۰۳

۲. بابایی، ۱۳۸۴: ۱۵

3. way of life

4. life style

5. way of life.

6. social formation

تاریخی و صورت تمدنی جدید، خود ناظر بر ممیزها، مؤلفه های وجودی و ماهوی است که روش یا روش هایی از زندگی را ملازم با چنین نحوه حضوری پدید می آورند که همگی در ذیل همان ابر پارادایم تمدنی قرار می گیرند، که ملازم با انسان جدید، طراز عالم جدید نیز هست. مثلاً اگر نگاهی به یونان باستان داشته باشیم؛ در یونان باستان حداقل دو تمدن اسپارتی و آتنی داریم که در عین تفاوت، شباهت های فراوانی با هم دارند و تمام آنها در ذیل عالم تاریخی قرار می گیرند که عالم «یونان باستان» است. تفکر و تمدن یونانی نسبت جدیدی میان انسان با خلق و حق و هستی برقرار می ساخت که خود شکل دهنده، بودن آدمی نیز بود. این نحوه بودن با انسان طراز نو یونانی همگی یک مدل خاصی برای زندگی ایجاد می کرد که بسته به جامعه یا دولت شهر یونانی اعم از اسپارتی و یونانی، تفاوت های اندکی با هم داشتند. این اسلوب های زندگی در پارادایم و عالمی که به آن تعلق دارند، ریشه دارند. با ظهور اسلام در شبه جزیره و سپس با هجرت نبی مکرم اسلام ﷺ به یثرب و هویدا شدن افق تاریخی اسلام و پایه گذاری سنگ بنای صورت تمدنی اسلام به دست مبارک حضرت رسول ﷺ اگرچه بعدها این صورت تمدنی به دلیل حذف مقام امامت و ولایت حجت الهی از مسند حکومت حضرت رسول ﷺ از مسیر اصلی خارج شد که البته با تمسک به قرآن و عترت این میراث ارزشمند و ماندگار استمرار پیدا کرد اسلوب زندگی جدیدی مطابق با عالم اسلامی و ذیل اخلاق و احکام شریعت اسلامی رخ نمود.

هنگامی که عالم غربی مدرن نیز محقق شد طبیعی است که نمی توانست با الگو، مدل و نحوه زندگی غرب قرون وسطایی و یا تمدن های شرقی زندگی کند از این رو به تبع ظهور جدیدی که ایجاد شده، نحوه زندگی جدیدی پدید می آید. اگر توجه داشته باشیم هر دوره تاریخی که ظهور می کند به تعبیر دیگری می توان گفت انسان جدیدی و یا عالم جدیدی ظهور می کند. بنابراین وقتی عالم و آدم، متفاوت می شوند همه شئون زندگی هم متفاوت خواهد شد و وقتی همه شئون زندگی تغییر می کند از آن به تغییر در سبک زندگی و به قول غربی ها شیوه زندگی مطابق با این صورت تمدنی پدید می آید که از آن با عنوان life style تعبیر می شود و این یک پایه و اساس کلی است.

سبک زندگی و هویت^۲

سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می بخشد. این نظام واره هندسه^۳ کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می کند و هویت هایی متمایز می بخشد. سبک زندگی از این حیث، مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی وی است، که متضمن

-
1. Being
 2. Identity
 3. Geometry

فحوایی فلسفی نیز هست. این فحوای فلسفی همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود، آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می بخشد. این روایت را می توان در آداب و هیئت ترکیبی آنها و رفتارها و جلوه های ظاهری مورد بازخوانی و قرائت قرار داد. هم چون بسته ای بسته و پیوسته شامل: مصرف، معاشرت، پوشش، نوع بیان و حرف زدن، ادبیات محاوره ای، تفریح، اوقات فراغت، آرایش ظاهری، طرز خورا، معماری و شهرسازی، دکوراسیون منزل، آداب دینی و مناسک مذهبی - عبادی و... این ها همه جلوه های رفتاری راوی هویت و شخصیت ما در محیط زندگی و نشانه ای روشن از عقاید، باورها، ارزشها و علائق ماست که ترکیب آنها هویت شخصی و اجتماعی ما را می نمایند.

سبک زندگی و فرهنگ^۱

فرهنگ اساس و بنیان فکری، رفتاری و نگرشی جامعه را تشکیل می دهد و مانند روح در پیکر و جسم انسان است، شخصیت^۲ و هویت هر فرد و جامعه، فرهنگ آن است، فرهنگ اسلامی - ایرانی به این معناست که بن مایه های فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی از اسلام و قبل از اسلام، دیگر ایرانیان موحد بوده اند. باور به خداوند، اساس کار ماست. ما باید زندگی و جامعه خود را قرآنی کنیم و به اصالت اسلامی - ایرانی تأکید ورزیم تا احساس هویت کنیم و افتخار به مسلمانی و ایرانی بودن در دنیا نماییم.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۳

انقلاب اسلامی مبتنی بر فرهنگ اسلامی به ایرانی شکل گرفت و ماندگاری و جاودانگی فرهنگ اسلامی - ایرانی مبتنی بر فطرت و نیاز واقعی انسان ها بوده که لایتغیر است. فرهنگ باید همانند آبشاری از بالا به پایین همه را در بر گیرد.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ

الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴

﴿پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییر پذیر نیست این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند﴾

داشتن فرهنگ مستقل به به معنی ستیزه جویی و نفی ارزشهای فرهنگ دیگران نسبت به مفهوم استفاده صحیح از تعریف های فرهنگی و ظرفیت های موجود در فرهنگ است که به صورت منطقی از این سرمایه ی عظیم فرهنگی در تعاملات و گفتمان های مدنی و تمدن استفاده نماییم.

پس از انقلاب فرهنگ اسلامی در معادلات جهانی اثر گذار بوده که موضعگیریهای استکبار جهانی در چهار دهه

1. Culture

2. Character personality

۳. ﴿در حقیقت دین نزد خدا اسلام است﴾ آل عمران / ۱۹

۴. روم / ۳۰

اخیر بویژه زمینه سازی بیداری اسلامی در جهان اسلام و عدالت خواهی غرب در مقابل وال استریت ، بیانگر میزان تأثیر پذیری فرهنگ در غرب و شرق عالم بوده است. تولید قدرت ، پیشرفت ، عزت در داخل و خارج کشور از عظمت این فرهنگ است. یکی از غفلت‌ها این است که همواره سبک زندگی را در حداقل ببینیم و از بحث دوم آن که در مقیاس اجتماعی مطرح است، غافل باشیم. واحد مطالعه در این بخش جامعه است که از طریق دانش‌های اجتماعی پشتیبانی می‌شود نه علمی که واحد مطالعه آن فرد است.

تمدن جدید ، یک سری الگوهای اجتماعی که سبک زندگی را تشکیل می‌دهند، پیش روی ما نهاده است و این موضوع را همه جانبه و با توجه به سایر روابط اجتماعی مورد دقت و مطالعه قرار می‌دهد.

آنچه بحث اجتماعی و مبتلابه جامعه است الگوها و مدل‌های اجتماعی است که لایه‌های مختلف حیات را تنظیم می‌کنند. در این الگوهای اجتماعی، یک موضوع جامعه به صورت همه جانبه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود یک مدل جامع برای همه شرایط خاص طراحی شود.

غربی‌ها سبک و آداب زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهند و آن را در یک مدل جامع جانمایی می‌کنند. ما آنچه به عنوان یک مدل جامع ، تبیین کننده سبک زندگی در بخش‌های مختلف می‌شناسیم همان الگوی توسعه است. غربی‌ها برای طراحی سبک زندگی و الگوی توسعه از یک سلسله دانش‌های پشتیبان استفاده می‌کنند. استفاده از فنون ، مهارت‌ها و هنر باید همواره برای اشاعه سبک زندگی مورد نظر قرار گیرد و اگر قرار شد سبک زندگی اجتماعی تغییر یابد و الگوی رفتار اجتماعی ، اشتغال ، خورا ، مسکن ، پوشا ؛ و روابط اقشار تغییر کند ، باید یک سلسله دانش‌های پشتیبان، فنون و مهارت‌هایی در خدمت گرفته شوند تا از طریق آنها سبک زندگی تبدیل به فرهنگ شود.

سطح سوم الگوی پیشرفت یا سبک زندگی در مقیاس تکامل اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. غربی‌ها به سبک زندگی ، نه به عنوان یک پازل به هم پیوسته ، بلکه به عنوان یک پدیده در حال تحول نگاه می‌کنند و به تکامل سبک زندگی می‌اندیشند و برای تحول در آن برنامه‌ریزی می‌کنند. در جامعه جهانی ، یک سبک زندگی شناخته شده است ، این روش زندگی با ارتقای کارکرد به یک روش پیچیده‌تر، کامل‌تر و سودبخش‌تر تبدیل می‌شود. سبک زندگی غربی سبک نسبتاً نو و مبتنی بر یک ایدئولوژی است که از چند قرن گذشته در جامعه بشری شکل گرفته است.

غرب ایده‌هایی را به یک ایده محقق در جامعه تبدیل کرده و با ایجاد عقلانیت فلسفی برای این ایده‌ها، فلسفه‌های مدرنی را شکل داده و به دنبال آن دانش مدرن و انقلاب علمی و صنعتی اتفاق افتاده است؛ خودشان با صراحت می‌گویند که باید تلاش کنیم این ایدئولوژی جهانی شود و حتی تصریح می‌کنند برای جهانی کردن این ایدئولوژی از قدرت نظامی هم استفاده خواهیم کرد. سبک زندگی مدرن تجسد و تجسم یک ایدئولوژی است، غربی‌ها به دنبال لیبرالیزم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند و می‌خواهند ایدئولوژی غربی را که یک

ایدئولوژی اومانیستی - لیبرالیستی است در جهان گسترش دهند و رفتار اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی جوامع و نیز اخلاق ، تعلقات و تمایلات ملت‌ها را مبتنی بر ایدئولوژی مدرن ، مهندسی ، بازسازی و طراحی کنند. سبک زندگی را که غربی‌ها مدیریت می‌کنند قابل تأمل ، بسیار پیچیده ، عمیق و همه جانبه است. غربی‌ها دنبال آن هستند که پس از بازسازی رفتار اجتماعی و الگوهای اجتماعی ، تحول این الگوها را مدیریت کنند و آنچه را تحت عنوان سبک زندگی مدیریت می‌کنند در واقع بسط یک ایدئولوژی بوده و کل جریان تجدد نیز همین است.

نظام‌های سلطنتی و استبدادی وقتی به نظام‌های مشروطه و نظام‌های جمهوری مبتنی بر احزاب اجتماعی تبدیل شوند، این مسأله آزادی و حق رأی نیست؛ بلکه یک سبک سیاسی فراگیر نسبت به همه لایه‌های زندگی است و آنچه امروز به عنوان سبک زندگی موضوع دقت باید قرار گیرد ، الگوهای فراگیری است که همه شئون زندگی را تحت پوشش قرار می‌دهد ، اگر در مفهوم قرآنی سبک زندگی تأمل کنیم باید بگوییم آن ایدئولوژی فراگیری که اسلام برای بشر طراحی می‌کند چیست ؟ آیا زندگی که قرآن تعریف می‌کند همان زندگی است که در بحث‌های تجدد تعریف می‌شود یا زندگی دیگری است؟

در باره چاره حل تحولات ناخواسته در مورد تغییر سبک زندگی باید گفت چاره این است ، به جای این که بصورت منفعل در مورد مسایلی که ناگزیر از پذیرش آنها هستیم وارد شویم به آن به عنوان اقتضاهای زندگی نگاه کنیم و با در نظر گرفتن جوانب این الزامات را بپذیریم.

با اشاره به اینکه استفاده از اینترنت یکی از ضرورت‌های زندگی است اما نباید برخورد از نوع منفی و سلبی با آن داشته باشیم ، یکی از راهکارهای مناسب برای رسیدن به سبک زندگی مناسب برخورد اثباتی با پدیده‌ها است.

در مورد بروز رفتارهایی چون دروغ گویی، پرخاشگری و تغییر در پوشش ، در جامعه که مناسب با سبک ایرانی نیست تغییر در نوع پوشیدن لباس که ما را از فرهنگ اصیل ایرانی جدا کرده ، به این دلیل است که نتوانستیم مسایل دنیای جدید را به صورت تدبیر شده و در چارچوب ارزش‌ها به جوانان ، به عنوان کسانی که نوع گرا و به دنبال اطلاعات تازه است منتقل کنیم و با بدون پاسخ گذاشتن آنها هم اکنون شاهد تأثیر پذیری این قشر از دنیای بیرون هستیم . براساس تهاجم نرمی که اتفاق افتاده، سبک زندگی مبتنی بر ایدئولوژی مادی در جهان اسلام رو به فراگیر شدن است ، آنچه باید طراحی شود سبکی فراگیر نسبت به روابط خرد ، الگوهای کلان و تکامل سبک زندگی اجتماعی مبتنی بر اسلام است، نباید تنها پاسخ‌گوی این نظام جدید باشیم ، باید با سازکار جدید و رهبری ، سبک زندگی را مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی در مقیاس جامعه جهانی به عهده بگیریم. استفاده از ابزارهای پشتیبان مانند علوم مختلف و هنر، برای رسیدن به یک سبک زندگی اسلامی ضروری است و هیچگاه دانش مدرن، تکنولوژی مدرن و هنر مدرن در خدمت فرهنگ اسلام و ایدئولوژی اسلامی برای ایجاد یک سبک زندگی اسلامی قرار نمی‌گیرند، اگر به دنبال سبک زندگی اسلامی هستیم ، دانش‌های پشتیبان خود ،

فلسفه پشتیبان ، هنر پشتیبان و ساختارهای اجتماعی لازم را باید خودمان تولید کنیم و اگر می‌خواهیم الهام بگیریم باید در این مقیاس الهام گرفت و مسیر وصول به مراتبی از حیات طیبه را که سازگار با فطرت انسانی است طی نمود.^۱

اگر بخواهیم کتاب الهی را مبنای آداب و مناسک و سبک زندگی خودمان قرار دهیم باید آن را در همه عرصه‌های حیات و لایه‌های زندگی لحاظ کنیم و همه ساحت‌های زندگی، ساحت‌های قرآنی باشد، اگر همه ساحت‌های زندگی ما در بستر قرآن واقع شد جزو کسانی می‌شویم که کلمه ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي﴾^۲ را روش و پرورش خود در بستر توحید قرار داده‌اند.

تمدن غرب دارای ایدئولوژی پنهان و یک تمدن همه جانبه مبتنی بر ایدئولوژی مدرن و مادی است که همه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد، در نقطه مقابل این تمدن که می‌خواهد یک سبک ایجاد کند و همه در برابر کفر زندگی کنند باید سبکی را به وجود آوریم که همه در برابر توحید و در کلمه توحید زندگی کنند که سبک زندگی قرآنی ، سبک زندگی در محیط حیات طیبه و توحید است. اگر محیط ولایت ، حصن الهی است باید تمام زندگی ما در این محیط واقع شود، این سبک زندگی الهی است ؛ انوار توحید و هدایت الهی در بیوتی تجلی کرده که این بیوت، بیوت النبی و خانه‌های ولایت هستند ، اگر همه زندگی ما در این بیوت توحید واقع شد، تجارت ما هم توحید و ذکر است و هیچ چیز بوی دنیای بدون پیوند با آخرت را نمی‌دهد.

سبک زندگی اسلامی که از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تاکید قرار گرفته ، به معنی زندگی قرآنی است و اگر زندگی خود را بر مبنای قرآن قرار داده و تلاش کنیم که یک زندگی قرآنی داشته باشیم ، می‌توانیم به سبک زندگی که مورد تاکید مقام معظم رهبری است، دست پیدا کنیم.

بعضی اصول اصلی و بنیادین سبک زندگی با نیازهای فطرت انسانی مطابقت دارد و هرگز تحت تأثیر مقتضیات زمان و مکان تغییر و تبدیل و تحولی در آن راه نمی‌یابد ، مگر آنکه از حالت اعتدال و تعادل خارج شود و انسان از انسانیت بیرون رفته و خصوصیات موجودات پست تر از چارپایان در او شکل گرفته باشد چون از مدار انسانیت خارج شده است ، هیچ یک از نظام های اسلامی در او وجود ندارد تا مطابقتی میان وجود حقیقی

۱. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُخَوِّبَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ نحل / ۹۷

۲. حدیث سلسله الذهب ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا﴾

آمالی ، ص ۲۳۵-توحید ، ص ۲۵-کشف الغمه ، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۵

شخص ساقط شده ای با آموزه های عقلانی و وحیانی باشد.^۱

«از منظر قرآن سبک زندگی در سه سطح ناظر به رفتار شخصی، زندگی جامعه و تکامل اجتماعی، مورد بررسی قرار می گیرد. سبک زندگی خرد به شیوه‌هایی گفته می‌شود که به حدود زندگی شخصی انسان‌ها مرتبط است. در واقع مجموعه آدابی هستند که فرد در ارتباط با دیگران، در رفتار شخصی و در ارتباط با خداوند متعال باید رعایت کند، این بحث را در دو سطح دیگر هم می‌توان مطرح کرد که گاهی مغفول عنه واقع می‌شوند.»^۲

تمام قرآن و روایات و همچنین نهج‌البلاغه، سبک زندگی هستند، مقام معظم رهبری که فرمودند باید به سبک زندگی توجه داشته باشید، منظور اصلی معظم له از سبک زندگی همان سبک زندگی قرآنی و بهره‌گیری از قرآن در زندگی روزمره بوده است.

﴿ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ... ﴾^۳

﴿ آنچه نزد شما است، تمام می‌شود و آنچه نزد خدا است پایدار ﴾

هر یک از کلمات قرآن یک دانشگاهی است که جا دارد از تک تک این کلمات استفاده شود، این در حالی است که علاوه بر خود قرآن که هنوز در مهجوریت است؛ در بحث آموزش نیز باید یک تجدید نظر صورت گیرد در حال حاضر مهدهای قرآنی و مهدهای کود؛ و نیز مدارس قرآن و نهضت حفظ قرآن باید با توجه به گروه سنی و مصادیق آن مفاهیم که کاربرد زندگی دارد مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به موضوع سبک زندگی اسلامی و اهمیت توجه به آن و آسیب‌شناسی موضوع عقل معاش و الگوی مصرف، نیاز است با رجوع به منابع اسلامی به حوزه‌های مختلفی که اهمیت زیادی در سبک زندگی یک فرد مسلمان و به طور کلی یک انسان متعالی‌خواه و آزاده دارد توجه و تعمق کرده تا در حد وسعمان قدمی در این راستا برداریم.

باید به سبک زندگی اهمیت دهیم، اگر به معنویت و رستگاری معنوی، اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. این مسئله، مسئله اساسی و مهمی است؛ اینکه درباره زمینه سبک زندگی چه باید گفت؟ و چه می‌توان گفت؟

تقویت سبک زندگی اسلامی - ایرانی در دنیای امروز این ضرورت را ایجاب می‌کند که راه و روش این زندگی در دستور کار نخبگان حوزه و دانشگاه قرار گیرد و با توصیفی از وضع موجود، ضعف‌ها و اشکالات برای پیدا شدن یک راهکارها، تبیین و در اولویت کاری قرار گیرد.

از آنجایی که فرهنگ غرب به خاطر ابزارهای ارتباطی و رفت و آمدهای فراوان به کشورها، در جزییات زندگی ما نفوذ کرده و سبک زندگی ایرانی را در معرض آسیب قرار داده لذا چنانچه آسیب شناسی به موقع و دقیقی در

۱. اعراف/۱۷۹، فرقان/۴۴، بقره/۷۴، حدید/۱۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۳. نحل/۹۶.

این زمینه صورت نگیرد نخواهیم توانست به سبک زندگی اصیل اسلامی - ایرانی دست پیدا کنیم. مشخص کردن نقاط آسیب پذیر توسط افراد خبره و نخبه در جامعه و بررسی اشکالات در قسمت‌هایی که مروج سبک زندگی غربی به صورت ناخواسته یا خواسته شده و آداب و سنت‌های رفتاری و تعاملات انسانی را هدف قرار داده ، این تأکید را به وجود می‌آورد که باید بر اساس فرمایش‌های مقام معظم رهبری چاره جویی در مورد رفتارهای کنونی متناسب با نشاط و استعداد جوانان شکل گیرد. معظم له دیدار با جوانان نخبه ، اقدام و عمل آنها را همچون همیشه بسیار شیرین و الهام بخش و زمینه ساز ، در سیاست ها و برنامه ریزیها دانسته و تأکید فرمودند : « نخبگان جوان کشور، طراحان و مهندسان پیشرفت آینده کشور هستند »^۱.

حذف برخی از منازعات در سطح کلان و وانعکاس نیافتن آن در جامعه که می‌تواند باز خورد نامناسبی در افکار عمومی داشته باشد اولین گامی است که می‌تواند از سوی مسوولین به عنوان یکی از الگوهای مناسب در جامعه بروز نماید. بر این مبنا دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و توسعه تعلیم و تربیت نیز با توجه به نقش خود، وظیفه دارند با هنجارسازی ارزش‌های ایرانی ، فرهنگی را مطابق با سبک اسلامی - ایرانی جامعه فراگیر نمایند و این بیانات را در حد شعار و حرف باقی نگذارند.

در پی سخنان رهبر معظم انقلاب مبنی بر ارائه شیوه‌ای باعنوان سبک زندگی ایرانی برخی از دست اندرکاران امر فرهنگ و فرهنگ سازی و ورود به این میدان و در این بخش ، یکی از ضروریات اصلاح ناهنجاری‌های جامعه می‌توان عنوان کرد.

اگر بدون آنکه به لایه‌های زیرین سبک زندگی توجه کنیم و مستقیم به سراغ اصل آن برویم ، دچار تفسیرهای افراط و تفریطی می‌شویم. تحولات باید در جهان‌بینی باشد و پس از آن، خود راهش را در سبک زندگی باز می‌کند و براساس بیانات رهبری از مسوولان به عنوان الگوهای جامعه یاد کرد و از آنان خواست در رفتار و مسلک خود مروج سبک زندگی اسلامی - ایرانی باشند.

برای اصلاح سبک زندگی نباید به دنبال کل بنای فرهنگ برویم بلکه باید آجرهایش را دانه دانه اصلاح کنیم و چنانچه هر گوشه‌اش اصلاح شود کم کم همه چیزش اصلاح می‌شود.

ترویج فرهنگ سادگی و همین طور تقویت احساس ارزشمند بودن در افراد و هشدار نسبت به این که باید حواسمان باشد که اصلاح سبک زندگی به سمت شعاری شدن نرود ، لذا نخبگان کشور باید بر لزوم توجه به این بیانات دور هم جمع شوند و یک سبک را برای جامعه بسازند.

سبک زندگی مرتبط با مجموعه‌ای از عوامل تعیین کننده و نمایان که خود را در زندگی نشان می‌دهد که در اثر تحولات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در حد گریز ناپذیری تغییر می‌کند. اما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم در قرن ۲۱ و با تکنولوژی که به سمت جامعه آمده و فراگیر شده سبک زندگی انسان ایرانی مثل یک قرن گذشته باشد. اما مهم است که بدانیم در این تغییر و تحولات ناگزیر ، آیا خط سیر و روند تعریف شده‌ای برای ما

^۱بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان نخبه کشور ، ۱۳۹۲/۷/۱۷

وجود دارد؟ یا این که جامعه و فرهنگ ایرانی که با مجموعه مسایلی که زندگی روزمره را رقم می‌زند به دست جریان پر شتاب و قدرتمندی سپرده شده که به شکل فرهنگ، خود را به ما القا کرده و ما را با خودش می‌برد؟ «مجموعه مغز متفکر کشور و نظام به این نتیجه رسیده است که اگر گذراز دشواریها و خطرگاه ها و لغزشگاه ها به چند رکن نیاز داشته باشد قطعاً یکی از آنها پیشرفت علمی است.»^۱

دردنیای امروز مجبور به استفاده از اتومبیل، هواپیما و فناوری ارتباطاتی هستیم؛ سؤال اساسی اینجا است که آیا بهره‌مندی از این فن‌آوری‌ها به این معنا است؛ فرهنگی را که مربوط به مجموعه‌ای از بخش معنوی و ارزشی فرهنگ ما است از دست داده شود و همان فرهنگی که تکنولوژی را برای ما به همراه داشته است؟ قطعاً اگر با برنامه و تعریف مشخص از میزان استفاده از داده‌ها و پدیده‌های مدرن عمل نکنیم و پیش‌بینی دقیقی، برای سازگار کردن خود با پدیده‌های مدرن دنیای امروز نداشته باشیم هویت و فرهنگ دینی ناب خود را از دست خواهیم داد. در این عرصه اگر قرار است ورود پیدا کنیم، باید همه مراکز فرهنگی با هماهنگی به برنامه‌سازی بپردازند.

عرصه سینما و تلویزیون بیشترین نقش را می‌تواند داشته باشد. در این عرصه گرچه فیلم‌هایی ساخته شده، کافی نیست. «در تبیین اهداف کلان صدا و سیما به ارتقاء معرفت دینی روشن بینانه، ترویج رفتار دینی مخلصانه، ریشه‌دار کردن شناخت و باور مردم به ارزشها و مبانی اصیل انقلاب و نظام نیز مصونیت بخشیدن به ذهن جامعه در برابر تهاجم مخرب رسانه‌های بیگانه، ایجاد و تعمیق باور عمومی، به کارآمدی نظام، حفظ و تقویت همگرایی عمومی و همدلی و محبت و وحدت و آگاه‌سازی مردم در باره مقوله‌های حساس نظیر علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی و کار و ابتکار از اهداف کلانی است که صدا و سیما باید پیگیری کند. در تشریح وظایف صدا و سیما مسائلی نظیر انضباط اجتماعی، وجدان‌کاری، ادب اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، اعتماد به نفس، شجاعت فردی و ملی، زیبایی‌طلبی ظاهری و باطنی و حق‌طلبی و پرهیز از مصرف‌زدگی را در در همه برنامه‌های خود مدنظر داشته باشد و برنامه‌های مختلف باید یکدیگر را در ارائه پیام‌های صحیح تکمیل کنند و نظارت کیفی بر مراحل مختلف برنامه‌سازی و توجه به تأیید برنامه‌ها در مخاطبان به موازات تلاش برای افزایش مخاطبان وجود داشته باشد. سوءاستفاده‌های گسترده غرب از ابزار هنر و بویژه هنر‌های نمایشی سینما به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر هستند لذا آنها در پروژه‌های تعریف شده و با استفاده از جامعه‌شناسان و روانشناسان و مورخان نقاط ضعف ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند و با شناخت راه تسلط بر آنها ساخت فیلم‌های خاص را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند»^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان نخبه کشور، ۱۳۹۲/۷/۱۷

۲. همان

« انقلاب اسلامی دارای توانایی ، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن ممتاز ، متعالی ، برجسته و باشکوه اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان برپا سازد. رسانه های مکتوب و غیر مکتوب نیز وظایف خاص خود را دارند و در کنار آن نقش کتاب و آموزش در مدارس هم از دیگر مواردی است که می تواند به طور مستقیم بر روی فرزندان کشور تاثیر گذار باشد.»^۱

بهترین ارکانی که باید در فرهنگ سازی مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- نهاد خانواده.
 - ۲- نهاد تعلیم و تربیت .
 - ۳- نهاد های مردمی است که تأثیر پذیری تعاملی دارند.
- اصولا برای فرهنگ بیشتر از پانصد تعریف عرضه شده است که آنچه در عرصه حیات بشری با سنن ، آداب ، بینش ها ، دانش ها ، ارزشها ، رفتارها ، نگرش ها و باورها سروکار دارد فرهنگ نامیده می شود که حوزه بسیار وسیعی دارد و در گذر زمان این فرهنگها تبدیل به تمدن می شوند که ماندگار شده و هویت فرد و جامعه را تشکیل می دهد و تمدن اسلامی - ایرانی که در سبک زندگی باید الگوهای مناسبی عرضه نمود بوجود می آید که عبارتند از:

- ساماندهی فرهنگی و هماهنگی آن در ابعاد مختلف توسط دولت ها.
- وحدت رویه بین آموزش و پرورش و دستگاههای فرهنگی دیگر در درونی کردن ارزشهای فرهنگی برآمده از متن ملت.
- سرمایه گذاری و هزینه فرهنگی در جلوگیری از آسیب های اجتماعی و استفاده بهینه از ظرفیتهای فرهنگی جامعه مانند مساجد ، مراکز فرهنگی ، خانواده ، بویژه مادران و معلمان در تعلیم و تربیت .
- شکل دهی حیات طیبه دینی زندگی گوارا و دلنشینی برای افراد جامعه که شادابی ، نشاط ، انگیزه و امید به آینده در تبلور پاکی ، صداقت ، محبت و مهر ورزی عدالت محوری و ارتقاء کمال زمینه ی آفرینش حماسه را فراهم نماید.

فرهنگ یک معنای تنفسی در وحدت بخشی و تجميع قدرت و انرژی در جهت اهداف غایی ساحت های مختلف زندگی است که مصادیق آن در نهضت عاشورا ، قیام های متعدد در ادوار مختلف تاریخ تا انقلاب اسلامی و حماسه ی ۸ سال دفاع مقدس است که در واقع اندیشه ، باور و اعتقاد و فرهنگ اسلامی در یک جنگ نابرابر و اتحاد همه کفر و استکبار در مقابل حق توانستیم پیروز شویم و شعار « ما می توانیم» امام (ره) را محقق نماییم. البته اگر بتوانیم سبک زندگی که برگرفته از شیوه زندگی و متأثر از نگرش و بینش امام راحل ، رزمندگان ، ایشارگران ، آزادگان و شهدا بوده است و تبلوری از شهادت ، ایثار ، اخلاص و دفاع از ارزشها ،

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان نخبه کشور ، ۱۳۹۲/۷/۱۷

دستاوردهای انقلاب اسلامی و حفظ هویت و کیان ملی بوده است و آن فرهنگ ایثار و شهادت را ترویج نمائیم می توانیم گوشه هایی از سبک زندگی اسلامی را به تصویر بکشیم.

رسول خدا ﷺ می فرمایند:

﴿اغزُوا ثَوْرُثُوا أَبْنَاءَكُمْ مَجْدًا﴾

﴿بجنگید و برای فرزندانان مجد و عظمت به ارث بگذارید﴾^۱

تمایز میان شیوه ی زندگی با سبک زندگی

دانستیم که شیوه ی زندگی مفهومی است که در تمامی صورت های تمدنی گذشته و حال ، حضور داشته است حال آنکه مفهوم سبک زندگی مفهومی متأخر است و متعلق به حوزه نظریه پردازی علوم مدرن جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی است. شیوه ی زندگی ناظر بر بینش و منش توأمان زندگی است. بینش و منشی که مضاف بر ارزش گذاری درباره امور زندگی است اما سبک زندگی مسبوق به این بینش و روش است که بر پایه آن استوار می گردد. در واقع نسبت میان شیوه زندگی و سبک زندگی ، نسبت عموم و خصوص من وجه است. سبک زندگی از دل شیوه ی زندگی بیرون آمده و تولید می شود. سبک زندگی همان شیوه ی زندگی است هنگامی که در مدل ، فرم و صورت های خاص و ویژه ای بروز و متجسد و قالب بندی می شود. وقتی شیوه ی زندگی در مدلی خاص متعین شده و انضمامی می گردد و از ایده به تعین می رسد سبک زندگی متولد می شود. لذا شیوه ی زندگی چندان قالب بندی نشده است و در مرحله راه و روش مبتنی بر بینش خاص زندگی استوار است و البته اقتضائات خاص خود را دارد. از همین روست که هر شیوه ی زندگی می تواند ناظر بر چندین مدل و سبک زندگی باشد.

فضای مفهومی "سبک زندگی"

هر اصطلاح از اصطلاحات حوزه ی اجتماعی مانند سایر علوم در فضای مفهومی^۱ آن قابل در ؛ است. «سبک زندگی» نیز به عنوان یکی از اصطلاحات حوزه اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه ای از مفاهیم دارد ؛ مفاهیمی مانند : عینیت و ذهنیت ، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی ، صورت (شکل، فرمت، قالب و ظرف) و مظهر و محتوا، رفتار و معنا(نگرش، ارزش و هنجار)، اخلاق و ایدئولوژی، سنت و نوگرایی(تجدد) ، شخصیت و هویت (فردی و جمعی) ، وراثت و محیط، فردیت و عمومیت (تفرد و تعمیم) ، خلاقیت و بازتولید ، تولید و مصرف، طبقه و قشر(بندی) اجتماعی ، زیبایی شناسی(سلیقه) و نیاز ، مقبولیت و مشروعیت و قس علی هذا.

بدون شناخت این روابط متکثر و متنوع، در ؛ درستی از «سبک زندگی» و نظریه های مربوط به آن به دست نخواهد آمد. بدین لحاظ، هر محقق که می خواهد در این حوزه به مطالعه بپردازد، موظف به روشن کردن معنای

۱. آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، ج ۲، ص ۳۹۷

«سبک زندگی» است که آن را در نظر دارد؛ معنایی که حداقل رابطه «سبک زندگی» را با سایر پدیده ها و مفاهیم همجوار نشان می دهد. در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی نشانه های زیادی از این رمزگشایی و روشن کردن معنایی می یابیم. برای رهایی از تعقید و گره گشایی از مفهوم چند وجهی سبک زندگی مثال های ایشان رهنمود خوبی در تبیین مسائل است.

آیا واژه و مفهوم «سبک زندگی» اصطلاح دقیقی در حوزه اجتماعی است یا اصطلاحی خاص و ترکیبی از معنای دو واژه «زندگی» و «سبک» است؟

آیا این واژه دو کلمه ای، موصوف و صفت است یا مضاف و مضاف الیه؟ آیا یک ترکیب وصفی است یا یک ترکیب اضافی؟ آیا کسانی که از این ترکیب بهره برده اند، همگی معنای واحدی را از آن ارائه کرده اند؟ لازمه پاسخ به این سؤال، بحث واژه شناسی و ترمینولوژی سبک زندگی است در تبیین این مفهوم که شیوه زندگی یا سبک زیستن منعکس کننده ی گرایش ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش های یک فرد یا جامعه است و مجموعه ای از طرز تلقی ها، عادت ها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می سازند.

با عنایت به تعریف دقیق چند سال گذشته رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی از واژه «فرهنگ که آن را «باورها» و رفتارهای برخاسته از «باورها» تعریف نمودند مشخص می شود که چرا ایشان دو واژه فرهنگ و سبک زندگی را در کنار هم و استفاده می نمایند.

ضرورت عبرت پژوهی تاریخی و بررسی تاریخی مقوله "سبک زندگی"

در هم تنیدگی فلسفه با علم و تاریخ علم ایجاب می کند در تحلیل دقیق یک مقوله، تاریخ آن را کاوش نمائیم. بی شک مواجهه فرهنگ و جامعه ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی و مدرن، سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است و یک زندگی شبه مدرن را که بارقه هایی از سنت نیز در آن وجود دارد، برای جامعه ایرانی رقم زده است. با چند دقیقه نظاره و قدم زدن در محیطهای اجتماعی و شهری این هویت مونتاژی و میکسی و هلو انجیری را می توان مشاهده نمود.

از پایان دوره صفویه و مخصوصاً از دوران قاجاریه تا به امروز، مسأله مواجهه با عالمی جدید و ساحتی نوین به نام غرب و مدرنیته، کم کم در ایران رخ نموده است غالباً این مواجهه چند جانبه بوده است. اما در هر دوره وجهی از آن بر وجوه دیگر غلبه داشته است؛ این مواجهه ابتدا به صورت سلطه جغرافیایی محدود بود. مانند حضور پرتغالی ها در جنوب ایران. پس از قوت صفویه، این مواجهه، به عرصه کلام قدم می گذارد و این مسیونرهای مسیحی هستند که حامل پیام غرب نوین و اروپای متجدد در ایران هستند. اولین مدارس جدید را همین مسیونرها بنا می کنند. (به ویژه در دوره قاجار) پس از این، از دوران پس از صفویه تا استقرار قاجار و حتی تا زمانه تحریم تنباکو، مواجهه ما بیشتر شکل اقتصادی استعماری دارد.

جنگ های ایران و روس و حضور استعماری انگلیس در ایران و منطقه، سخن از مواجهه نظامی را مطرح ساخت. از اواسط دوره قاجار غرب و غرب زدگی و مواجهه ما با این پدیده، شکلی جدید به خود گرفت. این نحوه مواجهه جدید، در حوزه اندیشه و تفکر و علم و فرهنگ بوده و غرب زدگی گسترده فرهنگی و علمی را پدیدار کرد. بدین سبب طبقه روشنفکران غیر دینی و فراماسونرها در این دوره آن هم تحت نظارت و حمایت و هدایت انگلیس و روسیه و بعدها آمریکا شکل گرفت و براساس این شیوه مواجهه است که کم کم سبک زندگی ایرانی دستخوش تغییرات می شود؛ تغییراتی که هرچه زمان برایش جلوتر می رفت، سرعت این تغییرات نیز سریع تر می شد و واکنش آگاهان، روشنفکران دینی، خواص سیاسی و علما را باعث می گشت.

این در حالی بود که سبک زندگی سنتی - دینی با مایه ها و جوهره شیعی و گرایشات اهل بیتی مردم ایران از استحکام دیرینه و با پشتوانه ای عمیق و دقیق برخوردار بود و جامعه ایرانی را به چاره واداشت که چگونه، نه این را وانهد و نه آن را رد نماید. پرسشی که هنوز در دوران گذر از آن زمان هنوز در پی پاسخ به آن هستیم و به سؤال «چه باید کرد؟» در برابر هجوم اندیشه غربی صدها پاسخ داده شده است. هر چند همگان متفقند جوهره شیعی و اسلامی مردم و جوانان ایران اسلامی لیبرالیزه نمی شود؛ اما سبک زندگی در صد سال اخیر دچار تحولات عمیق و ریشه داری شده است و همواره مسأله تماس، برخورد، پذیرش، طرد، مقابله و یا همزیستی میان فرهنگ سنتی اسلامی - ایرانی و ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته به معنای دقیق کلمه است، مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری فرهنگی جامعه قرار دارد. این مسأله برای آگاهان و خواص، آشکار، و برای عموم مردم، مسأله رایج و مبتلاهی است که عامه مردم نسبت به آن تا کنون غفلت معرفتی را ترجیح داده اند و رهبر معظم انقلاب اسلامی اخیراً اهتمام ویژه ای به غفلت زدائی در این ساحت نموده اند.

خدا و یاد او اکسیژن وجود انسان است و عامل خشم شیطان. چطور قدرت های شیطانی می خواهند جای خدا حکومت کنند؟

﴿اَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ﴾^۱

«شیطان بر آنها چیره شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است»

سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن غرب فرهنگی و فلسفی با تفکری که در آن انسان می خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر شود و می بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد، پدید آمد، چنین است. غرب آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای انسان رقم بزند. امثال نیچه، هایدگر، هانری کربن، رنه گنون، شوان و فوکو ساتر، هرکدام به نحوی به این تعارض ها اشاره داشته اند.

فصل سوم



آسیب شناسی

سبک زندگی

از نگاه مقام عظمای ولایت

با توجه به نو بودن بحث "سبک زندگی" در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، مقام معظم رهبری در سفر خود به استان خراسان شمالی، سخنان خود را با نوعی آسیب شناسی عینی ادامه دادند و به طرح سؤالات متعدد پرداختند. سؤالات در نوع خود مهم، حساس، و تأمل بر انگیز است! چرا باید وضعیت فرهنگی جامعه اسلامی ایران به جایی برسد که شخص اول کشور اینگونه دردمندانه و آن هم در ملاء عام به مباحثی از این دست بپردازد؟ چرا باید معظم له به طرح مشکلات و آسیبها سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و ... در این سطح و با این گستردگی بپردازند؟ قطعاً مخاطب این سخنان هم مردم هستند و هم مسئولین. اما کجای کار ایراد دارد؟ چه کسی باید پاسخگوی این معمای بزرگی که در پیشگاه مردم مطرح شده باشد؟ آیا از این عریانتر هم می‌توان سخن گفت؟ نهادهای علمی و تحقیقاتی، مراجع فکری و فرهنگی، حوزه و دانشگاه، صدا و سیما، نهادهای نظارتی، آموزش و پرورش، مساجد و هیأت مذهبی، احزاب و گروهها، موسسات پژوهشی و تحقیقاتی، نویسندگان، خبرنگاران، سینما، مطبوعات و ... کجای این کشتی بزرگ جامعه ایرانی دچار آسیب شده که ناخدای و فرمانده کشتی اینگونه در قالب سوال به طرح معضلات نهادینه شده در بین مردم و مسئولین می‌پردازند؟ چه کسی مسئول است؟ به نظر می‌رسد همه مقصر هستند، هر کس به نوعی.

اما باید پرسید تا کی باید بارسنگین این رنج و الم و سوز را مقام معظم رهبری به تنهایی بر دوش بکشند؟ آیا این هشدارهای نگران کننده حاکی از این نیست که شدت آسیب و آلودگی‌های تزریق شده از بیرون و درون به بدنه جامعه آرام آرام کشور را به سوی انحطاط اخلاقی و فرهنگی می‌برد؟ باید پرسید مشکلاتی این چینی چرا باید حداقل از چشم مسئولین دور مانده باشد؟ عجیب است آمارهایی که از طرف نهادهای مسئول (غالباً) ارائه می‌شود حداقل باید برای خود آنان این دغدغه را ایجاد کند که چه باید کرد؟ آنها باید قبلاً برای خود و زیر مجموعه خود این مسئله را طرح می‌کردند که وظیفه خطیر ما به عنوان بخشی از بدنه فرهنگی جامعه چیست؟ نکنند باز هم عده‌ای منتظرند تا از طرف مقام معظم رهبری دستوری صادر شود تا اگر وقت کردند و حوصله داشتند نیم نگاهی هم به آن بیاندازند! یا شاید هم تبدیل‌اش کنند به کاری شعاری و تبلیغاتی و ویتروینی، متأسفانه سستی و رخوت عجیبی که نسبت به آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی وجود دارد رهبری را بر آن داشته تا در یک اجتماع مردمی اینچنین از سر درد نهیب بزنند تا شاید عده‌ای از غفلت بیدار شوند و به خود آیند و فکری به حال جامعه بکنند.

دهها سؤال و مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می‌پذیرد. حضرت امام خامنه‌ای، پس از تبیین اهمیت عینی «سبک و فرهنگ زندگی»، به مبانی کارگشای این مبحث از منظر اسلام پرداختند و تأکید کردند که «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق» را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید بطور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه

پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت و گرنه باز هم مکر دشمنان ، این بار در عرصه جنگ نرم فرهنگی و اخلاقی این نظام مقدس را به زانو در خواهد آورد.

تعریف لغوی

- سبک
- روش
- سیره
- متد
- نمود سبک زندگی
- نوعی رفتار مبتنی بر باورها
- سیستم و نظام واره زندگی فردی و اجتماعی
- نمایش هویت افراد با وجه تمایز آنها
- رفتارهای آگاهانه و یا نیمه آگاهانه و فلسفه حیات
- روش های نظام مند در حوزه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در رابطه با مصرف که از

ویژگیهای آن :

- مستمر و مداوم است .
- تاثیر پذیر و قابل تغییر است .
- اکثراً اختیاری است .

هدف سبک زندگی

- روان تر بودن فعالیت های امور زندگی (افزایش بهره گیری از امکانات).
- در تعامل با دیگر انسان ها (آرامش و حرکت قاعده مند) .
- جنبه های مختلف زندگی را همگرا ، همساز و هویت و تمایز را به نمایش می گذارد .
- استفاده از عمر، امکانات، تعاملات ، نعمت ها و ظرفیت های فردی، اجتماعی و طبیعی.

چیستی سبک زندگی

- واقعیت های موجود (لایه ی سطحی)
- هنجارها ، باورها و ارزش ها (لایه ی زیرین) ترویج باورها و ارزش ها به عهده آموزش و پرورش ، دانشگاه ها ، حوزه ها و دانشمندان است .

شاخص های مهم سبک زندگی

- تامین نیاز و تقسیم بندی آن و نسبت نیاز با مصرف .
- رسیدن به آسایش .
- رسیدن به آرامش .
- رسیدن به خوشبختی و سعادت.
- رسیدن به امنیت اجتماعی .
- رسیدن به اخلاق.

سبک کنونی زندگی و مقایسه آن با گذشته

- رابطه متعادل نیاز با مصرف در مقایسه با گذشته .
- نیازهای واقعی و نیازهای کاذب در عرصه حیات بشری .
- تناسب پیشرفت گذشته و حال با آسایش و آرامش .
- تناسب بینش ها و نگرشهای گذشته و حال در تحول زندگی.
- رعایت احترام و کرامت افراد با رفاه ، آسایش و آرامش.

حوزه های سبک زندگی

۱. حوزه ی علم ، تولید و صنعت

در حوزه تربیت ، در گذشته آموزش معطوف به نیازهای واقعی بود آیا امروز طبیعی و واقعی است درس خواندن برای رسیدن به آسایش و رفاه ، مدر ؛ برای رفاه، پست و... آیا منتج به آرامش و خوشبختی می شود ؟ آیا پیشرفت واقعی بدون پیشرفت علمی و فناوری امکان پذیر است ؟ آیا علم ، تولید و صنعت درون زا و متکی به استعدادهای درونی می باشد ؟ تا حرکت ، جهش و و رشد علمی از درون ، زمینه ساز وزانت ، اعتبار ، ارزش و ابهت کشور و ملت شود.

۲. حوزه رسانه ها

تاکید به مطالعه کتاب در گذشته و فرهنگ شفاهی مدام گوش کردن به رادیو، دیدن تلویزیون ، کار با کامپیوتر و مجموعه اطلاعات و کثرت آن فرصت گزینی و تعقل را نمی دهد. آیا وحدت رویه در رسانه ها جهت تنویر افکار و ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی وجود دارد؟ آیا محتوای رسانه ها با توجه به نوع وظایف و عملکرد به صورت هدفمندار و نظام مند ، هدایت فکری جامعه را در راستای اهداف انقلاب اسلامی و شناخت تمدن نوین اسلامی به عهده دارند؟

۳. حوزه ازدواج و تشکیل خانواده

سن بالای ازدواج برای درس خواندن و رسیدن به امکانات، افزایش آمار طلاق، از هم گسیختگی نظام حیات خانواده و ... عدم رعایت کفوئیت و هم شانی، عدم انطباق توقع و انتظارات فی مابین با واقعیت موجود، عدم تعادل احساسات و عواطف با تعقل و آینده نگری، عدم شناخت فلسفه ی نظام حیات خانواده و ... ترویج و تقویت فرهنگ ازدواج اسلامی، برگزاری ازدواج آسان، نقش مشاوره در قبل از ازدواج، اهمیت امنیت روحی و روانی در کانون خانواده، آگاهی از شیوه های تربیت نسل در محیط خانواده و ... از جمله مباحثی هستند که در این حوزه بررسی می شوند.

۴. در حوزه سیاست

بررسی سبک زندگی سیاستمداران و احزاب، قول و تعهد دادن، دروغ گفتن، دشمنی با رقبا پس از پیروزی، ظرفیت پذیرش انتقاد سازنده، بداخلاقی های تعاملات سیاسی، خودپنداریهای نادرست از ضوابط و قوانین، قضاوت ارزشی بدون مستندات و اطلاعات دقیق و عدم استفاده از خرد جمعی در تحقق برنامه و ... از جمله مسائلی است که سبک زندگی را با چالش و نگرش های منفی مواجهه می نماید. تدبیر در کنش ها و واکنش ها، موضعگیریهای عقلانی در رفتارهای فردی، اجتماعی و بین المللی، رعایت عزت، حکمت و مصلحت در همه عرصه ها بویژه تعاملات بین المللی، بالا بردن ظرفیتهای انتقاد پذیری، ترجیح منافع ملی و فرا ملی بر شخصی و حزبی، رعایت عدالت و انصاف در گفتمان ها و رعایت شایسته سالاری دینی در عزل و نصب ها ...

۵. در حوزه کار و اقتصادی

بحث سبک زندگی در حوزه اقتصاد را از جوانب مختلفی که مربوط به رفتارهای اقتصادی زندگی ماست می توان بررسی کرد. مثلاً معروف ترین آن که بیشتر به آن پرداخته می شود بحث مصرف است. شاید قدیمی ترین نگاهی که در حوزه سبک زندگی اقتصادی و اساساً معنای سبک زندگی در ادبیات اقتصادی وارد شده از حوزه مصرف باشد که اوایل قرن بیستم «وبلن» این عبارت را مطرح کرد و سبک زندگی را در مصرف و بیشتر هم سبک زندگی تجملی که منظورش بود ترویج داد.

نگاهی که «وبلن» داشت این بود که برخی از زمان ها مصارفی را انجام می دهیم که لزوماً رفع نیازی نیست بلکه یک مصرف تجملی است؛ به عنوان مثال فکر می کنم شمع سر سفره را مثال می زند که وقتی یک خانواده متوسطی شمع، سر سفره شان روشن می کنند این مصرف با هدف رفع نیاز نیست چون نور هست، هدفشان این است که خودشان را شبیه خانواده های تجملی نشان دهند.

در حوزه مصرف و سبک زندگی اقتصاد، فراوان می توان در مورد آن بحث کرد. مثلاً مصارفی که از روی چشم و هم چشمی ها انجام می شود، اگرچه خیلی نیاز اقتصادی شدیدی وجود نداشته باشد؛ یا همین بحث تجملی یا بحث مد و تبلیغات که در این حوزه خیلی اثر دارد و کلاً سبک زندگی ما را در حوزه مصرف تعریف می کند. در ادبیات دینی ما هم بحث هایی مثل حرمت اسراف و تبذیر و غیره که داریم می توان در همین فضا در مورد آن ها بحث کرد و نگاه دین را در این عرصه مدنظر قرار داد. ترویج قداست و ارزش کار به صورت فرهنگ عمومی، کسب روزی حلال، ارتباط مهارت و تخصص با اشتغال، اصل قناعت و صرفه جویی در عرصه زندگی، هدایت سرمایه گذاری به سوی تولید که ارزش افزوده مثبت بویژه مورد بهره وری عمومی قرار بگیرد. هدایت سرمایه های کوچک و بزرگ به سوی تقویت تولید که زمینه اشتغال را فراهم می سازد. مدیریت صحیح بر منابع و داشته های فردی و اجتماعی، بهره گیری از دانشگاه ها، موسسات پژوهشی و نخبگان در جهت تولید علم و تبدیل آن به ثروت.

۶. در حوزه اجتماع

جوامع دارای ارزش ها، نگرش ها و عادت های متفاوت و نسبتاً پایداری هستند که این عادات ثابت و غیرقابل تغییر نیستند. در حالی که ارزش ها و نگرش های سنتی میان نسل های پیشین جوامع رواج دارد، نسلهای جدیدتر دارای ارزشهای متفاوتی هستند.

با جانشین شدن نسل های جوان تر به جای افراد نسلهای گذشته، جهان بینی متداول در جوامع دگرگون می شود. در ایران نیز گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه های اجتماعی، گسترش مکانهای هم حضوری زنان و مردان و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی سبب تغییر در ارزش ها و نگرش های ایرانیان شده است و از این رو ارزش های فرهنگی ایرانیان یا در حال شکل گیری و یا در حال بازتولیداند. در این میان، جوانان بیشتر در معرض تاثیرپذیری از جریانهای تغییر هستند و با توجه به مقتضیات ویژه ای این دوره، آمادگی بیشتری برای همراه شدن و پذیرفتن هنجارها و ارزشها و نگرش های جدید و متفاوت از نسل های پیشین را دارند.

۷. در حوزه هنر

عرضه ی مبانی نظری و مفاهیم مطروحه در سبک زندگی در قالب های هنری اعم از تئاتر، فیلم، پویانمایی، اشعار حماسی، سرود دسته جمعی، نقاشی و ... می تواند تاثیر پایداری در زندگی داشته باشد. البته به گونه ای که تعارضات رفتاری در معرفی سبک زندگی در فرهنگ سازی های مختلف وجود نداشته باشد.

سبک زندگی مطلوب

در طول تاریخ برای همه انسان‌ها این سؤال مطرح بوده است که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می‌کند؟ و در واقع هدف انسان از زندگی و در زندگی چه باید باشد؟ آفریدگار این نظام هستی، جهان و انسان را با چه هدفی آفرید؟ هدف خلقت جهان و انسان چیست؟ باید توجه داشت، منظور از سؤال یاد شده این نیست که بدانیم غایت این آفرینش چیست، بلکه منظور بررسی هدف و کمال انسان می‌باشد. به دیگر سخن، ماهیت انسان چیست؟ تا بررسی گردد سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان چه می‌باشد. یکی از آموزه‌های مشترک همه ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، به عمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می‌دهد.^۱

برخی دیگر از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد.^۲ از سوی دیگر، در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی‌ها و آثار آن چه می‌باشد و رسیدن به آن، ممکن است. غایت آموزه‌های دینی، رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» می‌باشد. از این رو، مبدأ نظام آفرینش را به گونه‌های مختلف بیان کرده و نیز مبدأ آفرینش خود انسان و پایان زندگی دنیوی او را ترسیم نموده و دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی را بیان کرده و ویژگی‌ها و آثار هر دو را به شکل واضح آشکار می‌سازد.

﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ نَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ*مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۳

﴿پیمان خدا را به بهای ناچیزی نفروشید. زیرا آنچه نزد خدا است - اگر بدانید - قطعاً برای شما بهتر است. آنچه نزد شما است، تمام می‌شود آنچه نزد خدا است پایدار و قطعاً کسانی را که صبوری و شکیبایی ورزیدند، به بهتر از آنچه عمل می‌کردند، پاداش خواهیم داد. هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد﴾

بین انسان و پروردگار جهانیان، عهد و پیمانی است که پاسداشت آن، درهای معنوی را می‌گشاید و آدمی را به «حیات طیبه» و سبک زندگی نوین رهنمون می‌سازد، تا او را به بارگاه رحمت الهی و جهان «عبودیت»

۱. سوره عصر، آیه ۲؛ احزاب، ۷۲؛ ابراهیم، ۳۴؛ علق، ۶؛ معارج، ۱۹ و ۲۰؛ اسراء، ۱۱ و ۶۷ و ۱۰۰؛ حج، ۶۶؛ شوری، ۴۸؛ زخرف، ۱۵.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۲ و ۳؛ انفال، ۲۵؛ ابراهیم، ۴۲؛ اعراف، ۹۴ و ۹۵.

۳. نحل / ۹۵ - ۹۷

برساند. جهانی که پایدار و همیشگی است و زندگی سالم و شادمان و برخوردار از آن زندگی، هرگز تباہ نمی‌شود. راه یافتن به جهان «عندالله» و «حیات طیبه»، پاداش صبر و بردباری مؤمنان است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و به بهای ناچیز آن را نفروخته‌اند و به جهت بهتر عمل کردن، به سود بی‌نظیر و غیر قابل وصف، دست می‌یابند، این نتیجه و پاداش بهتر از عمل آدمی که به سبب عمل صالح مشروط به ایمان، نصیب زن و مرد می‌شود، «حیات طیبه» است. زندگی پا ؛ از هرگونه نابودی و کمبودی و ناکامی و بیم و اندوه از جمله ویژگی‌های این سبک زندگی است. در برابر سبک زندگی سالم اسلامی، زندگی فرومایگی، زیر نفوذ شیطان وجود دارد و آن، برای کسانی است که فرمانبر شیطان هستند.

برخی از ویژگی‌های سبک زندگی مطلوب

- خودی باشد از متن فرهنگ و تمدن خودی باشد (الگوهای بیگانه مبتنی بر فرهنگ بیگانه است).
- از گذشته خود بهره بگیریم (توجه به گنجینه‌های تاریخی و تمدنی و معاصر سازی آن) به طوری که در گذشته خود متوقف نشویم.
- استفاده از عقل و علم در برآوردن نیازها، تا تولید به آفت نیاز کاذب مبتلا نشود.
- جهت دینی و شریعت اسلام داشته باشد. (منبعث از تعالیم پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام باشد) اینک حقیقت را بشناسیم و در تحقق آن پایدار باشیم و باطل را بشناسیم و با آن مبارزه نمائیم.

عوامل تاثیرگذار در سبک زندگی

- اجباری (طبیعت، جغرافیا، سن و ...)
- انتخابی (شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک، اینترنت، ماهواره) که نیاز کاذب ایجاد می‌کنند.
- پایین آمدن سن آرایش، خودنمایی و جلوه‌گری در نوجوانان و احساس نیاز به آرایش و جلوه‌گری
- نگرشها و باورها.
- فرهنگ خودی و وارداتی.
- رسانه‌ها.
- توحید.
- عقلانیت.
- کرامت انسانی و تکریم شخصیت.
- استقلال.
- آزادگی.
- شکوفائی فطرت انسانی.

اصول حاکم بر سبک زندگی اسلامی ایرانی

- عبودیت.
- پویایی در جامعه .
- قناعت.
- وحدت .
- بصیرت.
- حفظ خرده فرهنگ ها.
- اقتصاد مقاومتی.
- صداقت و راستگویی.
- فطرت.

استلزامات اجرایی سبک زندگی

منابع انسانی (مربیان، مشاوران، معلمان ، مدیران، دانش آموزان و تشکلات دانش آموزی ، انجمن اولیاء و مربیان ، دستگاه های ذیربط فرهنگی) فرهنگ سازی نهاد خانواده ، سازمان ارتباطات اسلامی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، دفتر تبلیغات اسلامی ، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری ، پژوهشگاه های کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، نهاد ائمه جمعه کشور ، حوزه علمیه ، مساجد ، کانون های فرهنگی ، فرهنگ مطالعه ، کتابخانه های عمومی و اختصاصی ، جامعه شناسی و مردم شناسی ، موسسات علمی پژوهشی و ...

فضاهای موردنیاز (مدارس و انواع آن ، کانون ها ، سالن های ورزشی ، استخر ، اردوگاه ها ، مراکز رفاهی آموزشی ، سازمان دانش آموزی ، مدارس قرآنی و تربیت بدنی ، کتابخانه ها ، مراکز شبانه روزی، مدارس خاص (سمپاد ، استثنایی ، شاهد ، نمونه دولتی و....) دارالقرآن ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، نمازخانه ها ، سالن های اجتماعات و

تجهیزات و امکانات (فناوری اطلاعات و هوشمندسازی ، تجهیزات ورزشی ، کتابخانه ها و رسانه های آموزشی و پرورشی) در دستگاه های دولتی ، شرکت های عمومی غیردولتی و موسسات و شرکت های خصوصی. تکنولوژی آموزشی ، رسانه های ملی ، مطبوعات، کتب درسی، کنفرانس ، همایش، گروه های آموزشی تلفیقی ، وسایل کمک آموزشی ، راهیان نور، زائران نور ، گردش های علمی و رسانه های سایبری .

فصل چهارم



مطالبات مقام عظمای ولایت

در بررسی مسأله سبک زندگی

در سفر به استان خراسان رضوی

چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟

کار جمعی عبارت است از : عملیاتی و اجرایی نمودن تصمیمات ، طرح‌ها و اقداماتی که نیاز به خردجمعی و فعالیتهای گروهی دارد.

خداوند در سوره مائده می فرماید: ﴿ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ﴾ یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته جمعی باشد.^۱

اگر چه در قرآن ، کتاب آسمانی ما ، سیره و روش زندگی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و روحیه تعاون و همکاری آنها همواره مورد تأکید قرار گرفته و حتی استمرار زندگی اقوام گذشته و امرار معاش آنها جز به روش کار جمعی میسر نبوده است ؛ لیکن نحوه شکل گرفتن شخصیت افراد در خانواده ، اجتماع و مدرسه ، در محیط کار و کارفرما و در جامعه ، قوانین حکومتی و ... است که می تواند روحیه تعاون ، خود باوری و ایثار را در افراد تقویت نموده و کارهای بزرگی به سرانجام برساند.

فردی عمل کردن و داشتن روحیه فردگرایی^۲ برخلاف تصور برخی اصلاً موضوع مثبتی نیست بلکه جنبه ای منفی دارد. در واقع چون انجام فعالیت های گروهی نیاز به فعالیت و هم فکری و همکاری گروهی دارد فردگرایی در آن آسیب و آفت تلقی می شود. بنابراین شاید از نقد شدن می ترسیم که به فعالیت جمعی تن نمی دهیم. در نظام اعتقادی ما همان گونه که مصالح و منافع ملی و جمعی مقدم بر مصالح و منافع جمعی است ، در کارهای گروهی و تقسیم مسئولیت نقش اساسی دارد. خداوند در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾

﴿خداوند سرنوشت هیچ گروهی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خودشان بخواهند﴾

شاید هم هنوز در ؛ نکرده ایم که "يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ"^۳ و یا از ابتدا یادمان داده اند که باید به تنهایی موفق باشی و از همه جلو بزنی تا جایزه بگیری و پیشرفت کنی! چون فردگرایی در فرایند فعالیت های زندگی از پیشرفت تحصیلی تا اشتغال بیشتر از فعالیت های جمعی تبلیغ شده است. باید فرهنگ کار جمعی که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته ، در جامعه ترویج شود.

۱. مائده / ۲

۲. ﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ﴾ آل عمران / ۱۰۳

3. Individul

۴. فتح / ۱۱

هر فعالیتی، اگر با مشارکت انجام شود اثر بخشی آن چندین برابر کاری است که به تنهایی انجام شده است. از فعالیت در یک تولیدی پوشا؛ گرفته تا تولید یک قطعه سخت افزاری و... با ایده های نو و جدید و متنوع، چنانچه کار از زاویه های مختلف دیده شده و نتایج بهتری خواهد داشت. گاهی هراس از نپذیرفتن مسئولیت، عدم همکاری یکی از افراد گروه در نیمه های راه فعالیت جمعی، عامل مهمی است که جوانان را به کار فردی سوق می دهد. البته مشارکت های اجتماعی و تبلور آن در عرصه حیات بشری از مصادیق نگرش و تفکر کار جمعی است.

گاهی اوقات ممکن است فردی توانایی ها و استعداد هایش کمتر از گروهی باشد که با آنها همکاری می کند. از این جهت که توانایی کمتری دارد و قادر به رقابت با آنها نیست سعی می کند برای جبران خلأ خود به نوعی مانع از حرکت بقیه شود. قطعاً این یک حرکت مخرب است و چاره ای جز حذف وی وجود ندارد. البته در شرایطی که واقعاً راه حل دیگری نباشد.

فرهنگ سازی، سنگ بنای کار جمعی است، اگر بر اساس غایت و هدف برنامه ریزی شده باشد و نتایج منتج از فعالیت های جمعی محقق شود، حلاوت کار جمعی در کام افراد باقی می ماند و زمینه معاضدت را فراهم می سازد.

وقتی افراد، قصد انجام کاری دارند باید کنار هم و با هم کار کنند و این احتیاج به مدارای بیشتری است. البته افراد باید به یک سطح رشد شناختی و عاطفی رسیده باشند تا بتوانند خود را به جای دیگران قرار دهند و از دیدگاه دیگران موضوع را بررسی کنند. این احتیاج به رشد یافتگی دارد و البته پیش از آن فرهنگ سازی و تربیت و آداب آن در نهاد خانواده از ضروریات است.

اگر در سازمان ها اتاق فکری وجود داشته باشد و افراد مختلف فکرهايشان را روی هم بریزند و از همه کارشناسان نظرخواهی شود بیشتر افراد، به کار جمعی و تضارب آرا سوق داده می شوند. البته در این صورت ظرفیت پذیرش انتقاد سازنده و تحمل استماع نکات ضعیف بیشتر خواهد شد و با این روش می توان به یک تفکر انتقادی که خود، لازمه ارتقاء فردی و اجتماعی است دست یافت.

اگر از دید مدیریتی نگاه کنیم فردیت و فردگرایی ها کم نیست حتی در سطوح کلان. در سازمان های مختلف می بینیم که یک نفر تصمیم می گیرد و آن ایده و فکر به بدنه سازمان تزریق می شود البته آثار بیرونی آن هم بعداً مشاهده می شود. بنابراین رسانه ها می توانند به این موضوعات جهت مثبتی داده و به فعالیت های گروهی تشویق کنند. از نگاه مدیریتی اگر به صورت فرایندمدار و سیستمی باشد همین مفهوم استفاده از تجارب و کار با دیگران را محقق می سازد که مدیر باید داشته ها و منابع انسانی، مادی و تجهیزات را شناسایی و در استفاده ی بهینه از آن اقدام نماید.

در مورد سوء تدبیر در مدیریت پیامبر ﷺ می فرمایند:

﴿إِنِّي مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ﴾^۱

﴿نگرانی من بر امتم از ناحیه ی فقر نیست (فقر دردی است که علاجش دشوار نیست) نگرانی من

از ناحیه ی سوء تدبیر در مدیریت (قلت میزان منطق و استدلال) است﴾.

یکی از اساسی ترین رکن مدیریت ، داشتن ادرا ؛ کلی از کار ، اهداف و برنامه های غایی به ویژه استفاده از مشارکت ، ظرفیت ها تجارب و خرد جمعی است که باید از کودکان آغاز کنیم ، و هم چنین جلب توجه جوانان به کار جمعی می تواند آثار بزرگی برجای بگذارد.

به طور مثال خلاقیت در بازی های رباتیک و مشابه آن نشان دهنده این است که چند نفر به صورت مشتر ؛ و طی یک همکاری خلاقه و اثربخش توانسته اند قدم های بزرگی را بردارند و آن را در بعضی زمینه ها به خط تولید برسانند.

درحالی که یکی از این افراد اگر به تنهایی می خواست کاری انجام دهد قطعاً زمان بیشتری می برد و هم اشکالات زیادی می توانست به آن وارد شود. اما تصور کنید یک فکر می خواست این چیزها را تولید کند . قطعاً موفق نمی شد. البته امروز کار گروهی در مدارس و دانشگاه ها و حتی کودکانستان ها از گروه سرود، تئاتر، تحقیقات گرفته تا جشنواره های جابربن حیان، خوارزمی و المپیادهای علمی و تولید علم در هنرستان های فنی و حرفه ای و دانشگاه ها ادامه دارد پژوهش سراها و پار ؛ های فناوری اطلاعات و آزمایشگاه ها و کارگاه ها و کتابخانه ها و فعالیت های گروهی و تدریس علمی و تولیدی و ... از مصادیق آن است.

کلید اصلی این مهم در نظام آموزش و پرورش است که از زمان کودکی و نوجوانی باید آغاز شود. برای تقویت تفکر کار جمعی باید بسیج شد و باید نظام آموزشی و پرورشی دست به کار شود ، در سال های بعد از انقلاب به واسطه جنگ و تبعات آن بسته های حمایتی ارائه شد و این باعث شد که مردم راحت این امکانات را تصاحب کنند مثل حمایت از مشاغل خانگی و حمایت از صنایع کوچک و اعطای وام به تعاونی ها. البته فرهنگ کار و تولید هم مهم است. با زیر سؤال رفتن بخشی از هویت ملی ، روحیه کار جمعی هم کمرنگ می شود. افرادی که برای مدرسه و محل و شهر و کشور خود ارزش قائل باشند به دنبال تحقق اهداف و آرمان خود می گردند هرگز به منافع آنی و زودگذر توجه نمی کنند.

الگوهای موجود در جامعه ، رفتارهای اجتماعی ، تقسیم امکانات برای برخی فعالیت های تولیدی همه مبین این است که کار فردی مناسب تر است. بزرگان و نخبگان جامعه دارای وجهه محلی و قومی اند و از کار جمعی بهره مندند ؛ اما منافع کار دسته جمعی تقسیم نمی شود و بسیاری از گروه های موفق جامعه معرفی نمی شوند بلکه صرفاً افرادی موفق هستند که مورد تشویق واقع می شوند.

اما فرهنگ جنگ و دفاع مقدس روحیه فعالیت دسته جمعی را بین رزمندگان تشویق می کرد ولی بعد از

جنگ در بطن و صحن جامعه نشو و نما نیافت و همیاری ها و از خودگذشتگی ها و اقدامات تخصصی بالا با اند ؛ امکانات در جامعه به عنوان الگوهای موفق مطرح نشد و آن مجد و عظمتی که دفاع مقدس و فرهنگ ایثار ، دفاع و شهادت خلق کرد برای نسل معاصر به عنوان ارزش ، درونی نشد.

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^۱

﴿آنان از جان مایه های خود ایثار کردند و جانشان از بخل و حسد دنیا پا ؛ است﴾

رسول خدا ﷺ نیز اشاره فرمودند.^۲ حماسه ی فرهنگ ایثار ، دفاع و شهادت با تأسی از حماسه جاودانه عاشورا و هشت سال دفاع مقدس زمینه ساز حماسه های دفاعی سیاسی و اقتصادی در کشور شده است که امروز از شیر ی شیرین آن استفاده می شود.

﴿مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ

لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۳

﴿و مومنان را وظیفه است که بسوی جهاد کوچ کنند، پس چرا از هر گروهی از آنان، که طایفه ای کوچ

نمی کنند تادر دین آگاهی یابند و چون باز گشتند قوم خود را انداز کنند شاید آنها از معاصی بر حذر باشند﴾

خلاصه اینکه روحیه کار جمعی در جامعه شکل نگرفت و امروز برخی فعالیت های جهادی توسط دانشجویان یا فعالیت های عام المنفعه مثل بسیج سازندگی در روستاها و مناطق محروم توسط خیرین صورت می گیرد بدون این که تبلیغ شود و به قول برخی جامعه شناسان یا تقدیس بیش از حد در روحیه کار جمعی بوده و یا باندهای خلافاکاری که زنجیره ای و دسته جمعی به اقدامات فساد و خارج از عرف و اخلاق پرداخته اند بزرگ نمایی شده پس رویه و الگوی موفق به جامعه معرفی نشده است. البته در چند سال اخیر پیشرفت های علمی و دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی نباید نادیده گرفته شود که حاصل خرد جمعی و داشتن برنامه هدفمند ، نظام مند و غایت مدار بوده است.

خداوند در قرآن می فرماید :

﴿وَلَا يَتُوبُونَ مُوْطِنًا يَعِظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ﴾^۴

﴿هیچ حرکت دسته جمعی که کفار را عصبانی کند صورت نمی گیرد مگر اینکه برای آن، پاداش عمل

صالح ثبت می شود﴾

۱. حشر / ۹

۲. «إغزوا، تورثوا، ابناکم مجدا.» «جنگید و برای فرزندانان مجد و عظمت بیافرینید» وسایل الشیعه، باب ۵۲، ص ۳۵۸

۳. توبه / ۱۲۲

۴. توبه / ۱۲۰

پس تا رسیدن به کار جمعی و روحیه جمعی هم به لحاظ فرهنگی و برنامه ریزی های اقتصادی ، اجتماعی راه طولانی در پیش داریم. تحریم ها و جنگ منشا دستیابی به پیشرفت های اقتصادی و سیاسی بود و علی رغم تحریم های طولانی و پرداخت هزینه های گزاف آن در جامعه هرگز خسته و مأیوس نشده و همبستگی گروهی را برای راه انداختن چرخ جامعه استفاده کنیم .

قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست

کارگروه های تخصصی شامل گروه های آموزشی ، پرورشی ، شورای تحقیقات ، کمیسیون تحقیقات و پژوهش ؛ همکاری های برون سازمانی و مشاوره در جامعه باید تقویت شود البته با عنایت به اینکه از کارهای موازی پرهیز شود.

گروه های دانش آموزی شامل پروژه های تحقیقات ، جشنواره ی جابربن حیان ، جشنواره خوارزمی ، کارگروه های علمی و عملی ، تقویت و توسعه ی پارکهای علمی فناوری ، ساماندهی سیاستگزاری های امور ورزشی ، ایجاد فرصت به سازمانهای دولتی رسمی و غیررسمی کارگروه های بین سازمانی در اهداف مشترک ؛ و نیز توجه به نظام پیشنهادها و ایجاد بستر خلاقیتها و ثبت معنوی ابداعات می تواند زمینه کارجمعی را تقویت نماید.

راهکارها :

- کارگروه های تخصصی ورزشی .
- کارگروه های آزمایشگاهی ، کارگاهی و جمع آوری اطلاعات .
- مشارکت در تشکلات دانشجویی و دانش آموزی ، اتحادیه انجمن های اسلامی ، شوراهای دانش آموزی، مجلس دانش آموزی و
- مشاوره گروهی در مورد آموزش ازدواج برای پایه سوم راهنمایی تا چهارم نظری دختران و سال چهارم دبیرستان پسران تا پایان دانشگاه طرح موضوعات آموزش خانواده .
- مشاوره خانواده و آموزش مربوط به آن.
- گردشهای زیارتی، علمی و سیاحتی و اردوهای مربوط به آن (زائرین ائمه و راهیان نور، حج دانش آموزان و دانشجویی)
- بسیج علمی ، دفاعی موسسات، صنوف، دانشگاهیان ، دانشجویان ، فرهنگیان و دانش آموزان و بسیج امر به معروف و نهی از منکر برای آنان .
- کارگروهی خیرین و آثار مرتبط با آن .
- مشارکت اولیاء و مربیان در ارتقا آموزشی و پرورشی .
- تشکیل بانک استعداد یابی دانش آموزان و طبقه بندی کردن آن و نیز دانشجویان و جوانان.

- تشکیل بانک اطلاعات از والدین و ظرفیت های علمی ، معنوی و مادی آنان و ساماندهی به اقتضای ظرفیتها و استعدادهای آنان .
- ساماندهی کارگروهی دانش آموزان باتوجه به همسایگی و هم محلی بودن و تقویت ارتباط همسایگی (تقویت فرهنگ محله)
- اقدام برای محقق نمودن مفاهیم مربوط به مشارکت، کارجمعی و خرد جمعی به صورت مصادیق در کلیه نهادها و دستگاه های دولتی ، شرکت های عمومی غیردولتی و خصوصی اعم از صنوف ، کارخانه ها باتوجه به قوانین بالادستی، برنامه توسعه پنجم و تغییر رفتار و نگرش نسبت به محقق نمودن آن .(مفاهیمی که در حوزه هر دستگاه ، شرکت و صنوف وجود دارد احصاء . و مصادیق مربوط به آن مفاهیم طبقه بندی و سپس به صورت رفتار و تغییر رفتار عملیاتی و اجرایی شود که در این بحث بیشتر تاکید بر حوزه نظام تعلیم و تربیت به ویژه آموزش و پرورش بوده است).

عوامل طلاق در کشور و ارائه هر گونه راه حلی برای پیش‌گیری و مقابله با مسئله طلاق، نیازمند بررسی ریشه‌ای و دقیق عوامل جامعه‌شناختی آن است که به اختصار به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. طبق آمار موجود در مجتمع‌های قضایی خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق در کشور، ناشی از معضل شوم اعتیاد و عواقب ناشی از آن - از قبیل بیکاری، فقر، اختلافات خانوادگی و... - است.

معضلات اقتصادی و اجتماعی از قبیل بیکاری و عدم اشتغال، سطح پایین درآمدها، مشکل مسکن و امکانات رفاهی و... از عوامل مهمی است که زمینه‌های طلاق و جدایی را فراهم می‌آورد. البته از هم گسیختگی نهاد خانواده هم باید مورد توجه قرار گیرد که شاید منجر به طلاق نشود اما آثار رفتاری و تربیتی مترتب بر آن بسیار اثرگذار است.

تغییر ارزش‌های حاکم بر جامعه پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و ناهنجاری‌های متعدد گردید و این توسعه، نتایجی از قبیل تغییر ارزش‌های اجتماعی را در پی داشت؛ از سنت به سوی مدرن، از ساده‌زیستی به تجمل، از کمک و یاری و ایثار و گذشت برای جامعه و حتی خانواده به سودجویی فردی، از ارزش قناعت به ارزش ثروت، از انسجام به فردگرایی و از ارزش دین و خدا به ارزش پول و دنیا. که یکی از عواقب شوم تغییر ارزش‌ها، سست شدن بنیاد و کانون خانواده و گسترش طلاق است.

هجوم شوم فرهنگی افسار گسیخته و سراپا مبتذل و بی بندوباری غرب، تمامی ارکان جامعه از جمله خانواده را مورد تهدید قرار داده است. فرهنگ غرب - که ریشه در فردگرایی و اصالت لذت و... دارد - انحطاط اخلاق و فروپاشی کانون خانواده را برای سایر جوامع نیز به ارمغان آورده است. چون اخلاق در فرهنگ غرب نسبی است و به همین معنا ارزش‌ها و خوب و بد در تمامی نگرش‌های آنان ثبات مفهومی و مصداقی ندارد و به همین معنا موضع‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنان همواره سست و بی پایه و براساس منافع آنان می‌باشد. همین نگاه در حقوق بشر، دفاع از حقوق مظلومان و حق طلبان وجود دارد که جهت تحقق اهداف استکباری یا خودشان و یا بوسیله‌ای خود در داخل کشورها همه هستی و سرمایه‌های مادی و معنوی جوامع را به تاراج ببرند و از ریختن خون هزاران انسان بی گناه و استفاده از تحریم ظالمانه جنگ و بمب و شیمیایی هیچ ابائی ندارند.

پس زمانی که مشکلات و معضلات اقتصادی، بیشتر خانواده‌ها را در فشار قرار داده باشد و از طرف دیگر، ارزش‌های اسلامی و تعهدات اخلاقی - از قبیل ایمان، توکل، قناعت، صبر و احساس مسئولیت نسبت به اعضای خانواده - نیز در اثر تغییر ارزش‌های حاکم بر جامعه و تهاجم فرهنگی دگرگون شده باشد، جامعه نیز با سست شدن ارکان خانواده و بروز از هم گسیختگی خانواده و طلاق مواجه می‌شود.

تحقق کامل عدالت اجتماعی و حلّ نیازهای اساسی جامعه از نظر اقتصادی ، حقوقی ، فرهنگی ، اجتماعی و بالاخره ایجاد و گسترش مراکز مشاوره برای حل مشکلات و اختلافات خانوادگی و برخی اقدامات دیگر در مجتمع‌های قضایی خانواده، برای پیشگیری از جدایی خانواده‌ها قابل توجه است. امید می‌رود با حل عوامل طلاق - که در منابع اسلامی به عنوان مبعوض‌ترین حلال خداوند نام برده شده و آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی بر جامعه دارد - به هیچ وجه شاهد چنین معضلی در جامعه اسلامی نباشیم.

علل و آسیب‌های وقوع در زمینه از هم گسیختگی و طلاق

- توقعات و انتظارات رویایی بدون در نظر گرفتن وضعیت موجود و توانمندی‌های زوجین .

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِسَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمُ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا ءَاتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱

﴿مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند! (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خورا ؛ و را به طور شایسته در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد. هیچ کس موظف به بیشتر از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک ؛ را دارد، و نه پدر بر وارث او نیز ل لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید) و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر! و مشورت ، بخواهند کودک ؛ را (زودتر) از شیر بازگیرند ، گناهی بر آنها! نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید ، گناهی بر شما نیست؟! به شرط این حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا ، به آنچه انجام می‌دهید دانا است﴾

- شتابزدگی و غالب بودن عواطف و احساسات بر تعقل و آینده‌نگری در ازدواج.

قرآن، در آیه ۱۸ سوره مبارکه « زمر » بندگان خدا را کسانی می‌داند که سخن را گوش دهند و از بهترین سخن پیروی کنند. بنابراین تصمیمات عجولانه چندان ارزشی ندارد.^۲

- نداشتن برنامه‌های هدفمند در تشکیل نظام حیات خانواده .

۱. بقره / ۲۳۳

۲. ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند :

﴿بِمَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ، يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي﴾. ۱

﴿هر جوانی که درس کم ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد که: وای بر من، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من، مصون نگه داشت. پس بنده باید برای حفظ یک سوم باقی مانده دینش تقوای الهی پیشه سازد﴾

- عدم انعطاف پذیری در تصمیمات و خواسته های فی مابین .
- عدم وجود مشاوره قبل از ازدواج و آموزش مورد نیاز.
- عدم پایبندی به تعهدات فی مابین در حین زندگی.

در سوره مبارکه مؤمنون آیه ۸ و سوره مبارکه معارج آیه ۳۳، صفات مؤمنان را می فرماید از جمله پایبندی به تعهدات زندگیشان و وفادار بودن به همسرشان اشاره می نماید. در سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۷ نیز کسی را نیکوکار می داند که به عهد خود وفادار بماند و در سوره اسراء آیه ۳۴، از تعهدات و وعده ها در روز قیامت سؤال می شود.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرمایند:

﴿وفای به عهد از نشانه های تدین است اگر زنی یا شوهری به همدیگر وفادار نبودند بدانید تدین ندارد و عبادت او قبول نیست﴾ ۲

- عدم صداقت فی مابین زوجین .

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به گونه ای ظریف فرمایشی دارند :

﴿بعضی ها این نوع عهد شکنی را زیرکی می دانند، (و معتقدند حرفی را بزن ولی نسبت به آن بی تفاوت باش وفاداری با صداقت توأم است، عادل باشید، من سپری نگهدارنده تر از آن - صداقت - نمی شناسم، اگر کسی که بداند که بازگشتگاه او چگونه است پیمان شکنی نمی کند.﴾ ۳

- ایجاد خودپنداره منفی بین زوجین و بعضاً تقویت و قضاوت مبتنی بر خودپنداره های منفی. و در آیات مختلف ، قرآن در مورد خودپنداری می فرماید :

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ ۴

﴿نسبت به چیزی که علم نداری پیروی مکنید.﴾

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷

۲. سفینه البحار ، ج ۲ ، ص ۶/۲۷۵

۳. خطبه ۴۱

۴. اسراء/۳۶ - لقمان /۲۰ و ۲۱ - عنکبوت /۸ - حج /۳ و

- عدم پایبندی به اخلاق و کرامت انسانی .

امام علی علیه السلام می فرمایند:

﴿مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنَّا بِالْمَعْصِيَةِ﴾^۱

«کسی که کرامت نفس خود را در ؛ کند به گناه آلوده نمی شود.»

- نشناختن جایگاه والدین و همسر در تعاملات و رفتارهای فی مابین ، گرایش های تخدیر طلبی و شهوت در انسان وجود دارد که باید در تربیت کودکی و نوجوانی مورد توجه قرار گیرد تا عوامل محیطی و محرکهای بیرونی آن را در جهت انحراف تقویت و هدایت ننماید.

در روایت است :

﴿خِيَارُكُمْ أَلْيَنُكُمْ مَنَاقِبُهُ وَ أَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ﴾^۲

«بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده اند.»

- باور نداشتن یکدیگر در تصمیم گیری و مشورت برای ترسیم هدف و انجام عمل.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

﴿لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ﴾^۳

«هیچ ثروتی مانند عقل و هیچ فقری مانند جهل و هیچ میراثی مانند ادب و هیچ پشتیبانی مانند مشورت نیست»

- تجمل گرایی و خودنمایی های که با وضعیت موجود فکری، مادی و اخلاقی در تناقض است.

خداوند در آیه ۳۱ سوره مبارکه اعراف می فرماید :

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

«بخورید و بیاشامید، ولی از حد نگذرانید. بدرستی که خداوند اسراف کنندگان (تجاوز کنندگان از حد) را دوست نمی دارد.»

- وجود اعتیاد و مفسد اخلاقی در سلب اعتماد و رضایت فی مابین.

﴿لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ﴾^۴

«زیان رساندن به خود و به دیگران ممنوع است»

- عدم رعایت معیارها و شاخص های ازدواج در مرحله اول انتخاب همسر و زندگی به صورت همه جانبه.

۱. وسائل الشیعه ج ۲۱ ، ص ۳۱۱ ، ح ۲۷۱۵۷ شبیه این حدیث در من لایحضر الفقیه ج ۳ ، ص ۵۰۶ و تهذیب الاحکام ج ۸ ، ص ۱۴۱.

۲. عوالم العلوم و المعارف ج ۱۱ ، ص ۹۰۹

۳. تحف العقول / ۸۹

۴. الکافی ، ج ۵ ، ص ۲۹۲ .

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند :

﴿ مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ ﴾^۱

﴿ هیچ بنا و زیر ساختی در نزد خداوند محبوبتر از ازدواج نیست ﴾

و یا در روایت دیگری است :

﴿ تَزَوَّجُوا فِي الْحَجَرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ أَسَاسٌ ﴾^۲

﴿ با خانواده خوب و شایسته کنید زیرا عرق (خصوصیات شخصی) اثر دارد. ﴾

شاخص نظام حیات خانواده به رفتارها و روابط خود از اینکه عضو یک خانواده است اشاره دارد و شکل هسته ای آن یعنی زن، شوهر و فرزندان (خانواده بزرگ در شاخص اجتماعی مد نظر قرار می گیرد) و تمام مناسبات یک خانواده از زمان شکل گیری مقدمات و تصمیم گیری برای تشکیل خانواده تا مراحل آخر را شامل می شود.

- عدم وجود آرامش در نظام حیات خانواده .

در سوره روم خلقت بشر و خواب و بعضی چیزهای دیگر را از آیات و نشانه های حکمت و تدبیر خداوند ذکر می کند ، می فرماید:

﴿ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. ﴾^۳

﴿ از نشانه های پروردگار این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش

یابید و درمیانتان مودت و رحمت قرار داد. ﴾

- توجه صرف به مسائل مادی و معیشتی بدون ارتباط آن با مساله معاد و عظمت از آن .

در تشکیل نظام حیات خانواده و اهداف مترتب بر آن که بستر رشد ، تحول و سیر کمال را طی می نماید باید داشتن برنامه ای هدفمند در عرصه زندگی بگونه ای که علت تامه و اهداف غایی از حیات و زندگی ترسیم شده باشد و اصل : از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم آخر ، نمایی وطنم . لحاظ شده باشد . نگرش اسلام نسبت به نظام هستی شامل ایمان به غیب، پیوستگی دنیا، برزخ و قیامت، آفرینش طبیعت برای تعالی انسان و یکپارچگی و هدف مدار بودن نظام خلقت و آفریننده یگانه داشتن ، حاکمیت وحدت در حین کثرت و مصادیقی از حلقه ارتباط دنیا ، برزخ و آخرت است که همان زندگی دنیا مزرعه آخرت می باشد .

۱. صدوق من لا یحضر الفقیه ، ج ۲ ، ص ۲۸۳

۲. کنز العمال ، ۴۴۵

۳. روم / ۲۱ .

﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا
أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾^۱

﴿همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و [مردم را] از راه خدا باز می دارند و می خواهند راه
حق را منحرف سازند، آنها در گمراهی دوری هستند.﴾

- تقویت طلاق و شدت اختلافات با پخش بعضی فیلم ها و سریالها.
- عدم تشخیص به موقع اختلاف و جدائی عاطفی و نشانگان آن برای خانواده و آموزشگاه.

علل گرایش به مواد مخدر در نوجوانان و جوانان و علل مصرف مواد مخدر در آنها بسیار متنوع است. همچنین نوجوانان در مصرف این مواد به یک میزان جدی نیستند. یکی از علل رو آوردن نوجوانان به موادمخدر صرفاً این است که موادمخدر در دسترس است. بین ۷۵ تا ۹۸ درصد نوجوانان مصرف کننده اکثر موادمخدر (جز ال.اس.دی، هروئین و دیگر موادافیونی) اظهار داشته‌اند که می‌توانند به سهولت آن مواد را به دست بیاورند.

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصْنَعُكُمْ

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ... ﴾ ۱

﴿ شیطان می خواهد بوسیله شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و جلو یاد

خدا و نماز را بگیرد ... ﴾

بلاهای خانمان سوز را قرآن به آن اشاره دارد و از زمانهای قدیم گریبانگیر انسان بوده و در دنیای متمدن جدید نیز به شکلی متنوع تر و گسترده تر هر روز جسم و جان میلیون ها نفر را به خطر می اندازد. نوجوانان طبعاً نسبت به دنیای رو به گسترشی که در آن زندگی می‌کنند کنجکاوترند و بیش از بزرگسالان احساس خطر می‌کنند. دوستان نیز نقش مهمی در گرایش نوجوانان به مصرف موادمخدر ایفا می‌کنند. در واقع می‌توان به یقین پیش بینی کرد، در صورتی که دوستان فرد نوجوان و به ویژه نزدیک ترین دوست آن فرد موادمخدر مصرف کنند، خود آن فرد نیز به مصرف چنین موادی روی خواهد آورد. فرد معتاد علی رغم تمام عوارض مصرف داروی مخدر، آن را ابتیاع و بدون اراده مصرف می‌کند.

در اینکه آیا باید اعتیاد را یک بیماری دانست یا یک جرم و به تبع آن، فرد معتاد را بیمار تلقی کرد یا مجرم، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. در هر حال، ذکر این نکته ضروری است که با این تعریف از اعتیاد، بسیاری از رفتارهای افراد طبیعی بشر نیز که در آنها تکرار وجود دارد، به عنوان اعتیاد و در ذیل همین عنوان طبقه بندی شده اند. برخی محققان معتقدند که اعتیاد یک واژه حقوقی است و در علوم پزشکی نباید از این واژه استفاده کرد. به جای آن واژه وابستگی و وابستگی دارویی را پیشنهاد کرده اند.

امروزه شاهد تجزیه و تحلیل های متفاوتی از معضل اعتیاد جوانان به موادمخدر و مشکلاتی که برای «خود»، خانواده و اجتماع ایجاد کرده و می‌کنند هستیم و این معضل متأسفانه دامنگیر خیلی از کشورها و شاید بهتر بگوییم دامنگیر کل جوامع انسانی شده است و کشور ما هم به لحاظ موقعیت خاصی که دارد و در همسایگی کشور افغانستان که از مهمترین تولید کنندگان تریا؛ در دنیا است مستثنی از این قضیه نیست و به لحاظ اینکه در مسیر انتقال این ماده مخدر به سایر کشورها از جمله کشورهای اروپایی قرار دارد مقداری از آن در مسیر انتقال توسط سوداگران مرگ در داخل کشور توزیع و مورد استفاده قرار می‌گیرد با کمال تاسف باید بدانیم که مواد مخدر در حال حاضر از شکل سنتی خود خارج شده و به شکل صنعتی درآمده مانند کرا؛ -

هرویین- شیشه و غیره که از دوخاصیت بارز برخوردارند :

۱. ارزان بودن و سهل الوصول بودن آنها.
 ۲. مخرب و سریع الاثر بودن آنها . (به نحوی که بیان شده فقط یک بار امتحان کردن برای اعتیاد و وابستگی شخص کافی است).
- عواملی می تواند افراد را به اعتیاد سوق دهد :**
- تخدیر طلبی در جوانان و عدم جایگزینی مناسب.
 - تشخص طلبی و خود را بزرگ جلوه دادن در گرایش به سیگار . (مقدمه اعتیاد به مواد مخدر)
 - ریسک پذیری در تجربه کردن مواد مخدر و مشروبات الکلی.

﴿ كُلُّ نَافِعٍ مَّقْوٍ لِلْجِسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَحَلَالٌ وَ كُلُّ مُضِرٍّ يَذْهَبُ بِالْقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٌ فَحَرَامٌ ﴾

﴿ هر چیز سودمند و نیرو زا برای جسم که موجب تقویت بدن می شود، حلال است و هر چیز زیان آور که نیروی آدمی را می گیرد ، یا کشنده است ، حرام است . ﴾

- گروه گرایی و یا رغبت به هویت گروهی .
- خانواده نهاد مقدس و بی بدیلی است که حیات و سعادت جامعه بشری وابسته به آن است پرورش نسل آینده ، پاسداری از ارزشها ، زبان آموزی و تأمین نیازهای جسمانی و روانی، انتقال میراث فرهنگی ، درونی کردن آداب ، سنت، فرهنگ و تمدن و تربیت صحیح از وظایف این نهاد مقدس است.
- تهاجم فرهنگی و بی تفاوت کردن جوانان در مسئولیت پذیری.

﴿ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا

أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴾^۲

﴿ کسانی که زندگی دنیا را به آخرت ، ترجیح می دهند و مردم را نیز از راه خدا منحرف می کنند و در پی آن هستند که برای سنت و دین خدا کجی ایجاد کنند ، ضلالت برای آنان حتمی است. ﴾

اصول برقراری ارتباط با نوجوانان و جوانان عبارتند از :

۱. اصل محبت در قدرت سازگاری خوب ، احساس امنیت روانی و آرامش ، ایجاد نشاط و روحیه بالا و واقع بینی.(به خود اعتماد و اطمینان داشته باشد ، استقلال اندیشه داشته باشد، فردی خلاق، مبتکر و فعال باشد که محرومیت از محبت و یا محبت بیش از حد شخصیت متعادل و به هنجار را از مسیر تربیت خارج می کند.
۱. اصل مسئولیت دادن .
۲. اصل مشورت با نوجوانان. (چون در دوران وزارت اند).
۳. اصل ثبات عاطفی والدین. در شیوه تعامل و مواجهه با نیاز آنان .

۱. فقه الرضا (ع) ، ص ۲۵۴

۲. ابراهیم / ۲

۴. اصل صداقت و اساس راستگویی و پرهیز از دروغ (منشأ بی اعتمادی ، تحقیر شخصیت و زمینه انحراف در رفتارها است).

۵. اصل قاطعیت و جدی بودن والدین.

۷. اصل همکاری و هماهنگی با عاملان تربیتی.

۸. اصل همدلی ، همراستانی و همفکری با عاملان تربیتی .(مواردی هستند که استحکام و روابط اولیا با فرزندان را تقویت می کند).

- جلوگیری از شکوفایی استعدادها و تلاش و فعالیت نسل جوان .

﴿عَلَيْكَ بِالْحَدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ﴾^۱

«نوجوانان را دریاب زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند.»

- عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان و نیز طفره رفتن آنان از حرفهای والدین .

- عدم شناخت والدین از نیازهای دوره جوانی و توقع و انتظار داشتن رفتار کودکی از آنان.

﴿أُولَى الشَّيْءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْحَدَاثُ الشَّيْءِ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالاً أَحْتَاجُوا إِلَيْهَا﴾^۲

«شایسته ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، آن چیزهایی هستند که هنگام

بزرگسالی به آنها نیاز دارند»

- شناخت ضرورت مراقبت و آگاهی در این گروه سنی.(به «سن» بحران معروف است).

- تولید مواد مخدر به ویژه صنعتی و توزیع آن از سوی مافیای اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی.

- آگاهی دادن به آنها نسبت به محر ؛ های محیطی از قبیل ماهواره ، اینترنت و فیس بو ؛ و ... (چون از

اهداف غایی آن بی خبرند زمینه تحمیل فرهنگ غیرخودی و فرهنگ مهاجم را فراهم می سازد).

- بوجود آمدن القای نگرش های مثبت ، در نسل جوان نسبت به مواد مخدر از قبیل بی خیالی و

- گرایش به مواد مخدر در خانواده های از هم گسیخته و طلاق .

- گرایش به مواد مخدر در خانواده های آلوده به اعتیاد از سوی والدین یا فامیل ها .

- آشنایی جوانان با مواد و مشروبات در مهمانی های خصوصی و جشن ها .

- عدم اطلاع رسانی و آگاهی بخشی آثار تخریبی مواد مخدر برای جوانان.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

﴿لَذْتَ زَنْدَگِی هَنْگَامِی قَابِل در ؛ است که انسان از نعمت سلامت برخوردار باشد﴾^۳

۱. کافی، ج ۸، ص ۹۳، ح ۶۶.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳، ح ۸۱۷.

۳. الامالی، صدوق ص ۲۹۱-المحاسن، ج ۱، ص ۹.

تن بیمار ، زندگی را برای انسان تلخ می کند . اگر سلامتی وجود نداشته باشد ، ثروتمندترین افراد نیز از زندگی لذت نمی برند.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

« به وسیله ی عافیت ، لذت زندگی در ؛ می شود»^۱

اگر همه امکانات فراهم باشد ، ولی سلامت وجود نداشته باشد ، لذت انسان ، کامل نمی گردد.

« با وجود سلامت ، لذت کامل می شود »^۲

مثلا لذت غذای مطبوع ، هنگامی در ؛ می شود که انسان ، سالم باشد.^۳

بنابراین ، سلامت ، برترین نعمتهاست و هیچ لذتی گواراتر از عافیت (سلامت تن و روان) نیست ؛ اما با این حال یکی از نعمتهای فراموش شده است . برای لذت بردن از سلامت ، باید قدر آن را شناخت و در نگهداری آن کوشید.

- عدم تشخیص به موقع گرایش به مواد مخدر و نشان آن برای خانواده و آموزشگاه.
- ترویج آزمایشگاه های ساخت مواد مخدر در جامعه جهت سودجویی بصورت غیرقانونی و نقش مسائل اقتصادی و سیاسی در آن.
- سهولت در توزیع مواد مخدر در پارکها ، مجامع عمومی و
- نگاه به معتادین به عنوان یک بیمار و تعیین جایگاه اجتماعی آنان و تلاش پذیرش اجتماعی آنان پس از تر ؛ اعتیاد.
- ترویج اعتیاد با توجه به تنوع داروهای قاچاق و غیر قاچاق در جامعه .
- همسو و وحدت رویه در اجرای قوانین سخت از ارتکاب به استفاده یا توزیع تا اثبات جرم و اعمال قانون به صورت صریح و روشن.
- تلاش در جهت ایجاد امنیت درمرزهای کشور اعم از هوایی،زمینی و دریایی درحمل و توزیع مواد با زیر ساخت های مناسب .
- بستر لازم برای لذت بردن از زندگی ، وجود «امنیت» است یکی از نعمتهای دنیا برخوردار از امنیت است.^۱
- بدون امنیت ، زندگی جلوه ای نخواهد داشت ؛^۲ زیرا شیرینی آن به وسیله تلخی ترس از بین می رود.^۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند :

« هیچ خیری در وطن نیست ، مگر با امنیت و شادی.»^۴

و به جهت جایگاهی که دارد ، می توان آن را گوارترین نعمت دانست .

۱. امام صادق (ع): «نعمت های دنیا امنیت و سلامت جسم اند» ، معانی الاخبار ، ص ۴۰۸

۲. غررالحکم ج ۱، ۲۵۹، عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۰

۳. غررالحکم ج ۱، ۲۵۷، عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۲۲

۴. من لایحضره الفقیه ، ج ۴، ص ۳۷۰، الاختصاص ص ۲۴۳

امام علی علیه السلام می فرمایند :

«هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست»^۱

- مشخص شدن سهم و وظایف هر یک از اعضای ادارات و سازمانها در مبارزه با مواد مخدر و وحدت رویه حاکم بر آن و داشتن شاخص های منطبق با وظایف دستگاه ها در پایش و ارزیابی عملکرد.
- پایش و ارزیابی عملکرد پایگاه های تر ؛ اعتیاد در کشور و نیز دادن مجوز براساس شناخت و نظام معیار.
- تبیین آثار مواد مخدر در زندگی فردی و اجتماعی ، فروپاشی نظام خانواده ، نگرانی در محیط خانواده و اجتماع و به هدر رفتن استعدادها و نیز آسیب های دیگر مترتب بر آن از طریق هنر و رسانه های ملی .
- تبیین آثار مواد صنعتی از نظر روانی ، جسمی و شیوه های بازار یابی و جذب مشتری برای خانواده ها و جوانان.

۱. غررالحکم، ج ۱، ۲۵۴، عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۴۴

چرا در روابط همسایگی مان رعایتهای لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟

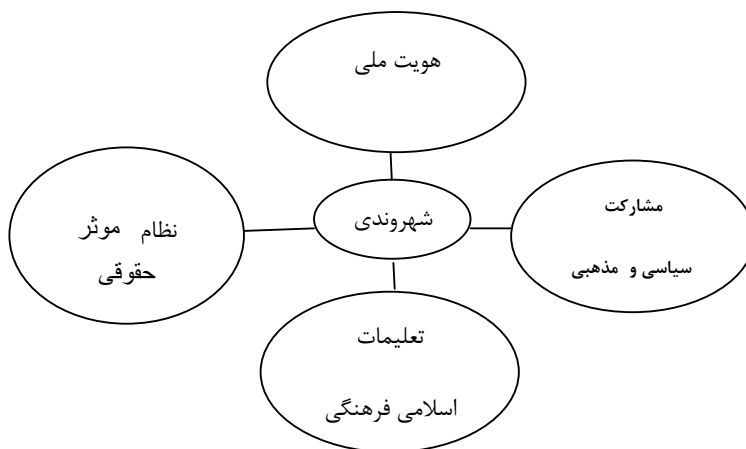
امروزه زندگی از نوع شهری نیاز به قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود دارد و هرگونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران، تنش‌ها، خشونت‌ها و ناملایمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن می‌زند. افراد حتی در درون خانه خود هم باید با نوع رفتار خود مراعات همسایه‌ها را داشته و به حقوق آنها احترام بگذارند.

انسان‌ها در زمان‌های نسبتاً دور که هنوز شهرها به صورت امروزی شکل نگرفته بودند بسیار آزادانه‌تر زندگی می‌کردند و هیچ حد و حصری را برای خود قائل نبودند. شاید ضرب‌المثلی مانند (چهاردیواری، اختیاری) از همان زمان‌ها شکل گرفته باشد.

امروزه زندگی اجتماعی پیچیده‌تر شده است و افراد به دانش‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌های گوناگون برای زندگی در اجتماع نیاز دارند. سلامت و برپایی جامعه تا حدود زیادی به وجود شهروندانی بستگی دارد که برای مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی احساس تعهد و مسئولیت می‌نمایند و مهارت لازم را برای تصمیم‌گیری و عمل در امور اجتماعی و آگاهی لازم در این خصوص برخوردار باشند.^۱

عناصر تشکیل دهنده موفقیت شهروندی عبارتند از:

- نظام موثر حقوقی.
- تعلیمات اجتماعی، فرهنگی و فرا ملیتی.
- مشارکت سیاسی و مذهبی.
- هویت ملی.^۲



۱. ملکی، ۱۳۷۴، ص ۷۷

۲. کایملیکا به نقل از فتحي و اجارگاه ۱۳۸۲ ص ۲۱۵

- تعریف شدن واژه شهروندی به معنای بومی، شهری، تابع، رعیت و شهرنشینی.
- تعریف شهروندی از فرهنگ امروز « کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد شهروند است.»
- تعریف مسئولیت پذیری به معنای حس و رفتار همراه با پاسخگویی پیش قدم بودن، توانایی ادای وظیفه، قابل اتکا بودن، قابل اطمینان بودن، توانایی برای تصمیمات اخلاقی، شایستگی، بهره مندی از تفکر منطقی و غیره.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾^۱

﴿خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید.﴾

- انواع مسئولیت های اجتماعی شامل طیف وسیعی از فعالیتها و اقداماتی است که به منظور سهولت به شش دسته طبقه بندی می شوند :

۱. **مسئولیت‌های دینی** که در انجام و رعایت آن بیش از هر چیز تبعیت و پیروی از دستورات و تعالیم دین اسلام مبنای حرکت و تلاش افراد در جامعه است، که وظایف انسان مسلمان با ایجاد صفات و خصائصی در عرصه حیات بشری تبلور می نماید مانند حسن خلق، حق گوئی، مشورت، جهاد، پرداخت خمس و زکات، انفاق، ایثار، امانتداری، عدم اسراف، ظلم ستیزی، پاسداری از دین و ناموس، صله رحم، کمک به نیازمندان، علم آموزی و تولید علم، راستگوئی و ...^۲

۲. **مسئولیت های فرهنگی** که مجموعه ای از سنت ها، آداب، رسوم و به طور کلی فرهنگ و تمدن نسل گذشته که باید توسط نسل های آتی شناخته شده، ضمن تحلیل و بررسی تا حد توان به منظور رشد و اعتلای آن کوشش شود.

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ...﴾^۳

﴿قطعا پیش از شما سنتهایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که

فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است...﴾

۳. **مسئولیت های سیاسی** به هریک از افراد جامعه باید درخصوص روند تاریخی، اجتماعی و دینی شکل گیری دولت در جامعه خود نقش و اهمیت و ضرورت وجود دولت سالم، پا ؛ و با کفایت در جامعه و وظیفه خویش در قبال گزینش، تثبیت و هویت دولت به نحو کافی مطلع و هوشیار باشند انتخاب و انتصاب دولت یاران با لیاقت، مطلع اهتمام و جدیت مردم یک جامعه در انجام مسئولیت های سیاسی خویش است چرا که دولت از متن مردم بر می خیزد.

۱. نساء / ۵۸

۲. پیامبر اکرم (ص): ﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ الرِّعَايَةِ﴾. مستدر ۴: سفینه البحار، ج ۴، ص ۱۶۹.

۳. آل عمران / ۱۳۷

۴. **مسئولیت های اقتصادی** به جوامع امروز به علت کثرت جمعیت ، رشد سریع فناوری و محدودیت منابع از آنها را می توان از وظایف و مسئولیتهای اقتصادی بیان کرد که باید با آینده نگری و عاقبت اندیشی با برنامه ریزی هدفمند مبتنی بر اقتضائات نیاز زمان به ویژه در تولید بیشتر داخلی و ناخالص ملی و نیز تولید علم و تبدیل آن به اقتصاد و ثروت گام اساسی برداشت که استفاده از تولیدات داخلی و به حداقل رسانیدن تولیدات خارجی بجز در موارد ضروری و قطع وابستگی اقتصادی از نفت را سر لوحه کار خود قرار دهیم.

۵. **مسئولیت های مدیریتی** به در ؛ حقوق شخصی و اجتماعی افراد جامعه ، همکاری و مشارکت و سازگاری جامعه با یکدیگر ، در ؛ حدود آزادی، لزوم اطلاعات از قوانین و همزیستی مسالمت آمیز به ویژه توجه به برنامه های درسی رشد دهنده مسئولیت های اجتماعی به اتکای متقابل انسانها با یکدیگر است . مدیریت باید ادرا ؛ کلی در حوزه مسئولیت داشته و با برنامه ریزی هدفمند ، شناخت از ظرفیت ها و داشته ها ، حوزه خود بتواند ارزش افزوده کیفی، مادی و معنوی را افزایش دهد.

اهداف تربیت مدنی در نظام تعلیم و تربیت عبارتند از :

- عادت دانش آموزان به انجام وظایف مدنی.
- فهماندن پایه و ارزش میراث فرهنگی.
- آگاهی دانش آموزان نسبت به نیازهای جامعه.
- فهماندن حدود و معنای آزادی و لزوم اطاعت از قانون .
- شیوه مطالعه بررسی مسائل مدنی به طریق علمی.
- آشنایی با جامعه بین المللی و ایجاد علائق برای همزیستی مسالمت آمیز در عین حفظ هویت دینی ، ملی و علائق به میهن.

۶. مسئولیت های زیست محیطی به طبیعت ، بستر و فضای فرهنگی انسانی است مجموعه عوامل و عناصر طبیعی در تعامل منطقی با یکدیگر تداوم حیات طبیعی را به ارمغان می آورد هرگونه دستکاری ، تخریب و بر هم زدن تعادل طبیعی عوامل و عناصر چرخه حیات ، مشکلات عدیده ای را در پی خواهد داشت حفظ منابع زیست محیطی مانند آب، جنگل ها ، حیوانات ، پرندگان و ... آلوده ساختن آن، مراقبت صحیح از منابع ، بر هم زدن بافت بومی مناطق و منابع زیست محیطی ، عدم استفاده بیش از اندازه از منابع و جایگزینی آن از جمله ی مسئولیت های زیست محیطی است.

۷. مسئولیت رعایت قانون به « ولی » امروزه زندگی از نوع شهری نیاز به قوانین ، ارتباطات و تعاملات خاص خود را دارد و هرگونه وقفه ، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران ، تنش ها خشونت ها و ناملایمات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن می زند. افراد حتی در درون خانه

۱. پیامبر اکرم (ص) : « إِنِّي مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّذَبُّورِ »^۱ .عوالی النالی ، ج ۴ ، ص ۲۹

۲. صدیق ، ۱۳۲۹ قمرانی واقعی ۱۳۸۴ ص ۲۸

خود هم باید با نوع رفتار خود مراعات همسایه ها را داشته و به حقوق آنها احترام بگذارند. این احترام به حقوق متقابل از زمانی شکل گرفت که جمعیت شهرنشین افزایش یافت و هر روز که می گذشت شهر ها نیز گسترش پیدا می کرد. به طبع آن مناسبات اجتماعی میان مردم نیز پیچیده تر از قبل می شد؛ پس زندگی اجتماعی نیازمند قوانین و ساختار هایی بود که با این رفتار های شهر نشینان هماهنگ باشد. گی ارمه ، در کتاب « فرهنگ و دموکراسی » می نویسد: « شهروندی فقط از لحظه ای آغاز می شود که انسان در ها را به روی کسانی که با او فرق دارند، بگشاید ؛ شهروند کسی است که قواعد سلو ؛ دموکراتیک را می داند و ارزش های اخلاقی آن را می شناسد.

قوانین مربوط به شهر نشینی امروزه در قالب شهروند تداعی می شود، شاید واژه شهروند در میان کتاب ها و روزنامه ها غریبی نکند اما در متن جامعه هنوز میهمانی ناخوانده محسوب می شود و هنوز هم در تعریف آن ابهامات زیادی دیده می شود. جامعه شناسان شهری و متخصصان فنی شهر سازی و معماری بر این باورند که میان شهرنشین و شهر نشین تفاوت زیادی وجود دارد ، شهر نشین کسی است که به لحاظ جغرافیایی در یک قلمرو به نام شهر ساکن است و شهر نشینی یعنی اینکه شهروند دارای فرهنگ شهر نشینی شده باشد.

در این میان شهروندی یکی از مهم ترین و کاربردی ترین تئوری های این دوره شده است که در ایده شهروندی حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و مسوولیت هایی که آنها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب تر برعهده گیرند مشخص می شود. باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر ، معادل واژه شهروند نیست، شهر وند باید در نقش های مشارکتی مدیریت بهینه شهر ایفاگر نقش و مسوولیت باشد، چرا که شهروندی، بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت های فرد مهیا می کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به سوی تعالی به دست گیرد. در حیطه شهر وندی ، حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و همچنین مسوولیت هایی که آنها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب تر برعهده گیرند مشخص می شود. اساسی ترین و آشکار ترین قوانین شهروندی در جامعه ای چون ایران ، احترام به حقوق دیگران، وقت شناسی ، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن ، حفظ میراث زیست، ایجاد فضا و محله سالم ، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است و رعایت اخلاق شهروندی در ایجاد آسایش و آرامش همسایگان است.

همسایه و حقوق همسایگی در اسلام

امام علی علیه السلام در آخرین لحظات زندگی فرزندان خود را خواست و به آنان چنین وصیت کرد :

« خدا را، خدا را همسایگان را بپایید که سفارش شده ی پیامبر شمایند ، پیوسته در مورد آنها سفارش می فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود »^۱

و نیز پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :

﴿حَسِّنُوا أَخْلَاقَكُمْ وَ الطُّفُوفَا بِجِيرَانِكُمْ وَأَكْرِمُوا نِسَاءَكُمْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۱

﴿اخلاق خود را نیکو کنید و با همسایگان خود مهربان باشید و زنان خود را گرامی بدارید تا

بی حساب وارد بهشت شوید﴾

روابط اجتماعی انسان مقتضی رعایت اموری است که در قالب اخلاق و حقوق، ساماندهی شده است. اخلاق و حقوق در حقیقت شیوه درست و مناسب رفتاری با دیگران را مشخص می کند. هر چه روابط نزدیک تر باشد، ساماندهی آن سخت تر خواهد بود. از این رو قوانین و بایدها و نبایدهای حقوقی و اخلاقی نسبت به دوری و نزدیکی روابط انسانی متغیر است. بر همین اساس میان زن و شوهر دارای قوانین و اصول و قواعد اخلاقی بیشتر و سخت گیرانه تری است.

حقوق همسایه و همسایگی نیز این گونه است. شناخت این حقوق و قواعد به ما کمک می کند تا زندگی بهتری را برای خود و دیگران رقم بزنیم. اصولاً انسان ها با گرایش اجتماعی که دارند ، نمی توانند تنها زندگی کنند. همین گرایش ذاتی یا شبه ذاتی انسان به هر دلیلی باشد ، نمی گذارد که به سعادت جز از راه اجتماع دست یابد ؛ چرا که مولفه های اصلی سعادت از طریق دیگری تأمین می شود. هیچ انسانی تجربه کاملی از آرامش را جز از طریق دیگری نخواهد داشت.

آرامش از مهم ترین مولفه های خوشبختی و سعادت است که انسان نیاز دارد ، برای پاسخ گویی به نیازهای مودت و محبت و عشق و رحمت خویش ، در شکل نخست آن ، اینکه همسری را برگزیند و جفتی را اختیار کند. می توان گفت تنهادر سایه سار ازدواج و اختیار همسر تحقق می یابد و می بایست این جامعه هر چند کوچک، دو نفره شکل گیرد تا انسان احساس خوشبختی کند و بلکه به خود خوشبختی دست یابد.

البته با توجه به وضعیت انسان در زمین و دنیا ، تأمین مولفه دوم خوشبختی یعنی آسایش و رفاه نیز موجب می شود تا به اجتماع گرایش یابد و به عنوان استخدام چنان که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقد است گرایش اجتماعی داشته باشد تا این گونه به نیازهای مادی و دنیوی خود پاسخ دهد ؛ هر چند که به نظر می رسد انگیزه اصلی گرایش اجتماعی بشر همان پاسخ گویی به نیازهای معنوی و روحی است ؛ چرا که انسان بیش از آن که ماده باشد و بخواهد به نیازهای مادی خود پاسخ دهد ، موجودی روحی و عاطفی است و می خواهد به این نیاز خویش پاسخ دهد ؛ چنانکه از آیه ۲۱ سوره روم و آیات دیگر این معنا به دست می آید.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

﴿یکی از نشانه های پروردگار آن است که از جنس خود شما آدمیان برای شما جفت و همسر آفرید و میان

شما مودت و محبت ایجاد کرد و در این حقیقت ، نشانه ها از تدبیر و تسخیر و حکمت پروردگار است

برای کسانی که در این مسائل فکر کنند﴾

۱. التوحید ، ص ۱۲۷

به هر حال، انسان موجودی اجتماعی است و برای پاسخ گویی به نیاز اصلی خود و دست یابی به مولفه های خوشبختی، نیازمند آن است که با دیگری ولو همسر، همدلی و همکاری نماید و اجتماعی هر چند کوچک را شکل دهد. مبنای اصلی این اجتماع هم بر همدلی و همکاری است تا هم به بعد عاطفی و روانی و روحی خود پاسخ دهد و هم به بعد مادی و دنیوی آن در شکل آسایش و تامین نیازهای مادی پاسخی مناسب و شایسته ای داده باشد. خانواده چه شامل همسران یا همسران و فرزندان، برای ساماندهی درست روابط نیازمند اصول اخلاقی و قوانین حقوقی و مجموعه ای از بایدها و نبایدها و بهترها و بدترهایی است که باید مراعات شود.

این بهترها و بدترها که البته جزو واجبات و محرمات یا امور نیک و بد مطلق نیست، در قالب آداب، سامان می یابد. در آداب اجتماعی، به نکات ریزتر و لطایف روابط اجتماعی توجه می شود که در فرهنگ دینی و فقه اسلامی در شکل مستحبات و مکروهات ساماندهی شده است. مجموعه بایدها و نبایدهای حقوقی و اخلاقی و آداب در حوزه خانواده بسیار زیاد است تا خانواده در سبک و قالب زیستی کامل و مناسب در مسیر تحقق فلسفه شکل گیری آن یعنی سعادت، حرکت کند. چنان که گفته شد نیازهای انسانی از نظر مادی و روحی بیشتر از آن است که در شکل کوچک خانواده بتوان به همه آنها پاسخ گفت. نیاز به دیگری در طبیعت انسانی است. هر چند که اجتماعات نخستین، خونی بوده و فرزندان با تشکیل طائفه و عشیره و قبیله و قوم در کنار هم می زیستند، ولی بعدها اجتماعات از این حالت بیرون آمد و شکل پیچیده تری به خود گرفت. از همان آغاز همسایگی میان دو یا چند خانواده برای تامین نیازها شکل گرفت و پس از خانواده، نخستین جامعه ای که نیازمند تعیین قوانین و مقررات و آداب شد، همسایگان بودند.

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که نگرش اسلام نسبت به جنسیت را بیان می کند و اینک:

۱. زن و مرد در ارزش انسانی برابرند و ملا ؛ تفاوت تقوی می باشد.
 ۲. زن و مرد دو جنس مکمل هم هستند.
 ۳. زن و مرد تشابهات جسمانی و روانی دارند و بر همین اساس دارای وظایف مشترک هستند.
- دو جنسیتی بودن انسان برخلاف دیگر موجودات، تنها برای تناسل و بقای نسل آدمی نیست ؛ بلکه چنان که قرآن در آیه ۲۱ سوره روم بیان داشته است، رسیدن به سکونت و آرامش است.^۱
- زوج قرار دادن انسان می طلبد که دست کم در کنار همسر خویش آرامش را تجربه کند. چرا که آنها "هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ"^۲ اند. زن پوشش برای مرد و مرد هم پوشش برای زن برای رسیدن به کمال می باشد.
- نیازهای احساسی و عواطف انسانی که بخش مهمی از حقیقت و ماهیت انسانی را در کنار عقل شکل می دهد، از طریق اموری چون ازدواج و جفت یابی پاسخ داده می شود.

پس می توان گفت که حقوق همسایگی پیشینه ای بس دیرینه دارد و پس از خانواده، نخستین قوانین و آداب برای ساماندهی روابط همسایگی تعیین شد. اصولاً کسانی که از جهات متعددی به هم شباهت دارند، با هم

۱. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾

گرد می آمدند و همسایگی را تشکیل می دهند. از این رو، روابط میان آنان با قوانین ساده تری سامان می یافت؛ چنانکه میان همسران چنین است؛ چرا که شباهت ها خود عامل کاهش تنش ها و مشکلات است. اگر روابط میان همسایگان براساس همبستگی های خونی یا شباهت های فکری و رفتاری و مانند آن باشد، از پیچیدگی کمتری نیز برخوردار است؛ اما هر چه این همسایگی به سبب فشارهای بیرونی و یا پاسخ گویی به نیازهای مادی شکل گیرد، قوانین بیشتر و سختگیرانه تری لازم است تا این روابط را ساماندهی کند. از این رو همسایگان اقتصادی درگیری بیشتری از همسایگان فکری و احساسی دارند؛ در حالی که همدلی در میان همسایگان فکری و احساسی بیش از همکاری همسایگان اقتصادی است و روابط آنان بیشتر در چارچوب احساس شکل می گیرد تا قوانین و مقررات خشک عقلانی.

قوانینی برای ساماندهی تحکیم و تقویت روابط همسایگی

- تقویت فرهنگ آپارتمان نشینی مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی.

﴿انْ أَحَبَبْتُمْ أَنْ يُحِبَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَأَدُوا إِذَا اتُّمِنْتُمْ وَاصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَأَحْسِنُوا جَوَارِمَنْ جَاوَزَكُمْ﴾^۱

﴿اگر می خواهید که خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد کنید و چون سخن گوئید راست گوئید و با همسایگان خود به نیکی رفتار نمایید.﴾

- معماری اسلامی در ساخت مسکن و مدارس و شهرسازی و کاربرد مهندسی هارمونیک در نقشه جامع شهری.
- توجه به فرآیند رفت و آمد و دربهای ورودی و خروجی در مجتمع های مسکونی.
- ساخت مجتمع های مسکونی با در نظر گرفتن فرهنگ و عرف مترتب بر ساکنان آن (بومی سازی معماری).
- ایجاد شرایط معارفه ی همسایگان در استفاده از ظرفیت های ساکنین برای اداره محله و مجتمع .
- زمینه آشنایی دانش آموزان مجتمع و محله ها نسبت به هم و انتخاب هم بازی و هم مباحثه در دروس.
- همسایگی و هم محلی در ایجاد تقویت حلقه فرهنگ محله با مدرسه و دانشگاه .
- ایجاد نزدیکی همسایگان مجتمع ها و محله در مساجد، هیأت حسینی، قرآنی و ...
- تقویت زندگی گروهی و مشارکت در تصمیم گیری و حل مشکلات فی مابین و محله .
- تقویت فرهنگ و باور اطلاع رسانی در مشکلات مستحده قابل طرح برای همسایگان و درخواست همکاری در رفع حل مشکلات .
- فراهم نمودن زمینه خویشاوندی با ازدواج فرزندان با همسایگانی مورد اعتماد، متدین و متعهد و دارای کرامت انسانی و نقش موثر آن در تحکیم روابط .

۱. نهج الفصاحه، ح ۵۵۴.

- ارتباط با همسایگان و زمینه ایجاد شناخت، اعتماد و اطلاع از آنها درمواقع ضروری. (این مهم هر سالی حداقل دوبار با بهانه گفتمان و هم اندیشی درمسائل محله و مجتمع های مسکونی انجام پذیرد).

﴿أَمَّا حَقُّ جَارٍ؛ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَإِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَتُصَرُّتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوْءَ سِتْرَتِهِ عَلَيْهِ وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَتُقِيلُ عَثْرَتَهُ وَ تُعَاشِرُهُ مُعَاشَرَةً كَرِيمَةً.﴾^۱

﴿اماحق همسایه ات این است که در غیاب او آبرویش را حفظ کنی و درحضورش او را احترام نهی . اگر به او ظلمی شد یاریش رسانی، دنبال عیبهایش نباشی، اگر بدی از او دیدی بپوشانی ، اگر بدانی نصیحت تو را می پذیرد او را درخفا نصیحت کنی درسختی ها رهایش نکنی، از لغزش اش درگذری ، گناهش را ببخشی و با او به خوبی و بزرگواری معاشرت کنی﴾

- ایجاد روابط با همسایگان ، به شرط تحمیل نکردن مشکلات بر فی مابین . (به عنوان نمونه : به صورت جمعی جلسه تشکیل دادن برای تصمیم گیری مجتمع یا محله یا موضوعات مستحدثه)

﴿سُنُّ الْجَوَارِ يُعَمِّرُ الدَّيَّارَ وَيَزِيدُ فِي الْعِمَارِ﴾^۲
 ﴿خوش همسایگی شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند﴾

- تقویت فرهنگ حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر با توجه به آموزه های دینی و باورهای اعتقادی و رعایت ساخت و سازها.

حضرت رسول ﷺ درباره حقوق همسایه فرمودند:

﴿فِي حُقُوقِ الْجَارِ: إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَغْنَتْهُ وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضَتْهُ وَإِنْ افْتَقَرَ غُدَّتْ عَلَيْهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَيْتَهُ وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَّتَهُ وَإِنْ مَرِضَ غُدَّتَهُ وَإِنْ مَاتَ اتَّبَعَتْ جِنَازَتَهُ وَ لَا تَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ بِالْبِنَاءِ فَتَحْجُبَ عَنْهُ الرِّيحُ إِلَّا بِإِذْنِهِ.﴾^۳

﴿اگر از تو کمک خواست کمکش کنی ، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی ، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی ، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی ، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، وقتی مرد درتشییع جنازه اش شرکت کنی، خانه ات را بلندتر از خانه اونسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد...﴾.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

﴿پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنان به ویژه پدر و مادر از راه های مهم رشد و تعالی

(در همه زمینه هاست) ۴ و تقرب به خدای سبحان می باشد.﴾ ۵

۱. خصال، ص ۵۶۹

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۶۷، ج ۸

۳. مسکن الفؤاد، ص ۱۰۵

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷

۵. الخصال ، ص ۱۵۶

۵ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟

رانندگی در دنیا یک امر «جمعی» است ولی در ایران یک امر «فردی» تلقی می‌شود. رانندگی در ایران یعنی «می‌خواهم خودم را با خودرو به مقصدم برسانم». پس رانندگان دیگر، «رقیب» من هستند و من نباید از رقبا عقب بمانم ... هر فضای خالی که پیدا شد باید زودتر از دیگران آن را پر کنم.

«رانندگی صحیح» نوعی مشارکت در یک امر جمعی است. این «جریان عبور و مرور» است که راننده را به مقصد می‌رساند نه به اصطلاح «زرنگی» او. «رانندگی صحیح» که نوعی مشارکت در یک امر جمعی است به معنای «هدایت خودرو خود در جای صحیح در بین خودروهای دیگر» است. بنابراین، اینکه خودرو فرد در بین دو خودرو جلویی جا می‌شود یا نه، تأثیری در نحوه رانندگی صحیح ندارد.

نگرش به رانندگی با مشارکت در حرکت جمعی خودروها

وقتی در جامعه‌ای این نگرش به رانندگی حاکم باشد، یعنی هر کس قبل از آنکه به رسیدن، به مقصدش فکر کند به دنبال مشارکت در حرکت جمعی خودروها باشد، این نظم در عمل چنین خود را نشان می‌دهد:

با این روش:

۱. سرعت حرکت خودروها چند برابر می‌شود.
۲. احتمال تصادف اتومبیل‌ها به شدت کاهش می‌یابد.
۳. در صورت تصادف، با توجه به مسیر خالی در دو طرف، خودروهای پلیس و آمبولانس به سرعت به محل رسیده راه را باز می‌کنند.
۴. در صورت پنچر شدن یا خرابی یک ماشین، به دلیل وجود فضای کافی راه بندان پدید نمی‌آید.
۵. از همه مهمتر، رانندگان با اعصاب راحت رانندگی می‌کنند.

راهکارها:

- تقویت رعایت قانون‌پذیری و قانون‌مداری و رابطه آن با عدالت اجتماعی.

رسول اکرم ﷺ فرموده اند:

«عدل در کشاکش‌های اجتماعی همانند سپر نگهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی دیگران محفوظ اند و مانند بهشت پایداری است که همواره مردم از نعمت‌های آن برخوردارند»^۱

- فرهنگ رانندگی و آموزش برای اعضای خانواده و الگوپذیری آن برای فرزندان.
- رعایت ایمنی و رفع معایب فنی وسایل حمل و نقل در ایجاد اعتماد و اطمینان خاطر و جلوگیری از حوادث.
- نقش بستن کمر بند در ایمنی حوادث رانندگی و مهارت در رعایت قوانین و القاء آن به فرزندان و اعضای خانواده.

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۵

- مجاب شدن خودروسازان دربالا بردن ضریب اطمینان قطعات به‌ویژه هنگام واژگونی و تصادف روبرو.
- تقویت نقش مسئولیت پذیری و قانون مداری دانش آموزان در همیاران پلیس ، در خانواده و جامعه در احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر .
- فرهنگ سازی انضباط فرهنگ رانندگی به صورت تکلیف امر به معروف و نهی از منکر .
- رعایت قوانین رانندگی در تضمین امنیت و اعتماد اجتماعی و خانواده ها .
- عدم رعایت فرهنگ رانندگی خسارت جبران ناپذیری بر جای می گذارد که ایجاد حوادث منجر به فوت و جراحات عمقی و یا معلولیتها می گردد که هر نفر چه تاثیری در خانواده، جامعه و حاکمیت دارد و آثار مترتب بر تصادف های منجر به فوت و معلولیت بر وجدان و روان رانندگان و خانواده ی آنان قابل تأمل است .

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾^۱

﴿به راستی که انسان آزمند و بی تاب آفریده شده است، چون صدمه به او رسد عجز و لابه

می کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد غیر از نماز گزاران﴾

- سوق دادن هزینه های مترتب بر حوادث رانندگی به زیر ساختهای حمل و نقل و تأمین امنیت درجاده ها.
- برگزاری آزمون دوره ای درآموزش مستمر فرهنگ رانندگی و هم پایش و ارزیابی از دارندگان گواهینامه رانندگی و نیز اطلاع رسانی برای دانش آموزان و خانواده ها.
- نصب به موقع تابلوها و اطلاع رسانی وضعیت جاده ها و الزام رانندگان از بهره گیری این نوع اطلاعات .
- ایجاد زمینه فرهنگ رانندگی از مفاهیم به مصادیق و به صورت مهارتهای زندگی .
- وحدت رویه رسانه های ملی ، مطبوعاتی و آموزشها در ترویج فرهنگ رانندگی در جامعه و اطلاع رسانی آخرین یافته ها و تصمیمات و تغییرات به هنگام .

توصیه های جلوگیری از حوادث رانندگی:

- رعایت کامل قواعد رانندگی و بستن کمربند ایمنی.
- معاینه فنی وسیله نقلیه.
- داشتن تجهیزات به ویژه زنجیر چرخ.
- رعایت سرعت مجاز.
- استراحت بعد از هر دو ساعت رانندگی حداقل یک ربع .
- پرهیز جدی از انحراف به چپ .
- داشتن آمادگی روحی و روانی برای رانندگی و مواظبت و نظارت سرنشین های دیگر.
- انصراف از رانندگی به مجرد احساس خواب آلودگی .

- توجه به حوادث خودروهای واژگونی در پی خواب آلودگی .
- توجه به حوادث رانندگی، در حدود ۳۰ کیلومتری به مقصد، به علت خواب آلودگی و خستگی بیشتر در این زمان .
- رعایت تمرکز حواس در رانندگی و عدم استفاده از تلفن همراه.
- احتیاط در رانندگی در عبور از مسیرهای ناشناخته و جدید .
- اطلاع از وضعیت آب و هوا و رعایت توصیه های پلیس.

۶. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ و چقدر رعایت می‌کنیم؟

« حسن همجواری » تنها یک اصطلاح سیاسی در ارتباط با کشورها نیست و تنها کاربرد بین‌المللی ندارد . میان اهل یک محل ، یا در روابط دو همسایه هم مطرح است . داشتن بهترین خانه ، اما با همسایه ای بد و ناهنجار و مردم آزار ، مفت هم گران است ! افراد عاقل و هوشیار ، در جایی خانه می‌خرند که محلش خوب و همسایگانش سالم و با فرهنگ باشند و گرنه ، یا باید خانه را عوض کنند ، یا عمری در رنج و عذاب به سر برند. توجه به همسایه در خریدن و ساختن خانه ، مغازه و محل کار ، نشانه خردمندی است .

امام علی علیه السلام در نامه ای که به فرزندش امام حسن علیه السلام به عنوان توصیه‌هایی از پدری دنیا دیده و با تجربه می‌نویسد ، از جمله می‌فرماید :

﴿سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ﴾

﴿پیش از سفر ، از همسفر بپرس و پیش از خانه همسایه﴾^۱

نزدیک به سه دهه است که آپارتمان‌نشینی با همه محاسن و معایبی که دارد در کشور ما متداول گردیده است. ازدیاد جمعیت ، کمبود زمین برای احداث خانه‌های تک واحدی ، امنیت بیشتر در مجتمع‌های مسکونی ، توان مالی شهروندان و بسیاری دلایل دیگر از عواملی به شمار می‌روند که بر توسعه آپارتمان‌نشینی تاثیر مستقیم می‌گذارند.

سکونت در مجتمع‌های مسکونی و زندگی تنگاتنگ با دیگر شهروندان و بسیاری دلایل دیگر از عواملی به شمار می‌روند که بر توسعه آپارتمان‌نشینی تاثیر مستقیم می‌گذارند. با هر یک از این دلایل ، ادبیات و فرهنگ خاصی می‌طلبد که عدم آشنایی و رعایت آنها موجب بروز کدورت‌ها و اختلاف‌های فراوان بین ساکنین می‌گردد.

راهکارها :

- رعایت حقوق همسایگان در مجتمع‌ها و آپارتمان.
- مشارکت در انتخاب هیات امنای هیات مدیر مجتمع‌های مسکونی و محله‌ها .
- تقویت فرهنگ و آداب آپارتمان‌نشینی.
- رفت و آمدها و رعایت اخلاق و آداب زندگی گروهی.
- در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است.

﴿حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ يَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ﴾

﴿خوش همسایگی هم آبادیها را آبادان می‌سازد و هم عمرها را می‌افزاید.﴾

۱. نهج البلاغه ، صبحی صالح ، نامه ۳۱

۲. کافی ، ج ۱، ص ۶۶۷ ، حدیث ۷۰۸، ۷۰۹.

- ایجاد آسایش ، آرامش و امنیت برای ساکنین آپارتمانها توسط خود ساکنین.

- ایجاد امکانات تفریحی و رفاهی برای آپارتمان نشینی.
 - رعایت معماری اسلامی به ویژه صداگیر در ساخت آپارتمان.
 - مواظبت از انرژی و سیستم ها به ویژه آب و برق ، گاز و تعویض لوله های فرسوده برای عدم خسارت به آپارتمان و همسایگان .
 - دادن حق شارژ به موقع و رعایت قانون و حقوق همسایگان در مجتمع های مسکونی.
- مولا علی علیه السلام در واپسین لحظات عمر شریفشان خطاب به فرزندان و پیروانشان می فرمایند :
- ﴿ **اللّٰهُ الله فی جیرانکم فَإِنَّهَا وَصِیَّةُ نَبِیِّکُمْ ، مَا زَالَ یُوصِی بِهِمْ حَتّٰی ظَنَّنَا أَنَّهُ سَیُورِثُهُمْ** ﴾^۱
- ﴿ خدای را ، خدای را، در باره همسایگانتان ، که این وصیت پیامبر شماست . پیامبر خدا همواره نسبت به همسایگان سفارش می فرمود ، تا حدی که گمان کردیم آنان را از ارث برندگان قرار خواهد داد . ﴾
- متأسفانه به علت عدم رعایت معماری اسلامی ایرانی و استفاده از الگوی معماری غرب ، کم کم فرهنگ آپارتمان نشینی در ایران ترویج و تحمیل شده است که نیاز به فرهنگ آپارتمان نشینی مبتنی بر مبانی اعتقادی و ارزشهای فرهنگی دارد. آسیب هایی مانند تشکیل مهمانی های غیر شرعی و عدم رعایت آرامش همسایگان ، خانه های مجرّدی ، بزم های عیش و نوش بویژه مشروبات الکلی و مواد مخدر بویژه صنعتی و ... زمینه هایی است که قداست محله ، مجتمع و روابط اجتماعی سالم همسایگان را تهدید می کند. همانگونه که روابط و احترام متقابل و تعاملات فی مابین همسایگان یک کشور در احساس امنیت و وحدت قدرت اثرگذار است بیش از این میزان روابط حسنه بین همسایگان در ایجاد امنیت روانی و اعتماد اثر گذار است.

^۱ نهج البلاغه ، صبحی صالح، نامه ۴۷ خطاب به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

۷. الگوی تفریح سالم چیست؟

تفریح به معنی شادمانی و خوشی است و گفته می شود با واژه های نزهت، تفرج، فرح، راحتی و آسایش هم خانواده است. نشاطی که انسان پس از تلاش و فعالیت های سنگین جسمی و روحی برمی گزیند تا رنج و اندوه و هم و غم را از خود دور کند.

امام علی علیه السلام فرموده اند:

﴿فرح و شادمانی باعث بهجت و انبساط روح و مایه ی تهییج وجد و نشاط است.﴾^۱

انسان قطعاً در این جهت باید پیشگام باشد چرا که انسان یک موجود فولادی و یک جسم بی جان نیست که هر چه بخواهد کار کند، بلکه موجودی است دارای روح و روان، و روح نیز همچون تن و جسم خسته می شود، همانگونه که جسم با استراحت و خواب انرژی مصرف شده را تأمین می کند، روح و روان نیز با تفریح و سرگرمی سالم شارژ شده دوباره نیرو می گیرد.

خداوند نیز در قرآن در آیه ۸ سوره مبارکه انشراح می فرمایند: " فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ "

تجربه و گذشت زمان نیز نشان داده است که اگر انسان به کارهای یک نواخت بدون وقفه ادامه دهد، و از سرگرمی و تفریح محروم باشد، بازده و راندمان کار بر اثر کمبود نشاط تدریجاً افت کرده، پایین می آید. و اما بر عکس پس از ساعاتی تفریح و سرگرمی آنچنان نشاط کار و تلاش در او ایجاد می شود که کمیت و کیفیت کار هر دو فزونی پیدا می کند، به این جهت باید گفت ساعاتی که صرف تفریح و سرگرمی سالم می شود نه تنها هدر نمی رود بلکه با رفع خستگی از روح و روان عامل تقویت و پیشرفت ساعات کاری و مطالعاتی انسان می شود.^۲ از آن جا که ایران اسلامی مبتنی به فرهنگ غنی اسلام است، تفریح صرفاً جنبه فرح و راحتی را در بر نمی گیرد و در فرهنگ غنی اسلام تفریح، سیر تکاملی و رشد شخصیت فردی و اجتماعی انسان به حساب می آید. خداوند دستور فرموده تا در زمین سیر کنید و در آن گردش کنید^۳ از جمله فرمود:

﴿میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم و سفر در میان آنها را به طور

متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم (و به آنان گفتیم): شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی کامل،

سفر و گردش کنید﴾ ولی آنها گفتند: پروردگارا! میان سفرهایمان دوری افکن (تا درویش و غنی متمایز

گردند) و بر خویشتن ستم کردند...﴾^۴

آیاتی که دستور می دهد در بین گیاهان گردش کنید و در کیفیت خلقت آنها دقت کنید، از جمله فرمود:

﴿وَلَمْ يَرْوُا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾^۵

﴿آیا آنان به زمین نگاه کردند که چه قدر از انواع گیاهان پر ارزش در آن رویانیدیم؟﴾

۱. فهرست غرر، ص ۱۵۷

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۴؛ شعارهای فضیلت، محمد باقر مدرس، ج ۴، ص ۲۳۱

۳. آل عمران / ۱۳۷، انعام / ۱۱، نمل / ۳۶.

۴. سبأ / ۱۷ - ۱۸.

۵. شعراء / ۷.

نیز فرمود :

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾

﴿آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین‌های خشک می‌رانیم و به وسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم

چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند، آیا نمی‌بینند؟!﴾

از دیدگاه اسلام بیشترین و بهترین فراغت‌ها در خانواده و در کنار همسر و فرزندان و خانواده بزرگتر معنا پیدا می‌کند و به همین دلیل از آن به عنوان وظایف خانوادگی به شمار می‌رود.

امام علی علیه السلام فرمودند ، زمان شبانه روزی به سه شکل صرف می‌شود :

﴿لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمِ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ

لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ﴾^۲

﴿مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای

تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است!﴾

کار برای تأمین هزینه های زندگی ، انجام تکالیف الهی و عبادی ، استفاده از لذت‌های حلال. زندگی (شامل خواب ، استراحت ، گفتگو با همسر و فرزندان ، دید و بازدید اقوام و بستگان ، رفتن به پار ، صحرای ، کوه ، بازی ، بازارها و...)

« منظور از اوقات فراغت فرصت و زمانی است که انسان مسئولیت پذیر ، هیچ گونه تکلیف با کار موظفی را عهده دار نبوده ، زمان در اختیار اوست که با میل و انگیزه شخصی به امر خاصی بپردازد که با رغبت ، علاقه و انگیزه شخصی فعالیت یا برنامه خاصی را انتخاب و پیگیری می نماید و واژه ی « فراغت » در روایات متفاوت با معنای فارسی است در روایات « فراغت » مقدم شمرده شده است « فراغت » در فارسی به معنای آسایش بعد از کار و در عربی به معنای بیکاری است اوقات فراغت به عنوان زیر مجموعه ای از زمان یک سرمایه ارزشمند و گنج نهاده است مشروط بر اینکه توانایی استخراج و بهره گیری از آن را داشته باشیم .

اما با این همه امکان و اطلاع از جنبه های اوقات فراغت ، برنامه های مدون ، شاداب و به روز فرهنگی ، که مورد اقبال جوانان است کمتر مورد توجه مسئولان قرار گرفته است. در شرایطی که دستهای پنهانی از آستین غربی ها ، در قالب برنامه های فرهنگی و به اصطلاح خودشان ، تفریحات شاد بیرون می آید ، باید دست اندرکاران ذی ربط و مسئولان فرهنگی تلاش مضاعفی در برابر این هجمه ها داشته باشند.

در گردش‌ها و تفریح‌ها برای انسان، دو نکته حائز اهمیت است:

۱. تفریح، فقط گردش بدون اندیشه و تفکر، و بدون عبرت‌گیری و پندپذیری نباشد.

﴿وَكَايْنٌ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ...﴾^۱

﴿و چه بسا نشانه‌های ما را در آسمان و زمین می‌بینند و نسبت به آنها اعراض می‌کنند﴾

انسانهایی که در صحراها و کنار دریاها و... گردش می‌کنند و یا مسافرت‌هایی در شهرها و آثار باستانی دارند، با تفکر و اندیشه به آن محلهای گردش‌ی بنگرند، و از این راه به عظمت خالق و صانع آنها پی برند. و همین طور از سرانجام شاهان و ظالمان و کاخهای بجای مانده از آنها، درس عبرت بگیرند که قرآن کریم عدم توجه به پدیده‌ها را یادآوری می‌کند تا تفریح، باعث آلوده شدن انسان به گناهان دیگر نشود، که دشمنان تلاش دارند میادین ورزشی و تفریحی، محلی برای آلوده کردن مردم، مخصوصاً جوان‌ها باشد، و تا حدودی به این امر موفق شده‌اند، شاهد این امر هستیم که بیشترین بی‌حرمتی‌ها را نسبت به مسائل دینی در پارک‌ها، کنار دریاها و بعضی میادین ورزشی و مسیر رفت و آمد این مکان‌ها است و یا محلی برای توزیع مواد مخدر یا قاچاق. قرآن هشدار می‌دهد که به بهانه ورزش و تفریح و گردش، شما را نبرند، چنان که برادران یوسف به بهانه تفریح او را بردند و به داخل چاه افکندند. یکی از مفسران در این زمینه می‌گوید:^۲

«همانگونه که برادران یوسف از علاقه انسان مخصوصاً نوجوان به گردش و تفریح برای رسیدن به هدفشان سوء استفاده کردند، در دنیای امروز نیز دستهای مرموز دشمنان حق و عدالت از مسأله ورزش و تفریح برای مسموم ساختن افکار نسل جوان سوء استفاده فراوان می‌کنند باید به هوش بود که ابرقدرتهای گرگ صفت در پوشش ورزش و تفریح، نقشه‌های شوم خود را میان جوانان به نام ورزش و مسابقات منطقه‌ای یا جهانی پیاده نکنند.

استعمال دخانیات و گرایش به موادمخدر، وابستگی و اعتیاد شدید به اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای و گاه شرکت در برخی پارتی‌های شبانه و تبلیغ و ترویج بازیهای رایانه‌ای که بیش از هرچیز دل برخی جوانان تازه به دوران رسیده و کم تجربه را می‌رباید، سرفصل تفریحات و برنامه‌های سرگرم کننده‌ای است که دشمنان ما در آن سوی آبها به سرکردگی رژیم صهیونیستی برای جوانان ما تهیه و تدوین کرده‌اند، برنامه‌هایی که با این هدف طراحی شده و در قالب برنامه‌های کامپیوتری می‌خواهند، در اختیار نوجوانان و جوانان باشد که هدفی جز تخریب و تضعیف دین اسلام و در رأس آن جمهوری اسلامی پشت آن نیست.

ولی چشم دل غربی‌ها و دشمنان داخلی و خارجی همیشه کور است؛ چرا که حضور پرشور جوانان حسینی را در روز تاسوعا و عاشورا نمی‌بینند و نمی‌دانند که هر چه بازی‌های رایانه‌ای طراحی کنند باز هم قادر نخواهند بود الگوپذیری جوانان از حسین بن علی علیه السلام حضرت علی اکبر علیه السلام و علی اصغر علیه السلام را بگیرند.

البته ماه مبارک رمضان، ماه محرم و صفر، ایام فاطمیه، مدارس قرآن، زائران نور و راهیان نور، نهضت حفظ قرآن و کلاً تحول بنیادین در آموزش و پرورش و نیز برنامه‌های متنوع رسانه‌های ملی و دستگاههای فرهنگی و

۱. یوسف / ۱۰۵

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۶

هنری از جمله مواردی هستند که تهاجم فرهنگی غرب و صهیونیسم را بی اثر می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند :

« شایسته است مسلمان عاقل ساعتی از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام می گیرد اختصاص دهد و ساعتی برادران ایمانی و دوستان خود را ملاقات کند و در امور معنوی و اخروی با آنان گفتگو نماید و ساعتی نفس خود را با لذت و مشتهیاتش که گناه نباشد آزاد بگذارد و این ساعت لذت ، آدمی را در انجام وظائف دوساعت دیگر کمک می کند»^۱

توجه به نگاه اسلام به انسان ، به عنوان یک موجود الهی که قابلیت دارد از فرش به عرش برود و به مراتبی از حیات طیبه نائل آید و این دنیا فقط محل گذر و عبور و توشه برداری وی است، این قابلیت ها در فطرت انسان نهاده شده است که آرامش حقیقی در ازای حرکت در مسیر حق خواهد بود، بنابراین مهم ترین و اصلی ترین شادی ها ، شادی درونی است. که به آرامش روانی می رسد.

فرح و شادی اصلی که موجب نشاط روح می شود در سایه اطاعت خداوند به دست می آید. شادی های دنیوی باید در راستای هدف اصلی باشد، ایجاد نشاط در دل مومنان با شوخی های متواضعانه ، گردش و تفریح در فضای سبز ، ورزش و بازی های سالم همه و همه برای تعالی جسم و روح و ایمان لازم و با رعایت آداب موجب سیر انسان به سمت مقصود حقیقی می شود.

در دنیای امروز وسایل تفریحی و سرگرمی فراوانی به وجود آمده که بعضاً برخی از آنان با فرهنگ اسلامی سازگاری ندارند . می توان ، تفریح را به دو دیدگاه اسلامی و غیراسلامی تقسیم می کند دردیدگاه غیراسلامی بر این مبناست ؛ هر ابزار و وسیله ای که جوان را شاد کند و باعث نشاط او شود، اما در اسلام توجه به بعد دیگری است و از نظر اسلامی باید تفریحات دارای جنبه عقلانی باشند و طوری نباشند که دچار فعل حرام شویم .

مهم تر از آن هدف حداکثری ، مطرح است که علاوه بر دوری از حرام ، باید تفریح دارای ارزشمندی هم باشد طوری که ما را به خدا و اهداف متعالی انسانیت نزدیک کند . توجه به شادی را اسلام هدف گذاری کرده و مسئولان هم باید علاوه بر ایجاد شرایط تفریح سالم هدف گذاری هم داشته باشند. تقویت و توسعه ی فضاهای سبز ، پارکها ، زمینها و سالن های ورزشی ، جنگلها ، گردشگاهها و استفاده مطلوب از طبیعت هم زمینه شادابی و نشاط و هم سلامت جسمانی را به همراه دارد .

راهکارها :

- زمینه فراهم کردن تجدید قوا ، نشاط و شادابی ، استفاده از امکانات و تجهیزات طبیعی و عمومی ، فرصت با هم بودن و زمینه آرامش و امنیت با تفریحات سالم و سازنده .
- تعریف درست در استفاده از نعمت های الهی و فناوری با توجه به تحولات زمان .

- تقویت و توسعه‌ی تفرج‌گاه‌های طبیعی بناهای تاریخی، موزه‌ها، پارک‌ها، پارک‌های علمی، بوستان‌ها، سینما، تئاتر، کتابخانه‌ها با امکانات تجهیزات بازی و ورزشی و ایجاد محرک‌های محیطی سالم در ارتقا دانش و معلومات.
- جذب مخاطب و پاسخ به نیازهای قانونی و مشروع آنان، با ساختن فیلم و سریال‌ها، با سناریوهای پرمحتوا و فاخر و رونق بخشی به استفاده از رسانه‌های ملی، سینما، تئاتر و ...
- معاصرسازی الگوی تفریح و انطباق آن، با نیاز گروه‌های سنی جامعه، با توجه به مبانی اعتقادی، آموزه‌های دینی و ارزش‌های ملی با تأسیس فضاهای ورزشی، علمی و تفریحی به اقتضای جنسیت به صورت خاص.
- توسعه‌ی فضاهای عمومی برای استفاده هر نوع جنسیت و گروه سنی.
- تقویت سبک زندگی در استفاده از تفریح‌گاه‌ها همراه با رعایت شئون عفاف و حجاب و اخلاق.
- تسهیل در استفاده‌ی از اردوگاه‌های درون شهری، درون استانی و کشوری برای دانش‌آموزان و فرهنگیان به ویژه اسکان آنان.
- تسهیلات و در نظر گرفتن اسکان مسافرین اعم از اهداف مختلفی که مترتب بر مسافرت می‌باشد (سیاحتی- زیارتی- علمی- شغلی و ...)
- تقویت و توسعه‌ی حمل و نقل، سفرهای کوتاه فاصله و طولانی با توجه به معدل درآمد سرانه کشور.
- تقویت و توسعه‌ی مهارت‌های زندگی و ورزش‌های پایه در دوره‌ی ابتدایی، جهت ایجاد انگیزه و مهارت در استفاده از امکانات (شنا، ورزش‌های همگانی، زندگی گروهی و ...)
- اختصاص زمان برای تفریح و با هم بودن در محیط خانواده و بیرون از آن و برنامه‌ریزی مربوط به آن.

۸. نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ تناسب آن با نیازهای ما چقدر عقلانی و منطقی است؟

بناهایی که به دست انسان ساخته می‌شود، جلوه‌هایی از نگرش او به جهان هستی است که مبین قوه فکری و ساختار فرهنگی - اجتماعی افراد آن جامعه است. این برداشت که معماری می‌تواند دیدگاهی طبیعی یا مافوق طبیعی داشته باشد، در هر حال خارج از تأثیر محیط اطراف و اقلیم جغرافیایی انسان نیست، لذا در بررسی معماری یک بنا، ابتدا باید جهان و جهان‌بینی سازنده آن بنا را مورد کنکاش قرار داد تا بتوان افکار و عقاید او را در حجمی از آرایش فضا مشاهده کرد.

معماری سنتی ایران، تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند؛ معماری ایران که به صورت‌های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته، جایگاه خاصی را داراست که در آن، عقاید و رسوم و آئین‌ها در شرایط جغرافیایی و اقلیمی نمود بارزی دارد و حاصل دسترنج هنرمندانی است که برای اعتلای این هنر با تکیه بر ایمان خویش، از جان خود مایه گذاشته و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند.

بی تردید امروز یکی از عوامل تأثیر گذار در روحیه و شخصیت افراد معماری به کار رفته پیرامون اوست. هر چه این معماری طوری باشد که او را به توحید و مبدء آفرینش نزدیک کند آن معماری، معماری اسلامی و براساس فطرت اوست. به عنوان مثال می‌توان شهر اصفهان را نمونه‌ای از مهندسی و معماری اسلامی ایرانی نام برد.

نکته دوم؛ هنر در معماری است. نقش هنر در معماری نقش مهمی است. استفاده از نوع مصالح، شیوه طراحی و مهندسی براساس نوع آب و هوا، طراحی جاذبه برانگیز و خلق یک اثر هنری ممتاز از ویژه گی های معماری اسلامی به شمار می‌رود.

نقش معماران در ایجاد هویت ایرانی - اسلامی نقشی عمده و اساسی است که گویا امروزه به فراموشی سپرده شده است. یکی از شاخصه های هنر معماری ایرانی برخورداری از دانش روز همراه با تلفیق آن، با آموزه های عرفانی و معنوی بوده است که در بنایی، تبلور می‌یابد؛ اما اکنون این اتفاق را در بیشتر بناهای ایرانی نمی‌توانیم ببابیم.

کنار گذاشته شدن هنر در ساخت یک بنا و فترت در معماری ایرانی - اسلامی از اواخر دوره قاجار در ایران آغاز شده است و این موضوع می‌تواند به دلیل آن باشد که بیشتر معماران به جای پرداختن به فرهنگ ایرانی به تقلیدی کورکورانه پرداختند که حتی نتوانستند این تقلید را هم به طور کامل در ساخت بناها به اجرا درآورند. آن چیزی که در طول تاریخ، معماری ما را در جهان متمایزتر از معماری اقوام و ملل دیگر کرده است در واقع کیفیت بناهایمان در کاربرد هنر است، نه در کمیت بناها. اگر می‌بینیم اکنون بناهایی در کشور ساخته

می شوند که رنگ و بویی از هنر ایرانی - اسلامی را برتن جان خویش ندارند، به همین دلیل است که اکنون کمیت ساخت بناهای ما بر کیفیت آن، رجحان پیدا کرده است.

بحث هویت ایرانی - اسلامی در ساخت بناهای ساختمانی امری است که از برنامه سوم توسعه آغاز شده است و باید ادامه یابد. تا جایی که اکنون حتی روستاهای کوچک کشورمان نیز با الگوبرداری از شهرهای بزرگتر خانه هایی می سازند که هیچ سنخیتی با هویت ایرانی ما ندارند.

جهان، به سابقه معماری ایران که تلفیقی از هنر و فرهنگ این مرز و بوم و همراه با ساختار مهندسی بوده است، افتخار می کند. براساس رأی روانشناسان، بخشی از تغییر الگوی زندگی مردم به دست معماری آن ساختمان صورت می گیرد و بسیاری از بیماری های مدرنیسم به دلیل شیوه ساخت بد خانه ها و بناهایی است که می توانستند زیباتر و علمی تر ساخته شوند.

خوب بنگریم می بینیم امروزه چه انتظاری از زیبا ساخته شدن خانه های کشورمان داریم که هیچ کدام از معاونین معماری و شهرسازی مناطق و شهرها معمار نیستند و یا آن که هیچ کدام از رؤسای مسکن و شهرسازی استان های کشور هم معماری نخوانده اند و شاید اینها کلیدی برای باز شدن این قفل باشد زیرا اکنون در بسیاری از قوانین شهرسازی هر کسی می تواند خانه هایی تا ۴ طبقه را بسازد و همه به دنبال دخیل کردن هنر در ساخت بناهای کشورمان با این سابقه تاریخی هستند و معماران در نظام مهندسی کشور در اقلیت قرار دارند.

در زمینه مساجد: مسجد شیخ لطف الله و همچنین مسجد جامع و مسجد امام در اصفهان و ...

در ساختمانهای اداری و تشکیلاتی: عمارت عالی قاپو و کاخ هشت بهشت و ...

در میان پلها: پل خواجه و سی وسه پل و ...

و در شهرسازی خیابان چهارباغ و حتی در مکانهای عمومی میتوان حمام علی قلی آقا و منار جنبان و قبرستان تخت فولاد و مهمانسرای عباسی را نام برد.

اما معماری ایرانی ما که با اسلامی تلفیق گردیده بود، کم کم با تلفیق معماری غربی و الهام از معماری وارداتی در اهداف و کاربرد خود برآمده، که امروز معماری غرب، برگرفته از فرهنگ وابسته نمودن مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی در ساخت و ساز و تفکر لذت جوئی و زیاده خواهی است غلبه پیدا نموده و در سبک زندگی آپارتمان نشین و فرهنگ مترتب بر آن اثر گذاشته است که بسیاری از ملاحظات و حفظ امنیت و آرامش به فراموشی سپرده شده است و در برخی موارد اینگونه ساختمان سازی را خلاف اقتضای زمان می دانند!!!!.

نکته دیگر استفاده از نرم افزارهای پیشرفته در محاسبات ساختمانی، این مهندسی را به قدری آسان نموده که به گفته مهندسان با گذراندن یک دوره کوتاه مدت چند ماهه، فردی می تواند به طراحی یک خانه بپردازد. اما نکته مهمتر این است که با توجه به اینکه در زمان گذشته چنین دستگاههای محاسباتی نبوده، معماران و

بنا های زیر دست قدیم دست به ساخت عمارتهایی زدند که با وجود گذشت زمان و زلزله های مختلف این بناها بر سر جای خود همچنان پابرجاست!! وحتى امروزه جزء جاذبه های گردشگری جهان به شمار آیند. قرآن در بیان ویژگی های برخی تمدن های نابود شده ، می فرماید:

﴿ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ. ۱﴾

« آنها خانه هایی بسیار مستحکم برای فخر فروشی می ساختند و امید داشتند که در آن ها جاودان بمانند»

لازم است در زمینه نظام مهندسی کشورمان تحولی اساسی صورت گیرد و نگرش ها و طراحی ها براساس مهندسی معماری اسلامی- ایرانی و بومی تغییر یابد.

راهکارها:

- تقویت و توسعه ی معماری اسلامی – ایرانی و سبک زندگی مترتب بر آن.
- پرهیز جدی از الگوی معماری غرب یعنی مروج فرهنگ برهنگی .
- استفاده از کاربرد مصالح بومی در ساخت و سازها.
- استفاده از زیبایی شناختی (هنر) در سبک معماری اسلامی ایرانی
- سوق دادن فرهنگ آپارتمان نشینی در محرم سازی و مصونیت.
- در نظر گرفتن امنیت و آرامش فردی و اجتماعی در طراحی و ساخت مدارس، مساجد، سینما، پار ؛ و مراکز رفاهی.
- تبیین تمدن سازی و فرهنگ سازی معماری ایرانی و اسلامی در قرون و ادوار مختلف .
- بررسی ریشه ها و علل کمرنگ شدن و بی رغبتی به طراحی و سبک معماری اصیل و سوق دادن آن به معماری وارداتی.
- بررسی مقاوم سازی ، مکان یابی ، کاربرد مصالح و ...در ساخت و ساز و معماری آثارابنیه ای با قدمت بسیار زیاد در مقابل زلزله ، در دانشگاه های مرتبط با عمران ، معماری و سازه ها .
- تلاش درجهت شناسایی مصالح بکاربرده و مشخصات فنی آن از نظر مقاومت، زیبایی، بومی و ماندگاری .
- تشکیل شهر ؛ های معماری و ساخت نمادین با تنوع و فراوانی الگوهای معماری ایرانی - اسلامی در ادوار مختلف تاریخ در زمینه ی جذب گردشگری و ترویج فرهنگ آن.

طراحی لباسمان بقدر درست و مفید ، و بقدر عقلانی و منطقی است؟

گرچه بیشترین تأکید اسلام بر پوشش معنوی انسانها (لباس تقوی) می باشد، اما پوشش ظاهری نیز نعمتی است که پروردگار، آن را از میان موجودات مختلف، منحصرأ در اختیار انسان قرار داده است و به همین دلیل نمی تواند از نگاه دین، مخفی بماند.

بر این اساس ، دین اسلام ، در ارتباط با پوشا ؛ انسانها توصیه های گوناگونی فرموده که از جمله آنها می توان به این موارد اشاره کرد :

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ أَنَّهُمَا إِنَّهُ يَرُكُّكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱
﴿ای فرزندان آدم شیطان شما را نفریبد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، لباس ایشان را از تنشان بیرون کرد تا عورت ایشان را به آنها بنمایاند. چه آنکه او و همکارانش شما را می بینند (اما بدانید) شیطان را اولیاء کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.﴾

در نظر گرفتن جنبه های معنوی در لباس، زیبایی متعادل، نظافت و آراستگی، طراحی بر اساس عرف و بدون عدول از موازین شرعی، استفاده نکردن از مدهایی که به نوعی نماد بی دینی و مورد استفاده دشمنان خداست و نیز مدهایی که موجب تک نما شدن مصرف کنندگان آن می شود، تنوع در لباسها و شاد بودن آنها برای استفاده در شادی های مشروع، جلوگیری از اسراف در چرخه تولید و مصرف و... «طرفدار این نیستیم که حالا در مورد لباس در مورد مسکن ، در مورد سایر چیزها یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد این کارها باید به تدریج انجام بگیرد و فرهنگ سازی لازم دارد .»^۲
خداوند ، خطاب به انسانها می فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾^۳

﴿ای فرزندان آدم! ما برای شما لباسی در نظر گرفتیم تا زشتی هایتان را پوشانده و زینتی برایتان باشد. با این وجود، لباس پرهیزگاری ارزشمندتر از لباس ظاهریتان است﴾

امام باقر (علیه السلام) ذیل این آیه ، لباس تقوی را به عفت تفسیر کرده و در بیان اهمیت آن می فرماید:

﴿فرد عقیف، حتی اگر برهنه نیز بماند، عفت خود را حفظ خواهد کرد، اما فردی که پاکدامن نیست، حتی اگر تمام بدن او را بپوشاند، همانند برهنگان رفتار خواهد کرد.﴾^۴ ؛

امام صادق (علیه السلام) نیز، آیه فوق را چنین تبیین فرموده است:

﴿زیبنده ترین لباس برای فرد باایمان، لباس تقوای الهی بوده و بابرکت ترین لباس، لباس ایمان است. اما این لباس مادی (نیز گرچه به پای آنها نمی رسد، اما آن هم) نعمتی از جانب خداوند است تا به وسیله آن، زشتیهای زشتیهای انسان پوشانده شود، نعمتی که از میان جانداران گوناگون، تنها انسان از آن بهره مند شده است﴾^۵

۱. سوره اعراف / ۲۷

۲. بیانات مقام معظم رهبری / ۱۳۹۱/۷/۲۳

۳. اعراف / ۲۶

۴. تفسیر قمی ، ج ۲، ص ۲۲۶، ۱

۵. مستدر ، الوسائل ، ج ۳، ص ۲۵۹

خداوند اراده کرده بود تا موجودی با اختیار بیافریند. موجودی که استعداد رسیدن به رشد و کمالی بالاتر از فرشتگان را داشته باشد از اینرو آدم را آفرید پس...

﴿فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِبَدِي لَهُمَا مَا وَرَىٰ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاءٍ ۖ إِنَّهُمَا وَ قَالَ مَا نَهَيْتُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينَ ۖ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ﴾^۱

﴿آنگاه که شیطان خود را به آنها رساند و آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد و لباسی را که خداوند بر تن آنها پوشانده بود، بیرون آورد. شیطان به آنها گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی کرده به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا اینکه جاودانه خواهید گشت.﴾

افراد با ایمان، لباس ظاهری را نیز وسیله ای برای پیشبرد مقاصد معنوی خود در نظر می گیرند. بر این اساس، بهترین لباس، لباسی است که تو را از خدا دور نسازد، بلکه به یاد، شکر و پیروی از او نزدیک کند. لباس نباید به گونه ای باشد که تو را به خودپسندی، ریاکاری، خودنمایی، فخر فروشی و خود برتر بینی وادارد، که تمام اینها از آفتهای دین و موجب سنگدلی انسان می شود. پس هنگامی که لباس را پوشیدی، به یاد پروردگار باش که گناهانت را در پوشش رحمت خود مخفی کرد.

ایرانیان از بیش از ده هزار سال پیش دارای تمدن بوده اند. از این رو، ریشه ی بسیاری از دستاوردهای بشر را در این تمدن می توان یافت. برای مثال، نخستین ابزار ریسندگی و بافندگی در غار کمر بند، نزدیک به شهر، یافت شده است که به هفت هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی گردد. به علاوه، در قدیمی ترین بخش های شهر باستانی شوش، که در خوزستان قرار دارد، سوزن های سوراخ دار پیدا شده است. این دستاوردهای و نوآوری های دیگری که در دوران های بعدی رخ داد، صنعت پارچه و پوشا؛ ایران را پیشتاز و سرآمد جهانیان کرد. جالب است بدانید اسکندر مقدونی، با آن که به ایران حمله و آن را اشغال کرده بود، لباس ایرانی می پوشید.

نوع، مدل و رنگ لباس نشانه نوع تفکر، گرایش و دلبستگی انسان است. شیطان تا آنجا که بتواند فرهنگ برهنگی را ترویج می کند، او با این کار زمینه را برای برهنگی فرهنگی و از دست دادن هویت انسانی فراهم می سازد. اگر با مقاومت ما روبرو شود لباسهایی را پیشنهاد می کند که به ظاهر لباس هستند اما، نه لباس عزت، لباس کرامت، بلکه لباسی که تحریک کننده شهوت و برانگیزاننده هوس و پر کننده جیب ثروتمندان مست و مغرور است. او با ارئه لباس های تنگ و ناز؛ به هدف خود می رسد. در حدیث می خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

﴿خداوند به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به مردمت بگو، لباس دشمنان مرا نپوشید که در این صورت شما هم مثل آنها دشمنان من خواهید شد.﴾^۲

۱. اعراف/۲۰

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۱

« به نظر من ، آن چیزی که امروز مجموعه ای از زنان – که در شکل ها و با هدف های مختلف کار می کنند مسئولیتی که بر عهده دارند این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده ها سال اخیر در ذهن ایرانی وارد کرده است ، بزدايد . البته باور غلطی هم در گذشته بوده است ؛ یعنی گرایش به برخی از شکل های غلط مصرف و تجمل ، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی ، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف ، به شکل عجیبی تشدید شد. این ، محاسبه شده و پیش بینی شده بود . سردمداران سیاست های غربی – که غالباً صهیونیست ها و استعمارگران بودند – به قصدی و با نیتی این کار را کردند . این باورهای غلط را باید بزدايد؛ و این نمی شود مگر با ارایه ی بحث ها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود ، ریشه این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می شود – بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها – به خودی خود کنده خواهد شد . این ها غالباً معلولند؛ علل ، همان باورها و فرهنگ ها هستند که باید روی آنها کار بشود»^۱

معلوم می شود که تقلید از مد لباس های بیگانه را خداوند دوست ندارد. روشن است که پوشیدن لباس های متنوع با مدل های گوناگون تا آنجا که به کرامت انسان لطمه نزنند، نه تنها اشکالی ندارد ، بلکه در راستای فطرت نوگرایی انسان است چه اشکالی دارد که طراحان مسلمان نو به نو لباس هایی را با طرح های جدید به بازار عرضه کنند. اما اشکال اینجاست که چشم جوانان مسلمان به کشورهای بیگانه باشد و به محض اینکه بیگانگان مدل لباس خود را تغییر دادند ، جامعه اسلامی رنگ ببازد.

هر جا قرآن مسلمان را به حجاب و پوشش اسلامی سفارش می کند به دنبال طهارت ، پاکی ، رشد و خوشبختی انسان است. اما ارمغان لباس پیشنهادی غرب و توسعه فساد و تحریک شهوت ، تجمل پرستی و باز ماندن از هدف های اصلی ، سوزاندن دل محرومان ، خودنمایی و تکبر، اسراف و تبذیر، رقابت ها و چشم هم چشمی های مخرب ، در گیریهای خانوادگی و... است . شایسته است در مورد انتخاب لباس ، خودمان تصمیم بگیریم .

راهکارها :

- پرهیز از الگوی لباس های بیگانه در کشور .
- بررسی تحول و تطور لباس برگرفته از تمدن، فرهنگ و سنت ها در ایران و در ملت های جهان.
- بررسی تغییر ذائقه ها در پوشش و طراحی لباس در ادوار مختلف تاریخی و تاثیرپذیری فرهنگی آن .
- نقش و جایگاه طراحی لباس در تغییر سبک زندگی .

﴿عفت در زن ، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران ، حتی در چشم خود مردان

شهوتران و بی بندبار است﴾^۲

- پایبند بودن به پوشش های بومی و عرف جامعه و تشکیل جشنواره های طراحی لباس .
- معاصر سازی طراحی لباس با توجه به رغبت ها و سلیقه ها . با حفظ اصالت فرهنگی عفاف و حجاب.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای فرهنگی ، اجتماعی زنان ، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶

۲. همان

- پایش و نظارت بر طراحان لباس رشته های کاردانش و مهارت و نیز رشته های دانشگاهی ، تولیدکنندگان ، توزیع کنندگان ، فروشندگان .
- ارایه طراحی لباس مبتنی بر مبانی اعتقادی ، آموزه های دینی و ارزش های ملی و ترویج و توسعه فرهنگ پوشش آن .

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَحِفْظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾^۱

﴿و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینتهای خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تا گریبان فروگذارند و زینتهای خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا ... و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده اند دانسته شود﴾.

- تشکیل موزه های مردمی در تبیین آداب و سنن در اقصی نقاط کشور .
- تقویت و ایجاد نگرش مثبت نسبت به لباس های ملی و پوشش اسلامی.
- تعریف حدود و ثغور حجاب و عفاف در جامعه برای زن و مرد.

﴿صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا﴾^۲

﴿محفوظ بودن و پاکدامنی برای سلامتی زن مفیدتر است و زیبایی او را بادوام ترمی کند﴾

- وضع قوانین اقدامات پیشگیرانه .

خانواده مهم ترین نهاد تربیتی است که نقش تأثیرگذاری در شکل گیری شخصیت فرزندان دارد و رفتار و گفتار آنان به نوعی الگوی امروز فرزندان است؛ لذا قول و عمل والدین در زندگی باید به گونه ای باشد که بتواند فرزندان شایسته و فرهیخته پرورش داده و تحویل اجتماع دهد.

ازدواج ساده و آسان که بایستی با برنامه ریزی دقیق و عملیاتی صورت پذیرد ؛ چرا که راههای انجام آسان امور ازدواج ، اشتغال و مسکن جوانان می تواند در کاهش بزهکاریهای اجتماعی کمک شایانی در بهبود وضعیت جامعه داشته باشد .

«مسأله حجاب و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن ، همه اینها به خاطر آن است که این قضیه عفاف در این بین سالم نگهداشته بشود . اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می دهد. البته عفاف مرد هم مهم است . عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عفیف باشند ؛ منتها چون در جامعه ؛ مرد به خاطر جسمانی و برتری جسمانی ، می تواند به زن ظلم کند و بر خلاف تمایل زن رفتار نماید ، لذا روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است »^۳

۱. نور/۳۱

۲. غرالحکم، ج، ۴، ص ۲۰۰، ح ۵۸۲۰

۳. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت جشن میلاد کوثر ، ورزشگاه آزادی ، ۱۳۷۶/۷/۲۰

توجه به تعالیم و قوانین اسلامی را در این راستا موثر دانستن « رواج الگوی اسلامی حجاب به عنوان ارزش برتر ، فرهنگ سازی فراگیر و دقیق تر در چارچوب تعالیم اسلام با توسل به ائمه معصومین (علیهم السلام)، گسترش و نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم ، تقویت اعتقادات مذهبی جامعه و تعمیق باورهای دینی در جامعه ، توجه دادن به سیره و روش اهل بیت (ع) » از جمله عواملی است که به آن اشاره شده است . نظارت غیر مستقیم و تأثیر گذار در مدارس و دانشگاهها ، تصویب قانون مبارزه با بی بندبازی و بی حجابی و به طور کلی با برخورد با هر عمل ضد اخلاقی و ضد اسلامی در محیط های آموزشی و غیر آموزشی (جمع آوری ماهواره ، فیلتر سایتهای مخرب ، جلوگیری از پخش فیلم های مروج اشرافی گری ، برخورد با وارد کنندگان و فروشندگان لباسهای نامتعارف ، برخورد قاطع با بدحجابی ها و نیز برخورد جدی با متعرضین به آمران معروف و ناهیان از منکر.

- وحدت رویه در لباس مدارس و معلمان در محل کار از نظر طراحی مدل و با توجه به دوره تحصیلی و کمک به از بین بردن روحیه تجمل و تبعیض در محیط های آموزشی و کم کردن مسائل حاشیه ای.
- توجه جدی به حجاب کامل اسلامی در مدارس و دانشگاهها و مراکز دولتی
- توجه به رعایت حجاب و عفاف و اخلاق با شاخص های مرتبط در ارزشیابی .
- توجه به لباس های محلی ، احیاء و تقویت و ترویج آن بویژه برای نسل معاصر.

انسان طالب زیبایی است و زیبایی را دوست دارد و جذب آن می‌شود و دوست دارد خود را را به زیباترین شکل ظاهر سازد چون خداوند گرایش به زیبایی را در وجود انسان قرار داده است. اما گاهی اوقات همین زیبایی غذای مسمومی می‌شود که ظاهرش خوشرنگ و خوش طعم است اما عامل نابودی انسان می‌شود.

﴿وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَّاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ زُورُوهُنَّ كَاسِيَمَةَ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةٍ كَذَا وَكَذَا﴾^۱

«در آینده زنانی پیدا می‌شوند که درعین پوشیدگی برهنه اندلباس‌های بدن نما و جورابه‌های ناز ؛ می‌پوشند هوسباز و دلفریب می‌باشند، موهای خود را طوری آرایش می‌کنند که مانند کوهان شتر جلوه می‌کند اینان هیچ کدامشان داخل بهشت نمی‌شوند و حتی بوی آن را استشمام نمی‌کنند، با این که بوی بهشت از راه بسیار دور شنیده می‌شود»

دین اسلام آرایش و زینت را در معنای ویژه آن مجاز، پسندیده و ثواب دانسته و آن را هماهنگی با نظام خلقت می‌داند که خداوند در همه ابعاد آن را زینت داده است. ولی افراط و تفریط‌ها و کج فهمی‌ها همچون بسیاری از مسائل دیگر مشکل ساز بوده است از آنجا که آرایش یکی از شئون اسلامی انسان محسوب می‌شود رعایت حد و مرزها و شئونات در این زمینه لازم و ضروری است. افراط در آرایش و زینت یکی از امراض روحی است که زنان و مردان را مبتلا کرده و شخصیت و برخی صفات برجسته انسانی را در ایشان ضعیف کرده است و موجب فرو ریختگی ارزش فرهنگی، اعتقادی، دینی و هنجارهای اجتماعی شده اند.

«این که گفتند محرم، نامحرم، روگیری و زن با آرایش، چهره‌ی خودش را به مردان نشان ندهد، مراعات کند و مرد هم نگاه نکند، به خاطر این است که هر کدام از اینها مثل کلنگی است که به بنیان خانواده زده می‌شود. ممکن است همان لحظه اثر نکند؛ اما مجموعه‌ی ناگهان سقف را پایین می‌آورد»^۲

متأسفانه استفاده از لوازم آرایشی در سال‌های اخیر خاص زنان نبوده بلکه این مسأله به شیوه‌های مختلف در بین مردان نیز افزایش پیدا کرده و کودکان نیز نسبت به استفاده به این مواد تمایل پیدا کرده اند.

جوانانی از آرایش‌های غلیظ و افراطی استفاده می‌کنند به نوعی دچار «آنومی» اجتماعی یعنی فرو ریختگی ارزش فرهنگی، اعتقادی، دینی و هنجارهای اجتماعی شده اند و بر اساس آمارهای نهادهای ناظر بین المللی ایران، دومین مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه و هم چنین وارد کننده لوازم آرایشی در جهان است که در میان جوانان بویژه دانشجویان بسیار مشهود است که آرایش کردن دختران دانشجویان از نظر حقوقی ظلم است. و رعایت حد و مرزها در آرایش ضروری است.^۳

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۸۰، ح ۲۱۲۸

۲. بیانات مقام معظم رهبری، مراسم ازدواج، ۱۳۸۱/۸/۲۸

۳. حجه الاسلام قرائتی - در جمع دانشگاهیان چهار محال بختیاری، ۹۲/۲/۱۱

﴿وَعَادُوا وَتَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ...﴾^۱

﴿شیطان کارهایشان را برایشان زینت داده بلافاصله آنها را از راه (درست) باز داشت.﴾

«امروزه آرایش های غلیظ و کورکورانه از هنرپیشگان غربی و شرقی سبب کم اهمیت شمردن اخلاقیات شده و رسانه ملی نقش تعیین کننده ای در مدیریت و هدایت فکری و فرهنگی و روحیه و اخلاق رفتاری جامعه دارد و آن از مأموریت محوری صدا و سیما است . امروزه صدا و سیما نقش بسیار مهم و همچنین تکلیف بزرگی دارد . ما صدا و سیما را عمده ترین مرکز هدایت فکری می دانیم . ما می خواهیم از این سرچشمه زلال ، معارف درست الهی و انسانی و سیاسی و درس های گوناگون زندگی به سمت مردم سرازیر شود»^۲

مضرات لوازم آرایشی و اثرات آن بر روی پوست :

- لوازم آرایشی غیر استاندارد موجب عوارض جسمی و صدمات پوستی و بیماری های مختلفی از جمله آلرژی پوست ، زخم های پوستی ، جوش ، حساسیت و قرمزی و رشد میکروب ها و لک و سرطان در افراد می گردد .
- افزایش سرطان ها و بیماری های پوستی از مهم ترین عارضه هایی است که مصرف کنندگان دائمی لوازم آرایشی را در معرض خطر قرار داده است .
- بیماری های ویروسی از طریق لوازم آرایشی قابل انتقال است سرب و فلزات سنگین که در لوازم آرایشی استفاده می شود برای بدن انسان سرطان زا بوده و موجب مسمومیت با فلزات سمی می شود.
- موجب پیری زودرس پوست می شود.

راهکارها :

- تعریف حد و مرز آرایش در بین زنان و مردان .
- تبیین آثار آرایش و خودنمایی و تشخیص طلبی برای غیرمحرّم .
- توجه به استفاده از لوازم آرایش غیراستاندارد و آثار سوء آن بر روی پوست و...
- استفاده بهینه از وقت و توجه به میزان از دست دادن فرصت روزانه در افراد برای صرف آرایش .
- تبیین آرایش و خودنمایی در معابر عمومی در زمینه فراهم ساختن طعمه طلبی بدخواهان و آسیب بر زندگی فردی و خانوادگی.
- جلوگیری جدی از آرایش ابتذال فرهنگ غرب در جلوگیری از یکنواختی بین زن و مرد .
- پایش و نظارت بر ورود لوازم آرایشی از کشورهای خارج و رعایت آن در تولیدات داخلی کشور.

۱. عنکبوت / ۲۸

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هنرمندان و دست اندرکاران صدا و سیما. ۱۳۸۹/۴/۱۲

- اهتمام به تأثیر مستقیم آرایش در نگرش و تغییر فرهنگ . (اعم از مردان و زنان) .
- پایش و نظارت بر آموزش آرایشگاه ها از نظر مدل و فروشگاه های لوازم آرایش.
- فرهنگ سازی در استفاده بجا و انتخاب لوازم و مواد آرایشی با توجه به آداب ، سنن و عرف اجتماعی و فرهنگی .
- تنوع و تکثر آرایش و بعضاً به سخره گرفتن فرهنگ و هویت جامعه از سوی مافیای ثروت طلب ، مزدوران استکبار و انتشار این نوع مدل ها و شناخت خلاءهای قانونی و اقدام در برطرف نمودن آن .
- تبیین تفکر بهاییت و تهاجم فرهنگ نرم در ترویج بی تفاوتی، تجمل گرایی، خودنمایی و بعضاً شکار افراد .
- ترویج و تبیین مدل اسلامی- ایرانی و حد و مرز آرایش در محیط خانواده و اجتماع ، توسط رسانه های ملی ، سینما ، تئاتر، مدعوین در جشن ها و محفل ها ، همایش ها و ... و نیز تبیین در جلوگیری از ترویج ابتذال فرهنگی و پخش شیوه های آرایش مبتذل.
- رعایت حدود اسلامی و انسانی توسط پزشکان در ترمیم پوست و جراحی دماغ ، چشم و صورت و تبیین و اطلاع رسانی حقیقی در بزرگنمایی جراحی زیبایی .

راستی و درستی یکی از فضایل بزرگ انسانی است که در همه مکاتب الهی و حتی مکاتب مادی دارای ارزش والا است. برعکس آن، دروغ و دروغگویی است که در همه مکاتب به ویژه مکتب اسلام منفور بوده و سرچشمه گناهان بسیار شمرده شده است. در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می زنیم؟ اسلام دینی فطری است و راستی نیز خواست فطرت است، پس این دو پیوندی ناگسستنی دارند و در روایات اسلامی با تعبیر گوناگونی بر راستگویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و تدین به حساب آورده اند. اصولاً رستگاری جز با راستگویی امکان پذیر نیست و کسی که دروغ می گوید و ظاهر کلامش با باطن آن موافقت ندارد و بر خلاف واقع سخنی را بر زبان می راند نمی تواند امید به رستگاری داشته باشد. بنابراین برای دست یابی به مقامات معنوی راست گویی نه تنها گام نخست بلکه گام بلندی است که شخص را تا مقام نبوت انبایی بالا می برد و مورد توجه و عنایت خاص خداوند قرار می گیرد و این گونه است که می تواند با فضل و عنایت خاص خداوند دیگر ظرفیت ها و توانمندی های سرشته و ذاتی خویش را به فعلیت برساند و دیگر مقامات معنوی را بییماید.

امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز راستگویی را قویترین پایه ایمان، ملا ؛ دین و الهام از سوی خدا دانسته، می فرماید:

﴿أَصْدَقُ اقْوَى دَعَائِمِ الْإِيمَانِ﴾^۱

﴿راستی قویترین رکن ایمان است﴾

با این وصف اگر بگوئیم راستی و درستی شالوده دین و ایمان را تشکیل می دهد و آن که از این خصلت زیبا و حیاتی برکنار باشد در واقع دین در او بی ریشه است، سخن گزافی نگفته ایم. قرآن در سوره احزاب^۲ به تأثیر و کارکرد راستگویی مومنان در گفتارشان اشاره کرده و آن را سبب اصلاح اعمال آنان می داند. از این رو فرمان می دهد برای این که اعمال ایشان به اصلاح گرایید همواره قول سدید و گفتار خالی از هرگونه شائبه دروغ و لغو بگویند و سخنی را بر زبان آورند که ظاهر آن، با باطن آن موافق باشد.^۳ بنابراین کسانی اهل صداقت و راستی هستند، که در برابر آموزه های وحیانی تسلیم می باشند و هرگز برخلاف آن عمل نمی کنند و رفتارشان همواره در چارچوب آموزه های دینی است و گامی برخلاف آن بر نمی دارند. اصولاً رستگاری جز با راستگویی امکان پذیر نیست و کسی که دروغ می گوید و ظاهر کلامش با باطن آن موافقت ندارد و بر خلاف واقع سخنی را بر زبان می راند، نمی تواند امید به رستگاری داشته باشد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، خراسان رضوی، ۹۱/۷/۲۳

۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۶

۳. احزاب، ۷۱ - ۷۰

۴. مجمع البیان ج ۸ و ۷ ص ۵۸۴

خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مبارکه مائده می فرماید:

﴿روز قیامت تنها کسانی رستگار می شوند و از آتش دوزخ رهایی می یابند که راستگو باشند. امروز روزی است که تنها صدق و راستی راستگویان است که به فریاد ایشان می رسد و سربلند و پیروز از آزمون دنیا بیرون می آیند﴾

درحقیقت کسانی که راستگویی را منش و روش خویش قرار داده اند و در هر حال و مقامی راستگو هستند و سخنی به دروغ بر زبان نمی رانند در قیامت از راستگویی خویش بهره مند می شوند. از دیگر آثار راستگویی که در آیات سوره احزاب بدان اشاره شده است بهره مندی از مغفرت الهی است.^۱ به این معنا که راستگویان در پوشش خاص الهی قرار می گیرند و خداوند آنان را از شر و آسیب اموری زیانبار حفظ می کند. چون اهل راستگویی و صداقت هستند در دام گناه نمی افتند و خداوند در اطراف آنها حفاظی را پدید می آورد تا گرفتار گناه نشوند. درحقیقت با بهره گیری از منش و روش راستگویی برای خود دیوارحفاظتی می سازند که خداوند آن را خود برپا می دارد و در حفاظ و پوشش اوست که از گناه ایمن می شوند و غفران و غفاریت الهی آنان را در بر می گیرد. این گونه است که زمینه های رشد و ترقی انسان برای دست یابی به مقامات معنوی فراهم می آید. این همان چیزی است که هر کسی خواهان آن است و می خواهد تا به قدرت و توانایی ذاتی خویش دست یابد. اگر بخواهیم خود را بیازماییم و بدانیم که راستگو هستیم و بر منش و روش راستگویان می باشیم و یا راستگویی را در دیگران بجویم می توان از نشانه هایی که قرآن بیان داشته بهره بریم. این نشانه ها به ما کمک می کند تا راستگویان راستین را از دروغ گویان دغل کار باز شناسیم و در دام حيله های ایشان نیافتیم. نخستین نشانه از راستگویی تطابق قول و عمل شخص است. اگر گفتار شخص با رفتار وی مطابقت نداشت وی را می بایست از دروغگویان و یا دست کم کسانی دانست که صدیق نیستند بنابراین نمی توان در برابر ایشان متواضع بود و آنان را الگو قرار داد و خود را مرید ایشان دانست. با توجه به این نشانه ها، انسان به سادگی و آسانی می تواند راستگوی واقعی و راستین را از راستگویان مدعی و دروغین باز شناسد. بنابراین نمی بایست برخی از اعمال و رفتار گروهی فریبکار موجب شود تا در دام آنان افتاد. برخی با گریه و سایر شواهد ظاهری می کوشند تا مردم را فریب دهند و اصولاً نباید برخی از رفتارهای ظاهر و تظاهری مبنا و ملا ؛ داوری قرار گیرد. بسیار دیده اید که دروغگویان به گریه متوسل می شوند. از این روست که قرآن گریه را حربه دروغگویان می شمارد و می فرماید:

﴿آنان با گریه می کوشند تا حقیقت را بپوشانند و مردمان را گمراه کنند. بنابر این نمی بایست گریه و

دیگر تظاهرات ظاهری مردمان را ملا ؛ داوری قرار داد.﴾^۲

﴿اینان در ظاهر رفتاری را انجام می دهند که با باطن ایشان مطابقت ندارد و حتی گرفتارهای ایشان زیبا

و دل پسندتر و شگفت انگیزتر است﴾^۳

۱. آیه ۲۵

۲. احزاب / ۷۱ - ۷۰

۳. بقره / ۲۰۴

این مسأله را می توان با نگاهی به اعمال آنان به دست آورد. اصولاً کسانی که اهل راستگویی هستند برای مردم دل می سوزانند و برای رهایی مردم تلاش می کنند و می خواهند آنان را از اسارت و بندگی و بردگی استعمارگران رهایی بخشند. از این روست که اهل انفاق هستند و می کوشند تا با کمک های مالی خویش دیگران را از بند بردگی برهانند.^۱

بنابر این اگر موردی دیده شد که شخص می کوشد تا مردم را برده و بنده خود کند در حقیقت او فریبکار است؛ زیرا کسی که حاضر نیست که شخصی در بند بردگی دیگری باشد چگونه اجازه می دهد که به شکل دیگر برده و بنده او شود؟

از این رو راستگویان اهل انفاق برای کمک به دیگران ، انسان های نوع دوستی هستند که دستگیر هر ، در راه مانده ای هستند. به حاجت مندان و فقیران کمک می کنند. یتیمان و ناتوانان را دستگیری می کنند. به آخرت ایمان داشته و نماز به پامی دارند و زکات مال خویش را می پردازند و اهل وفای به عهد هستند. خویشان را دوست داشته و به هر شکلی به آنان کمک می کنند. این ها نمونه هایی است که قرآن تنها در یک آیه بدان اشاره کرده است.^۲ اصولاً راستگویان ، اهل اخلاص هستند^۳ و در انجام وظایف عبادی و اجتماعی و اخلاقی خویش کوتاهی نمی کنند و با تحمل مشکلات و رنج ها آن را انجام می دهند.^۴

راهکارها :

- توجه به صداقت و راستگویی در تربیت اولیه در محیط خانواده .
حضرت صادق (علیه السلام) نیز می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ﴾
«خداى عزوجل هیچ پیامبرى را نفرستاد، مگر با راستگویی، و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار.»

- عدم ترویج و تقویت به عادت دروغ گفتن برای اصلاح ، قول دادن، صحبت کردن و حتی درخواست کردن از همسر و فرزندان.
رسول اکرم (ص) می فرماید:

﴿الصَّدَقُ مُبَارَ ؛ وَ الْكِذْبُ مَشْوُومٌ﴾
«راستی، مبار ؛ و دروغ نامیمون است.»

۱. بقره/ ۱۷۷

۲. همان

۳. حشر/ ۸

۴. بقره/ ۱۷۷

۵. کافی ، ج ۲ ، ص ۱۰۴ ، ح ۱

۶. نهج البلاغه، خطبه ۸۶ ، فیض الاسلام

- عدم تشدید به مسأله تحقیر، تنبیه و خصومت در واکنش به اظهارات صادقانه و راستگویی .

﴿عَلَى شَفَا مَنجَاةٍ وَكَرَامَةٍ وَالْكَاذِبُ عَلَى شَرْفٍ مَهْوَاةٍ وَمَهَانَةٌ﴾^۱

﴿راستگو در آستانه نجات و بزرگواری است و دروغگو در لبه پرتگاه و خواری.﴾

- تبیین راستگویی در کسب روزی حلال و جلب اعتماد فی مابین و جایگاه کرامت و حرمت اجتماعی برای راستگویان برای ایجاد مهارت در این زمینه.
 - تبیین راستگویی به عنوان یک فریضه معروف و دروغگویی به عنوان منکر .
- امام صادق (علیه السلام) به این حقیقت تصریح کرده می فرماید:

﴿لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سَجُودِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ اغْتَاذَهُ وَ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ

وَلَكِنْ أَنْظَرُوا إِلَى صَدَقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ.﴾^۲

﴿(برای شناخت تدین افراد) به طولانی شدن رکوع و سجده او نگاه نکنید چرا که به آن عادت کرده و

اگر ترکش کند، وحشت زده می شود، لیکن به راستگویی و امانتداری او توجه کنید.﴾

- تبیین آثار و خسران مترتب بر دروغ اعم از ارایه آمار، عملکرد ، برآورد هزینه و...در رفتارهای سازمانی و غیرسازمانی .
 - تبیین نقش دروغ در سلب آرامش فردی و خانوادگی و منجر شدن یک دروغ به دروغ های پیاپی و ترسیم آن به وسیله هنر .
 - تبیین شعار « سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست » برای مسایل دیپلماسی و تعاملات اجتماعی و گفتن این جمله « هر راستی ضرورت ندارد اما دروغ نباید گفت. »
 - تبیین و هشدار نسبت به دروغ و هویت زدایی آن و تغییر قضاوت و خودپنداره افراد به دروغگو .
- امیرمؤمنان علی (ع) می فرمایند:

﴿شَيْئَانِ هُمَا مِلَا ؛ الدِّينُ؛ الصَّدَقُ وَالْيَقِينُ﴾^۳

﴿دو چیز ملا ؛ دین است؛ راستی و یقین﴾

- تبیین « راستی راه نجات است چیست؟ چرا آموزه های اعتقادی و دینی ما بر راستگویی تأکید دارد؟ »

﴿عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقِ فَإِنَّهُ مَعَ الْبِرِّ وَ هُمَا فِي الْجَنَّةِ وَ آيَاكُمْ وَ الْكَذِبِ فَإِنَّهُ مَعَ الْفُجُورِ وَ هُمَا فِي النَّارِ.﴾^۴

﴿شما را سفارش می کنم به راستگویی، که راستگویی با نیکوکاری همراه است و هر دو در بهشت اند

و از دروغگویی بپرهیزید که دروغگویی همراه با بدکاری است و هر دو در جهنم اند﴾

۱. خطبه ۸۶ / نهج البلاغه

۲. اصول کافی ، کتاب الایمان و الکفر، باب الصدق و أداء الأمانة ، ح ۱۲

۳. غررالحکم ج ۴ ص ۱۸۴

۴. نهج الفصاحه، ح ۱۹۷۶

- تبیین دروغ های کلان ، و نقش آن در تحریف تاریخ و وارونه جلوه دادن حقایق، ضوابط و قوانین ، ادعاهای کاذب برای اهداف پنهان در معاملات اقتصادی، روابط فرهنگی و سیاسی و تعاملات اجتماعی مترتب بر سرنوشت یک کشور و ملت .

﴿إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ الصَّدَقَ﴾^۱

﴿وقتی خداوند بنده ای را دوست بدارد، راستی را به او الهام می کند.﴾

- ارایه اطلاعات در باره اتخاذ تصمیمات مبتنی بر دروغ و میزان و ایجاد انحراف در اهداف.
- تبیین نفی چالپوسی و نقش آن در ایجاد انحراف در عدالت و انصاف . (آموزه های دینی).
- امام صادق علیه السلام عدم قول و فعل را که شیوه منافقان است نقد کرده و می فرمایند:

﴿بد کسی است آن که دارای دو چهره و دو زبان است که باطن و طاهرش متفاوت باشد و پیش او چیزی

گوید و پشت سرش چیز دیگر﴾^۲

- دقت و توجه به ریشه یابی تمام اعمال خوب و رضایت و اعتماد فردی و اجتماعی از راستی و تمام نابهنجاری ها و گرفتاری ها از دروغ .
- تبیین نقش دروغ در بهم زدن نظم اجتماعی، شهادت ها، قضاوت ها و در آخر هم ایجاد خسران .
- دروغگویی سرچشمه و منشأ اختلاف، طلاق، نفاق، جنگ، فتنه و...
- توجه انسان خردمند به صداقت در قول و فعل به حکم عقل. (توضیح آن که بنیاد بسیاری از گناهان ، گفتارها و رفتارهای ناپسند و زشت بی صداقتی در قول و فعل است).
- امام کاظم می فرمایند :

﴿إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَى مَنْ صَدَقَ قَوْلُهُ فِعْلُهُ﴾^۳

علیه السلام ﴿همانا شیعه علی کسی است که قول او ، فعلش را تصدیق کند﴾

- مشخص شدن جایگاه صداقت و راستگویی در نظام تعلیم و تربیت .
- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

﴿يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يَرْحَقُهُ وَ لَا يُخْرِقُ بِهِ﴾^۴

﴿در تربیت کودکان بویژه اطفال : ۱. آسان گیری ۲. عدم سختگیری ۳. دروغ نگفتن ۴. در حضور

آنان کار خرق عادت انجام ندادن.﴾

۱. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۶۱، ح ۴۱۰۱ ...

۲. تحف العقول، ص ۲۹۱، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۵۰

۳. کافی ، ج ۸، ص ۲۲۸

۴. الکافی ج ۶ ، ص ۵۰ ، ح ۶

۱۲ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟

انسان دارای ابعاد و نیازهای متنوع و متعددی است، باید سبک زندگی در همه ساحت‌ها و نیازهای انسان شناسایی و به عنوان کلیات به مردم معرفی شود مجموعه‌ای که هر چند از تعدد و تنوع برخوردار می‌باشد؛ اما همواره ثابت و لایتغیر است، جوامع الکلمی هستند که به اصول و فرمول کلی زندگی اشاره دارند.

توجه به مکارم اخلاقی در سنت و سیره معصومین (علیهم‌السلام) و تلاش در انطباق پیروان، نسبت به سیره آنان به عنوان تکلیف که خداوند پاداش سعی هر بنده‌ای را که در حد توان و استطاعت خویش بکوشد به خوبی و شایستگی ادا کرده و به او می‌بخشد.^۱

علی (علیه‌السلام) فرمودند:

«خداوند به داود (علیه‌السلام) وحی فرمود که تو بنده خوبی هستی به شرط آنکه از بیت المال استفاده نکنی و با دستان خویش کار کنی داود چهل روز گریست و خدا به آهن وحی فرمود که برای بنده من داود نرم شو و آهن نرم شد و هر روز زرهی می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و از بیت المال بی‌نیاز شد»^۲

قدرت واقعی در توکل به خدا، به قوت است که قدرت را موجب می‌شود، قدرت به معنای انجام یا تر؛ کاری است که به خواست و اراده خودش است.

شیوه اخلاقی امام کاظم (علیه‌السلام) الگو است، شیوه اخلاقی این امام بزرگوار در ارتباط با مردم، حاکمیت و دیگران می‌تواند اخلاق سیاسی، اجتماعی، فردی و مدیریتی را در ابعاد مختلف سامان و زمینه رشد و کمال فرد و جامعه را فراهم نماید.

امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

﴿مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾^۳

«اگر خواهان قوت هستید، به اصلی و منشأ قوت مراجعه کنید چرا که منشأ قوت در تمام هستی خداوند است پس برای اتصال به چنین منبع انرژی و قوت بهتر است که به خدامتصل شوید»

ارتباط «فرهنگ کار» با کارگریزی

«فرهنگ کار» مفهومی است که کمتر در جامعه‌ی ایرانی تعریف شده است؛ این در حالی است که در جهان پیشرفته صنعتی، با تأکید بر نیروی انسانی و نگرش‌های آن‌ها به کار و تولید، مفهوم «فرهنگ کار» از اهمیت زیادی برخوردار است. به طور کلی، فرهنگ کار به مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده یک گروه کاری در انجام فعالیت‌های یک سازمان گفته می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ کار به معنی ارزش‌ها و نگرش‌های درونی شده و مورد پذیرش جمعی قرار گرفته در یک سازمان است.

یکی از موانع اصلی توسعه در ایران موانع فرهنگی، به ویژه ضعف فرهنگ و اخلاق کار در ایران است. از مهم‌ترین نشانه‌هایی که ضعف فرهنگ کار را در ایران را مشخص می‌سازد می‌توان به «کارگریزی» اشاره کرد و مواردی از قبیل گریز از محل کار، غیبت‌های مکرر، مرخصی‌های روزانه، گواهی پزشکی و به خصوص مرخصی‌های ساعتی مکرر، بی‌انگیزگی در کار، اتلاف وقت در محل کار، عدم ارزش‌گذاری برای کار و امثالهم را به عنوان مصادیق آن برشمرد که متأسفانه به صورت بارز در محیط‌های کاری ایران قابل مشاهده است.

۱. نجم/۳۹

۲. کافی ج ۵، ص ۷۴

۳. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۴۳

ریشه‌ی پایین بودن سطح مسئولیت‌پذیری شغلی

چه دلایلی باعث کارگری می‌شوند؟ چرا کارگری یا فرار از کار و به عبارتی عدم تمایل به انجام کار در جامعه به وجود می‌آید؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند زمینه‌ای باشد که بتوان راه‌های رفع مشکل را شناسایی نمود و به منظور ارتقای فرهنگ کار و کاهش کارگری برنامه‌ریزی کرد. از مهم‌ترین دلایلی که باعث کارگری در سازمان‌ها و ادارات می‌شوند می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد که به نحوی هر یک از این موارد نیز در جامعه‌ی ما قابل مشاهده هستند.

ریشه‌ی اول: نگرش‌های اجتماعی به زندگی کارکنان

متأسفانه، نگرش قالب در جامعه‌ی ما در مورد «کار» عبارت است از: «بهتر پنداشتن و به عبارتی خوشبخت دانستن افرادی که مجبور به انجام کار نیستند یا کارهای ساده و راحتی را بر عهده دارند و در مقابل، مشکل پنداشتن زندگی کسانی که کارهای دشوار و سخت جامعه را انجام می‌دهند. طبیعتاً چنین نگرشی می‌تواند گریز از کار و تلاش را برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌های شغلی دامن بزند. چنانچه هنوز کودکان مأنوس با محیط و فضای کار نشده اند تهدید می‌شوند که اگر می‌خواهید کارگر شوید پس درس نخوانید همین القای درس خواندن را در تعارض با کارگری می‌دانند.»

ریشه‌ی دوم: عدم توجه به علاقه و استعداد در انتخاب شغل و یا کمرنگ بودن رابطه‌ی شغل با رشته تحصیلی و مهارتی

به کار گماردن افراد در مشاغلی که نه در آن‌ها استعداد قابل توجهی دارند و نه علاقه‌ی قابل ملاحظه‌ای به حوزه‌های فعالیتشان در آن‌ها مشاهده می‌شود، قاعدتاً به این مسئله منجر می‌شود که افراد نه تنها پیشرفتی در شغل خود نداشته باشند، بلکه سطح رضایت شغلی آن‌ها نیز بسیار نازل باشد. پس بسیار طبیعی به نظر می‌رسد که چنین افرادی «کارگری» باشند. البته رغبت‌های شغلی با توجه به استعدادها و علایق افراد باید در محیط مدرسه شناسایی و هدایت شوند.

ریشه‌ی سوم: عدم در؛ اهمیت برخی شغل‌ها در جامعه

در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، که بهره‌وری نیروی کار در سطح پایینی قرار دارد، بسیاری از شاغلان شغل‌های مختلف از خرده‌فروشان کالا و خدمات گرفته، تا کارگران و کارمندان، به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، اهمیت و جایگاه شغل خود را در جامعه در؛ نمی‌کنند و کمتر به این مسئله می‌اندیشند که در غیاب شغل آن‌ها، چه تبعات منفی مختلفی دامنگیر جامعه خواهد شد.

طبیعتاً چنین افرادی، به منظور اینکه وجهه اجتماعی بیشتری کسب کنند، اهمیتی برای شغل فعلی در نظر نگرفته‌اند و تمام هم‌وغم خود را برای یافتن راه‌گریزی برای انتقال به قسمت‌های دیگر متمرکز می‌کنند؛ پدیده‌ای که متناظر با کم‌انگیزی در انجام وظایف مربوط به شغل فعلی همراه خواهد بود. در واقع اگر جایگاه شغل، ارزش افزوده آن و نیز اثرات اجتماعی آن در جامعه مطرح شود گروه‌های صنفی و سرمایه‌های اجتماعی با انگیزه‌تر و شغل‌ها هم پایدارتر می‌شود.

ریشه‌ی چهارم: عوامل بیرونی

گاهی شخصی به شغل مورد نظر خود دست پیدا می‌کند؛ اما درست بعد از رسیدن به ثمره مدت‌ها تلاش خود، عوامل بیرونی منجر به بروز افسردگی و دل‌زدگی شخص نسبت به کار می‌شود. یا داشتن خودپنداره منفی

نسبت به شغل و شاغل در جامعه و یا عدم هماهنگی درون سازمان با نهادهای برون سازمانی، خرافات یا تعارضات و اختلافات و تحقیر، زمینه چنین مواردی را فراهم می سازد.

ریشه‌ی پنجم: وجود تبعیض و گزینش‌های انتخابی

گاهی افراد با گزینش و انتخاب و وجود تبعیض در جایگاه پایینی قرار می‌گیرند و بالعکس. طبیعتاً این وضعیت می‌تواند باعث کاهش بازدهی کاری کارکنان و همچنین کم‌انگیزگی کارکنان در پرداختن به وظایف شغلی مورد نظر شوند.

ریشه‌ی ششم: بی‌توجهی مدیران به نیازهای پرسنل خود

اگر کارکنان حس کنند که مدیران ارشد و نیز مدیران میانی به کارکنان مجموعه کم‌توجه هستند، طبیعتاً باعث کاهش مسئولیت‌پذیری و انگیزه کار، حتی برای کارکنان متعهد، می‌شود. عدم توجه به مسائل رفاهی، آسایشی و نیازهای اساسی کارکنان می‌تواند موجب کاهش انگیزه کاری آنان شود. عوامل این کم‌توجهی مدیران ارشد می‌تواند دلایل مختلفی از قبیل بی‌تفاوتی مسئول به سازمان، کم‌تجربگی و عدم دانش کافی و امثالهم باشد.

آثار و پیامدهای کار و تلاش

بدون تردید کار و تلاش بدون مزد نمی ماند، فرهنگ کار، پیامدها و آثار بسیار گرانبه‌ای در امور دنیوی و اخروی انسان دارد و جامعه را نیز به آبادانی می‌رساند، بر این اساس برخی از مهمترین آثار کار و تلاش را بر می‌شماریم:

۱. کسب درآمد و تأمین معیشت زندگی

اولین پیامد کار و تلاش، تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده و جلب رضایت، آسایش و رفاه خانواده است. کسب روزی حلال درقبال انجام کارهای مثبت و بکارگرفتن همه توان و فکر در تولید.

۲. عزت و شخصیت یافتن

پرکار بودن و نیازهای خود را برطرف کردن، به انسان شخصیت می‌دهد و او را در رفع نیازهای دیگران هم یاری می‌دهد. یکی از خصلت‌های مومن عدم درخواست و نیاز از دیگران است.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

﴿ نشان مومن آن است که اگر می‌خواهد بی‌نیازی درونی، سلامت در دین و آرامش قلبی داشته باشد باید تضرع در پیشگاه حق برای کامل بودن عقل خود عمل نماید ﴾

۳. رشد عقلانی یافتن

انسان بوسیله کار و تلاش تجربه‌های فراوان می‌اندوزد و رشد عقلانی پیدا می‌کند. زیرا هنگام کار کلیه اعضای بدن انسان هم‌زمان فعالیت می‌کنند و یک نوع ورزش فکری هم به شمار می‌رود.

۴. رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان

کار و تلاش فقر را از بین می‌برد، چهره جامعه را زیبا می‌کند. در واقع با کار کردن با توزیع اقتصادی، در رفع نیاز مردم انجام می‌پذیرد.

۵. گسترش اخلاق اجتماعی و کاهش مفاسد اجتماعی
کار و تلاش و مشغول شدن ، انسان را با نشاط می کند و حس دگردوستی و هدیه دادن را تقویت می کند و بیکاری ، منشأ بحران اخلاقی فرد و جامعه است . انجام بسیاری از فضایل اخلاقی مثل سخاوت، دستگیری از فقیران ، کمک به هممنوع و... نیازمند کسب درآمد بیش از نیاز و صرف آن در موارد پیشین است. و بدون کار نمی توان به اینگونه فضایل اخلاقی دست یافت .
۶. افزایش توان اقتصادی جامعه و توسعه یافتگی نظام
۷. بخشش گناهان
جدیت و تلاش در جهت معیشت، موجب آرمزش گناهان می شود . چون گذراندن اوقات در کار و تلاش و مجاهدت موجب می شود انسان در تولید و تبدیل آن به ثروت در رفاه، آسایش و امنیت و جلوگیری از فقر که خود زمینه فقر فرهنگی و انحراف از صراط مستقیم رافراهم می نماید و جلوی بسیاری از گناهان احتمالی را می گیرد و نیکوکاری و خیرات را برای فرد ایجاد می کند.
۸. حفظ و دین انسان
حاکمیت فرهنگ کار و تلاش اقتصادی پیوند دنیا و آخرت را برقرار می سازد و با آن می توان حسنه در دنیا و آخرت را کسب کرد . گسترش فرهنگ دینی در باره کار، زمینه تلاش همه جانبه افراد را برای رشد اقتصادی فراهم می کند و افراد ، توجه جدی به نفس کار دارند تا نوع آن ، بنابراین خواهند کوشید بیکاری را به هر صورت از خود دور سازند و هر کار حلالی را عزیز داشته ، و نسبت به بیکاری ترجیح دهند.
۹. افزایش بهره وری و اثر بخش ساختن کارها
حاکمیت فرهنگ دینی ، اثر مثبت بر بهره وری نیروی کار و کاهش هزینه های اضافی مثل اسراف منابع ، و اتلاف وقت دارد و روابط انسانی در بازار کار را بهبود می بخشد.
۱۰. جامعیت بخشیدن به اعتقادات
اولیای الهی به انواع کارها مثل کارگری ، خیاطی ، زره بافی ، صنعتگری ، تجارت ، کشاورزی ، دامداری و... می پرداختند و کار را فضیلت انسانی و عبادت الهی می دانستند با این توصیف بی توجهی به این از نقص اعتقادات در تحقق بخشیدن به سیره الهی را تداعی می کند . اعتقادات اسلامی ، ترغیب کننده فعالیت اقتصادی است و چون دنیا مزرعه آخرت و از بهترین اعمال صالح کسب در آمد حلال است ، با کار ، آخرت شخص و ارزش انسانی او تضمین می شود.
۱۱. تأمین نیازها و حل مشکلات اساسی جامعه.

راهکارها :

- کافی نبودن باور و اعتقاد به کار .

﴿طَاعَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَحُوزُهَا إِلَّا مَنْ بَذَلَ الْجِدَّ وَاسْتَفْرَغَ الْجَهْدَ﴾^۱

﴿به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را بکار گیرد﴾

- تصحیح نگرش به کار .
- باید نگرش به کار از مبانی نظری و جهان بینی و ایدئولوژی فرد نشأت بگیرد تا با شناخت کامل و انگیزه لازم نسبت به کار اهتمام مجدانه نماید .
- ضعف مهارت های تجربی و حرفه ای در کار.
- ﴿إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ﴾^۱
- ﴿هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن بینداز ، زیرا ترس شدید از آن کار، دشوارتر و زیان بارتر از اقدام به آن کار است.﴾
- کافی نبودن باور به کسب روزی حلال.
- ﴿لِعِبَادَةِ عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ﴾^۲
- ﴿عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است.﴾
- ضعف پایش و ارزیابی مستمر در کار .
- نارسا بودن تبیین وظایف شاغل نسبت به شغل.
- عدم آشنایی کامل و پایبندی به قوانین و ضوابط کار و کارفرما .
- جلوه گری درآمدها در شغل های کاذب .
- علی علیه السلام در نهج البلاغه حکمت ۴۰۳ می فرماید :
- ﴿کسی که به کارهای گوناگون بپردازد خوار شده . پیروز نمی گردد﴾
- نگرش به کار برای رسیدن به رفاه و آسایش بدون آرامش .
- غفلت از ناظر بودن خداوند بر اعمال و رفتار انسان .
- ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاخْذَرُوا﴾^۳
- ﴿بدانید هر خاطره ای که درون فکر شما می گذرد خدا می داند، آنجا که شخص تصمیم می گیرد کار بد انجام دهد ولی دوستی به او تذکر می دهد که پیامد این کار سقوط است؛ نرو و او بر می گردد آن را هم خدا می داند.﴾
- رابطه مداری و توقعات غیرشغلی با مشاغل .

۱. غررالحکم: ۶۰۰۹

۲. غررالحکم، ۸۹۵۵ - در روان شناسی به آن غرقه سازی می گویند.

۳. مستدر : الوسائل، ج ۱۳ ص ۲۲

۴. بقره/ ۲۳۵

- عدم کفایت مسئولیت پذیری و تعهد در انجام وظایف محوله .

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

﴿إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكَفِّرُهَا قَالَ

الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ﴾^۱

﴿ بعضی از گناهان به وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی شوند. سؤال شد یا رسول الله! پس چه

چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت عدم کفایت مسئولیت.﴾

- قضاوت سطحی در قبول شعار و انطباق آن با عمل.

﴿انسان جز محصول کوشش خویش مالک چیزی نیست﴾^۲

- کمرنگ شدن فرهنگ کار در عرصه زندگی.

کسی به معنی بن خنیس می گوید :

﴿روزی امام صادق علیه السلام مرا دیدند که دیر هنگام به بازار می رفتم . از این رو به من فرمود : صبح زود به

سوی عزت خودت حرکت کن.﴾^۳

- عدم برنامه ریزی در تقسیم اوقات زندگی و مغفول ماندن جنبه های دیگر.

علی علیه السلام فرمودند :

﴿قِوَامُ الْعِيشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ﴾^۴

﴿پایه و اساس زندگی برنامه ریزی نیکوست و سنجش و ملا ؛ آن آینده نگری و

داشتن چشم انداز نیکوست.﴾

- انحراف سرمایه گذاری و وام ها از مسیر هدف و فساد اقتصادی .

- ضعف انعطاف پذیری در استفاده از فناوری و اطلاعات در شغل.

- ایجاد شغل های کاذب و کمرنگ شدن جوهره کار در جامعه.

پیامبر خدا ﷺ به ابوذر توصیه می کنند :

﴿ای ابوذر از گداییی بپرهیز که حالت خواستن از مردم ، ذلت حاضر است و فقری است

که بسوی آن شتاب گرفته ای﴾

۱. مستدر ۴، الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳.

۲. نجم / ۳۹

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲، ح ۳۷۱۹

۴. آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۲۳۶

- عدم تناسب فیزیولوژی و قدرت جسمانی با نوع کار در شغل و شاغل.
- بیانی نورانی از امام صادق علیه السلام رسیده است که :

﴿ مَا ضَعْفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النِّيَّةُ ﴾^۱

﴿ با اراده قوی هرگز بدن گرفتار ضعف نمی شود. ﴾

- عدم توجه به شرایط لازم از نظر نور، گرمایش و سرمایش و امکانات ایمنی در کار .
- ضعف رعایت بهداشت و ایمنی کار در کارگاه ها و کارخانه ها و ادارات .
- عدم تامین امنیت و تضمین قانونی در کارهای ثابت و موقت.
- رشد تجمل گرایی و عدم تناسب درآمد با نیازهای ضروری و کاذب .

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۵۸۵۹.

۱۳ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد و بی‌صبری و نابردباری چیست؟

درآیین مقدس اسلام، اخلاق جایگاه خاصی دارد؛ زیرا قرآن مجید تزکیه نفس و آراسته شدن به اخلاق پسندیده را عامل رستگاری و راه رسیدن به سعادت معرفی کرده و فساد اخلاق را منشأ بدبختی و شقاوت وی دانسته و فرموده‌است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۱

در کل می‌توان سه دلیل برای ضرورت اخلاق برشمرد:

- آرامش روحی و روانی فردی.
 - آرامش اجتماعی.
 - رسیدن به کمال مطلوب الهی.
- از جنبه روحی و روانی فردی، ضرورت اخلاق از آن رو است که در زندگی، روح ما را سالم می‌سازد و بهترین شیوه زندگی را به فرد تعلیم می‌دهد. اخلاق رذیلت‌ها را به ما معرفی می‌کند و راه پرهیز از آنها را نشان می‌دهد، فضائل را به ما نشان می‌دهد. در اخلاق، بهداشت روانی فردی ما رعایت می‌شود و احساس نوعی آرامش می‌کنیم. به عنوان مثال همین که "را" نمی‌خوریم یا چشم از نامحرم می‌پوشانیم یا دروغ نمی‌گوییم احساس آرامش می‌کنیم و این حداقل فایده و ضرورت فردی اخلاق است.
- جنبه دیگر اخلاق بعد اجتماعی آن است؛ یعنی اگر انسان به قواعد و احکام اخلاقی پایبند باشد، نه تنها خودش احساس آرامش می‌کند، بلکه اجتماع هم از کردارها و رفتارهای پسندیده او احساس آرامش می‌کند. مثلاً کسی که غیبت نمی‌کند غیر از این که بهداشت روانی فردی خودش تأمین می‌شود مردم نیز در راحتی و آرامش به سر خواهند برد یا کسی که حسود نیست، علاوه بر این که خودش در آتش حسد نمی‌سوزد مردم هم از آزارهای حسادت آمیز او در امان هستند.

امام علی (ع) فرمودند: ﴿الْحَسُودُ لَا يَسُودُ﴾^۲

با اینکه انسان از نظر استعداد و ترقی و تکامل از هر حیوانی بیشتر است ولی از لحاظ غریزه و صفات اولیه طبیعی که برایش لازم و ضروری است بسیار ضعیف و ناقص می‌باشد و گویی در طبیعت خود بشر این استعداد را قرار داده است که بشر برای خودش آن روش تربیتی و آن خلقی را که لازم است انتخاب و اختیار بکند معلمان و مربیانی بیابند و این نقصی را که به نظر می‌رسد در طبیعت است تکمیل و تتمیم کنند.

۱. شمس / ۹

۲. ﴿حسود به سیادت نمی‌رسد﴾

انسان جز این مسیری ندارد که ابتدا انسان در طبیعت آن طور ناقص آفریده شود بعد دستگاههای تربیتی و اخلاقی بیایند و آن نقص و ضعف را برطرف کنند و بشر به قدرت اندیشه و اراده، خودش به کمال خویش برسد بنابراین انسان احتیاج به یک سیستم اخلاقی دارد.^۱

اما مهمترین ضرورت اخلاق، پرورش استعدادهای خدادای انسان و شکوفا شدن آنها برای رسیدن به کمال نهایی است؛ یعنی انسان با اخلاق و عمل صالح، فقط به این انگیزه که خداوند متعال را خشنود سازد به کارهای اخلاقی دست می زند. استمرار این سطح از اخلاق در زندگی انسان، او را به سوی کمال می برد. برای فرد مؤمن، چه لذتی بالاتر از خشنودی خدا و لقاء و دیدار اوست. اساساً انسان برای همین هدف آفریده شده است تا با آگاهی و عمل صالح و استمرار در کردارهای اخلاقی به خدا برسد، فرد حقیقتی است واحد که از نهادهای اجتماع منشأ می گیرد و تجلی این حقیقت در عادات رفتاری، همان سبک زندگی فرد است و تجلی آن عادات در ذهن فرد قالب های فکری، آگاهی و تمایلات او را شکل می دهد بدین ترتیب نظامی در جامعه پدید می آید که از نظام طبقاتی متمایز است.^۲ و گروه های با منزلت بالا با سبک زندگی شان شناخته می شوند. سبک زندگی، کل به هم پیوسته ای از صورت هایی است که فرد برحسب انگیزه های درونی خود و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیطی عینی و انسانی اش به انجام می رساند برای زندگی خود برمی گزیند.^۳

جامعه در طول سه محور بنیادین طبقه، پایگاه، منزلت و خوب قشربندی می شود. در تعامل هر یک از این سه مجموعه روابط است که موقعیت ها و فرصت های زندگی فرد تعیین می گردد تعیین شیوه و سبک زندگی به وسیله دین نیز یکی از عوامل تبیین کننده اخلاق اقتصادی است که مدخلی را برای بحث هویت فرهنگی و اجتماعی باز کرد.^۴

سبک زندگی واقعی است و طبقات مختلف سبک های زندگی مختلفی دارند و مهمتر از آن که سبک زندگی عامل تعیین کننده ای برای تمایز طبقاتی است (دیدگاه محافظه کارانه لویدوارنر و پل لونت) شغل اصلی ترین چیزی است که سبک زندگی را تعیین می کند و بهترین جا برای دیدن گوناگونی سبک زندگی در خانواده و در کار است.^۵

خداوند در آیاتی از قرآن تأکید می نماید :

﴿خوش گویی، مسئولیت پذیری و خیر خواهی به همراه سخنی متین، نرم، کریمانه، معروف،

محکم واستوار از نظر منطق و عقل بر زبان آرید﴾^۶

۱. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۲۷۷

۲. ویلن ۱۹۱۹

۳. گتورگ زیمل ۱۹۱۸ - ۱۸۵۸

۴. ماکس وبر ۱۸۶۴ - ۱۹۲۰

۵. ون هوتن ۱۹۷۰

۶. بقره ۱۰۲، نسا ۹/۵ - یس ۵۷

امام کاظم علیه السلام نیز می فرمایند:

« به ممنوع خود خیر و نیکی داشته باش و سخن خیر و مفید بگو و خود را تابع بی تفاوت و بی مسئولیت قرار مده»^۱

پرهیز از کبر و بدگویی، تکبر، بسیاری از بدبختی های اجتماعی و روحیه ی ضد اخلاقی را به دنبال دارد و از صفات شیطانی است که در آیات الهی بشدت نهی شده است .
علی علیه السلام فرمودند:

«..... مَا لِإِنِّ آدَمَ وَالْفَخْرِ أَوَّلُهُ نُطْفَةٍ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ»^۲
«ای انسان چه رسد تو را به فخر، اول تو نطفه و آخر تو یک مردار بدبو، تویی که نمی توانی روزی خود را به تنهایی تأمین و مرگ را از خود دور نماییدی.»

بدزبانی انسان را از مسیر خوش خویی خارج و جامعه را دچار بدبختی و واگرایی می کند.
و نیز آن حضرت در مورد بدزبانی می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَذَى قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ»^۳
«خداوند بهشت را برای هر هرزه گوی کم حیا که باکی ندارد چه می گوید و یا به او چه گویند حرام گردانیده است»

نظریه پردازی درباره ی رابطه دین و سبک زندگی

مدل وبر در تبیین فرایند رابطه دین و سبک زندگی (کنش)

افکار (نظام معنایی) ← تصاویر جهان (جهان بینی) ← منابع ← سبک زندگی (کنش)

↑ شرایط ساختاری (محیطی)

۱. تحف العقول، ص ۳۰۴

۲. نهج البلاغه/ حکمت ۴۵۴

۳. تحف العقول ص ۴۱۶

دین می تواند حاوی آگاهی ها، تجربیات و تمایزهای میان قدسی و غیر آن (جهان بینی) باشد که فرد را در شناخت خود و جهان پیرامونش کمک کند و در ترسیم طرحی از آنها در ذهنش و تبیین آماری خود یاری رساند. در واقع دین راه و روشی است که انسان در عرصه زندگی برای رسیدن به کمال و غایت هدف انتخاب می کند که مبتنی بر جهان بینی است که از هستی و بود و نبود بحث می کند و نیز از ایدئولوژی دینی بایدها و نبایدها در عرصه زندگی می باشد و تنها دین مورد قبول در نزد خدا اسلام است.^۱

در حدیثی از پیامبر ﷺ می خوانیم که فرمودند:

« بیش ترین چیزی که امت من به سبب آن وارد بهشت می شوند تقوی و حسن خلق است. »^۲

- دین احساس هایی را در فرد برمی انگیزد (ترس، احترام، ایمنی، رضایت، گناه کاری و ...)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

« شما را سفارش می کنم به حسن خلق زیرا خوش اخلاق بدون شک در بهشت است و از بد اخلاقی

بپرهیزد که بد اخلاق بدون شک در جهنم است. »^۳

و در جای دیگر امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

« حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ »^۴

« نیکی اخلاق نشان از وراثت و عوامل ژنتیکی است »

- دین عموماً دارای مجموعه ای از قواعد، قوانین، ارزش ها و هنجارهای رفتاری (احکام و اخلاق) شعائر و مراسم است مدعی است بهترین الگوی زندگی را به افراد و جامعه پیشنهاد می کند.
- دین می تواند بر خلاقیت فرد تأثیر بگذارد و او را در مواجهه با محدودیت وراثتی و محیطی توانمند یا ناتوان سازد.
- دین به طور معمول دارای نهادهای اجتماعی و جمعی نسبتاً منسجم از پیروان است و این خود در شکل گیری اجتماعی فرد و شناخت او از این محیط اثر می گذارد.
- دین معمولاً شناختی تو در تو و عمیق از جهان ارایه می کند و مسیر آن و عبور از هر مرحله اش راه را برای ورود به مرحله بعد هموار می سازد و مسیر حرکت حد یقف ندارد. در نتیجه دین می تواند در ایجاد عادت واره ها ، سلیقه و زیباشناختی و در نتیجه سبک های زندگی نقش ایفا کرده و جدای از سبک های زندگی به خصوص دینی، در شکل گیری دیگر سبک های زندگی نیز دخیل باشد.

۱. آل عمران / ۱۹

۲. قال رسول الله :: « أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ » کلینی ، کافی ، ج ۲ ، ص ۱۰۰

۳. احتجاجات ، ترجمه بحار الأنوار، ج ۲، ۳۵۰

۴. مهدوی کنی، ۱۳۸۶ ، برگرفته از کتاب سبک زندگی و ابزار سنجش آن، حجت الاسلام دکتر محمد کاویانی ص ۴۶-۴۷-۴۸

۵. غررالحکم، ح ۴۸۵۵

مدل تبیین فرایند رابطه دین و ارزش های ملی با سبک زندگی

جهان بینی و ایدئولوژی ← هستی شناختی ← انسان شناختی ← معرفت شناختی ← زیبایی شناختی ← دین
شناختی ← تمدن ← فرهنگ ← باورها و نگرش ها ← سبک زندگی

پرخاشگری از دیدگاه روان شناسی

موضوع پرخاشگری در روان شناسی از دیدگاه های گوناگونی مورد بررسی قرار می گیرد. دیدگاه روانشناسی ژرفا نگر نیز در زمره یکی از این دیدگاه ها محسوب می شود. رونق این دیدگاه که تا چند دهه قبل در روان شناسی بسیار پرآوازه بود، از اوایل قرن بیستم با شهرت فروید آغاز شد. فروید از کودکی با اعتماد به نفس بالا و با تلاش شدید همراه بود. در بحث های مربوط به رفتار پرخاشگرانه انسان، معمولاً واژه پرخاشگری را صدمه زدن به خود یا دیگری تعریف می کند. آنگاه براساس قصد و نیت رفتار کننده، از آشکار و یا پوشیده بودن پرخاشگری و از انواع رفتار پرخاشگرانه سخن به میان می آورد. تقسیم بندی پرخاشگری به دسته های آشکار و پوشیده (یا مبدل) نیز یکی از انواع متداول این تقسیم بندی هاست که بیشتر از دیدگاه روان شناسی ژرفانگر مطرح می شود. آنچه که در پرخاشگری پوشیده (مبدل) به چشم می خورد، جنبه ابهام گونه آن است. در اینجا گاه هدف و یا اصلاً قصد و نیت عمل پرخاشگرانه مشخص نیست، یا در هاله ای از ابهام قرار گرفته و یا تغییر شکل یافته است. اگر چنانچه بخواهیم عوامل پرخاشگری را از دیدگاه های متفاوت نام برده و توضیح دهیم. بحث طولانی می شود البته به برخی از عواملی که باعث پرخاشگری می گردند با توضیحی بسیار مختصر ذکر می کنیم. ولی هیچ یک از عواملی که در اینجا نامبرده و توضیح داده می شوند به تنهایی نمی توانند عامل پرخاشگری و یا هر اختلال دیگری باشند.

این عوامل عبارتند از:

- عوامل خانوادگی.
- عوامل شخصیتی.
- وقایع تلخ گذشته.
- ناکامی.
- ژنتیک و عملکرد سیستم عصبی و هورمونی.
- عوامل اجتماعی.
- طرز نگرش افراد.

عوامل زیر در بروز پرخاشگری موثرند:

- پایین بودن مهارت های ارتباطی و اجتماعی.
- خودپنداره ی منفی نسبت به واکنش های اجتماعی.
- داشتن قضاوت های غیرمنطقی از کاربرد مفاهیم و اصطلاحات.
- اظهار قدرت در تحقیر و بعضاً سرکوب بعضی از واکنش های اجتماعی و فردی.

- فرهنگ سازمانی در محیط کار و عدم اعتماد فی مابین.
 - پایین بودن آستانه ی تحمل در برابر حوادث و ناملایمات.
- قرآن کریم در باره واقعیت زندگی انسان در دنیا می فرماید :
- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾**
- ﴿به یقین ما انسان را در سختی آفریدیم﴾^۱
- عدم تناسب توقعات و انتظارات با واقعیت های اجتماعی و زندگی.
- زهری نقل می کند که روزی امام سجاد علیه السلام به یکی از کسانی که در مجلس ایشان حاضر بود رو کرد و فرمود:
- ﴿تقوای الهی داشته باش و خواسته خود را کوتاه کن و آنچه را آفریده نشده ، طلب نکن ، زیرا کسی که آنچه را آفریده نشده طلب کند ، جان او از حسرت ، به شماره می افتد و به خواسته خود نمی رسد﴾^۲
- بوجود آمدن نوع تربیت و عادات در چرخه ی رشد .
- ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾**^۳
- ﴿عفو و بخشش پیش گیر و به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان.﴾
- توقعات و انتظارات از رفتارهای اجتماعی و مشاهده خلاف آن .
- مهم این است که زندگی خوبی داشته باشیم زندگی خوب داشتن ، به این است که از آنچه گذشته است ، قطع امیدکنیم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند :
- ﴿هرکس امیدش را از آنچه از دست رفته ، قطع کند ، بدنش آسایش یابد ، و هر کس از آنچه خداوند روزیش کرده ، راضی باشد ، دیده اش روشن می شود﴾^۴
- داشتن پیشینه غم بار رفتاری در مشکلات خانوادگی و اجتماعی (خانواده های از هم گسیخته ، طلاق ، اختلافات) .
 - وجود غیبت، تهمت و انتساب مسایل برخلاف باورهای فکری و عملی افراد.
 - سوء استفاده از اخلاق، حجب و آبروی دیگران با سروصدا .
 - زمینه های عصبی و بعضاً رفتارهای محلی در تعاملات اجتماعی.
 - رسیدن به اهداف پنهان با درگیری ، رعب و وحشت ، تهمت و ترور شخصیت و ...
- قرآن خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید : ﴿اگر خشن و سنگدل بودی ، مردم از دور تو پراکنده می شدند﴾^۵
- البته مسائل روحی ، روانی ، امنیت اجتماعی ، تربیت خانوادگی ، سطح فرهنگی ، جو حاکم بر محیط زندگی و... بویژه نگرش ها و خود پنداره ها می تواند از عوامل پرخاشگری بشمار آید.

۱. بلد/ ۴

۲. الخصال ، ص ۶۴، ح ۹۵

۳. اعراف/ ۱۹۹

۴. آلامالی طوسی ص ۲۲۵، تحف العقول ، ص ۴۰

۵. آل عمران / ۸۵۹ ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

۱۴ ﴿حقوق افراد را چقدر مراعات می کنیم؟﴾

در جامعه اسلامی جایگاه ارزشی افراد نزد خدا بر اساس لیاقت های دینی، تقوی و ایمانی آنان است و این یک اصل قرآنی است که می فرماید :

﴿پس آیا کسانی که مومن هستند همچون کسانی اند که فاسق و سرکشند؟ نه اینان برابر نیستند.﴾^۱

و در سوره مبارکه حجرات می فرماید :

﴿جز این نیست که همه مومنان با یکدیگر برادرند﴾^۲

و یا در سوره مبارکه توبه که می فرماید :

﴿مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر ولایت متقابل دارند﴾^۳

البته ایمان افراد در یک سطح نمی باشد و مراتب گوناگون دارد.

پیامبر ﷺ فرمودند :

﴿اسلام آن است که قلبت را به حق واگذاری و مسلمانان از دست و زبانت در امان باشند﴾^۴

تعامل با مومنان و لزوم اجتماع آن بر محور ایمان مومنان، خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اند و بر آنان لازم است در این محور با یکدیگر در همه امور، اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی پرهیزند. ه قرآن برای انسان، افزون بر تکالیف، حقی را نیز اثبات کرده است. برخی بر این باورند که در بینش اسلامی میان حق و تکلیف رابطه دو سویه ای برقرار است؛ به این معنا که هر کجا حقی ثابت شود، تکلیفی نیز ثابت است و همین گونه هر جا تکلیفی باشد در همان جا حقی نیز برای شخص ثابت است. بنابراین وقتی از تکالیف بشر به معنای عام سخن می گوئیم در حقیقت، حقی را نیز برای او ثابت دانسته ایم. از این رو می توان موارد و مصادیق بسیاری را به عنوان حقوق بشر در قرآن و آموزه های آن شناسایی و ردگیری کرد. به ابعاد مختلف این موضوع می پردازیم. تعامل با مومنان و لزوم اجتماع آن بر محور ایمان مومنان ، خدا ، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اند و بر آنان لازم است در این محور با یکدیگر در همه امور، اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی پرهیزند.

جدایی پرهیزند ۴۰.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: ﴿أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ﴾^۵

﴿ای مردم به اجتماع روانشناسی آورید و از جدایی پرهیزید﴾

۱. سجده ۱۸/

۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ / آیه ۱۰

۳. آیه ۷۱

۴. کنزل العمال ، ج ۱ ، ص ۲۶

۵. آل عمران/ ۱۰۳

۶. آل عمران / ۱۰۳. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾

۷. کنزل العمال ، ج ۱ ص ۲۰۶

حضرت علی (علیه السلام) نیز فرمودند:

﴿مراد از اجتماع ، پیوستگی و اجتماع پیروان حق است گرچه اند ؛ باشند و مراد از تفرقه اجتماع اهل باطل است گرچه پرشمار باشند﴾^۱

راهکارها :

- آگاهی از حقوق فی مابین والدین، فرزندان، خانواده، سازمان ها، احزاب و اجتماع .
 - آموزش مهارت های رعایت حقوق و کرامت انسانی در چرخه زندگی افراد.
 - تعریف حقوق فردی و اجتماعی و خانوادگی در عرصه حیات بشری.
- امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

﴿هر کس در رفتارش با مردم به آنان ستم نکند و در گفتارش به آنها دروغ نگوید و در وعده هایش تخلف نکند از کسانی است که غیبت اوحرام و مروت او کامل و عدالتش ظاهر و برادری با وی لازم است﴾^۲

- آشنایی با انواع حقوق حرفه ای، علمی، سازمانی، خانوادگی، همسایگی، شرکتی، کودکان و گروه های سنی در جامعه.

﴿اِبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَاْكُلُوهَا اِسْرَافًا وَبِدَارًا اَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ اِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ حَسِيبًا﴾^۳

﴿ویتیمان چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید، اگر در آنها رشد(کافی) یافتید؟!﴾ اموالشان را به آنها بدهید! و آن را از بیم آنکه مبادا بزرگ شوند به اسراف و شتاب مخورید و آنکس توانگر است (باید از گرفتن اجرت سرپرستی) خودداری ورزد ؛ و هرکس تهیدست است باید مطابق عرف (از آن) بخورد ؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید برایشان گواه بگیرید ، خداوند حسابرسی کافی است.﴾

- جایگاه رعایت حقوق در سبک زندگی اسلامی – ایرانی. یعنی وظیفه و رعایت حقوق از سوی والدین نسبت به فرزندان.^۴
- منشور حقوق اساسی و رعایت آن در جامعه .

علی (علیه السلام) می فرمایند :

﴿ستم برخی بندگان بر برخی دیگر (بدون ادای حق الناس) بخشوده نمی شود﴾^۵

۱.

۲. الفقیه مجرد ، ص ۴

۳. نساء / ۶

۴. بقره آیه ۲۲۳

۵. نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

- رعایت فرهنگ حقوق مبتنی بر مبانی اعتقادی ، آموزه های دینی و ارزش های ملی.
 - حقوق بین المللی ، عهدنامه ها و ...
- امام صادق علیه السلام فرمودند :

«کمترین حقوق برادرت بر تو این است که هر آنچه را برای خود می پسندی برای او نیز پسندی
و آنچه برای خود نمی پسندی بر او نیز روا نداری»^۱

- احترام به حقوق آحاد جامعه .
- علی علیه السلام فرمودند :

«خدای سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خویش مقدم کرده است و رعایت حقوق مردم به ادای
حقوق خدا خواهد انجامید»^۲

- رعایت حقوق مردم از سوی حاکم و رعایت حقوق حاکم از سوی مردم.^۳
- رعایت حقوق فرزندان از سوی والدین و نیز رعایت حقوق والدین از سوی فرزندان.^۴

۱.کنز العمال ج ۱ ص ۳۷۸

۲.الامالی، طوسی، ص ۹۸

۳. نهج البلاغه / خطبه ۲۰۷

۴. رساله ی حقوق امام سجاد علیه السلام

۱۵. چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی در برخی از مردم چیست؟

در نگاهی به آفریده‌های خداوند متعال درمی‌یابیم که هستی نیز با سنت‌های الهی اداره می‌شود. در سنت الهی هیچ تغییر و تبدیلی وجود ندارد لایتغیر و ثابت است.^۱ و سنت‌های الهی عبارت از قانونمندی‌های الهی اند. زیرا در جوهره‌ هستی سنت‌های خداوند نقش بازی می‌کنند. که سنت‌های خداوند بر عدل استوار است پس با وجود این همه متوجه می‌شویم که قانون در زندگی انسان نقش ارزنده‌یی دارد و البته قانون یک پدیده اجتماعی است؛ و انسان هم اجتماعی زندگی می‌کند، لذا در چنین شرایطی باید گفت که انسان به خودی خود داخل محوطه قانون می‌شود. بنابراین قانون از انسان‌ها شروع می‌شود. و برای اینکه جامعه قانونمند شود باید این موضوع از افراد شروع شود. البته نظریات دیگری نیز در این باره وجود دارد و معتقدند که قانون از جامعه به افراد می‌رسد و اگر در کلیت جامعه قانون مراعات شود در افراد نیز این تأثیر خواهد گذاشت. اما اعتقاد ما این است که این افراد هستند که اساس جامعه را تشکیل می‌دهند و هرگاه آنها هر کدام تک تک بخواهند به قانون احترام بگذارند در چنین شرایطی کلیت جامعه قانون‌گرا خواهد شد.

الف - از تعرض به قانون تا قانون شکنی

در هر حال قانون نوشته و تثبیت شده، از مهم‌ترین ابزارهای تحقق قانون عدالت و آزادی انسان است؛ زیرا انسان در سایه قانون مکتوب است که می‌تواند مطالبات خویش را سامان دهد و حق و حقوق خویش را بشناسد و از جامعه و دیگران بخواهد تا آن را در حق وی ادا کنند؛ بنابراین هرگونه مخالفت با قانون به معنای تعرض و تعدی به حق و حقوق دیگران تلقی می‌شود و مصداق بارز و آشکار بی‌عدالتی می‌باشد. باید قبول کنیم که قانون بد به‌تر از بی‌قانونی است و این موضوع یعنی ایجاد مقرراتی برای حفظ یا ایجاد هنجار در جامعه که بدون وجود آن اوضاع به هم می‌ریزد و هرکس حرف و ایده خود را مطلق و برابر قانون عنوان می‌کند و این خطر هرج و مرج است که می‌تواند جامعه را زیر و رو کند. براستی علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است- در برخی از مردم چیست؟^۲

در ورای همین مسایل است که به موضوع قانون‌گریزی می‌رسیم. قانون‌گریزی، قانون شکنی، بی‌قانونی و... همه و همه واژه‌هایی هستند که از شرایطی سخن می‌گویند که در آن قانون - چه خوب و چه بد- به فراموشی سپرده می‌شود و افراد جامعه اراده‌ای برای رعایت مقررات موجود ندارند. این مسأله در جوامع امروزی - که نیاز به نظم است تا امور اداره شود- بیش از پیش امور را مختل می‌کند و جامعه را از مسیر توسعه و حرکت به جلو باز می‌دارد. امروزه قانون شکنی و قانون‌گریزی نوعی ناهنجاری به حساب می‌آید که بر اثر آن، اختلال در

۱. فاطر / ۴۳

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳

زندگی اجتماعی و حتی فردی افراد جامعه به وجود می آید و نمود بیرونی این ماجرا هم چندان جالب توجه نیست. به عنوان مثال در جامعه ای که افراد حاضر نیستند به قوانین راهنمایی و رانندگی تن در دهند شاهد انواع مشکلات و معضلات در زندگی مردم خواهیم بود. حال ممکن است این ماجرا به شکل ترافیک سنگین و گره خورده نمایان شود و یا وقوع انواع تصادفات و بی حوصلگی افراد و... این، یعنی این که قانون گریزی، نوعی ناهنجاری است که هزینه های فراوانی را متوجه جامعه و افراد جامعه می کند. این موضوع مخصوصاً در شرایط امروزی که شاهد کثرت مکاتب فکری، آدمها و عقاید و... هستیم بیشتر از هر زمان دیگری نمود پیدا می کند.

ب- قانون شکنی همیشگی

زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی است. اگر ما از قواعدی که بعضی انواع رفتار را در زمینه های معینی به عنوان رفتارهای مناسب و رفتارهای دیگری را به عنوان رفتارهای نامناسب تعریف می کنند پیروی نمی کردیم فعالیتهایمان دستخوش هرج و مرج می شد. این را گفتیم تا به یک واقعیت تلخ اشاره کنیم و آن این که، متأسفانه در هر دوره ای بالاخره قانون شکن و قانون شکنی وجود دارد و همه تلاش های درمانی و پیشگیرانه بر این متمرکز است که از میزان این ناهنجاریها کاسته شود.

بعید به نظر می رسد که در جامعه ای میزان قانون گریزی به صفر برسد. چون بالاخره انسانها همه دارای شرایط یکسانی نیستند و در زندگی و نوع نگرش آنها عوامل متعدد وراثت و محیط و... نقش دارد. ایران ما هم از این قاعده مستثنی نیست و در این کشور نیز همواره قانون گریزانی بوده اند. امروزه هم، چنین افرادی در جامعه ما وجود دارند. البته اوضاع ایران در این باب، کمی بغرنج تر از دیگر جوامع است. اما هدف این است که تأکید کنیم هر جا که قانون وجود دارد جرم وجود دارد، زیرا ساده ترین تعریف جرم عبارتند از: « هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می کند». بر این اساس باید با حساسیت بیشتری روی این موضوع کار کرد. البته سه نوع قانون شکنی وجود دارد:

۱. رفتارهای آگاهانه هنجار شکنی که خود افراد واقف هستند چه به صورت فردی، جمعی یا سازماندهی شده.
۲. رفتارهایی که از جهل به قانون مرتکب می شوند که معذوریت شرعی و قانونی ندارد.
۳. افرادی که با اشرافیت کامل بر قانون به صورت قانونی، قانون شکنی را توجیه می نمایند و که به صورت فردی، جمعی، و سازماندهی شده بروز می یابد مانند قطعنامه های سازمان ملل متحد که با شکل قانونی زمینه کشتار جمعی، استفاده از سلاح های اتمی، تهدید و تحریم اقتصادی و... را بوجود می آورند و ظالمانه حق حیات میلیونها انسان را تضییع می نمایند.

امروزه نمی توان جامعه ای را بدون قانون تصور کرد. هرچند می توان جامعه ای را تصور کرد که در آن توجه به قانون در حد پایینی باشد. اما عجیب این است که در همین جامعه هم افرادی وجود دارند که همواره از

ضرورت حاکمیت قانون سخن می گویند و این یعنی این که قانون ذاتاً خوب است اما ممکن است در عمل عده ای نخواهند به این مقوله خوب تن دردهند.

موضوع قانون شکنی در قرآن

دین اسلام هم از زاویه نگاه خود قانون شکنی را مورد توجه قرار می دهد. گذشته از تأکیدی که دین اسلام بر رعایت قوانین اجتماعی دارد، در موارد زیادی در قرآن کریم از ضرورت توجه به قوانین الهی سخن به میان آمده است.

اینکه در چند قسمت قرآن فرمود: ﴿وَمَا يَغْلَمْ جُنُودُ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾^۱ یا فرمود: ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ معنایش این است که سراسر جهان هستی سربازان خدا هستند. حتی خود شخص نیز از سربازان خداست. دست شما، پای شما، چشم شما همه سرباز خدا هستند، خدای ناکرده بیراهه رفتید، ممکن است خدا با زبان شما، شما را بگیرد یا دست شما، شما را بگیرد. آدم یک حرفی می زند سقوط می کند، یک جایی را امضاء می کند، سقوط می کند، خدا با دست شما انسان را می گیرد، با زبان او، او را می گیرد.

بر این اساس نادیده گرفتن قوانین، آثار و پیامدهایی دارد که با توجه به سطح نیاز و ارزش و اهمیت قوانین می باشد. اگر تعدی و تجاوز از قانون، آثار و پیامدهای بسیار بدی بر زندگی فردی و جمعی داشته باشد، مجازات های آن نیز سخت تر و شدیدتر است، به گونه ای که این مجازات ها می تواند در دنیا نیز اعمال شود. از این رو درآموزه های اسلامی و قرآنی از مجازات هایی یاد شده است که به عنوان حدود و تعزیرات مطرح می باشد. اگر تعدی و تجاوز از قانون و تخطی از آن، سبب شود تا جامعه بشری با خطر مواجه شود، تنبیهات به شکل عذاب های دردناکی چون سیل و زلزله و بسیاری از بلایای طبیعی ظهور می کند تا آدمی را به مسیر اصلی بازگرداند. در حدیث می خوانیم:

﴿هرکس کار خوبی را بنا نهد، پاداش تمام کسانی که به آن کار عمل کنند، بدون آنکه از عامل کم شود به او داده می شود، همان گونه که اگر کسی راه بدی را به روی مردم باز کند، در گناه تمام کسانی که در آن راه پا نهد شریک است.﴾^۳

و قرآن در این زمینه می فرماید:

﴿وَنُكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ...﴾

﴿هم خود اعمال را می نویسیم و هم آثار آنها را﴾^۴

در همه گونه تجاوز به قوانین و قانون گریزی، عذاب های اخروی ثابت می باشد. به این معنا که هر مصداقی از قانون گریزی سبب می شود تا شخص در آخرت گرفتار شود و مجبور گردد تا نسبت به آن حساب و کتاب

۱. مدثر/۱۳

۲. فتح/۴

۳. کنز العمال، حدیث ۴۳۰۷۹ ﴿مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً غَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ كَأَن لَّهُ أَجْرَهُ وَمِثْلُ أَجْوَرِهِمْ مَنْ غَيْرَ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ كَأَن عَلَيْهِ وَزْرُهُ وَمِثْلُ أَوْزَارِهِمْ مَنْ غَيْرَ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا﴾

۴. یس/۱۲

پس دهد و مجازات شود. اما عذاب های دنیوی در شکل مجازات های قانونی چون حدود و تعزیرات و یا در شکل عذاب هایی طبیعی و گرفتاریها، زمانی است که آثار و پیامدهای قانون گریزی برای شخص و یا جامعه، سخت تر باشد. از این رو خداوند برای بازگرداندن مردم به مسیر کمال و درست، مجبور می شود تا مجازات های قانونی و یا عذاب های به ظاهر طبیعی را در حق ایشان روا دارد.

راهکارها:

- نقش قانون پذیری و قانون مداری در انضباط اجتماعی (در وظایف محوله خانه، مدرسه، اجتماع با نظارت اولیاء و مربیان)
- قرار دادن به عنوان قانون فصل الخطاب تعاملات و حل مشکلات زندگی.
- در سوره مبارکه «ص» می فرماید:

﴿ به او (داود) قوه ی در ؛ حقایق و قطعیت در داوری عطا کردیم. ﴾^۱

- قانون و ایجاد امنیت روحی، روانی در جامعه.

﴿ ذَلِكْ أَذْنٰی اَنْ یَّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِنَنَّ... ﴾^۲

﴿آن نزدیکتر است که (به پاکی) شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار (نامحرمان) قرار نگیرند﴾

- باور به قانون مداری در عرصه تربیت و رشد و تحول افراد.

- مساوات در برابر قانون و عدم تبعیض در اجرای آن.

﴿ اِنْ تَخْكُمْوْا بِالْعَدْلِ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا یُعْطِکُمْ بِهٖ ﴾^۳

﴿و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که

خدا شما را به آن پند می دهد﴾

امام صادق (ع) نیز فرمودند:

﴿از خدا پروا کنید و عدالت ورزید چرا که شما هم از مردمی که عدالت نمی ورزند خرد می گیرید.﴾^۴

نظری به قانون در سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) معصوم داشته باشیم:

« زنی از قبیله سرشناس بنی مخزوم مرتکب گناهی شد و آن حضرت دستور اجرای حد داد اسامه بن زید درخواست بخشش کرد پیامبر ﷺ فرمود: به خدا سوگند اگر دخترم دزدی کند دست او را قطع می کنم و در اجرای حدود الهی هیچ فرقی میان مردم نمی گذارم. »^۵

۱. ص ۲۰/۱ ﴿وَأَنْبِئَنَّهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَلَ الْخُطَابِ﴾

۲. احزاب / ۵۹

۳. نساء / ۵۸

۴. بحار الانوار ، ج ۷۵ ، ص ۲۸

۵. مفاتیح الحیات ص ۴۷۶

نقش سازمان ملل متحد و اعمار آن مانند یونسکو، آژانس بین‌المللی هسته ای و ... در اجرای عدلت و منشور مرتبط با سازمان‌ها .

عدالت نیاز هر جامعه و مایه نشاط و شادابی مردم است و جامعه بی عدالت پیشرفت و توسعه ندارد و همان طور که امام صادق علیه السلام فرمودند :

« سه چیز مورد نیاز همه مردم است. امنیت، عدالت و حاصلخیزی (فراوانی و ارزانی). »^۱

در مورد عدالت حاکمان نیز امام صادق علیه السلام می فرماید:

« با فضیلت ترین حاکمان ورهبران کسانی اند سه ویژگی مهربانی، سخاوت و عدالت به آنان عطا شده باشد »^۲

- سوء استفاده قانون دانان از تسلط و آشنایی کامل قانونی برای رسیدن به اهداف خود.
 - آموزش آداب و قانون با توجه به نیاز افراد و پایش آن از دوران کودکی تا کهنولت و پیری.
- (.... وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ)^۳
- « ای پسر من در زندگی خود میانه رو باش »
- ارتباط قانون با مسایل اخلاقی، معنوی و پیوند آن با مساله معاد جهت پایداری در پایبندی به آن .

(يَا بَنِيَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ)^۴

« ای پسر من نماز را را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن »

- آموزش مفاهیم و مصادیق قانون و کاربست آن در گروه های سنی مختلف، راهنمایی و رانندگی، احترام به دیگران و در نظر گرفتن منافع فردی و گروهی در قانون گریزی.
- پیامبر صلی الله علیه و آله بدبختی های امت های پیشین را چنین فرمودند:

« بدبختی امت های پیشین در این بود اگر فرد بلندپایه ای از آنان دزدی می کرد او را می بخشودند

و اگر فرد ضعیف و گمنامی دزدی می کرد حکم خدا را درباره اوجاری می ساختند »^۵

- هماهنگی و همسویی بین تصویب کنندگان و مراجع قانونی در نص قانون و عدم تناقض با آن.
- (مجلس محترم با مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و ...)

۱. تحف العقول ، ص ۳۲۰ ، برگرفته از کتاب مفاتیح الحیاه حضرت ایت اله جوادی آملی

۲. تحف العقول ، ص ۳۹

۳. لقمان / ۱۹

۴. لقمان / ۱۷

۵. صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۵۱

- خاضع بودن مسلمانان در برابر قانون اسلامی .
- هرچند اجرای قانون به ظاهر به زیان مسلمان باشد در نگاه عمومی در جامعه به سود او و همگان است.
- پیامبر ﷺ فرمودند :
- «حد قانونی که در زمین جاری شود مؤثرتر از شصت سال عبادت است»^۱
- واسطه گری در تعطیل قانون الهی نهی شده است پیامبر ﷺ فرمودند:
- «هرکس در اجرای قانون الهی واسطه گری کند تا مانع اجرای آن بشود خدای بزرگ او را در قیامت عذاب می کند»^۲
- معذوریت غیر قابل قبول برای افراد جامعه به علت عدم آشنایی با قانون در تصمیم گیری ها و اقدامات.
- حضرت علی (علیه السلام) می فرماید :
- «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ، وَ ضَمَائِرُكُمْ عُيُونُهُ، وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ»^۳
- ایجاد وحدت رویه در مفاد و تبصره های قانونی و تنقیح قوانین و خارج کردن قوانین منسوخ یا ناقض هم .
- الزام قانون گذاران، مجریان و ناظران بر رعایت قانون در حوزه مسئولیت.
- «لَأَعَذِّبَنَّ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَأَذِّبَنَّهٗ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»^۴
- «اورا(هدهد)عذابی سخت کنم(بخاطر نافرمانی وعدم مسئولیت پذیری)یاذبح نمایم مگر آنکه
- دلیلی محکم بیاورد.»
- اصلاح و بازنگری در قوانین با توجه به نیازهای مستحدثه از طریق طرح یا لایحه .
- پایش و ارزیابی مستمر از اجرای ضوابط و قوانین به وسیله قوای ذیربط.
- باور به اطلاع از قوانین و عملیاتی و اجرائی نمود آن در رفتارها و تعاملات و تقویت این نگرش و پنداره در مسیر رشد و تحول افراد.

۱. مستدر : الوسائل ج ۷ ص ۹

۲. دعائم الاسلام ج ۲ ص ۴۴۳

۳. نهج البلاغه / خطبه ۱۹۰ «اندامتان لشکر حق، و درونتان جاسوسان الهی هستند، و خلوتهای شما برای او آشکار است» .

۴. نمل / ۲۱

در تعریف وجدان گفته‌اند که وجدان قوه‌ای است در باطن شخص که وی را از نیک و بد اعمال آگاهی می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که خداوند تبار ؛ و تعالی برای تمام آدمیان نیرویی عنایت کرده که آنها را در تمام لحظات بپاید و بر آنها متذکر شود که پا از گلیم اختیارات شرعی و عقلی خود فراتر نگذارند و نیز دایره نیک و بد را برای آنها مشخص کند و همچون چراغ فطری باشد که آنها را از افتادن در چاه ندامت برحذر دارد.

خداوند در آیه ۳۴ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید : ﴿ وَ أَوفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾

به نظر می‌رسد که وجدان علاوه بر این کار، کارکرد دیگری نیز دارد و آن تشخیص کم کاری و استیفای امور کردن است به این معنا که اگر آدمی را وجدانی در کار باشد بطور قطع او را از ارتکاب به کم کاری منع و به اتمام امور و دقت در آنها تشویق و ترغیب خواهد کرد (نفس لواحه) حال باید پرسید منظور از کار چیست؟ آنچه از شخصی یا شیئی صادر شود باید تا بدان وسیله هم معیشت فردی و یا نیازهای جمعی مرتفع گردد.

با توجه به تعریف فوق باید گفت که کار معمولاً برای دو مقصود در دو بخش اصلی و فرعی انجام می‌گیرد به این معنا که یکبار آدمی کار را به منظور رفع نیازهای خود انجام می‌دهد بدون اینکه به منافع جمعی آن توجه و عنایت خاصی داشته باشد، در اینصورت منافع جمعی کار فرعی و سود شخصی و فردی آن اصل محسوب می‌شود و یکبار هم برعکس است یعنی آدمی کار را برای رفع نیازهای جمعی انجام می‌دهد اما نهایت بصورت فرعی ، نفعی هم به انجام دهنده آن می‌رسد.

حال با توجه به تعاریف و تقسیم‌بندی که از کار و وجدان ارائه کردیم ابتدا به وضع این دو در نهج البلاغه نظری می‌افکنیم و از آن پس به نسبت رابطه این دو در قرآن و روایات می‌پردازیم.

وجدان در نهج البلاغه

در نهج البلاغه دارندگان وجدان همان کسانی‌اند که از نعمت قلب سلیم برخوردارند، چرا که وجدان یک امر قلبی است رابطه وثیقی با قلب و اوصاف آن دارد. سخن بر سر این نیست که برخی از مردم از نعمت قلب (دل) محرومند بلکه هدف آن است که بعضی از مردم از داشتن وصف سلامتی قلب محرومند.

لذا امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

﴿ فَطُوبَى لِمَنْ لَدَى قَلْبٍ سَلِيمٍ، أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ، وَ تَجَنَّبَ مَنْ يُرْدِيهِ، ﴾^۱

﴿ زهی سعادت آن که به یمن داشتن قلبی سالم هرآن کس را که از داشتن چنین قلبی متنعم است ﴾

یقیناً آن را در تمام امور حاکم بر خدا خواهد کرد و هرگز بر فرمان او سرپیچی نخواهد نمود. ﴿

و خداوند هم می‌فرماید :

﴿ أُولَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُغْلِبُونَ. ﴾^۲

﴿ آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند ﴾

۱. نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲

۲. بقره ۷۷

- ارتقاء مسئولیت پذیری با توجه به گروه سنی و شغلی .
﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا﴾
﴿و چون به رشد و کمال خویش رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم﴾
- حضور به موقع برای انجام وظایف.
- پاسخگویی به مراجعین در حوزه مسئولیت و شغلی.
﴿وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالُوا.....﴾
﴿و آنگاه که یوسف (در زمان قحطی) بار غله برادران خود را در برابر متاعشان بست﴾
- خدا را ناظر بر اعمال، افعال و قضاوتها دانستن.
﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ.....﴾
﴿از خداوند آنچنانکه شایسته پروا داشتن از اوست ، بپرهیزید﴾
- ایمان به خدمت خلق و خانواده در جلب رضایت الهی و طلب مال حلال.
رسول خدا ﷺ می فرمایند :
﴿عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین آن جزء طلب کردن مال حلال است﴾
در جای دیگر فرمودند :
﴿تلاش گر در پی روزی خانواده خود ، چون مجاهد در راه خداست.﴾ ه
- ترویج و توسعه فرهنگ کار و ارزش آن در جامعه از دوران کودکی تا بزرگسالی.
چرا که اولین کارگر (فاعل) جهان خلقت (فعل)، خداوند سبحان است.
- مهارت های فرهنگ کار در آموزشگاه ، خانواده و جامعه در گروه های مختلف .
زره خواستن داوود ﷺ :
﴿أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَاتٍ وَقَدَّرُ فِي السَّرْدِ.....﴾
﴿ای داوود از آهن زره ای گشاده بساز و حلقه های آن را به یک اندازه و یک شکل کن﴾

۱. قصص / ۱۴

۲. یوسف / ۵۹

۳. آل عمران / ۱۰۲

۴. مستدر : الوسائل ، ج ۲ ، ص ۴۱۵

۵. بحار الانوار ج ۷۸ ص ۱۸۰

۶. سبأ / ۱۱

- تقویت فرهنگ کار در سازمان های غیررسمی و مردمی.

امام باقر علیه السلام فرمودند :

﴿ تنبلی برای دین و دنیای آدمی زیانبار است ^۱﴾

- قانون پذیری و قانون مندی در عرصه آموزش و پرورش و کار.

- تقویت فرهنگ سازمانی کار و تلاش در سازمان ها و نهادها.

- پایش و نظارت مستمر بر تلاش و فعالیت ها شاغلان در تحقق اهداف .

﴿ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ^۲﴾

- تبیین شیوه های تربیت و انضباط در آموزش خانواده.

- تبیین مصادیق رعایت انضباط اجتماعی برای دانش آموزان و عملی کردن آن در عرصه زندگی.

- تقویت تکلیف گرایی در مراقبت از رفتارهای پنهان .

- تحقق انضباط اجتماعی در قالب طرح ها و بیان اهمیت آن مانند همیار پلیس ، داناب، کرامت ،

هدیه های آسمانی ، تشکل های دانش آموزی و دانشجویی ، نهادهای مردمی ، احزاب و ...

﴿ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ

هُمْ الْمُفْلِحُونَ ^۳﴾

﴿ و بایداز شما مسلمانان برخی خلق را به خیر وصلاح دعوت کنند ومردم را به نیکوکاری امر واز بدکاری

نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه ی هدایت خلق هستند فیروز بختی و رستگاری خواهند بود.﴾

- نیت صادق داشتن در رفتارها و عملکردها .

﴿ وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ

لَهُ قَرِينًا ^۴﴾

﴿ آنان که اموال خود را به قصد ریا و خودنمایی می بخشند و به خدا و روز قیامت نمی گروند

(ایشان یاران شیطانند) هر که را شیطان یار است بسیار بد یاری خواهد بود.﴾

- الگوپذیری ، وجدان کاری و انضباط اجتماعی از طریق خانواده و مدرسه به صورت آشکار و پنهان برای

متربیان.

۱. تحف العقول ، ص ۳۰۰

۲. الرحمن / ۲۹

۳. آل عمران / ۱۰۴

۴. نسا / ۳۸

- ایجاد زمینه تشویق برای افراد دارای وجدان کاری و انضباط اجتماعی و برخورد سلبی با افراد غیر آن.
- الزام به رعایت عهد و پیمان و قول و قرارها (وفای به عهد).

﴿ أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ ﴾^۱

- وقت شناسی و زمان شناسی در عرصه زندگی و کار .

^۱مائده / ۱ ﴿ای کسانی که ایمان آورده اید به عهد و پیمان خود وفا کنید﴾

۱۷ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند :

« اشتغال به حرفه ای همراه با عفت نفس از ثروت همراه با ناپاکی بهتر است. »^۱

صنعت حرام دو قسم است:

۱. صنعت حلالی که در جهت حرام به کار گرفته شود (تولید بمب هسته ای و سلاح شیمیایی و ..)
۲. صنعتی که تنها کاربرد حرام دارد (ابزار سخت افزاری و نرم افزاری لهو لعب، بت سازی، تولید نوشابه های حرام و هر چیزی که موجب تباهی محض افراد و جامعه است) .

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

«صنعتی که تنها برای حرام کاربرد دارد و راه و روش تباهی محض است و هیچ صلاحی (قاعده ای) در آن

نیست خدا آن را حرام کرده است.»^۲

و در جای دیگر می فرمایند:

«صنعت هایی که مردم خود می آموزند یا به دیگران می آموزند مانند نوشتن، حسابداری، زرگری، زین سازی، عملیات ساختمانی، بافندگی، گازری، دوزندگی، تصویرسازی غیرجاندار و انواع وسایل و ابزاری که مردمان به آنها دارند و از آنها بهره می برند و سامان یافتن زندگی شان به آنهاست و نیازهای گوناگون آنها برآورده می شود همه ی اینها فعل و عملش برای خود یادگیری جایز است.»^۳

راهکارها:

- نقش تبدیل علم به تولید و تولید به ثروت در عرصه تعلیم و تربیت و اقتصاد مقاومتی.

علی علیه السلام می فرمایند :

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ..»^۴

«علم قدرت است هر که آن را بیابد اقتدار می یابد ازبردست می شود او هرکس آن را نیابد زیر سلطه

می رود. ازبردست باقی می ماند»^۵

هرگز شایسته نیست که کافران بر مؤمنان سبقت بگیرند (نفی سلطه اقتصادی، علمی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی) که فقها از آن قاعده ی نفی سبیل را استخراج نموده اند.

- تولید و تکنولوژی تولید .

- آموزش مستمر و اطلاع رسانی در تولید .

۱. نهج البلاغه /نامه ۳۱، غررالحکم ص ۳۵۴ «الْخُرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ.»

۲. تحف العقول ص ۳۳۵-۳۳۶

۳. تحف العقول ص ۳۳۵ - گازری یعنی رخشویی و لباسشویی

۴. شرح نهج البلاغه ابن حدید ، ج ۲۰، ص ۳۱۹

۵. نساء/ ۱۴۹ «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

- مشتری مداری در تولید و اعتماد آنان.
- ﴿ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ﴾^۱
- نقش کیفیت در پایداری و تقویت و توسعه تولید.
- امام صادق علیه السلام می فرمایند:
- ﴿ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی يُحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ اِذَا عَمِلَ اَنْ يُحْسِنَ. 2 ﴾
- ﴿ خداوند کسی را که کار خوب انجام می دهد دوست دارد. ﴾
- تولیدی کردن هنرستانها و کاردانش و عرضه آن به جامعه حتی تولید ایده و دانش از آموزش و پرورش تا دانشگاه و شناسایی آن در جامعه و صنوف.
- انطباق تولید با فرهنگ تکنولوژی .
- تعریف مقاومت اقتصادی مرتبط به فرهنگ سازی.
- ﴿ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ... ﴾^۲
- تعریف کیفیت و رعایت آن در عرصه مدیریت تولید و عرضه و تقاضا .
- امام صادق علیه السلام می فرمایند :
- ﴿ اِنَّ الْعَمَلَ الْقَلِيلَ الدَّائِمَ عَلَى الْيَقِينِ اَفْضَلُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ ﴾^۳
- ﴿ عمل اند ؛ و بادوام که بر پایه یقین باشد و در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است ﴾
- توجه به کاهش هزینه های تولید بدون کاهش کیفیت (انرژی ، منابع انسانی و...)
- رسول خدا (ص) می فرمایند :
- ﴿ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی يُحِبُّ اِذَا عَمِلَ اَحَدُكُمْ عَمَلًا اَنْ يُتْقِنَهُ ٥ ﴾
- ﴿ خداوند دوست دارد هر یک از شما وقتی کاری می کند که آن را محکم و استوار سازد. ﴾
- فرهنگ استفاده از تولید داخلی.
- ﴿ اَنْ اَعْمَلَ سَبْعَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ ٦ ﴾
- ایجاد رقابت داخلی در تولید .
- جهت دهی مهارت و سبک زندگی در باورهای اقتصادی و نگرشی بویژه اقتصاد مقاومتی.

۱. اعراف / ۸۵

۲. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، ج ۴ ، ص ۳۶۶ ، حدیث ۹۱۲۵

۳. یوسف / ۴۷ و ۴۸

۴. جهاد النفس، ص ۶۲

۵. جامعه الصغیر ، ج ۱ ، ص ۲۸۴

۶. سبا / ۱۱ ﴿ و به او دستور دادیم که زره کامل بساز و حلقه زره به اندازه (یک شکل) گردان. ﴾

۱۸ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟

در جامعه با توجه به گرایش‌های مختلف و نظرات متعدد بین مجری و طراح و ناهماهنگی‌های موجود یقیناً به طور طبیعی، این مهم می‌باشد چرا که اگر، حرفها و ایده‌های خوب طراحان، با مجریان امر همخوانی نداشته باشد و بر اثر ندانم کاری‌های یکدیگر، موضوعات مطرح شده به فراموشی سپرده می‌شود و اگر بخواهیم اینگونه موضوعات، ریشه‌ای حل و قابل اجرا باشد و آن مطالب پیگیری گردد باید پژوهشکده‌ای باشد که اینگونه موضوعات را جمع‌آوری و نظرات مؤثر را تنظیم و جهت اجرا به سطح بالاتر ارجاع شود. عدم اجرای طرح‌ها و ایده‌ها بعضاً به علت کثرت مسئولیت کار مسئولین و مجریان به حدی نخواهد رسید که موضوع به اجرا درآید، حال که این موضوع مهم و ریشه‌ای را مقام معظم رهبری عنوان فرمودند بسیار باید به آن توجه نمود که حقیقتاً یکی از کمبودهای جامعه عدم پیگیری این گونه بحث‌ها و موضوعات و نهادینه نمودن آن از ابتدا تا اجرا است.

بی‌توجهی به طرح‌ها و ایده‌های خوب و عدم نظارت ویژه و عمومی به عملکرد مدیران در اینگونه مسائل باعث کندی و کم‌کاری می‌شود که باید بیشتر پیگیری گردد و همچنین در مورد مدیران اجرایی به علت تفکر جنایی و نیز نگاه جناحی و رقابت‌های سیاسی و اجتماعی به یکدیگر باعث آفت زدگی در بین مجریان طرح‌ها و ایده‌ها می‌گردد. البته هستند افرادی که درد دین و دغدغه حفظ نظام و ایثار و فداکاری در وجودشان برای اصلاح امور موج می‌زند ولی حرکت‌های ایدایی در این گونه مسائل دور از انتظار نخواهد بود چرا که بارها گروه‌های مخالف و برانداز که از ابتدای انقلاب فعال بوده‌اند و برخورد حداکثری ما با آنها می‌توان شاخه‌های نظامی را نام برد این گروهک‌ها، فقط شاخه نظامی نداشته‌اند، شاخه‌های دیگری نیز وجود داشت از جمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی و ... شاخه‌های آنها شاید، دست نخورده در کشور حضور داشته باشند و مانع حرکت‌های صحیح و کارساز شوند و نیز باید گفت مراقبت پیرامون این موضوعات مهم و ارزشمند یکی از وظایف ملت و مسئولین می‌باشد چرا که امروز حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی خود یکی از حرفها و ایده‌های لازم و ضروری است چنانچه آنها را نادیده بگیریم آسیب سنگینی به کشور خواهد خورد و در پایان امر ضروری است، پیرامون کلیه مسائل کشور و جامعه نظارت دقیق بر همه امور خصوصاً در پژوهشکده‌ها گردد چرا که یاری اینگونه سازمان‌های مؤثر (پژوهشکده) به هر مقدار کهنیاز باشد ارزش آن نیز بسیار است. امروزه به علت مشکلاتی که بر سر راه این ملت بعد از انقلاب اسلامی گذاشته‌اند و ما را نیز در مسائل مختلف سرگرم نموده‌اند باید گفت انقلاب اسلامی و طرفدارانش بسیار جوان و با افکار جوانانه به دنبال انقلاب اسلامی خواهند بود.

البته بعضی از نگاه‌ها و نظرهای خوب باید به نام افراد یا گروه پیشنهاد دهنده، ثبت معنوی شود تا استفاده دیگران از ایده‌ها و پیشنهادهای جدید به علت عدم هضم و انگیزه‌های آن ابرتر نماند و هم‌بستر را باید، از نظر جایگاه قانونی فراهم نمود تا از موانع قانونی و حمایت مالی تا تولید جلوگیری نمود و به این منظور اطاق فکر در

بررسی طرح ها و پیشنهادها در قوای سه گانه امری ضروری است و تنقیح قوانین در تعارض های قانونی که حربه اختلاف بین مافیای اقتصادی ، تمامیت خواهان آن است وجود نداشته باشد.

تصمیم سازیها و تصمیم گیریها باید از یک فرایند سیستمی برخوردار باشد و از ایده های درون سازمانی و بیرون سازمانی استفاده نمود. برای این مهم اولویت های سازمانی با توجه به چشم انداز و برنامه توسعه باید مشخص و در فراخوانی عمومی از اهل نظر و متخصص و اهل فن ، بویژه آموزش و پرورش ، دانشگاه و مؤسسات پژوهشی ذیربط و با عنوان طرحهای تحقیقاتی استفاده نمود و مدیران اجرایی و ارشد جامعه نظام پیشنهادهای سازمانی را فعال و افراد امین و مجرب رامسئول کار قرار داده و پایش و ارزیابی دقیق از پیشنهادهای پذیرفته شده ، تکمیلی و یا غیر قابل استفاده بازخورد آن را به پیشنهاد دهنده ارسال نمایند و جشنواره پیشنهادها، هر ساله برگزار و عملیاتی و اجرایی نمود و نیز آنها را منتشر کرد و یافته ها را به سازمانها با اهداف مشترک ؛ ارسال نمایند.

مسائل مهم در این حوزه عبارتند از:

- فاصله مبانی نظری و فقدان برنامه عملیاتی و اجرایی .
 - اصولاً فاصله اجرایی بین نظریه دهندگان با تصمیم گیران اجرایی.
 - عدم ایجاد ساز و کار مناسب نظریه ها در عمل و اجرا .
 - عدم اطلاع رسانی به موقع به اهل نظر و اهل فن.
 - عدم مشارکت جدی صاحب نظران و نخبگان در مسائل و طرح مشکلات جامعه .
- مشاوره با حضرت یوسف :
- ﴿ یوسف ای راستگو ما را از تعبیر این خواب که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند آگاه ساز ۱﴾
- عدم ریسک پذیری مدیران در اجرای نظریه ها و یا پیش بینی نکردن هزینه های عملیاتی آن.
 - ریسک پذیری در عملیاتی و اجرایی نمودن نظرات و در نظر گرفتن سیره تکمیلی آن در تخصیص منابع مالی .

﴿ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ ... ۲﴾

﴿ باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت

خود می سازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید﴾

- اعتماد نمودن به مدیران و تفویض اختیار در چارچوب وظایف آنان .

﴿ فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ۱﴾

﴿ پس چون عزیز مصر با یوسف سخن گفت به او گفت تو امروز نزد ما صاحب منزلت و امین هستی﴾

۱. یوسف / ۴۶

۲. یوسف / ۴۷

- همراه بودن نظریه ها از زمان خطوط ذهنی تا عملیات و اجرا و بازخورد آن به مدیران و تصمیم گیران .
 - کم شدن فاصله نگرش نظریه دهندگان با برنامه عملیاتی و اجرایی باید وضعف باور به تحقیقات و پژوهش قبل از تصمیم و اقدام .
 - نهادینه نمودن نظریه ها در اسناد و برنامه ها.
 - عدم پایش و ارزیابی از مصوبات اجرایی.
 - خرده گرفتن ارائه نظر ، از سوی افراد غیرشاخص و شناخته نشده در شهر و کشور .
 - رعایت نظریه های خوب در سبک زندگی .
 - فاصله سیستمی حرفها و نظرها ، با تدوین کنندگان برنامه و استراتژی ها .
 - عدم دسترسی صاحبان ایده و نظر به مسئولین ارشد کشور و یا مدیران ذیربط .
 - کمرنگ شدن باور هم اندیشی و استفاده از خرد جمعی از مدیران و مسئولان.
- علی علیه السلام می فرمایند:

﴿ قِوَامُ الْعِيشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكَةُ حُسْنِ التَّدْبِيرِ ﴾^۱

﴿ استواری زندگی به برنامه ریزی نیکو و سنجه آن دور اندیشی نیکوست. ﴾

در یک نظر سنجی بین ۳۵ نفر از نخبگان جهانی در مورد علت موفقیت آنان سؤال شد در پاسخی که دادند از جمله « بیل کیتس » مدیر عامل میکروسافت که همپوشی با « یشترن » تنوع و فراوانی پاسخها بود در سه محور خلاصه شده است :

۱. من ^۱پروقتم را صرف بازدید و صحبت با همکارانم صرف می کنم.
۲. در انتخاب و جذب همکار ، کار را به اهل نظر و متخصص آن می سپارم و اعتماد می کنم.
۳. بیشترین ایده ها را از دانشمندترین و آگاه ترین افراد یعنی کاربران در سطح جهان می گیرم یعنی از مشاورین رایگان زیرا آنان چون کاربر هستند به نقاط قوت ، ضعف و فرصت ها خوب آشنا هستند و در ضمن نیازهایی که مغفول مانده احصاء و سفارش می دهند.

۱. یوسف / ۵۴

۲. غررالحکم ، ص ۳۵۴

۱۹ چرا به ما می گویند که ساعات مفید کار در دستگاه های اداری ما کم است؟

در روابط اجتماعی ، کسانی بر دلها حکومت می کنند که دلشان را خانه مهر و محبت مردم کرده باشند . برعکس ، آنان که « خود » را بیش از همه می پسندند و «خود» را بیش از دیگران دوست دارند و آسایش و راحتی خود را بر دیگران ترجیح می دهند ، نه نزد خدا و رسول اعتباری دارند و نه در دل و جان مردم ، جایی و موقعیتی !...

گوهر «خدمتگزاری به مردم » تنها در دلهای وارسته از منیت و خودخواهی ، وقت کشی و... یافت می شود نتیجه مردم دوستی و همیاری نیز ، محبوبیت و سیادت است . هرکه خدمتگزار جامعه باشد ، از حق شناسی مردم بهره مند می شود و هر که به مردم نیکی کند ، در دلها جای می گیرد. این حقیقت را ، بیش از پیش در حدیث می خوانیم که: « سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ » «سرور هر گروهی ، خدمتگزار آنان است»

براستی چرا بنا به فرمایش مقام معظم رهبری (دام عزه) به ما می گویند که ساعات مفید کار در دستگاه های اداری ما کم است ؟

- ضعف باور در فرهنگ کار.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ﴾

- عدم شاخص و تعریف استاندارد از کار روزانه.

- نداشتن هدف و برنامه در عرصه شغلی.

- عدم پایش و ارزیابی مستمر در کارها.

- عدم پای بندی به استفاده از وقت و داشتن برنامه .

﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَ
أُخْرٍ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعَ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ
فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ﴾

«ای یوسف ، ای مرد راستگو ، در باره این خواب که [هفت گاو فربه ، هفت [گاو] لاغر را می خورند و
هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم. شاید آنان
[تعبیرش را] بدانند . گفت : هفت سال پی در پی می کارید ، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که
ذخیره می کنید - همه را خواهند خورد.»

۱ . بقره/ ۱۷۲

۲ . یوسف / ۴۶ - ۴۷

- باور به کسب روزی حلال و ارتباط حقوق با ریزش کار .
- همین مزد و پاداش باید بر اساس ریزش کار باشد ، یکی از روش سبک زندگی حلال خوری است.
- حضرت علی علیه السلام می فرمایند :
- ﴿ دروغ می گوید کسی که می گوید حلال زاده ام ولی غیبت می کند . حرام زادگی از دو بعد مطرح می شود : ۱. نطفه ۲. غذا (لقمه) ۳. که باید در شیوه انجام کار دقت داشت.﴾ ۱
- بارها خداوند در قرآن تأکید می فرماید :
- ﴿ مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ ﴾ ۲
- ﴿ از درآمدهای حلال و طیب بخورید.﴾
- ﴿يَاكُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾ ۳
- ﴿ ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید﴾
- چند شغله بودن بعضی از شاغلین و عدم اختصاص فرصت و وقت مناسب و لازم و روز آمد برای شغل پایدار خود .
- تداخل در وظایف و مسئولیتهای محوله .
- پرداختن به کارهای تعریف نشده در شرح وظایف فرد.
- ضعف انسجام و وحدت رویه در فرهنگ سازمانی.
- نداشتن برنامه در خارج از عرصه شغلی .
- دخالت توقعات خود و مراجعین ، غیر ارتباط با شغل .
- عدم مدیریت زمان .
- عدم رعایت سلسله مراتب سازمانی .
- دخالت دادن مشکلات زندگی در ساعات کاری.
- تبعیض در مدیریت سازمان ها.
- عدم پای بندی به تعهدات شغلی و حقوق مترتب بر آن.
- خلط موضوع کار با حقوق ، پاداش و اضافه کاری و کم رنگ شدن و تعهدات و منشور اخلاق و کاردر بدو قبول مسئولیت.

۱. نهج البلاغه / خطبه ۱۸۳

۲. بقره / ۲۱۷ .

۳ بقره / ۱۶۸

﴿۲۰﴾ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟

اسراف به هر گونه تجاوز کاری و زیاده‌روی گفته می‌شود و در هر حال اسراف عملی است ممنوع و محکوم، و مورد خشم و انزجار خداوند متعال. دین مقدس اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمتهای الهی و زیبایی های زندگی را مباح و روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند و این بدان جهت است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسؤولیت دارد. در این صورت فرد اسرافکار قهراً از اجرای مسؤولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر بر پیکر جامعه ضربه می‌زند. همان گونه که آدمیان در سایر رشته های علمی و عملی یکسان نیستند در مسایل اقتصادی نیز همسان نیستند مانند جریان خون در رگ های بدن که در برخی بیشتر و در بعضی کمتر به تناسب رگ ها جریان دارد و این تفاوت بر اساس نظم طبیعی و تفاوت استعداد های آنهاست .

در مورد تفاوت های فردی قرآن می فرماید :

﴿ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴾

﴿ چرا در مقابل خداوند خضوع نمی کنید؟ در حالی که خداوند شما را متفاوت و گونه گونه آفریده. ﴾

در برخی اقتصاد هزینه کردن بیشتر است در بعضی به ثروت و هزینه های کلان نیاز است و این تفاوت برخاسته از نیاز های طبیعی انسان است در قرآن بهره برداری از نعمت های الهی سفارش شده و همه سفارش ها درباره کار و تولید و اهمیت آن برای ایجاد زمینه مصرف درست در جهت رشد و تعالی انسان است. خداوند می فرماید:

﴿ ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را

به جا آورید ، اگر تنها او را پرستش می کنید ﴾^۲

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند :

﴿ جوانمردی کامل در بهره برداری از ثروت است ﴾^۳

هدف مصرف زمینه شکرگزاری است . در اسلام اعتقاد اصل است نه اقتصاد، در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره امر اقتصاد و لزوم تأمین و تعدیل ثروت با اشاره به نان که سمبل نعمت های دنیوی است می خوانیم که :

﴿ بار خدایا نان ما (اختصاص) را برکت ده و میان ما و نان ما جدایی نیانداز... ﴾

اسلام امسا ؛ در هزینه و محروم کردن دیگران را بخل و زیاده روی در هزینه کردن را اسراف می داند و تجاوز از آن نکوهیده است و تنها به اعتدال و میانه روی در آن سفارش شده و سه نوع مصرف بیان شده است.

۱. نوح / ۱۳ و ۱۲

۲. اعراف / ۳۱

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۰

۴. کافی ج ۲ ص ۲۸۷

۱. مصرف بخیلانه :

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

﴿ بخیل کسی است که می خورد و نمی بخشد﴾^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

﴿ گذشتن از حد میانه روی (کاهش) بخل به شمار می رود﴾^۲

۲. مصرف مسرفانه :

امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

﴿ اسراف آن است که برای مال فسادآور و برای بدن زیان آور باشد﴾^۳

پیامبر ﷺ می فرمایند:

﴿ بخورید و بیاشامید بیوشید و صدقه دهید ولی اسراف نکنید﴾^۴

۳. معیشت معتدلانه:

درتعالیم آسمانی اسلام برتشویق به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف تأکید شده است که رفاه و آسایش در مصرف بی رویه نیست بلکه دربی نیازی و عدم وابستگی به دیگران است. امام رضا (علیه السلام) از پیامبر ﷺ نقل کردند:

﴿ آنچه در آن سکونت نمی کنید مسازید و آنچه را نمی خورید انباشته نکنید و از خدایی که به سوی او

محشور می شوید بترسید. علی (ع) ای پسر من در معیشت و عبادت میانه رو باش﴾^۵

مصرف گرایی یکی از پدیده های اقتصادی است که پس از انقلاب صنعتی رونق چشمگیری پیدا کرد. از جمله عوارض این پدیده می توان به تهدید منابع، آلودگی های محیط زیست و فاصله اجتماعی و تشدید رفتارهای غلط فردی و اجتماعی چون اسراف اشاره کرد و همین امر موجب شد که در جهان سوم بازارهای فروش خود را باز و تغییر در شیوه ی مصرف و در نهایت فرهنگ وابستگی را ترویج و تثبیت نمایند.

سؤال اساسی این است ، آیا میان مصرف گرایی و توسعه نیافتگی اقتصادی رابطه ای وجود دارد؟ چگونه می توان گرایش به مصرف گرایی را در سطح جامعه کاهش داد؟ چگونه می توان مردم را در مسیر درست مصرف کردن هدایت کرد؟ چه موانعی ، معضل مصرف گرایی را تشدید می کند؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف گرایی رواج دارد ؟ آیا مصرف گرایی افتخار است ؟ مصرف گرایی یعنی اینکه ما هر چه گیر می آوریم صرف اموری کنیم که جزء ضروریات زندگی ما نیست ؟^۶

۱. جامعه الاخبار ص ۱۲۰

۲. بحار انوار ج ۶۶ ص ۴۰۷

۳. کافی ج ۴ ص ۵۴ الخصال ص ۹۸

۴. بحار الانوار ج ۷ ص ۴۰۷

۵. الامالی، مفید ص ۲۲۳ برگرفته از مفاتیح الحیاه آیه اله جوادی آملی

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳

هنگامی که زیربنای مناسب تولید و درآمدی وجود نداشته باشد و در عین حال بر مصرف تأکید شود ، آسیب های متعددی در جامعه بروز می کند. در شرایط رونق اقتصادی و بالا رفتن قدرت خرید مردم، مصرف گرایی رواج می یابد ولی عوامل فرهنگی در تعیین حدود آن بسیار مؤثرند. از جمله عوامل مهم در کنترل مصرف ، تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری ، ارائه الگوهای صحیح مصرف و ایجاد زمینه مناسب جهت فعالیت اقتصادی است .

در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی علی رغم ماهیت و جهت گیری معنوی انقلاب اسلامی، به علل مختلف پس از پایان جنگ تحمیلی، از جمله سیاست های نادرست دولت سازندگی، ارزش های مادی رواج یافت و ارزش های معنوی را تحت الشعاع خود قرار داد .

رفتاری که در جامعه با الگوگیری از برخی مدیران و مسئولان در رقابت دنیوی آغاز شد و برخی از مسئولان نیز با بیان اینکه می بایست امنیت شغلی مدیران شایسته را به دلیل حرکت در مسیر توسعه تأمین کرد، در مقابل برخی ریخت و پاش هایی که زمینه الگوسازی غلط را در جامعه گسترش می داد سکوت کردند .

رفتاری در مسیر توسعه اسلامی طراحی نشده بود؛ چرا که صاحبان صنایع در کشورهای صنعتی، انسان را به عنوان یک ماشین مصرف کننده مدنظر قرار دادند تا از این رهگذر به اهداف اقتصادی که همانا افزایش مداوم سود است نائل شوند. بنابراین مصرف گرایی، ضامن چیزی جز نیازهای کاذبی نیست که در خدمت صنایع و کشورهای صنعتی قرار گیرد .

البته انسان نیز خود از لحاظ روانی آمادگی برای راحت طلبی، تجمل پرستی و حتی متمایز کردن خویش از افراد دیگر با در اختیار گرفتن کالاها و خدمات بیشتر را دارد تا بدین وسیله شکاف بین خود و سایر گروه های جامعه به وجود آورد و از این شکاف برای تثبیت وضعیت اجتماعی خود استفاده کند. از آنجا که مصرف گرایی، برداشت بیش از اندازه هر فرد از منابع نادر و کمیاب خانواده است، لاجرم این موضوع باعث فشارهای متعددی بر خانواده خواهد شد .

مصرف گرایی، سدی در مقابل توسعه است، زیرا مانع از سرمایه گذاری جهت طرح و اجرای زیرساخت های توسعه می شود. هر اندازه که در درون جامعه تبلیغات ناسالم در سطح بالا و سطح فرهنگ عمومی در حد پایین باشد، به همان اندازه نیز امکان پذیرش روحیه راحت طلبی و تجمل پرستی بیشتر است. انسان هایی که کمتر اعتماد به نفس داشته و کمتر در مورد نقش شان در درون جامعه تفکر می کنند ، سهل تر پذیرای روحیه مصرف گرایی در جامعه هستند .

اگر بتوانیم آگاهی و سطح فرهنگ عام را افزایش دهیم قادر خواهیم بود هم بهره وری تولید را افزایش داده و هم از مصرف گرایی جلوگیری کرده و لاجرم از اتلاف منابع ، ممانعت به عمل آورده و همین امر، منابع را به حد وفور برای گسترش ظرفیت های تولیدی در اختیار خواهد گذاشت .

همان طور که بیان شد، مصرف گرایی سبب شکاف بین طبقات مختلف مردم است. این شکاف طبقاتی که دقیقاً در مقابل بحث عدالتخواهی قرار دارد، منجر به افزایش تمایز اجتماعی شده و افزایش نفوذ فرهنگ بیگانگان را نیز به همراه خواهد داشت و ما فرهنگ انفاق را که یک نوع باز توزیع اقتصادی است و اسلام بر آن تأکید دارد را به فراموشی سپرده ایم چرا که می تواند تورم در جامعه را کاهش دهد.

در این میان هر اندازه توزیع ثروت و درآمد در درون جامعه نامتوازن باشد روحیه مصرف گرایی رواج و گسترش سریع تری در درون جامعه خواهد داشت، به علاوه منبع کسب درآمد، عامل اساسی برای روحیه مصرف گرایی خواهد بود. بدین صورت درآمدهای کلان که از طریق کسب رانت های مختلف حاصل شده باشد به خاطر این که از طریق تولید حاصل نمی شود، روحیه مصرف گرایی را نیز سریع تر رواج می دهد. چون جریان ثروت از طریق رانت و لابیگری فرایند تولید و مشکلات مترتب بر آن را برای گرد آورنده ضرورت فراهم نمی کند و هزینه و مصرف بدون برنامه اقتصادی را فراهم می سازد .

بنابراین هرگاه دگرگونی های اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، کمتر باشد امکان ایجاد این رانت کمتر بوده و در نتیجه کسب ثروت های بی حساب و بآداورده مشکل تر شده و لاجرم از تجملات و لوکس گرایی کاسته خواهد شد .

از طرفی تکنولوژی جدید نیازهای جدید خلق کرده است، نظام لیبرال سرمایه داری بدون مصرف گرایی قادر به ادامه حیات نخواهد بود، لذا جستجوی بازارهای مصرف در کشورهای دیگر را در دستور کار قرار داده است و دقیقاً این مسئله در دوران بحران اقتصادی غرب بیش از گذشته در دستور کار قرار خواهد گرفت . البته تنوع طلبی افراد ، تغییر زودگذر در فناوری و اطلاعات تشنگی را برای مصرف تولیدات نو بالا می برد مانند استفاده از کامپیوتر و گوشی همراه و

متأسفانه در شرایط فعلی بخش عمده ای از وابستگی کشور به واردات در نتیجه اسراف و مصرف گرایی است و این خود دلیلی بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف در کشور و ساماندهی در تئوری های دانشگاهی و اقتصاد کشور است، در غیر این صورت با مصرف لجام گسیخته مواجه خواهیم شد. مثلاً در مصرف لوازم آرایشی ، انرژی و ... برابری یا بیشتر از مصرف نسبت جمعیتی با جمعیت جهانی هستیم ، انرژی چهار برابر و بنزین برابر با جمعیت چین

در شرایطی که کشور با مشکل بیکاری مواجه است، تبلیغ کالاهای لوکس که همگی وارداتی بوده و لطمات فراوانی بر پیکره تولید کشور وارد می کند مصداق بارز مصرف گرایی و اسراف است. کالاهایی که از نظر کیفیت ، استاندارد بودن و مشخصات فنی بعضاً فاقد شناسنامه هستند.

نیاز به مصرف بیشتر و تغییر نوع زندگی مردم به سمت مصرف گرایی اقتصاد ما را بیش از پیش وابسته می کند به طوری که سالهای گذشته ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفت صرف ورود کالاهای مصرفی شد .

باتوجه به تهدید تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران، این امر (واردات بی رویه کالا به داخل) می تواند ضربه پذیری اقتصاد ایران را دو چندان کند، چرا که وقتی کالاهای مصرفی به ما فروخته نشود، با وجودی که جامعه عادت به مصرف آن دارد اقتصاد دچار از هم گسیختگی می شود. در حالی که اگر واردات براساس پیش بینی ها انجام شود این ضربه پذیری اتفاق نخواهد افتاد .

امروز استراتژی دشمنان در استفاده از حربه تحریم، تکیه بر نحوه مصرف در کشور است. آنها با مطالعه و بررسی بیشترین اقلام مصرفی سعی می کنند ایران را در بخش هایی که بیشتر مصرف می کند در تنگنا قرار دهند . البته برنامه های آنان بعد از رنسانس صنعتی طراحی و به صورت مختلف فرهنگ و نگرش مصرف را به سوی کالاهای خود تغییر دادند و عدم رقابت ، عدم توجه به کیفیت و نیاز مردم و عدم تناسب تولید و عرضه متناسب با نیاز و تقاضای مردم و فقدان تکنولوژی های جدید که نیاز به بازنگری و اصلاح در زیرساخت های تولید بوده است زمینه ی مصرف کالاهای وارداتی که بعضاً برند شناخته شده ای ندارند فراهم گردید.

مصرف گرایی، ریشه در ساختار اجتماعی دارد و نمی توان صرفاً یکی از نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، سیاست، اقتصاد و یا فرهنگ را مسئول چنین وضعیتی تلقی کرد. بنابراین اگر خانواده در ابداع الگوی مصرف جمع در جامعه باز می ماند به معنی آن است که نظام تولیدی مناسبی وجود ندارد که خانواده بتواند متناسب با آن به جامعه پذیری نقش های مصرفی در بین اعضای خود بپردازد .

از طرفی اگر پدران و مادران در نسل گذشته نسبت به فراگیری الگوهای مصرف، توفیقی نداشتند چگونه می توان انتظار داشت که بتوانند نسل آینده را از این فرآیند مطلع کنند و به شکل منطقی موجبات اصلاح الگوهای مصرف را فراهم آورند .

بنابراین نقطه عزیمت در اصلاح رفتارهای مصرفی، هیچ یک از نهادها به طور مستقل نیستند، بلکه نتیجه همگامی ساختار و کارکردهای اجتماعی است که به شرط تمایل به سمت عقلانیت، خواهند توانست گره از معضل مصرف گرایی باز کنند.

﴿كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ﴾^۱

﴿و بدینسان گمراه کند خدا هر که را که فزونی خواه و شک آورنده است.﴾

البته فرهنگ مصرف از دوره قاجاریه بویژه دوران پهلوی اول با عنوان روشنفکری و اعزام دانشجو به فرنگ و مقهور شدن در برابر کالاهای غرب آغاز و به مرور ، تولیدات داخلی و مشاغل مربوط به آن کم رنگ و وابستگی به استخراج و فروش نفت تقویت تا جایی که کلیه کسب و کار سنتی و خود استقلالی رو به افول ، و مهاجرت روستائیان به شهر و شهر نشینی تقویت ، و در ابعاد مختلف ، مصرف تابعی از اقلام واردات تا تفکر و نگرش تولید داخلی گردید ؛ فلذا اقتصاد ما در ایران که کشاورزی بود رو به صنعت مونتاژی که وابستگی شدید به مواد اولیه و فرهنگ مصرف و منابع انسانی داشت گرایش پیدا کرد .

- عدم حسابگری در تناسب خرج و دخل.^{۱۰}
 - نداشتن برنامه ، در جهت دهی درآمد و اولویت بندی .
 - عدم تقویت تناسب توقعات و انتظارات خانواده با درآمد.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :
- ﴿ برای زن روا نیست که شوهرش را به چیزی که برای او مقدور نیست تکلیف نماید ﴾^۲
- روحیه مصرف گرایی و تجمل گرایی در جامعه.
- ﴿ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴾^۳
- ﴿ اسراف نکنید چرا که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد ﴾
- ﴿ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ﴾^۴
- ﴿ همانا قارون از قوم حضرت موسی بود که سرکشی کرد بر آنان ﴾
- فرهنگ مصرف گرایی در تنوع تولیدات و مدل ها.
 - نگرش سطحی و عدم آینده نگری بر درآمدها .
- ﴿ بریز و بپاش و خرج بی رویه هر چند مایه خوشی گردد ولی تداوم نخواهد داشت آینده نگری ، اندازه گیری و میانه روی قانون زندگی است . ﴾^۵
- در کلام دیگری از حضرت علی علیه السلام آمده است :
- ﴿ حسن تدبیر و دوری از تبذیر ، از حسن سیاست است ﴾^۶
- ضعف فرهنگ قناعت در جامعه .
- امام صادق علیه السلام به حمران فرمودند :
- ﴿ ای حمران ! نگاه کن به کسی که در زندگی از تو پایین تر است و به کسی که در زندگی ، از تو بالاتر است ننگر که این کار تو را نسبت به آنچه برایت تقسیم شده، قانع تر می سازد و بهتر، تو را شایسته زیادت پروردگارت می کند ﴾^۷

۱. یوسف / ۴۷ و ۴۸

۲. بحار الانوار ج ۲۰، ص ۲۳۹

۳. انعام / ۱۴۱

۴. قصص / ۷۶

۵. نهج البلاغه / ۱۵۴

۶. غررالحکم ، ح ۸۰۵۷، عیون الحکم والمواعظ ، ص ۱۳۱

۷. الکافی ج ۸، ص ۲۴۴، تحف العقول ، ص ۳۶۰، علل الشرایع ج ۲، ص ۵۵۹

- ترسیم مشتر ؛ اهداف غایی و استراتژی زندگی در خانواده و جامعه مبتنی بر مصرف مناسب.
 - عدم مدیریت بر هزینه ها و ارزش افزوده مترتب بر آن در جامعه .
- امام علی علیه السلام میانه روی و تدبیرگری را نشانه خیرخواهی خداوند نسبت به انسان دانسته و می فرمایند :
- ﴿خداوند هرگاه خیر بنده ای را بخواهد ، میانه روی و حسن تدبیر را به وی الهام می کند و او را از بد تدبیرگری و اسراف ، دور می سازد.﴾^۱
- اسیر شدن فرهنگ لذت جویی و کام جویی بدون ارتباط با معنویت و منافع اجتماعی.
 - رقابت های سطحی و ظاهر بینی بین افراد و خانواده ها در جامعه و پزهای اجتماعی برای مصرف و تجمل گرایی.
 - عدم برآورد دقیق برنامه ریزی و انطباق آن با سند برنامه توسعه در سازمان ها و ...
- امام علی علیه السلام می فرمایند:
- ﴿حسن تدبیر ، مال اند ؛ را رشد می دهد و سوء تدبیر ، مال فراوان را نابود می سازد.﴾^۲
- غفلت از وظایف کیفی سازی و توجه به مسایل فرعی (به ویژه بالارفتن تب خرید ماشین، زمین، تجهیزات و دکوراسیون دفاتر، محل کار و محل زندگی اعم از مدیران ، کارکنان و سازمان های غیردولتی عمومی)
 - عدم تقویت رعایت مصرف بیت المال، حق الناس و کسب درآمد حلال.
 - عدم فرهنگ سازی عاقبت کسانی که ترویج مصرف گرایی دارند که انباشت سرمایه را برای مافیای ترویج فرهنگ مصرف مهیا می کند.
 - آموزش شیوه های هزینه به عنوان مهارت و کسب زندگی ازدوران کودکی ومسئولیت پذیری در پاسخگویی هزینه و فایده.
 - جهت گیری تولیدات کشور متناسب با نیاز جامعه و رقابت در تولید جهت کاهش هزینه ، بالا بردن کیفیت ، کاهش زمان و بهره وری بالا.
 - استراتژی فرهنگ مصرف گرایی غرب در وابسته کردن مردم به تولیدات آنان به عنوان زهر و اصلاح الگوی مصرف و گرایش به تولیدات داخلی به عنوان پادزهر.

۱. غررالحکم ، ح ۸۰۵۷ ، عیون الحکم والمواعظ ، ص ۱۳۱

۲. غررالحکم ، ح ۸۰۸۱ ، عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۲۷

ربا امری حرام و بسیار خانمان سوز می باشد که در اسلام دوری از آن بسیار سفارش شده و معاملات اینگونه ، چیزی جز شر و بی برکتی و نابودی در پی نخواهد داشت. امروزه ، متأسفانه یکی از آفت های مهم جامعه بشری همین داد و ستد ربوی می باشد که آثار مخرب آن به وضوح دیده می شود و فرار از آن به سختی ممکن است و اگر آن را اختاپوست هزار پا و یا بدتر از آن بنامیم، گزاف نگفته ایم، چرا که فرار از آن برای فرد گرفتار، بسیار هزینه بر است و اگر این اختاپوست هزار پا (ربا) نهصد و نود و نه پای آن قطع شود حتماً به سرعت، آن یک پای باقیمانده، همه را جایگزین می کند. امروزه کشورهای سرمایه داری و صنعتی رفتاری هایشان در این مورد بسیار است و تمام موضوع ، برنامه ریزی شده و تشکیلاتی می باشد. معاملات ربوی جامعه بشری را با آفت بزرگی گرفتار نموده است که بسیاری از این نوع معاملات ربوی امروز توسط مؤسسات مالی اعتباری که به نحوی در اختیار دولت می باشد درگیر هستند و متأسفانه کشور ما هم به این بیماری غم انگیز مبتلا شده که آثار مخرب آن مرز اقتصادمان را در حال درنوردیدن است که بسیاری از کارخانجات تولیدی و حتی بخش کشاورزی و تجارت گرفتار شده اند و اکثر معاملات آنها ربوی بوده و دفاع از آنها توسط هر شخص و هر سازمان کار بیهوده ای است.

امروز کشور خصوصاً مؤسسات مالی اعتباری در این بیماری کشنده، هر کدام دستی بر آتش دارند و چنانچه بخواهیم از این آتش الهی که به جانمان افتاده ، رهایی یابیم همت بسیار مضاعف لازم است و باید در این باره بسیار صحبت و بررسی شود و مسئله ربا را از خود دور کنیم و قرض الحسنه و مشارکتهای واقعی، نه صوری و ساختگی جایگزین ربا گردد و اگر در این زمینه حکومت موضوع را پیگیری و مردم را یاری نکند، کارساز نخواهد بود. امروزه غول سرمایه داری در جهان غرب که اقتصاد آنها را تخریب و مردم را به زانو در آورده بر پایه ربا برنامه ریزی شده که هر روز با ورشکستگی کارخانه و یا بانکی، آن سرمایه ها به بانک یا کارخانه دیگر واریز می گردد و این موضوع برنامه ریزی شده شیطانی تقریباً اقتصاد جهان را در حال در دست گرفتن است که ما نیز باید بسیار مراقب باشیم . امروزه مسئله نقدینگی واحد های تولیدی و بخش کشاورزی و بازرگانی و امور زندگی مردم خود اجباری خواهد بود که انسان ها ممکن است مجبور شوند به معاملات ربوی روی آورند و متأسفانه در بسیاری از مراکز اقتصادی چنین شده اند و مال حرام و ربا خواسته یا ناخواسته در زندگی ها وارد گشته و مسئله بهره در بهره تیر آخری است که رها می شود و هر لحظه بر قلب گرفتار می نشیند.

در حال حاضر بدون حمایت دولت و رعایت مسائل شرعی در معاملات ، امکان رهایی از این آفت ، در جان و مال و آبرو وجود نخواهد داشت. موضوعی دیگر در امر ربا، قبح حرام و زشت بودن آن است که از بین رفته و هر کس با وجود کوچکترین مشکل مالی ممکن است خود را گرفتار این موضوع نماید و باعث تأسف است که مؤسسات مالی و دولتی و نیمه خصوصی به تذکرات مراجع بزرگوار و عالمان دین کم توجهی و یا بی توجهی می کنند و فتوی آن عزیزان را در این مورد به کار نمی گیرند و در دریافت سود دیرکرد که این همه بحث و

گفتگو در میان است، کمترین گذشتی نمی شود و حتی از اموال بدهکاران و یا ضامنین برداشت و آنها را تحت تعقیب قرار می دهند. متأسفانه این مسئله در کشور ما که یک کشور اسلامی است ، رها شده است و مبارزه با آن ، خود چالش هایی برای کشور به وجود خواهد آورد ، چرا که در این زمینه بسیار ، بی توجهی کرده ایم . حال که بحث آن پیش آمده کوتاهی در این امر جایز نمی باشد . بیایم حداقل صندوق های قرض الحسنه سنتی را تقویت نموده و کار آنها را به خودشان بسپاریم، چرا که آنها در طول سالهای متوالی امتحان خود را پس داده و رضایت مردم از آنها در حد بالایی است و خدای ناکرده تخلف آنها بسیار اند ؛ و انگشت شمار است و توجه به آنها قطعاً باعث رفع مشکل مردم و خانواده ها خواهد شد.

راهکارها :

- تقویت ایمان و باور به آخرت.

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۱

﴿آن کسانی که در دنیا ربا خورند بر نمی خیزند در آخرت مگر مثل برخاستن آن کسی که مصروع و بی عقل کرده شیطان به تماس گرفتن با او این حالت برای این است که گفتند رباخواران : بیع مثل رباست و است او را هر دو سوداگری و داد و ستد است ! و حال آنکه نیست چنین بلکه خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام نموده پس به هر که برسد پند پروردگارش و باز ایستد از این کار از برای او خواهد بود آنچه گذشته است از ربا خواری او پیش از نهی از ربا و نازل شدن این آیه و آمدن حکم حرمت آن و کار او با خداست که به رحمت خود گذشته را ببخشد و هر که تجاوز کند و بعد از شنیدن نهی خدا از ربا باز مرتکب ربا شود پس آنها یاران آتشند که در آن همیشه خواهند بود﴾

- جایگزین کردن اقتصاد بدون ربا به ویژه منابع پولی و بانکی .

- تعیین کارمزد واقعی و جهت دهی بانک ها به سرمایه گذاری مردم و پایش و ارزیابی مستمر آن.

﴿... أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾^۲

﴿آیا نمی بینید که من پیمانه را کامل می دهم و بهترین میزبان هستم.﴾

- عدم کفایت سرمایه گذاری بانک ها به طور مستقیم.

﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ﴾^۳

﴿و آنچه (به قصد) ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد؛ و آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگانند﴾

۱. بقره / ۲۷۵

۲. یوسف / ۵۹

۳. روم / ۳۹

- توسعه صندوق قرض الحسنه به ویژه ترغیب خیرین به این امر مهم .

﴿يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَّا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾^۱

نقصان پذیرد به امر خدا مالی که در او رباست و زیاد کند مالی را که در او دادن صدقات است و خدا دوست ندارد هر کیفر پیشه گنهکار را»

- بازنگری و اصلاح در ساختار و اهداف مراکز اقتصادی .

﴿فَاغْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾^۲

- نظارت دقیق بر عملکرد واحدهای تولیدی و اقتصادی استفاده کننده از وام های دولتی.

- توزیع هدایت شده و عادلانه منابع مالی برای افراد دارای طرح توجیهی برای ایجاد اشتغال و تولید .

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرَّبِّ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳

«ای کسانی ایمان آورده اید بترسید از خدا و بگذرید از آنچه باقی مانده است از طلبتان که بابت ربا است اگر شما مومن هستید.»

- تبیین آثار تخریبی ربا در جامعه و شکاف طبقاتی . (نمونه آن وال استریت در امریکا)

﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۴

«پس اگر نمی کنید این کار را و دست از ربا نمی کشید اعلام کنید به جنگ با خدا و رسول خدا و اگر توبه کنید از ربا پس از برای شماست مایه و اصل اموال شما نه سود آن که ربا است ظلم نکنید و مظلوم هم نشوید»

- به تصویر کشیدن آثار خانمان سوز ربا در جامعه و خانواده به وسیله هنر سینما، تئاتر و فیلم .

﴿وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۵

«و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود»

- مطرح شدن مسأله خسران ربا در برنامه درسی از نظر مبانی اعتقادی و آموزه های دینی در کتب

درسی به صورت اهداف آشکار و پنهان با توجه به گروه سنی .

﴿يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَّا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾^۶

«خدا از (برکت) ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد.»

۱. بقره / ۲۷۶

۲. نحل / ۶۵ و ۶۷ و مومنون / ۲۱

۳. بقره / ۲۷۸

۴. بقره / ۲۷۹

۵. بقره / ۲۷۵

۶. بقره / ۲۷۶

- جلوگیری از ترویج خرافات و سوء استفاده از کلاه های شرعی در ترویج ربا.
- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱
 ﴿ای مومنان! ربا را چندین و چند برابر (مگیرید) مخورید و از خدا بترسید، تا مگر به رستگاری دست یابید﴾
- تلفیق اقتصاد اسلامی عاری از ربا، با مباحث تکوینی علمای دینی و تشریحی نخبگان و دانشگاهیان.
- هدایت سرمایه کشور به سوی تولید مبتنی بر نیاز جامعه.
- هوشمند کردن طرح های توجیهی اقتصادی تولیدی و خدماتی بانک ها و موسسات اقتصادی و تشکیل بانک اطلاعات با کد اقتصادی .
- آثار تخریبی مترتب بر ربا در کتب درسی، فیلم ها و خانواده ها با برنامه ریزی درسی.
- ﴿تَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾^۲
- آثار مترتب بر کسب روزی حلال در رفتارهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و مقایسه آن با درآمد از طریق ربا.
- ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾^۳
 ﴿حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است﴾
- اجرای قانون پولشویی در اقتصاد اسلامی و برنامه ریزی دقیق در باز توزیع اقتصادی.

۱. آل عمران / ۱۳۰

۲. بقره / ۲۷۵ ﴿آنکه به وسوسه و فریب شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در عمل زشت رباخوارانند﴾

۳. بقره / ۲۷۵

زن یک بخش از وجود بشر است که می تواند به نسبت مردان و حتی خیلی بیشتر از آنها بر جامعه بشری اثر گذار باشد به همین دلیل می توان زن را یکی از عوامل مؤثر بر تعیین سبک زندگی نیز خواند که بر سایر مفاهیم سبک زندگی همچون خانواده، ازدواج، نوع برخورد، نوع لباس و پوشش و... احاطه دارد. زنان، تجدد برخاسته از فکر ملت هایی که دارای نظام ارزشی متفاوت از نظام ارزشی اسلامی اند را می پذیرند حال سعی در هماهنگی نظام های ارزشی خود با روح تجدد می کنند که این موجب تغییر در نظامهای ارزشی آنها می شود. این شخص خوشبختی را در هر شرایطی می تواند برای خود ایجاد کند یا آن را با ارتباط به خدا و نزدیکی به خدا و آرامش با او و یا در خانه مجلل تر، مبلمان جدیدتر، ماشین شاسی بلند، چکمه های زمستانی و مانتوهای ناز؛ و تنگ تابستانی اش می یابد یعنی حقیقت وجود بشر را پنهان می کند و تنها به نیاز مادی می پردازد غافل از اینکه، شخصی که در شرایط حال حاضرش به خوشبختی دست نیافته با تغییر شرایط زندگی اش نیز به خوشبختی واقعی دست نخواهد یافت، تجدد کوچک تا بزرگ، رفتار و اعمالش را مورد احاطه خود قرار می دهد؛ بطور مثال دست دادن را که به نوعی احترام قائل شدن برای طرف مقابل است بدون در نظر گرفتن شرع در مقابل مردان نیز انجام می دهد. همین روالها که در زندگی اش جا افتاد؛ بر نوع تربیت فرزندش و همچنین همسر داری اش نیز تأثیر می گذارد در این حال غالب شدن تمدن وارداتی به تمدن اسلامی در زندگی زنان مسلمان را خواهیم دید.

خانواده مهم ترین نهاد تربیتی است که نقش تأثیر گذاری در شکل گیری شخصیت فرزندان دارد و رفتار و گفتار آنان به نوعی الگوی امروز فرزندان است؛ لذا قول و عمل والدین در زندگی باید به گونه ای باشد که بتواند فرزندان شایسته و فرهیخته پرورش داده و تحویل اجتماع دهد.

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا﴾^۱

«تو به خلق بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و

خدای شما بر آنکه راه هدایت یافته از همه کس آگاه تر است»

همسر خوب، ویژگی هایی دارد که در برخی روایات، از آن به عنوان «همسر موافق»^۲ «همسر صالح»^۳ و «همسری که پشتیبان انسان باشد»^۴ یاد شده است.

پس چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟

رعایت حقوق متقابل زن و شوهر و فرزندان می تواند به خوبی انجام گیرد و حق طلبی و حق گویی

۱. اسرا / ۸۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان نخبه استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳

۳. تحف العقول ص ۲۱۸

۴. الخصال ص ۲۸۴-مکارم الاخلاق ۱۹۹۰

۵. بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۳۶۴ و ج ۷۷ ص ۱۹۲

حاکم بر اخلاق آنها در جامعه انجام گردد. امروز چنانچه گذشت و فداکاری و ایثار در بین زن و مرد حاکم نباشد نمی توان انتظار داشت که زندگی با آرامش و آسایشی داشته باشند. در زندگی خانوادگی هر چند برای هر کدام از افراد خانواده ، شرع مقدس اسلام حقوقی را معین نموده است اجرای آن حقوق به تنهایی نمی تواند کارساز باشد. چرا که تفاهم در زندگی بهترین ابزار در کنار حقوق خانواده می باشد. یکی از مسائلی که می تواند مشکلات را به حداقل و قابل تحمل برساند شناخت از یکدیگر در خانواده و شناخت خانواده ها از هم می باشد. حرفی در بین عوام در این رابطه ها گفته می شود که خود یک کتاب است و می گویند ازدواج یک هندوانه در بسته است ولی باید گفت حرفشان درست است که به طور ظاهر باید این هندوانه سالم و بی عیب باشد ولی دقت فراوان در همین زمینه نمی شود که خود باعث بسیاری از مشکلات آینده است.

وقتی یک زن و شوهر کفو هم نیستند ، چه انتظاری است که بسیاری از ناملایمت هایی که در زندگی وجود دارد و می تواند باعث مشکلات شود را در ابتدا نادیده بگیرند. امروزه این بحث ، خود مسائل بسیاری را در پی داشته که در ابتدای زندگی هیچ کدام با آن مشکلات آشنا نبوده و انتظار آنها را هم نداشته اند. حقوق زن و مرد و فرزندان با حق طلبی و تفاهم و عدالت خواهی در بین خانواده که با فرهنگ و گذشت فداکاری و ایثار آشنا هستند می تواند به بهترین نحو اجرا گردد و حتماً زندگی با آسایش و راحتی ادامه می یابد و چنانچه عکس این موضوع باشد ، زندگی غیر قابل تحمل بوده و حتماً مشکلات جدی به وجود خواهد آمد.

امروزه در بسیاری از قوانین خانواده (ازدواج و طلاق) نیاز به بازسازی فراوان دارد که به واسطه وجود نظرات متعدد در جو عمومی کشور قابل اجرا نخواهد بود چرا که امری مشتبه در جامعه، خصوصاً زنان وجود دارد که بدون بررسی فقط بر اثر تبلیغ نادرست، ندانسته گفته می شود در ایران و اسلام حقوق زن پایمال شده و می شود و بر اثر همین موضوع و حق به جانبی باعث وجود تنش هایی در زندگی مشترک ؛ می گردد. نمی خواهیم عرض کنیم که حقوق زن و شوهر به خوبی در خانواده و جامعه با به میل انجام می گردد. در جامعه زنانی وجود دارد که مانند شمع می سوزند و آب می شوند ولی دم نمی زنند. حتی ظلم مضاعف هم به آنها می شود ولی زندگی را ادامه می دهند و به هیچ عنوان خانواده را ترک نمی کنند و هیچ مشکلی باعث متارکه شان نمی گردد. گاهی ذات اقدس اله می فرماید : مریم نمونه مردم خوب است ، یا آسیه نمونه مردم خوب است ولی هستند زنانی که با کمترین مشکل دست به اقدام زشت طلاق می زنند یقیناً گروه اول چه زنان و یا مردان مقاوم، برای زندگی مشترک ؛ و فرزند ارزش فراوان قائل هستند و سعی در تفاهم با یکدیگر دارند تا زندگی را ادامه دهند. ولی در بسیاری از مواقع این مردان اند که در زندگی مشترک ؛ و اختلافات قضایی حقوقشان پایمال می گردد. به عنوان مثال چنانچه زنی در هر لحظه از زندگی بخواهد جدا شود و با شوهر خود سر ناسازگاری بگیرد هیچ مشکلی در سر راه او نخواهد بود و به آسانی زندگی را ترک ؛ گفته و با هیچ ابزار قانونی

نمی توان آن را به زندگی خود برگرداند و همین دلیل نیز برای مردان چنین چیزی وجود ندارد اگر بخواهند یکباره تصمیم به جدایی گیرند با هزار و یک مشکل مادی و معنوی سر راهشان وجود آمده و بعضاً مجبورند که به اجبار همه مشکلات را تحمل کنند. و این موضوع غالباً برای زن و شوهر ممکن است به وجود بیاید.

باید دانست که زندگی و تشکیل آن نیاز به دو مرحله زمانی دارد یکی آن که اختیار تشکیل زندگی و پذیرش آن می بایستی با رضایت زوجه و با اراده و قبول او انجام بگیرد و خدای ناکرده قطع شدن یک زندگی مشترک ؛ (طلاق) با اراده و با اختیار و یا بدون اختیار رضایت مرد باعث اجرای طلاق می گردد و چنانچه در موضوع طلاق عدالت کامل رعایت نگردد آن موضوع ، عدم رعایت عدالت خود باعث بدبینی ها در مسائل حقوق زندگی مشترک ؛ در جامعه می گردد و زوجین چنانچه قصد متارکه داشته باشند حتماً پیرامون آینده و حال فرزندان به طور منطقی و اخلاقی قبل از هر گونه اقدام به توافق برسند چرا که فرزندان حاصل مشترک ؛ سالهای زندگی بین زن و شوهر می باشد و چنانچه در این باره با بی توجهی موضوع را رها کنیم خواهیم دید که ضرر آن و دود آن اول به چشم پدر و مادر رفته است و سپس جامعه .

در پایان شرع مقدس اسلام اولین حقوقی را که برای فرزندان قرار داده است انتخاب نام نیک و معنی دار برای فرزندان می باشد. و در همین رابطه ها می فرمایند تهیه لقمه حلال و نیازهای ضروری فرزندان به عهده پدر بوده و در تربیت آنها نیز پدر و مادر باید دقت فراوان داشته باشند و نمی توان گفت که کسانی که خود از تربیت سالم برخوردار نیستند می توانند دیگران را به خوبی تربیت کنند.

در قرآن می خوانیم که مادر مریم گفت :

﴿ این فرزند و نسل او را از شر شیطان در پناه تو قرار می دهم ﴾^۱

و در این مورد بدانیم رعایت حقوق خانواده بدون گذشت و انصاف آنچنان مورد پذیرش قرار نمی گیرد. پس چند موضوع مهم در رابطه با یک زندگی موفق بدون رعایت حقوق متقابل خانواده ، انصاف و گذشت و فداکاری و محبت به یکدیگر و احترام متقابل امکان پذیر نیست.

راهکار:

- اهمیت ازدواج و تأثیر آن در تشکیل نظام حیات خانواده و ایجاد امنیت روحی و روانی در تکثیر نسل در محیط خانواده با انتخاب آگاهانه و مشاوره های قبل ازدواج.
- ایجاد بستر لازم برای ازدواج اسان و داشتن هدف غایی و نظام مند برای تربیت نسل و تجلی محبت و معرفت و عشق به خانواده.
- توقعات و انتظارات زوجین نسبت به هم بر اساس حقایق و واقعیت های موجود و تحمیلی نبودن خواسته های یکدیگر.

۱. آل عمران ۳۶/ ﴿ وَ إِنِّي أَعِذُّهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

- معرفت داشتن نسبت به حقوق متقابل زن و شوهر . آگاهی از مسئولیت پذیری و تعهد نسبت به تربیت فرزندان ، احترام متقابل ، عشق ورزیدن به خانواده ، تجلی اعتماد به نفس ، عزت نفس و کرامت انسانی در تعامل زوجین و رفتار آنها با فرزندان.
- شناخت حقوق معنوی و انسانی و کرامت انسانی و عملیاتی و اجرائی نمودن آن در رفتارهای فی مابین و با فرزندان .
- شناخت وظایف و حقوق مرد از سوی همسر و بالعکس و نیز حقوق فرزند نسبت به والدین .
- احیاء ترویج سبک زندگی اسلامی و سیره ائمه معصومین (ع) برای خانواده ها.
- ترویج سبک زندگی اسلامی با زبان هنر و متون کتب درسی و برنامه ریزی لازم برای معرفت و بصیرت بخشی جوانان با توجه به نیازهای جنسیت . (در کتب درسی مدارس و دانشگاه).
- بازنگری و بازخوانی تاریخی از نفوذ فرهنگ غرب و تقلید کورکورانه از آن بدون توجه به زیرساخت های فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی ایران اسلامی و تبیین اهداف مترتب بر آن. (تغییر ذائقه بر اساس چه مبانی نظری و راهبردهایی بوده است؟)
- تقویت نظام مشاوره قبل از ازدواج و حداقل تشکیل یک کارگاه آموزشی ازدواج و حقوق متقابل زن شوهر و شیوه های تربیت فرزند.

۲۲ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و هم عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟

تفاوت نگاه و نگرش به زنان در غرب با اسلام؛ نگاه غرب به زن، یک نگاه ابزاری است اما نگاه اسلام یک نگاه کرامت انسانی است و زن ذاتاً دارای قداست و هویت ارزشمند انسانی است و در برابر قانون از حقوق همسنگ مردان برخوردارند و عنوان دختر و مادر هویت بخشی زنان و نقش تربیتی و جایگاه اجتماعی آنان بسیار بالاست. چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟

راهکارها:

- رعایت عفاف و حجاب فی مابین .
- رسول خدا ﷺ فرمودند: «بستر کودکان خود را از ۶ سالگی (طفولیت) جدا کنید»^۱
- حقوق زن در نظام حیات خانواده.
- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:
- «حق زن به همسر خود این است که شکمش را سیر کند، او را بپوشاند، از نادانی‌اش بگذرد و چهره خود را بر او زشت نکند.»^۲
- حق زنان در شیر دادن فرزندان.^۳
- حقوق متقابل زن و شوهر در نظام حیات خانواده و اجتماع .
- سبک زندگی پیامبران و ائمه (علیهم السلام) با زنان .
- رسول اسلام ﷺ فرمودند:
- «بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من در مورد خانواده ام، بهترین شما هستم»^۴
- کرامت و جایگاه زن در اسلام.
- «إِنَّا أَعْطَيْنَا الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ»^۵
- «همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم پس به شکرانه آن برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن.»^۶

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳

۲. جامع الاحادیث شیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۳

۳. جامع الاحادیث الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۵۱

۴. بقره ۲۳۳

۵. مکارم الاخلاق ، ص ۲۱۶

۶. کوثر / ۱-۲

- نقش زن در نظام تعلیم و تربیت به ویژه تربیت فرزند.
﴿الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَأَلْمَرَأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ﴾^۱
 «مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می شود و زن، سرپرست خانه شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می شود.»
- حقوق متقابل فرزندان بر پدر و مادر و بالعکس.
﴿تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۲
 «به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها به نرمی سخن بگو»
 و مولی علی (علیه السلام) می فرمایند :
 «و اما حق فرزند بر تو سه چیز است: ۱- برای او نام نیک انتخاب کند. ۲- خوب تربیتش کند. ۳- و قرآن تعلیم دهد»^۳
- تأمین امنیت روحی و روانی محیط خانواده با تعامل سرشار از تکریم خانواده.
 - حقوق زن در ارث. چون نفقه زن و خانواده با مرد می باشد و زن مالک درآمد و ارثیه خود می باشد لذا سهم زن نصف سهم مرد است.
﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ﴾^۴
 «خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می کند سهم پسر چون سهم دو دختر است»
 - حقوق زن در مهریه که هر زمانی درخواست نمود باید شوهر آن را بپردازد.
 امام صادق (ع) به نقل از رسول فرمودند :
 «مهریه دینی است بر عهده ی شوهر»^۵
- اشتغال زنان در جامعه اسلامی و سهمیم بودن زنان به مانند مردان در مدیریت و اداره جامعه بویژه بعضی از مشاغل متناسب با وضعیت جسمی و روحی و عاطفی زنان .
 - امانتداری و صداقت بین زوجین.
 - زن به عنوان شریک زندگی مرد.
﴿الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ﴾^۶
 «زن شایسته یکی از دو عامل پیشرفت خانواده است»

۱. تهذیب ، ج ۷ ، ص ۱۱۷

۲. اسراء / ۲۳

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹

۴. نساء ، ۱۱/

۵. جامع الاحادیث ، ج ۲۱، ص ۲۲۵

۶. آمالی طوسی ، ص ۶۱۴، مستدر ؛ الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۴، ص ۱۷۱-بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۳۸

- وفای به عهد زوجین در قبول تعهدات قبل از ازدواج .
- جهاد برای زن و مرد. توجه به شرکت زنان در جهاد در صدر اسلام در پشتیبانی و امدادگری و هم در طلب علم و دانش و اجتهاد.
- مولا علی علیه السلام فرمودند :
- « جهاد زن خوب شوهر داری کردن است »^۱
- حفظ اسرار و رعایت حریم قداست خانواده .
- « زنان جامعه عفاف شما و شما (مردان) نیز جامعه ی عفت آنهاست »^۲
- جایگاه مدیریت و تصمیم گیری زن در خانواده و شغل.
- حق زن در رفع نیازهای ضروری و معقول مخارج زندگی از شوهر (تناسب توقعات با درآمد شوهر)
- حق طلاق و اقسام آن .

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ»^۳

- حق زن و مرد در حضانت فرزندان ، بنا به تشخیص قاضی و برابر ضوابط اسلامی و قانونی و توجه به ایفای نقش هر دو در حضانت از فرزندان در زندگی مشترک ؛ و درکانون خانواده .
- « لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ أَجْمَعًا »^۴
- « مؤمن همواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره مند می سازد تا همه آنان را وارد بهشت کند »
- وظایف اجتماعی زنان و رضایت اولیه همسر . (برای زن روا نیست که شوهرش را به چیزی که برای او مقدور نیست وا دارد.)
- استقلال مالی در سهم ارثیه، مهریه و درآمد شغلی.
- تقویت انس و احترام در تعاملات خانوادگی و اجتماعی.
- وظایف اجتماعی زنان و مردان .

«إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ :

مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَسَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَغَيْرَةً بِتَخَصُّنٍ»^۵

« مرد در خانه و نسبت به خانواده اش نیازمند رعایت سه صفت است هر چند در طبیعت او نباشد:

خوشرفتاری شاده دستی به اندازه و غیرتی همراه با خویشتن داری. »

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۴۳

۲. « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ » بقره، آیه ۱۸۷

۳ بقره / ۲۲۹

۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۲، ص ۲۰۱، ح ۱۳۸۸۱

۵. تحف العقول ، ص ۳۲۲

- عدم نگرش ابزاری به شخصیت زنان.
- نگاه تکامل در هویت و شخصیت متقابل زن و مردم .
- شغل هایی که برای زنان محدودیت دارد و چرایی آن.
- شغل هایی که برای مردان محدودیت دارد مگر در هنگام ضرورت و چرایی آن.

بی شک در هر حکومتی نیروی جوان و کارآمد و برخورداری از نیروی انسانی کافی و مناسب، از بزرگترین نقاط قوتی است که دولت‌ها بایستی از یک سو در جهت تأمین آن و از سوی دیگر در برآوردن نیازهای آنها تلاش کنند. میزان جمعیت، بایدها و نبایدهای آن و لزوم یا عدم لزوم کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از سوی حکومت و خانواده‌ها را می‌توان از ابعاد گوناگون فرهنگی، مذهبی، عقیدتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار داد.

یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش می‌دهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. ۱

امام صادق (علیه السلام) نداشتن فرزند را یکی از عوامل تنیدگی و نارضایتی از زندگی می‌داند. ۲

راهکارها:

- تولید نسل و تربیت آن در خانواده.

﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ﴾^۳

﴿زنان شما کشتزار شما هستند. (باعث زاد و ولد و تولید نسل)﴾

- محدودیت زاد و ولد از دیدگاه اسلام و روایات

﴿.... وَلَا يَزْنُونَ﴾^۴

﴿بندگان خداوند زنا نمی‌کنند﴾

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَقْرَبِهِمْ حَافِظُونَ﴾^۵

﴿و کسانی که عفت خود را حفظ می‌کنند﴾

- تکثیر نسل در عرصه زندگی .

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

﴿ نسل خود را زیاد کنید که من به زیادی نسل شما در قیامت افتخار می‌کنم.﴾^۶

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

۲. الخصال ج ۱ ص ۲۸۴ و الفردوس ج ۱ - فتح الباری ج ۹ ص ۲۸۰

۳. بقره / ۲۲۳

۴. فرقان / ۶۸

۵. مومنون / ۵

۶. کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰

- حقوق فرزند را به نحو مطلوب رعایت کردن.

امام علی علیه السلام می فرمایند :

﴿حق فرزند بر تو این است که نام نیکویش نهی ، او را خوب تربیت کنی و در جایگاهی نیکو قرارش دهی﴾^۱

- عدم رعایت حرمت و موازین شرعی از سوی خانواده ها در مورد جنسیت فرزند.

﴿يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلْأَسَاءُ مَا يَحْكُمُونَ﴾^۲

﴿از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از قبيله [خود] روی می پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خا ؛ پنهانش کند و چه بد داوری می کنند.﴾

- رضایت زوجین در زاد و ولد.

- ترویج فرهنگ زایمان بدون سزارین .

- حرمت شرعی کورتاژ .

- رعایت فاصله زاد و ولد فرزندان .

- رعایت حقوق زنان در زاد و ولد.

- عدم محدودیت زاد و ولد.(خانواده هایی که موانع شرعی و سلامتی وجود ندارد).

- در نظر گرفتن حداقل توانمندی از نظر جسمی، شغلی و سلامت روحی در تربیت فرزند.

- در نظر گرفتن رحمت و نعمت الهی بدون توجه به جنسیت .

- رعایت توازن جمعیت در جامعه.

- حمایت دولت از خانواده های چند فرزندی.

- فرهنگ سازی خانواده در زاد و ولد و ترکیب گروه سنی جمعیت جامعه.

- بیمه تأمین اجتماعی برای خانواده های بدون تحت پوشش بیمه.

- هدفمندی یارانه ها در زاد و ولد برای خانواده ها.

- کمک های لازم برای مادران در دوره شیرخوارگی و تأمین تغذیه مناسب برای مادران و فرزندان.

- در نظر گرفتن مسکن مناسب و فضاهای تفریحی ، آموزشی ، تربیتی برای اطفال و کودکان.

- تأمین امنیت روانی برای خانواده ها جهت تحصیل ، مسکن ، ازدواج و اشتغال.

- تغییر نگرش جوانان برای ازدواج آسان و داشتن فرزند در سال های اولیه زندگی.

- ایجاد تسهیلات و تأمین تغذیه کودکان ، بهداشت کودکان و پزشک خانواده.

۱. تهذیب ، ج ۷ ، ص ۱۱۷

۲. نحل / ۵۹

- معافیت از مالیات و عوارض برای خانواده های دارای دو فرزند به بالا.
 - فرا هم نمودن زمینه تسهیلات و مراقبت مستمر در دوران بارداری .
 - مشاوره لازم در زمینه زاد و ولد در ابتدای ازدواج و طول دوران تشکیل کانون خانواده جهت فرهنگ سازی.
 - ترویج و تشویق افراد به ازدواج مشروع و پرهیز جدی از بیماری غربی (خانه های مجردی).
- بیماری غربی یا همان شیوع و ترویج خانه های مجردی ، زمینه فساد، از هم پاشیدگی نظام حیات خانواده ، افول جایگاه زن در اسلام و بر هم زدن توازن جمعیت را بدنبال داشته و این کار خلاف شرع و قانون زمینه اختلاف ، قتل و کورتاژ و نهایتاً اگر صاحب فرزند شوند آینده این فرزندان نامشروع تاریک و کسی اطمینان ندارد که این فرزند اوست در نتیجه حضانت و سرپرستی را به عهده نمی گیرند و مهر مادری هم طعمه نیازهای نامشروع می شود.

۲۴. تجمل گرایی و حد آن چیست؟ چرا مصرف گرایی برای برخی افتخار شده است؟

مال پرستی، یکی از جلوه‌های برجسته دنیاپرستی است و **تجمل گرایی** نماد بارز مال دوستی است. دنیا زدگی سرآغاز همه زشتی‌هاست. وقتی مال دوستی به اوج رسید و به مال پرستی گرایید، عامل بسیاری از لغزش‌ها می‌شود و انسان‌ها را از راه کمال باز می‌دارد. نگاهی به مخالفان انبیاء ما را به این باور می‌رساند که آنان با به رخ کشیدن ثروت، خود و هوادارانشان را برتر می‌شمردند غافل از این که تنها ملا ؛ برتری در اسلام، تقوا، ساده زیستی و همانا روش و منش پارسایان است؛ همان راهی که امامان معصوم (علیهم‌السلام) در صحیفه تاریخ اسلام ترسیم کردند. آنان در برابر وسوسه‌های دنیوی، مردانه ایستادند و هیچ‌گاه تسلیم زر، زور و تزویر نشدند. و اهل بیت (علیهم‌السلام) در همه زمینه ها ، زندگی راحت و معتدل و بی تکلف را برای پیروان خود توصیه کرده اند.

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾

«آن خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که نمی‌خواهند در زمین برتری جویی و تبه‌کاری کنند»

آنان با این که می‌توانستند هم‌چون دیگران از مواهب دنیا بهره‌مند شوند، ولی چون در جایگاه رهبری و امامت بودند، حتی از ضروریات زندگی نیز گذشتند تا سرمشقی باشند برای آیندگان. متأسفانه در طول تاریخ کسانی که باید چشم بیدار اسلام و پاسدار ارزش‌های اخلاقی باشند و سیره معصومین (علیهم‌السلام) را در پیش گیرند، بی‌صبرانه به ثروت اندوزی و تجمل‌گرایی روی آوردند و راه را از بیراهه باز نشناختند تا بدان جا که به تدریج، مال دوستی به دنیا گرایی و دنیا گرایی به شهوت رانی و سودجویی و در نهایت، سست شدن ارزش‌ها انجامیده است. از این رو، اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره خطر وابستگی و دل‌بستگی به مادیات را گوش‌زد کرده و راه کارهای خروج از این تعلق را نیز برشمرده‌اند.

﴿وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ،

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْجَنِّثِ الْعَظِيمِ﴾^۲

دست چپی‌ها در روز قیامت چقدر شومند. رسوایی و نامۀ عملشان به دست چپشان و بالآخره در صف کفار و منافقین و فجار هستند. به واسطۀ تجمل گرایی‌ها در دنیا که منجر به گناهان بزرگ شده است، زیرسایه ای از دود سیاه جهنم، به سر می‌برند قرآن شریف، راجع به آن ملتّی که تجمل گرا باشد، می‌فرماید: وقتی که تجمل گرایی در میان مردم زیاد شد، استحقاق عقوبت پیدا می‌کنند و بالآخره نابود می‌شوند.

۱. سوره قصص / ۸۲

۲. واقعه / ۴۱

در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا﴾^۱

لازمه تجمل گرایی گناهانی نظیر تجاوز به حق الناس است. زیرا انسان تجمل گرا، به حق خود قانع نیست و سعی می کند از هر راهی که می تواند، زندگی تجملی را ادامه دهد. مجالس تشریفاتی و توأم با گناهان بزرگ، اختلاط بین زن و مرد، بدحجابی، بی حجابی و فساد اخلاقی، ناشی از تجمل گرایی است. ملت تجمل گرا مستحق عذاب شود و این ملت نابود است. ملتی که نگرانی، افسردگی و ضعف عصب داشته باشد و نیز ملتی که مبتلا به گناه است، نابود شده است. قرآن کریم، زندگی مؤمن را ساده و به دور از اسراف می داند. می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا لَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۲

﴿و کسانی اند که چون انفاق و هزینه کنند نه زیاده روی می کنند و نه خست می ورزند،

و میان این دو به راه اعتدال هستند.﴾

راهکارها:

- تناسب انتخاب با نیاز در عرصه زندگی.
 - پرهیز جدی از چشم و هم چشمی و نگاه سطحی.
 - سطحی نگری تجمل گرایان از اهداف مترتب بر زندگی.
 - سیری ناپذیری انسان با نگرش تجمل گرایی.
- ﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾^۳
- ﴿[قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می شد﴾
- اسراف و تبذیر در تجمل گرایی رخ می نماید.
- ﴿وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ﴾^۴
- ﴿و ما آنقدر گنج به او دادیم که بر دوش بردن کلید آن گنجها صاحبان نیرو را خسته می کرد.﴾
- چه حدی از مصرف گرایی مذموم است.
- ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾^۵

۱. اسراء/ ۱۶ آنگاه که ما اراده کنیم مجتمعی را هلا ؛ سازیم خوش گذرانان آنها را امر می کنیم پس وقتی آنها در آن جمع فاسق گشتند پس بر آنها عذاب ثابت شد پس آنها را در هم کوبیدیم.

۲. فرقان / ۶۷.

۳. قصص / ۷۹.

۴. قصص / ۷۶.

۵. اعراف / ۳۱.

- توقع تحسین و تشویق داشتن از مخاطبین و مراجعین خود .

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةُ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ﴾^۱

﴿ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی بین شماست ﴾

- انواع تجمل گرایی و آفات مترتب بر آن.

- برگزاری و توسعه ی فرهنگ تشریفات بی منطق.

- تجمل گرایی زمینه انحراف از کسب روزی حلال می شود.

- آفات نگرش تجمل گرایی در خانواده ها به ویژه بنیان نظام حیات خانواده را متزلزل می کند.

﴿ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴾^۲

﴿ جز این نیست که اموال و فرزندان (به سبب آن که زینت دنیایند و شما را به خود مشغول می دارند)

وسيله آزمایش (شما) هستند ، و خداست که در نزد او پاداشی بزرگ است. ﴾

- گرانی وهمی در تجمل گرایی.

- تفاوت زیبایی دوستی با تجمل گرایی.

﴿ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ﴾^۳

﴿ بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام

گردانیده است ﴾

- مصادیق تجمل گرایی در فرهنگ غرب و لذت جویی مترتب بر آن (ترویج فرهنگ مصرف گرایی).

- تجمل گرایی ریشه در فرهنگ تفرعن و برده داری دارد.

﴿ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴾^۴

﴿ و فرعون و قومش را با آن همه صنایع و عمارات و کاخ نابود و هلا ؛ نمودیم ﴾

- تجمل گرایی و تقویت روحیه ی اشرافی گری .

﴿ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ

مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴾^۵

﴿ آنگاه قارون (روزی با زیور و تجمل بسیار بر قومش درآمد مردم دنیا طلب گفتندای کاش همان قدر

که به قارون از مال دنیا دادند به ما هم عطا می شد که وی بهره ی بزرگ و حظ وافری را داراست. ﴾

- سلب اعتماد مردم و دشمن سازی در نگرش تجمل گرایی .

۱. حدید / ۲۰

۲. تغابن/ ۱۵

۳. قصص ، ۷۸

۴. اعراف / ۱۳۷

۵. قصص/ ۷۹

- تعریف مرز و خطوط قرمز تجمل گرایی.
 - تفاوت نیاز و کاربرد با هدف تجمل گرایی.
 - رسول اکرم ﷺ فرمودند :
- «خوشا به حال کسی که مسلمان باشد و زندگی اش به اندازه نیازش باشد»^۱
- آسیب شناسی فرهنگ تجمل گرایی مفرط .
- «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي»^۲
- «قارون گفت من اینها را در نتیجه دانش خودم بدست آورده ام»
- تجمل گرایی در تقویت کدام فرهنگ و تولید استفاده می شود که در فرهنگ مادیگری با تفکر لذت جوئی مطرح می شود و تولید این خواسته ها برای مصرف کالاهای لوکس و تجملی است.
- نتیجه تجمل گرایی مانند سرنوشت قارون است که خداوند می فرماید :
- «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ»
- « آنگاه قارون را با خانه اش در زمین فرو بردیم و او در برابر خدا هیچ گروهی نداشت که یاری اش کنند و خود نیز نمی توانست از خود دفاع کند. »^۳

۱. مسندر ؛ الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۲۴۳

۲. ۷۸ / قصص

۳. قصص/ ۸۱

جامعه ما در حال حاضر دو ویژگی بارز دارد: یکی اینکه جامعه ای جوان است و دوم آنکه در حال گذر از زندگی سنتی به زندگی مدرن است. این دو ویژگی اقتضای دارد که یکی از آنها مسأله ای است به نام بالا رفتن سن ازدواج در جامعه و نیز گسترش میل به فردیت و زندگی شخصی و بی همسر. به فرمایش مقام معظم رهبری چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟

مسأله بالا رفتن سن ازدواج و تمایل به زندگی مجردی، که دو روی یک سکه اند، هر چند دامن گیر پسران و دختران هر دو است؛ اما از آنجا که پسر به لحاظ فیزیولوژیک و نیز فرهنگی هر چقدر سنش بالا برود مشکلی برای ازدواج ندارد؛ اما برای دختران با توجه به ترشحات هورمونی سن بالا برای ازدواج مشکلاتی را پدید می آورد.

راهکارها:

- وجود شرایط احراز برای خانه های مجردی.
 - مشارکت مردمی در نظارت رفت و آمدهای مشکو.
 - عدم رعایت حریم همسایگان.
- مولا علی علیه السلام فرمودند:
- ﴿مجاورت بد، و بدی کردن به نیکان، از بزرگترین انگیزه های نکوهش است﴾^۱
- تأخیر در ازدواج.
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ﴿بیشتر اهل دوزخ، افراد مجردند﴾^۲
 - انتقال آسان دانشجویان و کارمندان بومی به محل زندگی.
 - توجه به اشتغال بومی.
 - ضابطه مند نمودن خانه های ملکی و اجاره ای برای سکونت.
 - قانونمند نمودن بنگاه های مسکن در شیوه اجاره یا فروش به مجردها.
 - ترویج و توسعه خانه های اجاره ای برای گروه های مجرد با نظارت هدفمند.
 - پایش و نظارت بر خانه باغ ها، محله ها و تقویت فرهنگ محله در ایجاد نظم و انضباط اجتماعی.
 - تقویت فرهنگ مشاوره در ازدواج و تسهیل در ازدواج آسان.
 - آثار مترتب بر آسیب زایی خانه های مجردی.

۱. غررالحکم، ص ۴۳۷

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷

فصل پنجم



مهندسی و مدیریت

در سبک زندگی

ایرانی - اسلامی

سؤال اینجاست ، آیا می شود «سبک زندگی» را بدون تعریف اصل زندگی تعریف کرد؟ قبل از پرداختن به این بحث خوب است بدانیم، باید هدف مشخص باشد، هدف از زندگی چیست؟ و بعد می توانیم آن سبک زندگی را باتوجه به هدف آن ارزیابی کنیم. ولی بعضی ها فکر می کنند که این حرف ها ساده و پیش پا افتاده است. بطور مبنایی دو تعریف از زندگی وجود دارد :

تعریف زیست شناختی آن ، همان رشد و نمو مادی بدن ، اینکه می گویند جسم زنده است و یا مرده ، هرکس که روی دو پا یا چهار پا راه برود را زنده می گویند و این را دلیل زنده بودن افراد می گیرند و به عبارتی زندگی یعنی حرکت عضلات و تنفس و... مهم نیست که گیاه باشد و یا...

تعریف انبیا این است که این بدن بستری است برای زنده بودن و قرآن می گوید مردگان و زندگان برابر نیستند. چرا می گوید زندگان و مردگان یکسان نیستند؟ این را که همه می دانند ، تعبیر قرآن تعبیر دقیقی است این زندگی به معنای ظاهر آن نیست ، با این تعبیر بسیاری از جوامع مرده هستند ، این جوامع بشری مرده های متحر ؛ هستند ، یک خانواده در یک خانه دفن هستند فقط صبحانه می خورند و... در اینجا قرآن می خواهد بگوید بسیاری از افراد مرده و بسیاری از جوامع مرده هستند در سوره نمل خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید : ﴿تو نمی توانی به مردگان بشنوانی و حرف حق را اگرچه منطقی باشد نمی شنوند و اینها دچار مرگ انسانی شده اند﴾ مثلاً ده بار قول می دهند و رو در رویتان خلاف آن عمل می کنند و دروغ می گویند و... خداوند در این آیه می فرماید هرکس جلوی تو بود، نمی فهمد. در بعضی افراد تأثیر دارد و در بعضی تأثیر ندارد مثلاً حدیث معروف متقین حضرت امیر علیه السلام که به « همام » در مورد ویژگی های متقین گفته است اینجا چون قلب « همام » آن حرف ها را در ؛ می کرد آنچنان تأثیری می گذارد که بعد از آن می میرد. « همام » پیش خود گفت : « نمی شود که این سخنان درست باشد و زندگی ما هم درست باشد».

اگر زندگی ما هم به این صورت عادی باشد از زندگی حیوانی وارد زندگی انسانی نمی شویم. اینها با اعمال صالح درست می شود. وقتی به دنیا می آییم حیوان بالفعل هستیم و انسان بالقوه. موشها هم مثل ما انسانها هستند زندگی کاملاً مادی دارند قرآن می فرماید : ﴿بسیاری از مردم با چشم بسته به دنیا می آیند و با چشم بسته هم می میرند﴾.

چیزهایی واقعی هم هستند که وجود خارجی داشته باشند؛ اینکه می گوییم سخاوت خوب است اشتباه است چون وجود خارجی ندارد مثل این صندلی و... اصل اندیشه آنها براساس سود و منفعت ها است اگر سود و منفعت داشت که خوب است درست مثل رفتار آن موش ها، چیزهایی که مارا جذب می کنند خوب است تفاوت بخل و حرص و... مانند تفاوت علایق در مورد غذاها و رنگ ها است و اختلاف در معنای این مفاهیم

اخلاقی در حد عقیده است و این به دلیل تفاوت جسم ها است. نمی شود انسان گرسنه باشد و غذا نخورد ، نمی شود انسان حب دنیا داشته باشد و تن به مردن دهد این کارها انفاق و ایثار و... حماقت است.

کارهایی که به سوی خیر دیگران است ، معنی ندارد ، مگر اینکه بیش از سودی که به طرف می رسد به ما برسد از نظر قدرت و یا تقابل ، وقتی دو نفر یک چیز را می خواهند و هیچ کدام منصرف نمی شود آن دو دشمن هم می شوند و راه حل را در آن می دانند که قبل از دشمنی یک طرف پیش دستی کند مثل حمله آمریکا به عراق. از این سبک تفکر، سبک زندگی از غرب بیرون می آید. آنها می گویند چکار کنیم که از کارهایمان بیشتر لذت ببریم، البته در اسلام هم ، لذت حلال وجود دارد ؛ اما می گویند باید در هر چیزی ببینیم کدام لذت بیشتری دارد، وقتی با بچه آوردن لذت می بریم پس خوب است؛ وقتی همان بچه آورن زحمت دارد پس خوب نیست . پس در تمام زمینه ها سؤال این است که چقدر لذت می بریم و این ، از جهان بینی لذت جویی و کام جویی نشأت می گیرد.

اما دیدگاه انبیا و ائمه چیز دیگری است. این دیدگاه می گوید ما عابریم و زندگی گذراست و باید به دنیا به مثابه مسافرخانه برخورد کنیم و برای همه برنامه ریزی داشته باشیم و هدف جای دیگری است. از این مسافرخانه هم باید لذت برد ؛ ولی تا حدودی که به کمال مان لطمه نزنند. در منطق انبیاء ، دنیا نه شکنجه گاه است نه اسطبل؛ نباید خوارجی برخورد کرد و زندگی را برخورد سخت کرد. به آن تفکر مادی زندگی اسطبل شیک می گویند و در مقابل به زندگی صوفیانه شکنجه گاه.

یک جریان فقط به ماوراءالطبیعه نگاه دارد و به زندگی دنیا توجه ندارد. این گرایشها انسانیت را در تعارض با خدا می دانند، اما اسلام می گوید انسان و خدا در تقابل نیستند و نمی شود خدا را عبادت کرد بدون انسان و بالعکس. پیامبر ﷺ می فرماید این نمازها و روزه ها که با بی توجهی به دیگر انسانهاست بالا نمی رود، نمی شود با ضایع کردن حقوق دیگر افراد ، به خدا نزدیک شد.

یک نگاه بی توجهی به آخرت است و می گویند دنیا نقد است و آخرت کشک و بازی است. نگاه دیگر تضاد درون و بیرون است ، مثل عرفان هندی (درون)، عرفان غربی (بیرون) اما در عرفان اسلامی هر دو (درون و بیرون) وجود دارد. و باز هم ، نگاه دیگر، تضاد فرد و جامعه است که به اسم جامعه به حقوق فرد بی توجهی می شود ؛ و یا بی توجهی به حقوق اجتماعی برای حق فرد. نگاه دیگر ، تضاد کرامت انسانی در مقابل خداست. نگاه های دیگر تضاد وحی و عقل، تضاد مطلق بودن و نسبیت، تضاد نوگرایی و محافظه گرایی است به این گونه که هر کهنه ای را سنت و هر نو را بدعت می گویند.

در اصول اخلاق، زمان تأثیری ندارد، احترام گذاشتن همیشه ثابت است، نماز همیشه ثابت است و نمی شود گفت چون الان زمان تغییر کرده بیاییم نماز را بیشتر بخوانیم یا دو رکعت را چهار رکعت بخوانیم. چرا کمدمی ۵۰۰ سال قبل را که می خوانیم، می خندیم پس یک چیزهایی همیشه ثابت است، حرص، بخل و ... یک

زمانی بد بوده اما الان باید فرق کند. اما راهکار ، خواندن احادیث عملی اهل بیت (علیهم السلام) است. برای مثال مشخصات زندگی اسلامی شیعی این طور است.

اساس زندگی اسلامی زندگی متعادل است همان امت وسط یعنی نه افراط و نه تفریط ، نسبت به همه چیز از جمله تکنولوژی. نوع ارتباط مردم با هم و هم زیستی آنان، طوری است که همه با هم عضو یک خانواده اند. در بازار اسلامی کم فروشی نکنند، دروغ نگویند، و چانه نزند. همه باهم در دوره های سختی برادر و خواهر باشند. باید در برابر قانون زندگی مساوات داشت.

پایبندی به تعهدات و قولهای اجتماعی امری ضروری است. حضرت امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند:

﴿ وقتی به یک نفر قول می دهم چه فردی و اجتماعی من شب تا صبح آرام ندارم که مبدا به آن عمل

نکنم و آن شب برای من سخت تر است (نسبت به کسی که به او متعهد شدم) و حرص می ورزم به

انجام آن و نگران از ترس اینکه خلف وعده کنم و کاری پیش بیاید که نتوانم آن را انجام بدهم﴾^۱

باید دانست که دین اسلام دینی است بر پایه عقل و تفکر که گرچه به عبادات بدنی مانند نماز و روزه و غیره دستور می دهد؛ اما بخش اعظم ایمان را در تعقل و تفکر جستجو می کند. چنانکه وجود آیات متعدد قرآن کریم در باب تفکر و تأمل و تدبیر گواه این مدعاست.

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴾^۱

﴿ آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند. ﴾

جایی دیگر می فرماید:

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴾^۲

﴿ آیا آنها در قرآن تدبیر نمی کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟! ﴾

در واقع دین اسلام با این اهمیتی که برای تفکر و تأمل و اندیشیدن قائل شده است می خواهد جایگاه ویژه آن را در گرایش بیشتر انسان به پرستش پروردگار یادآور شود، چه اینکه، اساس هر عملی چه نیک و چه بد تفکر است. به عبارت دیگر اندیشیدن، درست انسان را به سمت با خدا بودن سوق می دهد و نیندیشیدن و افکار بد او را به طرف شیطان می کشاند. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

﴿ تفکر آدمی را به نیکویی و عمل به آن می خواند ﴾^۳

اما آنچه که به نام تفکر یا تأمل و یا اندیشیدن در قرآن و احادیث و متون اسلامی آمده واقعاً چه نوع تفکری است؟ و آیا هر نوع تفکری را عبادت می گویند؟

در پاسخ باید گفت؛ آنچه که در قرآن و احادیث به نام تفکر معروف است سوای آن فکرکردنی است که روزانه قسمت اعظم ساعات ما را به خود اختصاص می دهد. به عبارت دیگر تعقل و تأمل قرآنی با « گپ زدن های فرسوده ذهنی » کاملاً متفاوت است. برای توضیح بیشتر برآورد محققان را متذکر می شویم که « ذهن ما هر روز در مدت بیداری حدود شصت هزار فکر را برآیند می کند به بیانی دیگر روزی شصت هزار بار، چیزی به نام فکر جدید به هشیاری ما وارد شده و پس از خروج، فکر دیگری جای آن را می گیرد. نکته قابل توجه تعداد غیر متعارف افکار نیست بلکه این حقیقت است که همان شصت هزار اندیشه ای که دیروز و روزهای پیش از آن، در ذهن ما فرآیند می شد امروز نیز از ذهنمان می گذرد. درحقیقت دنیای درونی ما همانند کندویی که مملو از زنبور است، از اندیشه های یکسان که مداوم تکرار می شوند لبریز است. ۴.

۱. نساء / ۸۲

۲. محمد / ۲۴

۳. معراج السعاده، ملا احمد نراقی

۴. وجود متعالی انسان، وین دایر، ترجمه از محمد رضا آل یاسین، ناشر: هامون، صفحه ۲۲۷

به همین دلیل است که نام این گونه افکار را «گپ زدن های فرسوده ذهنی» نامیده اند زیرا خاصیتی جز فرسایش ذهن و خسته کردن آن ندارند. فکر کردن بیهوده درباره گذشته یا فکر کردن درباره ی آینده و رؤیا پردازی ها از این دست افکارند.

اما نوع دیگری از تفکر که مورد تأکید اسلام و قرآن است همانا اندیشیدن درباره آنچه است که انسان را به خدا نزدیکتر می کند و آن اندیشه درباره ی مخلوقات خداوند اعم از آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست و منظورات تفکر در روایات، تفکری است که بر معرفت انسان بیافزاید و موجب ارتقاء و تعالی روحی و معنوی او گردد نه تفکر درباره امور بیهوده و بی ثمر. بله، تفکری که معرفت را فزونی بخشد، اگر چه اندکی باشد ثمره اش بیش از ۷۰ سال عبادت بدون تفکر است. زمینه های تفکر را بایستی از قرآن آموخت، مثلاً: تفکر در آفرینش، تفکر در معاد، تفکر در عظمت پروردگار، تفکر در آیات قرآن و... قرآن در این باره می فرماید:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضَرِّيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۱

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادهای و انواع جنبندگان ابرهایی که میان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پا ؛ خدا و یگانگی زمین و آسمان او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند!

آری اندیشیدن درباره خلق آسمانها و زمین و چگونگی خلقت انسان به ما یادآوری می کند که این نظام حتماً خالقی دارد که باید عبادت شود و به یگانگی ستایش گردد و این نوع تفکر است که امام صادق (علیه السلام) درباره آن می فرماید:

﴿فكر آئینه حسنات است و كفاره سيئات و روشنی دلها و وسعت خلق به وسیله آن می رسد آدمی به آنچه صلاح امر معاد است، و حاصل می شود اطلاع بر عواقب امور و زیادتی در علم و آن خصلتی است که هیچ عبادتی مثل آن نیست﴾^۲

اکنون بار دیگر این سؤال را که تفکر در چه اموری بهتر از هفتاد سال عبادت است؟ بررسی مجدد می کنیم. الف) بنابراین چه گفته شد اینکه انسان بیندیشد و در خلقت منظم و بی عیب و نقص جهان آفرینش تدبیر کند و نیز در وجود خود سیر کند، خود را بشناسد و بداند که چه گوهر وجودی دارد از هر آنچه بدی و ناراستی گریزان می شود و تنها سر به آستان حق می ساید و در همه حال بندگی و پرستش معبود را بر هر چیزی ترجیح می دهد.

۱. بقره / ۱۶۴

۲. زمر / ۹، مجادله / ۱۱، زمر / ۱۸.

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

﴿همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند) بار الهی! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!﴾

روش تفکر

قرآن کریم روش تفکر صحیح را به طور کلاسیک به انسان آموزش نداده است زیرا انسان ها به فطرت خود قادر به تفکر هستند. منطقی ها تفکر انسان را دارای دو عنصر اساسی می دانند:

مواد تفکر:

یعنی دانسته هایی که انسان از قبل آموخته است و می خواهد توسط آنها به مطالب جدیدی دست یابد.

شکل تفکر

یعنی چینش و نظمی که متفکر به آن دانسته های قبلی خود می دهد تا به طور صحیح به نتیجه برسد. مثلاً انسان از قبل به دو قضیه علم دارد (بعضی از مصادیق الف ب است) (همه مصادیق ب ج است) او از کنار هم قرار دادن این دو قضیه به صورت قهری نتیجه خواهد گرفت که (بعضی از مصادیق الف ج است (ولی نتیجه نمی گیرد که (همه مصادیق ((الف)) و ((ج)) است) در علم منطق , ارزش علمی انواع مواد تفکر و چینش های مختلف در شکل تفکر مطرح شده است.

تفکر و اندیشیدن ،همیشه مقدمه درست انجام دادن و انجام گرفتن بوده که در کارهای اساسی و زیر بنایی خود اصلی مهم محسوب می شده است. ارزش تدبر و تفکر تا آن جاست .
رسول خدا ﷺ فرمودند :

﴿فِكْرَةٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ﴾^۲

﴿اندیشیدن یک ساعت برتر است از عبادت یک سال.﴾

تفکر و تعقل در آیات کلام وحی را برترین راهکار نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی در جامعه کنونی است سبک زندگی اسلامی زمانی در زندگی بشریت بروز پیدا می کند که در گفتار، کردار و اعمال ما عملیاتی شود یک بحث عقل ابزاری است ، دین هدف و ابزار را گفته است و عمل با ماست . تفکری دیگر اینکه بعضی فکر می کنند

۱. آل عمران / ۱۹۱ روم / ۸

۲. کافی ، ج ۱، ص ۳۶

۳. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۷، باب تفکر، ج ۲۲

علوم تجربی غیر دینی است اما اسلام عقل، وحی و تجربه را باهم می‌داند به شرطی که اینها واقعی باشند و فقط شعارنهند و بی‌برهان حرف نزنند. اگر انسان شناخت کافی از دستورات اسلام و قرآن داشته و بتواند آموزه‌های دین مبین اسلام را در بطن زندگی خود ساری و جاری کند؛ قطعاً سبک زندگی اسلامی نه تنها در زندگی او نهادینه شده؛ بلکه به افراد جامعه نیز تعمیم داده خواهد شد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

﴿أَلَا خَيْرٌ فِي قِرَائَةِ لَيْسَ فِيهَا...﴾^۱

﴿اگر در قرائت قرآن تدبیر نباشد سودی ندارد﴾

تمام قرآن و روایات و همچنین نهج‌البلاغه، سبک زندگی هستند، مقام معظم رهبری که فرمودند باید به سبک زندگی توجه داشته باشید، منظور اصلی معظم له از سبک زندگی همان سبک زندگی قرآنی و بهره‌گیری از قرآن و عترت در زندگی روزمره بوده است

تفکر خلاق

آموزه‌های دینی ما سرشار از سخنان نغز و مبانی غنی تفکر خلاق است، با جست و جو در مبانی معرفت‌شناسی تفکر اسلامی درمی‌یابیم از منظر دین به تفکر خلاق پرداخته شده و مبانی تفکر خلاق از آموزه‌های دینی، مانند قرآن کریم و سیره نبوی و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) و نیز دانشمندان اسلامی استنباط می‌شود. بر این اساس، آگاهی از مبانی معرفت‌شناسی در تلقی از تفکر خلاق و راهکارهای اشاعه آن، برای نظام تعلیم و تربیت حائز اهمیت است؛ زیرا نظام تعلیم و تربیت کنونی، با وجود داعیه اشاعه خلاقیت و نوآوری، نتوانسته است به آرمان‌های خود جامه عمل بپوشاند. بنابراین، به نظر می‌رسد که یکی از وظایف پژوهشگران و دانشگاهیان و فرهیختگان، تلاش در تدوین نظریه‌هایی بومی است که توان پاسخگویی به نیازهای موجود را داشته باشد.

پس، چه بهتر که این مهم، با یک قدم به عقب و باز شناخت بنیادی مفهوم تفکر خلاق در دین اسلام آغاز شده و قدم‌های آتی راسخ‌تر و چه بسا، در مسیری هموارتر گذاشته و با نگرشی نو به آن نگریسته شود. ممکن است تبیین مبانی نظری تفکر خلاق، با تکیه بر آموزه‌های دین مبین اسلام در زمینه اشاعه خلاقیت در جامعه، به کمک نظام تعلیم و تربیت کارسازتر باشد.

۱. اصول کافی، کتاب فضل العلم، باب صفه العلماء، حدیث سوم.

تعریف فرهنگ

فرهنگ از جمله واژه‌هایی است که در حوزه‌های تخصصی، همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، مباحث تربیتی و اخلاقی و... به عنوان کلید واژه تبیین و توصیف، بسیاری از کنش‌ها، حالات، آداب و رسوم و خلیات، شعائر و آئین‌ها و نمادهای فردی و اجتماعی است. که در کالبد جوامع امروزی جریان دارد یا اساسا به گذشته تاریخی یک تمدن و جامعه پیوسته است. اما جان مایه‌های آن در فرهنگ امروزی حضور دارد.

فرهنگ امری ثابت و لایتغیر نیست بلکه می‌توان به مرور و در طول زمان تغییر داد، فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است، فرهنگ است که چگونگی زندگی کردن را به افراد می‌آموزد و آثار آن به صورتهای گوناگون در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی وجود دارد. فرهنگ اندیشه‌ها و رفتارها را جهت می‌دهد، روابط میان افراد، طبقات و اقشار گوناگون جامعه را تنظیم می‌کند و حتی حدود و ثغور نزاع‌ها و درگیریهای قومی و ملی را تحت قاعده در می‌آورد.

در تعریف فرهنگ نیز، می‌توان گفت به باورها، ارزشها، رفتارها، رویه‌ها، اندیشه‌ها، نگرش‌ها، ایدئولوژیها عادت‌ها، سنت‌ها، ادبیات، هنر، عقاید، زبان، احساسات ملی، ایده‌ها و آرمانها، افکار، آداب و قوانین به عنوان اجزا و عناصر دریافت می‌شود.

«مالینوسکی» فرهنگ را شیوه زندگی می‌داند. «گی‌روشه» با الهام از تعریف «دورکیم» از واقعیت اجتماعی فرهنگ را «مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از تفکر، احساس (هیجان) و عمل دانسته است که توسط تعداد زیادی از افراد گرفته می‌شود و مشترک است».

زندگی همان فعالیتهای روانی (شناخت، عاطفه و عمل) یعنی فعالیت‌های ادراک، هیجان و عمل و با شیوه فعالیتهای روانی انسان است.

لایه‌های فرهنگ:

۱. فرهنگ خواص مانند دانشگاهیان، حوزویان، نخبگان و فرهیختگان.
۲. فرهنگ عمومی، همه‌آحاد جامعه را صرف نظر از جنس، سن و موقعیت در بر می‌گیرد. مؤلفه‌هایی نظیر وقت‌شناسی، امانت‌داری، احترام به قانون و احترام به حقوق دیگران و... در این حوزه مطرح می‌شود که همه افراد جامعه باید مقید به رعایت آنها باشند.
۳. فرهنگ عامه (توده‌ای و عامیانه) این حوزه بسیار گسترده است و سطح پایین هرم فرهنگ را به خود اختصاص می‌دهد این قشر الگوپذیر و دولتها بیشترین سرمایه‌گذاری را در این حوزه انجام می‌دهند.
۴. فرهنگ خصوصی، شخصی یا فردی؛ این حوزه به اصطلاح فرهنگ خلوت انسانها می‌باشد، این حوزه انبوه

است و همه مردم را شامل می شود اگر سست شود کم کم جامعه از هم پاشیده می شود . انسان ظاهری دارد و باطنی ، فرهنگ خصوصی مربوط به خلوت انسان است .

در انواع تخصص ها ذکر شده واژه فرهنگ دارای تعاریف متعدد بوده و نمی توان به همه آنها پرداخت. در عین حال، فرهنگ در انواع برداشت ها به مثابه یک امر پویا و در حال تغییر و تکاپو ، به یک حقیقت و عنصر روحی وحدت بخش وهویت بخش تبدیل شده است.

به همین روی دانش و علوم پایه همچون ریاضی، شیمی فیزیک و... وعلوم عقلی و فلسفی، داخل در مفهوم و گستره فرهنگ می گردد. در یک تفکیک کلان دیگر، فرهنگ ها، در همه تمدن های تاریخ بشری با توجه به دو حیث فرهنگ مادی و معنوی، یا از خاستگاه و مبنای وحیانی سیراب شده اند و حرکت و تحول فرهنگی را در جهت تکامل الهی پیش می برند و پرستش و توحید را جهت گیری حاکم بر فرهنگ می دانند. و دین را منطق این حرکت تکاملی ، و انبیاء و امامان رامجورهای و سر سلسله جنبان این حرکت تکاملی بشر را به شمار می آورند و یا از خاستگاه بشری و مادی الهام گرفته و فهم و علم بشری را از همین خاستگاه تفسیر می نمایند. به همین روی فرهنگ ها و تمدن ها به دو حوزه اساسی فرهنگ وتمدن دینی و فرهنگ و تمدن سکولار و مادی تقسیم شده است. که بعضی از اندیشمندان از آن به فرهنگ (پیشرو) و فرهنگ (پیرو) یاد کرده اند.با توجه به بیان فوق، فرهنگ از سه حوزه انسانی، اجتماعی، تاریخی، برخوردار است. حاصلضرب و قوام آن با ابعاد سه گانه گرایشها ، بینش ها و کنش ها در محورهای ارتباطی گفته شده ، تلقی حداکثری ما را از فرهنگ بیان می کند و اساساً بدون تصویر چنین گستره ای مهندسی فرهنگی به نحو جامع محقق نخواهد شد و طبعاً نمی توان دامنه وسیع موضوعات و عناصر فرهنگی را در درون نقشه جامع فرهنگی قرار داد .

واژه مهندسی فرهنگ اساساً با توجه به حوزه و گستره شمول از مهندسی فرهنگی متفاوت می گردد. زیرا اساساً مهندسی فرهنگ، از نظر موضوعی به خود فرهنگ به عنوان بعدی از سه بعد سیاست، فرهنگ و اقتصاد می پردازد. مهندسی آن نیز به عوامل و عناصر و متغیردرونی و بیرونی خود فرهنگ معطوف است. در مهندسی فرهنگ، کلمه مهندسی به فرهنگ اضافه شده است، عبارت ترکیب مضاف الیه پدیدآمده است. مهندسی را به هر معنایی تفسیر کنیم منظور این است که خود مقوله فرهنگ باید هندسی پذیر باشد و اندازه مطلوب ما را بگیرد. بنابراین مهندسی فرهنگ یک کار فکری و تدبیر وسیعی را می طلبد مبتنی بر یک سلسله مبانی نظری در مقوله فرهنگ. در مهندسی فرهنگ اساساً تلاش می شود میان همه ابعاد فرهنگی و سطوح و حوزه های سیاسی و اقتصادی... مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم discourse در ریشه ها و رهیافت های مختلف از زبان شناسی تا ادبیات فلسفه مورد استفاده قرار می گیرد ، تحلیل گفتمان به مجموعه ای از ابزارهای روش شناختی برای تحلیل سخنرانیها ، نوشته ها ، مصاحبه ها و گفتگوها اشاره دارد.

تحلیل گفتمان^۱ که با نقش رفتارها و ایده های اجتماعی در زندگی سیاسی سرو کار دارد که بعضاً به غلط در زبان محاوره ای رایج گفتگو می گویند.^۲

گفتمان سازنده معنا و ارتباط اجتماعی هستند ، شکل دهنده به ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی و سیاسی هستند گفتمان ها امکانات تفکر را تعیین می نماید.

تحلیل گران «گفتمان انتقادی» همچون «میشل فوکو» اشاره به مجموعه هایی معین و منظمی از ایده ها و مفاهیم دارد که ادعای تولید دانش در جهان دارد برخلاف مفهوم متنی و زبان شناسی چون «سوسوره فوکو» با رویکردی تاریخی از «گفتمان علمی» تلاش می کند .تا قواعد گفتمان بنیادین و پایه را توضیح دهد و تولید و انتقال آن را به فرایندهای وسیع اجتماعی و سیاسی که آنها جزئی از آن می باشند مرتبط سازند.

فرهنگ، نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش فرض های اصلی اعتقادی انسان ها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش ها و هنجارهای زندگی استخراج می گردد. این نظام رفتارهای انسان را در برابر خالق، دیگر انسان ها، خود و طبیعت، شکل می دهد و بر آن ها تأثیر می گذارد. تغییرات فرهنگی ، حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه انسان ها در یک جامعه و مبادلات فرهنگی، فکری و علمی با سایر جوامع است و حال اگر به هر دلیلی، وجود و تداوم باورهایی برای ادامه حیات هدفمند یک جامعه ضرورت داشته باشد، منطقاً باید همه اعضای یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ و تداوم آن باورها حساس شوند. هر اقدام مثبت یا

منفی در فرهنگ رخ دهد، پس از اصلاح یا تخریب آن بخش، بلافاصله یا به تدریج بر ابعاد دیگر جامعه اثر می‌گذارد. وقتی با درکی علمی به مفهوم فرهنگ و تأثیر آن در عرصه اقتصاد و سیاست بنگریم، متوجه می‌شویم باورها و ارزش‌هایی که تا این مرحله، عامل اصلی و محوری برای ایجاد نظام قدرتمند اسلامی شده‌اند و همچنان تولیدکننده امواج انقلاب اسلامی در سطح جهان هستند، با اقدامات از پیش طراحی شده سازمان‌های متعلق به استکبار جهانی مورد هدف قرار گرفته‌اند و نیز با تأثیرگذاری علوم ناقص و وابسته تولیدشده در غرب، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، ضعیف می‌شوند و از رهگذر توسعه نظام سرمایه‌داری لجام‌گسیخته حاکم بر جهان، در قالب توانمندی‌ها و سازمان‌دهی‌های جهانی تهدید و تخریب می‌گردند. ازاین رو لازم است برای مواجهه با این مجموعه عوامل مخرب، همواره فعالیت‌های متناسب طراحی و اجرا شود.

در حوزه فرهنگ، زیر مجموعه‌هایی همچون: «فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ سازمانی» وجود دارد.

مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ. با توجه به اینکه مهندسی فرهنگی، با انسان‌ها و پیچیدگی‌های انسانی و جوامع سروکار دارد، باید با روش آکادمیک با مبانی دینی، رفتاری، زبانی، ملی، فرهنگ کلان، خرده‌فرهنگ‌ها، مقتضیات داخلی و بین‌المللی مواجه گردد. مهندسی فرهنگی در حقیقت بیانگر تلاش رهبر معظم انقلاب و نهادهای مسئول به منظور ارتقای فرهنگ اسلامی – ملی در کشور، جلوگیری از ایجاد بحران‌های فرهنگی و هویتی، ممانعت از نفوذ فرهنگ غربی به ایران، تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، رشد کیفی شاخص‌های فرهنگی در کشور و نوسازی فرهنگی کشور می‌باشد. دستیابی به اهداف مهندسی فرهنگی به عنوان پیش‌زمینه و مقدمه، نیازمند رصد فرهنگی و شناخت صحیح از تمامی ابعاد، ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات فرهنگ ملی و همچنین جهت‌گیری‌های فرهنگی روز در سطح جهان و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر فرهنگ ملی است. در کنار این شناخت دقیق، ارزیابی جهت‌گیری‌های فرهنگی در سطوح ملی و بین‌المللی در حداقل سه دهه آینده و لحاظ نمودن آن‌ها در طرح مهندسی فرهنگی از الزامات اصلی بحث مهندسی فرهنگی است که دارای فعالیتی دو بعدی و نقطه پیوند و تماس حوزه اندیشه و عمل است که از یک سو فعالیتی مرتبط با حوزه اندیشیدن و تفکر و لذا به شدت نظری است؛ زیرا برای آن قبل از هر چیز به نظریه درباره فرهنگ و مهندسی فرهنگی نیاز است. از سوی دیگر این نظریه‌ها باید در جامعه اجرashدنی باشند و عملیاتی گردند. بنابراین مهندسی فرهنگی نه تنها به مرحله طرح نظریه محدود نمی‌شود، بلکه در مرحله عمل و اجرایی شدن نظریه نیز تداوم می‌یابد.

هر یک از دو حوزه نظر و عمل، ذات و در نتیجه الزامات متفاوتی دارند و از آنجا که مهندسی فرهنگی هر دو حوزه را شامل می‌شود این امر بر دشواری و پیچیدگی مهندسی فرهنگی می‌افزاید. در واقع تبیین چگونگی ارتباط حوزه فرهنگ با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی و تعیین جایگاه و نوع تعاملی زیر نظام‌های فرهنگی با سایر زیر نظام‌ها نظیر اقتصاد، سیاست و اجتماع است که یقیناً تبیینی بر جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه است.

در اینجا مهندسی، به معنای ارائه هئده و شکل و طرح کلی یک حرکت کلان فرهنگی است تا به واسطه این طرح و نقشه حرکت، چشم انداز و دور نمای روشنی از زمینه‌ها و بسترهای حرکت و از ظرفیت و توان زیرساخت‌ها و ساختارهای فرهنگی حاصل گردد. به عبارت دیگر؛ یعنی مهندسی کردن، مدیریت کردن، سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه کردن از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و در قالب فرهنگی، از زاویه فرهنگ و متعلق دینی نیامده، متعلق چه چیزی را مهندسی فرهنگی کنیم در این عبارت نیامده است. مهندسی فرهنگی رویکردی به برنامه ریزی و مدیریت توسعه فرهنگی است که با توجه به طبیعت متغیر فرهنگ، به طراحی راهبردهای عملی برای حل مسائل و مشکلات ناشی از تعامل فرهنگ و توسعه می‌پردازد.

به عبارت دیگر؛ به این معناست که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ سازمانی به یک نظم خاص برسند تا دستیابی به اهداف مورد نظر میسر گردد. با این دیدگاه همه دستگاه‌ها و سازمان‌های کشور در موضوع فرهنگ نقش دارند.

تنها مهندسی فرهنگ عمومی در سبک زندگی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌بایست افزون بر تبیین مفاتیح الحیات و چگونگی زیست، چگونگی رفتارهای جزئی که در قالب آداب تعریف شده آموزش داده شود. پس لازم است که مهندسی‌هایی در فرهنگ اقشار مختلف جامعه مبتنی بر سبک زندگی کلی و شیوه زندگی انجام گیرد. بازخوانی متون اسلامی برای به دست آوردن مثلاً سبک زندگی دانشجویی، سبک زندگی کارگری، سبک زندگی نظامی، سبک زندگی روستایی، سبک زندگی آرپاتمان نشینی، سبک زندگی شهری، سبک زندگی کارمندی و مانند آن‌ها به دست آمده و به جامعه آموزش داده شود.

هم چنین هر جامعه‌ای از جوامع اسلامی می‌بایست در شناسایی سبک زندگی خود مبتنی بر اقتضات زمان و مکان عمل کند تا بتواند هم خود را از تهاجم فرهنگی و رفتاری شیوه‌ها و سبک‌های زندگی غیر اسلامی حفظ کند و هم بتواند از مواهب فن‌آوری‌های جدید علوم در زندگی اجتماعی سود برد.

در سبک‌های زندگی به همه جزئیات پرداخته می‌شود و می‌بایست در چارچوب شیوه زندگی اسلامی، الگوهایی برای همه امور ارایه شود. پس توجه به ظواهر و ریز جزئیات در امور چون معماری، تزیینات، پوشش، نوع غذا، خودرو، میزان مصرف، سرگرمی‌ها، جشن‌ها، رفت و آمدها، سخن گفتن‌ها، ارتباطات حضوری و غیر حضوری، بهره‌گیری از فن‌آوری‌هایی چون تلفن، تلفن همراه صوتی و تصویری، ماهواره، تلویزیون، اینترنت و مانند آن معرفی کرد.

اگر این گونه به سبک زندگی و مهندسی آن نیاندیشیم در نهایت گرفتار التقاط خواهیم شد و جامعه با تناقض مواجه خواهد شد به گونه‌ای که موجبات افزایش اضطراب‌های درونی به سبب احساس گناه، تحجر، نابهنجاری و مانند آن می‌شود. اکنون جوامع اسلامی از جمله جامعه ایرانی مواجه به التقاطی است که در شیوه و سبک زندگی گرفتار آن است. بحران موجود در جوامع اسلامی و فقدان سلامت روانی و اجتماعی در جامعه و نابهنجاری‌ها و سرخوردگی‌ها و مانند آن ریشه در همین التقاط دارد؛ زیرا از یک سو ایمان به خدا و آخرت و آموزه‌های قرآنی و از سویی دیگر افکار و اندیشه‌های غربی با فن‌آوری پیشرفته آن، موجب شده که انسان ایرانی دچار نوعی اختلال در هویت شخصیتی شود و نتواند خود را چنان که هست بشناسد و تعریف کند و موقعیت و هدف خود را تعیین نماید.

این سرگردانی موجود در جوامع اسلامی به سبب عدم مهندسی فرهنگی در کلیات و جزئیات از سوی نخبگان و رهبران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه است؛ زیرا مردم به رهبران خود می‌نگرند و آنان را الگوی خود قرار می‌دهند، و در صورت فقدان رهبری چشم به الگوهای دیگر می‌دوزند که با تناقض کامل با افکار و بینش‌ها و نگرش‌های آنان است و این خود به دامنه و افزایش بحران هویتی دامن می‌زند.

مسئولین در تعاملات خود ارزش های خوب و درست ، مثل راستگویی را منعکس کنند مسئولین و دولت مردان مراکز دولتی باید جلودار باشند. در مورد بروز پدیده ناهنجاری چون دروغگویی در جامعه نیز در مسایل رفتاری و ضعف هایی چون دروغ گویی نتوانستیم در عمل با تکیه بر ارزش های دینی که بزرگانمان فرمودند به صورت عملیاتی وارد عمل شویم البته خیلی از رفتارهای اجتماعی از بالا به پایین است فرهنگ در جامعه مانند روح در پیکر است ، شخصیت و هویت هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است که فرهنگ اسلامی قبل از اسلام ایرانیان موحد بودند ، باور به خداوند اساس کار است ، فرهنگ مانند آبخاری از بالا به پایین همه را در بر می گیرد فرهنگ مانند جان است ، ما باید جامعه خود را قرآنی کنیم باید بر اصالت های فرهنگ اسلامی و ایرانی تأکید کنیم. تا همه احساس هویت کنند و افتخار به مسلمانی و ایرانی در دنیا نمایند . داشتن فرهنگ مستقل به معنی ستیزه با جهان و نفی ارزشهای دیگران نیست. ما وقتی می توانیم رابطه منطقی با فرهنگ ها داشته باشیم که خودمان سرمایه فرهنگی داشته باشیم و طبیعتاً مردمی که در بدنه جامعه هستند با الگو برداری از آنها به این نتیجه خواهند رسید که بدون هیچ مشکلی می توانند راستگو باشند اما اگر در چشم مردم ، رفتارها و تعاملات نادرستی صورت بگیرد بدنه جامعه هم نمی تواند در عمل معتقد به این ارزشها باشد باید از کسانی شروع کرد که در دولت اسلامی نقشی دارند .

مهندسی فرهنگی به بیان دیگر به نظام ها، فرایندها، جایگزین ها و فرمول بندی های مرتبط با پاسخ های خلاقانه به چالش های توسعه نهادهای فرهنگی و تشویق مردم به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه می پردازد. مراحل و کارکردهای مختلفی می توان برای مهندسی فرهنگی تصور کرد. ۱. مهندسی در مرحله تدوین و طراحی یک ساختار اجتماعی ۲. مهندسی در مرحله ترمیم و اصلاحات و تغییرات اجتماعی ۳. مهندسی در مرحله تکامل و توسعه یک ساختار و نظام اجتماعی مفهوم مهندسی با توجه به سقف انتظارات و نیازها و ضرورت هامتفاوت خواهد بود. یعنی مهندسی در وضعیت آسیب زدایی و ترمیم و کنترل و بهینه رسانی متفاوت از مهندسی در وضعیت تکامل یا احداث و ایجاد سازه های یک بناست. هر چند سه فرض فوق در مهندسی کل و جامع محقق می گردد، اما در مهندسی خرد، بخشی از آن مراحل مورد نظر است. مهندسی فرهنگی در یک کلام، عبارتست از ارائه یک نقشه و طرح کلی و جامع از نظام فرهنگی جامعه با ایجاد نسبت و ربط منطقی میان متغیرهای فرهنگی:

۱. جهت ایجاد و تأسیس نهادها و ساختارهای فرهنگی ۲. ترمیم و اصلاح و تغییر نظام فرهنگی ۳. تکامل و توسعه نظام فرهنگی برای تحقق و رسیدن به فرهنگ تکاملی تمدن مورد نظر . پیچیده تر و دشوار تر از خود فرهنگ، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی است . زیرا پدیده فرهنگ حقیقت ظریف و دقیق و لطیفی است که قابلیت رشد، تکامل، انعطاف، زوال و فرسایش و انحطاط را در شرایط و وضعیت های مختلف داراست.

لذا مهندسی فرهنگی با این توصیف، امر حساس و خطیری خواهد بود که کوچک ترین اشتباه و خطا مسیر و سرنوشت یک تمدن و جامعه و نظام فرهنگی (اعم از فرهنگ انسانی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ تاریخی) در بستر انحطاط قرار می دهد.

طبعاً در تحقق مهندسی فرهنگی، مباحث و گفتمان و جریانها و مسائل مختلف فرهنگی طرح می شود. در این میان موضوعات فرهنگی، موضوع کار مهندسی فرهنگ و از جمله محورهای اساسی مهندسی فرهنگی است. اساساً می توان با انبوه و کثرت موضوعات فرهنگی که یا از گفتمان دینی حاکم جامعه ایجاد شده یا از فرهنگ ملی و قومی به جای مانده است و یا در پی امواج سهمگین فرهنگ گفتمان تجدید حادث شده است، مهندسی فرهنگی را در یک جامعه محقق کرد؟ در وضعیتی که فرهنگ تکاملی ما با فرهنگ تهاجم غرب در یک چالش فرسایشی گرفتار شده چگونه می توان بدون نسبت سنجی و ارزش سنجی و توزین کمی و کیفی موضوعات فرهنگی به چنین امر خطیری دست زد؟ در چنین پیچیدگی و آشوب موضوعات فرهنگی، آیا کار مهندسی فرهنگی، می تواند به ساماندهی فرهنگی بینجامد یا جز تحیر و حیرت و تکثر و نسبیت فرهنگی و در نهایت انحطاط و انقطاع و ارتجاع فرهنگی حاصل نخواهد داشت؟ طبعاً پاسخ به این پرسش ها، مسئله ضرورت طبقه بندی موضوعات و کارآمدی و کارکردهای آن را در امر مهندسی بیان خواهیم کرد و اینکه آیا مبانی و اهداف، اصول و استراتژی، رویکرد سیستمی و غیرسیستمی و... چه تاثیر اساسی در طبقه بندی موضوعات خواهد داشت و اساساً بدون لحاظ آنها نظام مندی موضوعات معنای روشنی خواهد داشت یا نه؟

نظام فکری و اعتقادی هر جامعه مهم ترین رکن شکل دهنده فرهنگ آن جامعه می باشد. تأثیر نظام فکری بر فرهنگ یک جامعه توسط هیچ کس قابل نفی نیست. اما آنچه مهم است این است که دستگاه متولی مهندسی فرهنگی تا چه میزان باید این نظام را در مدل فرهنگی دخیل کند. آیا متولیان فرهنگی باید به افراد اجازه دهند با سلايق و باورهای خود، خرده فرهنگ هایی را بسازند تا از مجموع آنها نظام فرهنگی شکل گیرد؛ یا اینکه با کنترل دقیق، رخصت شکل گیری خرده فرهنگ هایی بر اساس باورهای فردی را ندهند؟ اصلی ترین وظیفه متولیان فرهنگ، مهندسی و مدیریت فرهنگ بر اساس نظام فکری اسلام است. در این بخش نیز اساتید معارف با محتوای عمومی دروس معارف اسلامی می توانند با تبیین نظام فکری اسلام و تبلیغ و گسترش آن و ارائه مطلوب و مناسب آن به نسل جوان دانشجو که آینده سازان این کشور و نخبگان فکری و علمی کشور در زمان نه چندان دور خواهند بود، برتری این نظام فکری را برای آنها تبیین نموده و مطلوبیت آن را در ذهن این افراد برجسته و نهادینه نمایند. اعتقاد به برتری نظام فکری اسلام و پذیرش این برتری و حضور آن در ذهنیت عمومی جامعه به ویژه نخبگان و فرهیختگان جامعه تأثیر به سزایی در مهندسی فرهنگی بر اساس این نظام فکری خواهد داشت.

برای اینکه همه دستگاه ها و کارکردهای آنان در جهت فرهنگ مطلوب سمت و سو بگیرد؛ نخست باید نقشه مهندسی فرهنگی یا همان مدل فرهنگی ترسیم شود. مدل فرهنگی روشی است که بر مبنایی مشخص، به

برنامه ریزی فرهنگی « قابلیت ارزیابی، امکان تصمیم گیری و قدرت کنترل و تصمیم بهینه » می دهد. تهیه این نقشه وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این شورا به مثابه مغز متفکر و مرکز اصلی مهندسی فرهنگی باید با تعیین یک ساختار مناسب و شاخص های دقیق، ضمن فراهم کردن زمینه اجرای طرح مهندسی فرهنگی، از سیر اجرای آن ارزیابی مستمری نماید و با اعمال مهندسی هم زمان دستیابی به اهداف متعالی را تحقق بخشد.

مهندسی فرهنگی متعالی

۱. مهندسی راهبردی فرهنگی .
۲. تبیین علمی و نظری (تئوری سازی و تئوریزه) .
۳. ترسیم عملی و تحقیقی (دکترین سازی و طراحی)
۴. مهندسی راهبردی همراه با مدیریت کاربردی و نیز آسیب شناسی و آسیب زدائی فرهنگی تا مرحله کاوش و عمل .

مهندسی مدیریت و آسیب زدائی فرهنگی راهبردی و متعالی

مهندسی فرهنگی ملی در ساحات دوگانه ملی و معنوی در اهم بخشهای اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی که به ترتیب ذیل است :

الف : توسعه اقتصادی و فرهنگ سازی آن .

ب : توأمان با تعادل سیاسی و اجتماعی و ساز واری فرهنگی آن .

ج: در جهت تعالی فرهنگی ، اخلاقی و معرفتی ، سیاسی و عمومی .

این سیر و ساختار یا فرایند و ساز کاری ، مهندسی فرهنگی متعالی محسوب می گردد در این صورت است که مهندسی فرهنگی ، " مهندسی راهبردی فرهنگی متعالی " به شمار می آید.

مهندسی فرهنگی در سبک زندگی اسلامی - ایرانی

مهندسی فرهنگی نبوی یکی از روش های متداول و در عین حال مجرب و موفق در تاریخ علم و بویژه در یکی دو سده اخیر است از سوی دانشمندان کوشش می شود گذشته را به عنوان چراغی فرا راه آینده ، فروزان نمایند و کوشش جهت بازخوانی سنت در آینده ی انسان مدرن است . در این روش محقق سعی می کند تا میراث کهنی را با ادبیات جدید مرور نماید از تجربیات پیشینیان استفاده کند از تکرار اشتباهات آنان پرهیز نماید ، راههای تجربه شده و در عین حال ناموفق آنان را بییماید و به عنوان یک الگو و با تأکید بر نکات مثبت و مستحسن ، میان گذشته ، حال و آینده پیوندی عمیق برقرار نماید ، یعنی مسلح ساختن نظریه های پیشینیان و میراث کهن ایشان به سلاح متدلوژی .

این مفروضه که پیامبر اعظم ﷺ در خلال سال های پیامبری خویش موفق گردید در بعد سلبی ، فرهنگ های رقیب اعم از فرهنگ (ضد فرهنگ) جاهلیت ، اشرافی گری ایرانی و بالاخره تثلیثی رومی را به چالش و تحدی بکشد و در بعد فرهنگی جدید با مؤلفه های اثرگذار انسان ساز و تحول آفرین را عرضه دارد که همان معاصر سازی مبانی اعتقادی و آموزه های دینی منطبق با مقتضیات زمانی و مکانی در عرصه حیات بشری است . چه عاملی باعث شد ظرف سه دهه ، ثمره این نهال ، سیل طوفان های بنیان کن هر دم آفاتی جدی را متوجه آن می نمود و در واقع پیامبر ﷺ فرهنگ اسلامی را خلق ، عرضه و پاسداری نموده است .

فرهنگ پیامبر و مدل مهندسی فرهنگی مبتنی بر فطرت^۱ پشتگرمی آن به وحی الهی^۲ گفتگو با مردم به قدر و اندازه عقول آنها^۳ و تکلم با مردم خویش با لسان ایشان^۴ یعنی نه زبان عربی بلکه با زبان دل ، مقتضیات روح و ضمیر پا ؛ او مخاطب قرار دهد که معطوف به « رحمه العالمین » است .

مهندسی فرهنگی که امامان (علیهم السلام) برای رایة سبک های گوناگون زندگی مبتنی بر شیوه زندگی اسلامی انجام دادند ، یک مجموعه علمی و عملی است که می بایست به عنوان سرمشق مورد استفاده جوامع اسلامی امروز قرار گیرد . شیوه زندگی اسلامی ، در جوامع الکلم قرآنی بیان شده است و بر ماست که با مراجعه و عرضه پرسش ها به استنطاق قرآن پرداخته و از او بخواهیم تا راهکارهایی را برای ما در همه عرصه های فکری و علمی و عملی ارائه دهد . استنباط و استنطاق از قرآن به معنای آن است که فروعات زندگی خود را در همه زمینه ها به قرآن ارایه دهیم و با رد الفرع الی الاصل ، در یک قالب منطقی و برهانی ، صغرای خود را در کبرای اسلام تبیین کرده و راهکار آن را به عنوان نتیجه توصیه ای اسلام و قرآن بپذیریم .

۱. روم / ۳۰

۲. نجم / ۳

۳. الحیات ج ۲ ، ص ۱۸۸ ﴿ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ ﴾

۴. ابراهیم / ۴

جرایی توجه مقام معظم رهبری به «سبک زندگی»

سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که در دنیای امروز بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. جست و جویی ساده در یکی از موتورهای جست و جوی اینترنت نشان می دهد که این مفهوم تا چه حد عمومیت دارد و در چه زمینه هایی به طور گسترده از آن استفاده می شود. همین گستردگی مفهومی و حوزه وسیع کاربری سبب شده است تا مفهوم واقعی آن کماکان غیردقیق باشد.

در هر حال، پیشرفت در زمینه های علمی و اقتصادی کشور در گرو توجه به شیوه های زندگی است و با توجه به تمدن غنی ایران اسلامی، جمهوری اسلامی ایران توان رسیدن به قله های پیشرفت را در کنار توجه به نقش زندگی خانواده ها داراست.

این موضوع که یعنی چرا «سبک زندگی» مورد توجه مقام معظم رهبری قرار دارد؟ آنقدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانش آموزان، دانشجویان و جوانان استان خراسان رضوی به موضوع «سبک زندگی» اشاره ویژه ای داشته اند.

مقام معظم رهبری، «سبک زندگی» را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم، آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه» تأکید فرمودند: «پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد، وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی.

مقام معظم رهبری، با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی افزودند: «در معارف اسلامی، اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد.

با توجه به نگاه ریزبینانه رهبر معظم انقلاب اسلامی به «سبک زندگی»، سبک و فرهنگ زندگی قسمت عمده ای از زندگی افراد جامعه را تشکیل می دهد و توجه به خانواده و موضوعات اجتماعی پیرامون آن از مواردی است که باید عنایت ویژه ای به آن داشت.

فرهنگ تجمل گرایی و مصرف گرایی که این روزها بین مردم کلان شهرها باب شده است و زمینه را برای تضعیف ریشه های بنیان خانواده، افزایش طلاق و به وجود آمدن فساد را فراهم می کند باید به طور ویژه مورد توجه مسئولین امر قرار گیرد و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، توجه و تلاش ویژه ای را می طلبد. وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه های علمیه، سازمانها و نهادهای دینی و تبلیغی به عنوان نهادهای اصلی در پرداختن به این موضوع و با توجه به مخاطبان اصلی که همان نوجوانان، جوانان و عموم جامعه هستند، می توانند نقش مؤثری در این باره ایفا کنند.

از سوی دیگر صدا و سیما نیز می تواند ابزار عملی مناسب برای تغییر سبک زندگی از تجمل گرایی به سمت سبک زندگی اسلامی باشد چرا که یکی از مواردی که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در بین دانش آموزان، دانشجویان و جوانان به آن اشاره داشته اند مربوط به «سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی» بود که می تواند به عنوان الگویی برای برنامه سازی در صدا و سیما در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر، برگزاری همایش ها و نشست ها و همچنین برگزاری کلاس های آموزشی رایگان برای خانواده ها و جوانان می تواند گام مهمی برای آشنا شدن مردم با سبک زندگی اسلامی مورد تأکید مقام معظم رهبری باشد. آنچه مسلم است، تمامی دستگاه های کشور باید برای رسیدن به این مهم دست به دست هم دهند تا جامعه زیرسایه رهنمودهای مقام معظم رهبری به سوی پیشرفت و ارتقا گام بردارد و آمار آسیب های اجتماعی روز به روز کمتر و کمتر شود.

ایشان، در جمع دانشجویان، دانش آموزان و جوانان خراسان شمالی با توجه به نو بودن بحث «سبک زندگی» در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، سخنان خود را با نوعی آسیب شناسی عینی ادامه دادند و به طرح سؤالات متعدد پرداختند.

رهبر انقلاب اسلامی پس از طرح فهرست وار، فرمودند ده ها سؤال و مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آن ها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می پذیرد.

یکی مراد از سبک اصل زندگی است و یکی آداب ظاهری و ابزار آلات زندگی. یکی فکر می کند سبک زندگی دینی همان آداب گذشتگان است و وقتی بعضی از این افراد از بازگشت به زندگی دینی صحبت می کنند بازگشت به گذشته را مطرح می کنند. بعضی هم فکر می کنند هرچه سبک زندگی کمتر صنعتی و مدرن باشد دینی تر است، یعنی زندگی روستایی و گذشته ها دینی تر بوده است. و هرچه جلو می رویم با ابزار آلات مدرن، زندگی غیر دینی تر می شود. مطلق بینی در این قضیه اشتباه است.

بعضی سطحی نگر هستند و محور آن ها سود محوری و منفعت طلبی است و مفاهیم و اصول زندگی را طی زمان تغییر می دهند مثلاً می گویند صله رحم از آن گذشته هاست و با زندگی کنونی تطابق ندارد. همانطور که قبلاً حمل و نقل با اسب بوده و الآن با ماشین است، حرام و حلال در زندگی امروز وجود ندارد. این نوع نگاه مخصوص عوام نیست، بلکه فیلسوفان و بزرگان هم آن را مطرح کرده اند.

به طور خلاصه دو نگاه وجود دارد. یکی اینکه هرچه زندگی انفرادی تر باشد و به دوران غارنشینی برگردیم، زندگی دینی تر است که این نوع زندگی نگاه بیچاره وار است که در آن نهادهای اجتماعی و تمدن سازی و سیاست اسلامی معنی ندارد و پیشرفت های صنعتی در آن مقبول نیست و باید از آن اجتناب شود و یا اگر هم از آن استفاده می شود در حد اضطرار باشد.

در مقابل هم ، این نظر است که می گوید ما به شما کاری نداریم، شما هم به ما کاری نداشته باشید. خفه شوید و درگوشه ای بروید و به زندگی خود بپردازید. معنویات را وارد زندگی اجتماعی نکنید. شما حق دخالت در اجتماع را ندارید و حق ندارید در مورد زندگی دیگران بحثی کنید و به گناهکاران « دگرباش » بگویید و از حلال و حرام حرف ننزید. خلاصه حرفشان این است که ارزش ها و ضد ارزش ها بی پایه اند و هیچ معنی ندارند. ما می توانیم با زندگی دینی و قبول تمدن ها و پیشرفت ها، پیش برویم اگر چه سخت است. ما نباید از صفر شروع کنیم، پیامبران هم از صفر شروع نکردند، حضرت نوح، ابراهیم، لوط و ... هیچ کدام از صفر شروع نکردند.

گناهان و معصیت های امروزی سابقه ی تاریخی دارند و اختراع در آن زیاد نیست. این نظر که هرچه به عقب برگردیم زندگی دینی تر است پس درست نیست. در گذشته هم شر ، قتل نفس، دروغ و ... بوده. این ها مسائل مدرن نیست. الفاظ بشر جدید و قدیم اگر اشاره به ظواهر داشت ، این موضوع درست است؛ اما اگر منظور اصل و جهت زندگی است این نادرست است. هر دو دیدگاه به معنی این است که انبیا تاریخ مصرفشان گذشته است، چون در زمان قدیم آمده اند. اما ما می دانیم بعد از پیامبر اسلام، پیامبری نخواهد آمد. معتقدیم اسلام بخش ثابت دارد و متغیر. تغییر گاهی از نگاه منفعت طلبی است که موجب تجدید نظر می شود ولی یک وقت تغییر در ظاهر است؛ اما با همان محتوا و معنای قبلی. وقتی مخاطب تغییر می کند روش انتقال سخن تغییر می کند. برخورد با امروزی ها تا با قاجاری ها متفاوت است.

پیامبر ﷺ می فرمایند: ﴿فرزندان را برای نسل خود آن ها تربیت کنید.﴾ بنابراین ، هیچ نسلی کپی نسل قبل نیست و کسانی هم هستند که در مورد شکاف نسل ها می گویند ، البته بعضی از شکاف ها مثبت اند و بعضاً افرادی هستند که از خانواده های مذهبی اند؛ اما پس از ازدواج رابطه آنها به دعوا ختم می شود ، چون هرکدام طبق آداب و رسوم خانواده خود رفتاری کنند و طبق آداب اسلامی رفتار نمی کنند و از سوی دیگر مذهبی هایی را می بینیم که رفتاری غیر مذهبی از خود نشان می دهند. در نتیجه هر دو دیدگاه سکولاریسم است ، ما شیعیان و مسلمانان بسیاری از مفاهیم اسلامی را نمی دانیم مثل اصول خرید و فروش ، زندگی زناشویی و... رفتاری غیرمذهبی داریم .

فصل ششم



نتیجه گیری

و

پیشنهادهات

ادبیات انقلاب در عملکرد خود، دینداری را به رعایت احکام محدود نمی‌کند، بلکه «درگیری نظام ایمان با نظام کفر» را محور دینداری معرفی می‌کند و همین نقطه اصلی است که آماج حملات همه‌جانبه و تمدنی دشمن قرار گرفته است.

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری از «ضرورت آسیب‌شناسی و پیدا کردن عدم پیشرفت در سبک زندگی» در دوران انقلاب اسلامی و «ضرورت تبیین فرهنگ زندگی اسلامی» برای تحقق تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در بیانات مقام معظم رهبری در جمع جوانان استان خراسان شمالی، «پیشرفت همه‌جانبه» به تمدن‌سازی نوین اسلامی تعریف شده و از آن به عنوان «هدف انقلاب اسلامی» نام برده می‌شود و ضمن تأکید بر «چند بُعدی» بودن مفهوم پیشرفت در فرهنگ اسلام، به ضرورت توجه به بحث «سبک زندگی» به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت پرداخته شده است.

معظم‌له با تفکیک بخش اصلی و «نرم‌افزاری» تمدن از بخش ابزاری و «سخت‌افزاری» آن، به این نکته اساسی اشاره کرده‌اند که کشور ما علی‌رغم پیشرفت در بخش سخت‌افزاری تمدن، در «سبک زندگی» به عنوان بخش نرم‌افزاری تمدن پیشرفت نداشته است و این آسیب، موجب «عدم فلاح و عدم امنیت روانی» انسان و جامعه خواهد شد که بر این اساس، فهرستی از آسیب‌های سبک زندگی در جامعه امروز ایران طرح شده است. سپس در تحلیل فضای بیرونی کشور به این مهم توجه داده شده که نظام جمهوری اسلامی در شرایطی به وجود آمده که تمدن غرب بر جهان حاکم است و این تمدن دارای فرهنگیست مهاجم که تمام دنیا از جمله جمهوری اسلامی را مورد حمله خود قرار داده است.

از جمله مسائل نوپدید انقلاب اسلامی در مسیر مهندسی اجتماعی اسلامی، ایرانی، یکی هم مسئله «سبک زندگی» است که البته از جمله مسائل نوپدید تمدن غربی نیز هست. سبک زندگی خود یکی از مراحل جدی و بنیادین مهندسی اجتماعی و تمدن‌سازی است.

این مسأله بسیار مهم به زبان دیده بان بیدار انقلاب و علمدار ولایت جاری شد و به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل کنونی انقلاب اسلامی این مهم را بر صدر ضروریات و اولیات مسائل و پرسش‌های انقلاب و کشور نشانید و طرح پرسش و اندیشه و تفکر در اطراف این مسئله را گوشزد نمود. تفکر انقلاب اسلامی و مبادی حکمی آن، امروزه ضروری است تا در اطراف این مسئله نیک بیاندیشد و به تولید اندیشه و نظریه بپردازد.

«سبک زندگی» این روزها یکی از پر بسامدترین واژگان و الفاظی است که در گفتگوها، برنامه‌های صدا و سیما، کلاس‌های آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی و ... مورد استعمال قرار می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد که این مفهوم هنوز آن گونه که شایسته و بایسته است مورد واکاوی و امعان نظر قرار نگرفته است و در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد، ابهامی که در عین آزاردهنده بودنش مانعی جدی بر سر راه رشد و گسترش مباحث نظری و عملی مرتبط با این موضوع بوده و شکافی جدی در این حوزه پدید آورده است.

امروزه حجم بسیار فراوانی از ادبیات درباره سبک زندگی در فضای سایبری قابل احصاء و دریافت است که عمده آنها را نیز ترجمه ای مغلوط و نارسا از متونی ضعیف و کم مایه تئوریک و علمی است که با یک رصد جدی در فضای سایبر و تعجب آور آنکه حجم بیشتر این متون و مطالب خود یک کپی برداری مضحک از روی دست یکدیگر است.

بی تردید یکی از حوزه های جدی تولید علم و نیز بازتولید علوم انسانی بومی و اسلامی می بایست معطوف به حوزه تئوریک “سبک زندگی” باشد. اما در غرب این مهم در حوزه های متعدد علمی و از منظر علوم انسانی و اجتماعی صورت می پذیرد. سبک زندگی در غرب اکنون یکی از موضوعات اصلی مطالعات علوم اجتماعی چون جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، خانواده، روانشناسی، اقتصاد خانواده و... می باشد. حال آن که در ایران با یک فقر جدی ادبیات تولیدی بومی و نه ترجمه ای در این حوزه مواجه هستیم. لذا ضروری است تا جوانان مؤمن و معتقد به مبانی اسلام و انقلاب که دغدغه کنش در حوزه تولید علم و تولید علوم انسانی بومی دارند حوزه سبک زندگی را به مثابه یکی از حوزه های اصلی خویش مد نظر قرار دهند. سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می بخشد. این نظام واره هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می کند و هویت هایی متمایز می بخشد. سبک زندگی از این حیث، مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی وی است، که متضمن فحوایی فلسفی نیز می باشد. این فحوای فلسفی همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می بخشد.

یکی از چیزهایی که می تواند شیوه ی زندگی را با انجماد و تجسد بخشی به سبک زندگی تبدیل کند حضور اشیاء در زندگی است. سبک زندگی نسبتی مستقیم با حضور اشیاء در زندگی دارد. این سبک زندگی است که جایگاه اشیاء را در زندگی معین می کند و اشیاء شأنی خاص و ویژه در سبک زندگی یافته و بما هو شأنیت دارند. منظور از اشیاء هم اشیاء ضروری زندگی است هم اشیاء تزئینی و زیباشناختی، هم اشیاء فردی و هم اشیاء حاضر در کلیت و تمامیت خانه و محل زندگی و کارو البته نوع و سبک چیدمان این اشیاء و الگوی حاکم بر آن را در بر می گیرد. هویت بخشی به انسان مبتنی بر رفتارهایی است که از اعتقادات، آرمان ها، فرهنگ و باورهای انسان سرچشمه می گیرد که بدون معیار فلسفه حیات معنا پیدا نمی کند مثلاً در وزن اشیاء از قبل به وسیله پاره سنگ و اشیاء که ارزش توزین نداشت به کار می بردند تا تساوی وزن توسط شاهین ترازو مشخص می گردید اما همین که تفکیک وزن از گرم تا خروار مشخص می شد مثلاً وزن یک کیلو مشخص بود و در واقع هویت داده شده است که با آن شیء را به اندازه وزن موردنظر می شناسیم و این یک کیلو برای توزین اشیاء متعدد قابل استفاده بود که در واقع آن پاره سنگ ها بی هویت بود اما در توزین محتوا این یک کیلو به آن ارزش و هویت می دهند.

پیشنهادهای

توجه به نسبت چهارگانه زندگی براساس فرهنگ خودمان نیاز ، آرامش ، آسایش، امنیت و سعادت چهار محور اصلی توجه به نوع استفاده از یک نوع کالا در هر فرهنگی است . نیاز برگرفته از یک غریزه انسانی است که در نهاد بشر نهاده شده و شامل نیاز به خوردن ، آشامیدن و نیاز به داشتن چیزهای مختلف که به همراه آن جهت رفع این نیاز آرامش و آسایش قابل طرح است . آرامش بعد روانی رفع نیاز و آسایش بعد جسمانی در جهت مصرف کالایی خاص می باشد. نهایت اینکه سعادت هنگامی طرح می شود که رفع نیاز زمینه برآوردن سعادت را برای بشر و انسان امروز فراهم سازد . در برخی از فرهنگ ها سعادت همان کسب بالاترین لذت و کام جویی است و در برخی فرهنگ ها معنای دیگر و اخروی پیدا می کند.

ما باید سبک زندگی را با شرایط امروز تعریف کنیم. تعریفی که با استناد به معارف ناب آسمانی تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی باشد و از سویی نسبت آرامش و آسایش را هم به هم نریزد و نیاز کاذب ایجاد نکند و نیازهای واقعی را برآورده سازد. باز تعریف سبک زندگی امروز، گذران زندگی را آسان تر خواهد کرد و نظام آموزشی ما را کار آمد خواهد ساخت. هدف از زندگی و دانش اندوزی را روشن خواهد ساخت و هیچ کس کار بیهوده و رنج بی گنج نخواهد داشت.

ترویج و آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی

این نوع سبک زندگی ، می بایست متاثر از آموخته های دینی خود ما باشد که می توان در قالب حیات طیبه اسلامی آن را مطرح کرد. هدف بحث و بررسی پیرامون مهندسی پیشرفت سبک زندگی ایرانی اسلامی توجه به :

- الگوهای صحیح زندگی .
- کشف هویت تاریخی .

معرفتی عمیق در استفاده از کالاهای مدرن امروزی و داشتن دین عقلانی به نام اسلام در سبک زندگی ایرانیان و همچنین برای غالب کشورهای اسلامی می باشد . متأسفانه ما نه این هستیم و نه آن و نه به دنبال این هستیم که بفهمیم که کدام هستیم .

تعیین نسبت ایرانی بودن و اسلامی بودن ، مفهوم این سرفصل در یک جمله ایران آن است که تاریخ و تمدن ایرانی یک بستر مناسب است که ما با مبنای شریعت به شعار « نه شرقی ، نه غربی ؛ جمهوری اسلامی » جامه عمل بپوشانیم و حرفی نو بزنیم که البته فقط شعار نباشد و به گونه ای عمل کنیم که در شرق و غرب بی نظیر باشد و البته عقلانی تر و منطقی تر. همچنین یافتن یک نقطه شروع جهت تغییر سبک نسبتاً غربی

کنونی خصوصا برای ایران و سپس کشورهای اسلامی الزامی است . و نیز مطالعات بین رشته ای در بررسی سبک زندگی ضروری است .

روانشناسان غربی بسیار زودتر از ما ایرانیان ، نیاز به مطالعه بین رشته ای را تشخیص دادند. ما به عنوان بعد دینی ، بین رشته ای بودن را تأکید می کنیم که یک بعد آن مطالعه قرآنی وجود داشته باشد، بنابراین پرداختن به مطالعه بین رشته ای ضرورت دارد و ما باید مطالعات خود را بر اساس قرآن و دین شروع کنیم و به مطالعه بین رشته ای قرآن و علوم روز روی آوریم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم ، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، اسوه.
۳. نهج البلاغه ، فیض الاسلام ، قم ، انتشارات دارالهجره ، بی تا.
۴. ابراهیمی ، سید ابراهیم ، بایسته های مهندسی فرهنگی ، همایش مهندسی فرهنگی. ۱۳۸۵
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تبریز، انتشارات مکتبۀ بنی هاشمی، ۱۳۸۱
۸. ابن شعبه حرانی ، حسن بن علی ، تحف العقول ، تصحیح علی اکبر غفاری ، موسسه انتشارات اسلامی ، ۱۴۰۴ق
۹. ابوالقاسم پاینده ، نهج الفصاحه ، دنیای دانش ، تهران ، ۱۳۸۳.
۱۰. احسان بخش ، صادق ، آثار الصادقین ، ستاد برگزاری نماز جمعه ، گیلان - رشت، ۱۳۸۴.
۱۱. احسائی المعروف بابن ابی جمهور ، محمد بن علی بن ابراهیم ، عوالی الثالی ، مطبعه سیدالشهداء ، قم ، ۱۴۰۳ -ق
۱۲. امام علی بن حسین (ع)، رساله حقوق ، ۹۴-۳۸ ق -. شرح علی محمد حیدری نراقی ، ناشر مهدی نراقی ، قم ، ۱۳۸۵.
۱۳. امام علی بن موسی الرضا(ع) ، فقه الرضا (ع) ، مشهد، موسسه آل البيت ، ۱۴۰۶ق.
۱۴. آنتونی گیدنز، پیامدهای مدرنیت، مترجم محسن ثلاثی، نشر مرکز زبان کتاب ، ۱۳۹۰.
۱۵. بحرانی، عبد الله بن نور الله ، محقق: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدر ؛ سیده النساء فاطمه الزهراء علیها السلام إلى الإمام محمد بن علی الجواد علیهم السلام) مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام ، قم.
۱۶. تمیمی آمدی ، عبدالواحد ، غرر الحکم و درر الکلم ، مکتب الاعلام الاسلامیه ، قم ، ۱۳۶۶
۱۷. جوادی آملی ، مفاتیح الحیات ، اسراء ، قم ، ۱۳۹۱.
۱۸. ری شهری ، محمد، میزان الحکمه ، دارالحديث ، ۱۳۷۷.
۱۹. سیوطی ، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر ، جامع الصغیر ، واحادیث البشیر النذیر ، بیروت ، دارالفکر ، ۱۴۰۱ق
۲۰. شهید ثانی ، زین الدین بن علی العاملی ، مسکن الفؤاد ، بصیرت ، قم [بی تا]
۲۱. صدوق ، محمد بن علی ، آمالی ، کتابخانه اسلامی ، ۱۳۶۲ش.
۲۲. صدوق ، محمد بن علی ، من لا یحضر الفقیه ، کتابخانه اسلامی ، ۱۳۶۲.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه نوری همدانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه ، ۱۳۶۶.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. طبرسی ، محمد بن حسن ، مجمع البیان ، ناصر خسرو ، تهران ، ۱۳۷۲
۲۶. طوسی ، محمد بن حسن ، تهذیب الاحکام ، چهارم ، تهران دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۵ش
۲۷. طوسی ، محمد بن حسن ، آلامالی ، قم دارالثقافه ، ۱۴۱۴ش

۲۸. طبرسی ، احمد بن علی بن ابی طالب ، احتجاجات ، تحقیق سید محمد تقی الموسوی الخراسانی . ۱۴۰۳.
۲۹. العاملی ، محمد بن حسن ، وسایل الشیعه ، قم ، موسسه آل البيت ، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. علی الممتقی بن حسام الدین الهندی ، کنز العمال فی السنن الاقوال و الافعال ، بیروت موسسه الرساله ، ۱۴۰۹.
۳۱. العکبری ، محمد بن محمد (شیخ مفید) الاختصاص ، علی اکبر غفاری ، قم ، کنکره شیخ مفید ، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. قشیری النیشابوری ، مسلم بن الحجاج ، صحیح مسلم ، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی ، القاهرة، دارالحديث، الطبعة الاولى.
۳۳. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، چاپ دارالاسوه، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۳۴. کاویانی ، محمد ، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن ، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ اول.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۳۶. لیثی واسطی، علی بن محمد ، عیون الحکم والمواعظ ، محقق: حسین حسینی بیرجندی، دار الحديث ، قم ، ۱۳۷۶
۳۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۳۸. محدث نوری ، میرزا حسین ، مستدر ؛ الوسائل و مستنبط المسائل ، موسسه آل البيت (ع) قم ، ۱۴۰۸.
۳۹. مدرس، محمد باقر، شعارهای فضیلت، انتشارات سوره، اول ۱۳۷۴.
۴۰. مطهری ، مرتضی ، فلسفه اخلاق ، صدرا ، پائیز ۱۳۶۸.
۴۱. مطهری، مرتضی ، بیست گفتار ، صدرا ، پائیز ۱۳۷۰.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش،
۴۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قم سالروز قیام ۱۹ دی ۶۸/۱۰/۱۹
۴۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع گروه کارگران ۱۳۶۹/۲/۱۲
۴۵. مقام معظم رهبری در دیدار هفتمین گردهمایی ائمه جمعه ، ۱۳۷۰/۶/۲۵
۴۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و مسئولین سازمان عقیدتی - سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی
سراسر کشور ۷۰/۱۱/۲
۴۷. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم و زائران حرم رضوی عید سعید فطر ۷۱/۱/۱۵
۴۸. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سال جدید ۷۳/۱/۱
۴۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و مبلغان ، ۱۳۷۵/۲/۲۶
۵۰. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش آموزان و دانشجویان ۷۶/۸/۱۴
۵۱. بیانات مقام معظم رهبری ، مراسم ازدواج ، ۱۳۸۱/۸/۲۸
۵۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقتصاددانان شرکت کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۳/۶/۲۵
۵۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و اساتید ۸۳/۳/۲۱
۵۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان سراسر کشور ۸۳/۷/۷

۵۵. بیانات مقام معظم رهبری دانشجویان و اساتید دانشگاه استان کرمان ۸۴/۲/۱۹
۵۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاههای استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹
۵۷. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان سراسر کشور ۸۷/۷/۷
۵۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هنرمندان و دست اندرکاران صدا و سیما. ۱۳۸۹/۴/۱۲.
۵۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸
۶۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۶۱. حجه الاسلام قرائتی - در جمع دانشگاهیان چهار محال بختیاری، ۹۲/۲/۱۱